

کیمهان ۳۷۵

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۲۸ مرداد تا ۳ شهریور ماه ۱۴۰۱ خورشیدی
سال سی و نهم - شماره ۱۸۴۱



سوء قصد به آزادی اندیشه و بیان



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباحزاده

KAYHAN LIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

https://kayhanlife.com/
newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton
Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۴۱ (۳۷۵)

جمعه ۲۸ مرداد تا ۳ شهریور ماه ۱۴۰۱

۲۱ تا ۲۷ اوت ۲۰۲۲



مژده به هم میمانی که خراستار کتاب سقوط بهشت بودند

می توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز بهزودی

در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای

پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضاتی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر وبمستولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة از دواج و طلاق، مدارک حقوقی،

تجاری، طبي، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی

تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735

فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk / Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne
Road Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

* فهرست مطالب *

- ۳ سرمقاله- مشروطه و پهلوی کابوس جمهوری اسلامی و استمرار طلبانیش /الاهه بقرط
- ۳-۴ سوء قصد به آزادی اندیشه و بیان /.../ احمدزاد
- ۴-۵ «گشایش اقتصادی» با توافق اتمی؟! /.../ روشک آسترکی

- ۶-۸ شهبانو فرح پهلوی: «آنها پادشاهی می خواهند؛ من آماده ام بر گردم» /.../
- ۸-۹ شاهزاده رضا پهلوی در باره تداوم خطر جمهوری اسلامی و هشدار به غرب /.../
- ۹ واکنش شاهزاده رضا پهلوی به ترور سلمان رشدی /.../
- ۱۰ یک «معامله پنهان» دیگر بین رژیم ایران و آمریکا با «متن نهایی» اروپا /.../
- ۱۱ کالبدشکافی یک طغیان (۱۳) /.../ احمد احرار
- ۱۲-۱۴ علی و کیلی راد، این «قاتل بیگناه» و نقش او در توطئه قتل /.../ پری اسکندری
- ۱۴ هادی مطر با اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تماس بود /.../
- ۱۵ رابرت مالی در مصاحبه «بی بی سی»: نابرس همه چیز توافق نشود هیچ توافقی /.../
- ۱۶-۱۸ نون و القلم و ما «لا» بستر ون /سلمان رشدی و آیه های شیطانیش /.../ الاله بقرط
- ۱۸-۱۹ جمهوری اسلامی و جنگ پوتین: مأموریت مقدس در /.../ اعلی صدرزاده
- ۲۰ چاقو کشی که به سلمان رشدی حمله کرد از عاشقان جمهوری اسلامی است /.../
- ۲۱ جمهوری اسلامی می تواند به افراد امیدوار کوجه محلات «نیویورک بولی بدهد» /.../
- ۲۲ شبج جنگ داخلی بر عراق سایه انداخته است /.../ احمدزاد
- ۲۳ «ایرانفر ووشی» اینبار به هند؛ ۹۹ درصد از درآمد بندر چابهار تا /.../
- ۲۴-۲۵ در باره شعر مشروطیت ایران (۷) /.../ احمد جلالی چیمه (م. سحر)
- ۲۷-۲۶ ماه هشدار سلمان رشدی توجه نکر دیم /.../ ابری وایس (Common Sense)
- ۲۸-۲۹ ۹ روز بی آبی در ۷ شهر و ۶۵ روستای چهار محال و بختیاری /.../
- ۲۹ اعلام همبستگی شماری از زندانیان سیاسی بایرانیه «بازگشت به مشروطه» /.../
- ۳۰ افزایش بیسوادی در ایران جدی و خطرناک است! /.../
- ۳۱ آفت و حشره بالای جان تابلوهای موزه هنرهای معاصر /.../
- ۳۲-۳۳ اعلام مقصران ریزش متر و پل از سوی رئیس کمیسیون عمران /.../
- ۳۳ کفگیر حسابی به ته دیگ خورد! «بدحجابها» جریمه نقدی می شوند! /.../
- ۳۴ آب پاک کیهان تهران روی دست دلواپسان بر جام! /.../
- ۳۴-۳۵ ادامه اختلال اینترنت در ایران؛ اینبار شبکه های اجتماعی و /.../
- ۳۵-۳۶ بازگشت به اول انقلاب با انتشار اسامی «ممنوع الکارها» در سینما /.../
- ۳۶-۳۷ درخشش کیان سلطانی نوازنده و یولن سل در جشنواره «پرامز» بریتانیا /.../
- ۳۸-۳۹ «خاک های آلوده به ذرات رادیواکتیو» ابهامی که «باید» روشن شود /.../
- ۳۹ فرد پطر و سیان: جمهوری اسلامی از هویت های متفاوت و اهمه دارد /.../
- ۴۰ تداوم تحمل ناپذیر قطع آب در ایران؛ با پایان ذخیره سدها و /.../
- ۴۱ آب پاک کیهان تهران روی دست دلواپسان بر جام! /.../
- ۴۲ ثبت رکورد تازه در مصرف برق؛ صنعت و تولیدقربانی ردیف اول /.../
- ۴۳ آتش شور «کنکور» و دروغ «عدالت آموزشی» در کنار تداوم «ستاره دار» کردن /.../
- ۴۴ پشت جلد - عکس هفته / مسابقات قهرمانی دو میدانی اروپا ۲۰۲۲

بازنشر

بازنشر

بازنشر



مشروطه و پهلوی

کابوس جمهوری اسلامی و استمرار طلبانش

از تکرار این موضوع خسته نمی‌شوم که پهلوی زمانی به تاریخ سرفرازی‌های ایران سپرده می‌شود که مردم به نظام و حکومتی مجهز شوند که خدماتی بیش از آن دوران به آنها و مملکت ارائه دهد. تا آن زمان، پهلوی‌ها کابوس هم جمهوری اسلامی و هم اقلیت سیاسی- عقیدتی چپ و راست و مذهبی باقی خواهد ماند. کابوسی که برای مردم صدمه‌ناک‌تر است. نه رؤیای بازگشت به دورانی که به تجربه و تاریخ پیوسته بلکه رؤیای تداوم مشروطه و پهلوی که همگام با روح زمان، با دمکراسی و حقوق بشر تکمیل شده است.



امرداد از یکسو یادآور درگذشت دو پادشاه پهلوی (چهارم و پنجم امرداد) و از سوی دیگر «۲۸ مرداد ۳۲» و همچنین فاجعه سینما رکس آبادان (۲۸ امرداد ۱۳۵۷) است. قابل توجه اینکه همه اینها همچنان در حال نقش‌آفرینی هستند! در یکسو پهلوی‌ها و پادشاهانش در صف مردم و جبهه‌ی مبارزه برای آزادی و تجدد حضور دارند و دو «۲۸ مرداد» که روزگار به طنز تلخ و در یک «بازی نغز» آنها را در یک روز رقم زده، در جبهه ضدآزادی و تجدد! جبهه‌ای که جمهوری اسلامی و هواداران پیدا و پنهانش تمام نیرو و تلاش خود را نه برای حل مشکلات کشور و مردم بلکه در یک «جهاد تبیین» هیستریک که لبریز از دروغ و تحریف و نامردمی است، علیه پهلوی‌ها به کار گرفته‌اند. نکته مهم اینکه هرچه بیشتر «جهاد» می‌کنند، کمتر قادر به «تبیین» آن در جامعه می‌شوند و پاسخ عکس می‌گیرند! حال آنکه راه خلاص شدن از «کابوس پهلوی» برای جمهوری اسلامی و همه استمرارطلبانش بسیار آسان ولی تجربه ثابت کرده که از توان آنها خارج است: ارائه خدماتی بیش از پهلوی‌ها به مردم و مملکت! تمام!

واقعیت اما این است که این جبهه اگر تمام نیروی خود را هم جمع کند، که در طول چهل و سه سال گذشته چیزی جز این نکرده، به دلیل قرار دادن دین و ایدئولوژی و یا عقیده سیاسی بجای دانش و کارآمدی و تخصص، نتوانسته خدمات پنجاه ساله پهلوی را حفظ کند چه برسد به آنکه بر آنها بیفزاید و یا بیش از آن ارائه دهد! این ناتوانی را برخی مدعیان مخالفت با جمهوری اسلامی که دم از دمکراسی و حقوق بشر می‌زنند نیز در طول چهار دهه به نمایش گذاشته‌اند. اینست که راه همبستگی ملی در «نه به جمهوری اسلامی» را می‌بایست در جامعه و میان مردم معترض پی گرفت که حلقه اتصال خود را برای عبور از امروز و رسیدن به آینده در تکیه بر میراث توافمند مشروطه و پهلوی می‌بینند و این راه را با یا بدون من و شما نیز خواهند پیمود. چه بهتر که همراهشان باشیم!

سوء قصد به آزادی اندیشه و بیان



● آنچه با فتوای قتل و همچنین سوء قصد به جان سلمان رشدی مورد حمله قرار گرفته، حق آزادی اندیشه و بیان است.

خامنه‌ای رهبر کنونی جمهوری اسلامی نیز در سال ۱۳۸۳ بر آن مهر تأیید زد و گفت «غیرقابل تغییر» است.

در این میان، روزنامه‌های جمهوری اسلامی حتی اجرای ناکام این فتوا را جشن گرفتند! روزنامه حکومتی «جام جم» با توجه به اینکه ضربات چاقو به چشم رشدی آسیب وارد کرده، تیتراژ «چشم شیطان کور شد!» این روزنامه می‌نویسد «واقعیت این است ترور سلمان رشدی آنهم پس از ۳۳ سال به وضوح نشان‌دهنده قدرت فرازمانی و فرامکانی انتقام جبهه حق علیه باطل است!»

ما ایرانی‌ها با اینگونه فتوای نوشته و نانوشته آشنایی داریم. فتوایی که به نام اسلام و دفاع از ارزش‌های آن صادر می‌شوند، ولی در حقیقت یا برای توجیه شکست‌ها و ناکامی‌های نظام هستند و یا تنها هدف‌شان خاموش ساختن صدای کسانی است که مخالف حکومت اسلامی هستند و یا مانند هزاران آثاری که در نقد ادیان مختلف نوشته شده، به نقد اسلام و داستان‌ها و تأثیرات آن و روشنگری می‌پردازند. فتوای قتل سلمان رشدی از سوی روح‌الله خمینی بلافاصله پس از انتشار «آیات شیطانی» صادر نشد. این فتوا ماه‌ها پس از اعتراض متعصبان مذهبی و ناآگاه علیه این نویسنده در هند و پاکستان و چند ماه پس از بالا کشیدن «جام زهر» و پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد در ارتباط با آتش‌بس جنگ ایران و عراق منتشر شد. جمهوری اسلامی در بیش از چهار دهه‌ای که از عمرش می‌گذرد، هر بار با مشکلاتی در کشور مواجه شده، تلاش کرده است با بحران‌آفرینی در خارج از مرزهایش بر مشکلات داخلی سرپوش بگذارد تا بلکه حواس‌ها را منحرف کند. با پایان جنگ هشت ساله نیز مردم ایران منتظر بودند تا جمهوری اسلامی که دیگر بهانه جنگ را ندارد به بازسازی و رفع مشکلات کشور بپردازد. بجایش اما همزمان با سالگرد دهمین سالگرد انقلاب، فتوای قتل یک نویسنده در آنسوی جهان به جرم نوشتن یک رمان صادر شد و غوغایی را برانگیخت که همه توجهات داخل و خارج به آن جلب شد.

سوء قصد به آزادی بیان

سلمان رشدی بارها تا کنون اعلام کرده است که «آیات شیطانی» در ضدیت با اسلام نوشته نشده است. او در این رمان اتفاقاً وحشت خویش را از مطلق‌گرایی، که خود گرفتارش شد، بیان می‌کند و هدف‌اش جلب توجه مخاطبان به ضرورت گفتگو، آزادی و حق انتقاد و پرسشگری ←

سوء قصد به جان سلمان رشدی سه دهه پس از فتوای روح‌الله خمینی، شاید ضربه‌ای باشد که دنیا را از خواب خرگوشی بیدار کند. تاریخ این فتوا، که حکم مرگ سلمان رشدی، نویسنده بریتانیایی هندی‌تبار کتاب «آیات شیطانی» را صادر می‌کند، ۲۵ بهمن ۱۳۶۷ یعنی ۳۳ سال پیش است. در ماه‌های پس از صدور این فتوا هیئتی ایگراشی مترجم ۴۴ ساله ژاپنی «آیات شیطانی» در مقابل دفتر کارش در دانشگاه تسوکویا، در حومه توکیو، با ضربات چاقو به قتل رسید. اتوره کاپریولو مترجم این کتاب به زبان ایتالیایی نیز در مقابل خانه‌اش در میلان، با ضربات چاقو سخت مجروح شد. در اسلو به سمت ویلیام نیگارد ناشر نروژی کتاب سه گلوله شلیک و او را سخت مجروح کردند. در شهر سیواس در ترکیه، هتلی را که عزیز نسین نویسنده شهیر ترک در آن اقامت داشت به دلیل دفاع‌اش از آزادی بیان و حق انتشار رمان «آیات شیطانی» به آتش کشیدند. این نویسنده جان سالم بدر برد، ولی ۳۷ نفر در این واقعه مرگبار جان خود را از دست دادند. در اعتراضات مسلمانان متعصب و بیگانه با آزادی بیان که در هند و پاکستان در اعتراض به انتشار «آیات شیطانی»، قبل از صدور فتوای خمینی، برگزار شد نیز عده‌ای در درگیری با پلیس جان سپردند. دفتر نشر «نیما» که ترجمه فارسی این کتاب را منتشر کرده است به آتش کشیده شد. سردبیر مجله «خلق» در سلیمانیه که بخشی از ترجمه کردی این کتاب را در سال ۲۰۱۰ منتشر کرده بود هدف حمله مسلحانه قرار گرفت. سردبیر از این حادثه جان سالم بدر برد ولی برمی‌بهداد مترجم کتاب از آن زمان در خفا زندگی می‌کند.

جایزه برای جنایت

برای سر سلمان رشدی، که در ده سال اول پس از صدور این فتوا مخفیانه و تحت محافظت پلیس زندگی می‌کرد، نهادهای حکومتی در جمهوری اسلامی سه میلیون و ۳۰۰ هزار دلار جایزه تعیین کردند. جایزه‌ای که البته به هادی مطر جوان ۲۴ ساله آمریکایی لبنانی‌تبار که جمعه ۱۲ اوت ۲۰۲۲ در یک نشست ادبی در غرب نیویورک این نویسنده را کاردآجین کرد، به دلیل ناکام ماندنش در ارتکاب این جنایت به وی تعلق نخواهد گرفت. ولی اگر هادی مطر ناموفق بود، آیا افراد دیگری تلاش خواهند کرد فتوای روح‌الله خمینی را، برای دریافت این جایزه و یا توهم گوشه‌ای از بهشت که به آنها وعده داده شده، به اجرا دریاورند؟ فتوایی که علی

«گشایش اقتصادی» با توافق اتمی؟ برای مردم یا برای جمهوری اسلامی؟!

● موانع رشد اقتصادی در ایران نه تحریم‌های خارجی بلکه مشکلات ساختاری و حقوقی در داخل است؛ همان ضعف و ناکارآمدی که به «تحریم داخلی» یا «خودتحریمی» معروف شده است.

سرنوشت مذاکرات هسته‌ای در حالی همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد که بیم و امیدها در اقتصاد ایران نیز به اوج خود رسیده است. بخشی از فعالان اقتصادی امیدوارند با احیای برجام گشایشی در کشور و در روند کسب و کارها ایجاد شود. برخی دیگر می‌گویند حتی اگر نتیجه مذاکرات منفی هم باشد، باز هم بهتر از بلاتکلیفی و انتظار بازار است. مشکلات ساختاری، نفوذ شبکه‌های مافیای رانتی، نظام پولی و هزینه‌های غیرشفاف در کنار زیرساخت‌های در حال افول و ویرانی، این پرسش را مطرح می‌کند که حتی اگر برجام «احیا» شود آیا «گشایش اقتصادی» در زندگی مردم ایجاد خواهد شد؟ بیش از بیست سال است که مناقشات هسته‌ای و حمایت از تروریسم و پولشویی به نفع گروه‌های شبه‌نظامی، نه تنها تحریم‌های گوناگون را بر کشور تحمیل کرده بلکه ایران در فهرست سیاه گروه ویژه اقدام مالی (FATF) نیز قرار گرفت. این روزها اما احتمال برداشته شدن دست‌کم بخشی از تحریم‌ها برخی فعالان اقتصادی و صنعتی را امیدوار کرده است. هرچند مشخص نیست اگر توافق دوباره‌ای میان جمهوری اسلامی و غرب صورت بگیرد، شرایط و ضوابط آن به چه صورت خواهد بود اما اینکه مردم بتوانند اثرات آن را در زندگی واقعی خود و بطور بلندمدت احساس کنند با تردیدهای جدی روبروست.

ایران طی سال‌های گذشته بطور قانونی نتوانسته نفت بفروشد و بخشی از نفت تولیدی خود را بر روی نفتکش‌ها یا در انبارهای داخل کشور و انبارهای اجاره‌ای در کشورهای چین و مالزی انبار کرده است. این بدان معناست که بلافاصله پس از برداشته شدن تحریم نفت خام و میعانات گازی ذخیره در انبارها که رقم آن حدود ۱۰۰ میلیون بشکه برآورد می‌شود آماده عرضه به بازار است. اگر مشتری برای این نفت وجود داشته باشد، درآمد حاصل از فروش آن همچون مُسکنی برای دولت بدهکار و گرفتار کسری شدید بودجه عمل خواهد کرد. اما آیا فضای رقابتی ایده‌آل برای ایران در بازار جهانی نفت فراهم است؟

توسعه‌نیافتگی صنعت نفت ایران، در رویارویی با رقاباتی که با سرعت می‌تازند در شرایطی که مقامات جمهوری اسلامی کاهش شدید درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز را با تحریم گره می‌زنند اما نگاهی به وضعیت زیرساخت‌های حوزه انرژی در ایران نشان می‌دهد ایران نه تنها در اجرای برنامه‌های توسعه صنعت نفت و بهره‌برداری از میادین نفتی دچار تأخیر است بلکه حتی در حد تأمین نیاز داخلی نیز قادر به تولید و توزیع گاز نیست. در چنین شرایطی صنعت نفت ایران با پروژه‌های نیمه‌کاره و توسعه نیافته و بدهی سنگین، حتی در شرایط غیرتحریم نیز به سختی خواهد توانست جای رقیبایی

ده فتوا برای کشتن او توسط روحانیون افراطی بنگلادش و هند صادر شده نیز در این روزها پیام‌های تهدیدآمیز دریافت کرده است.

مسئولیت غرب

هنوز رابطه دقیق هادی مطر با حزب‌الله لبنان یا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. این جوان ۲۴ ساله در شبکه‌های اجتماعی در حمایت از جمهوری اسلامی مطالبی منتشر می‌کرده است. هادی مطر در مصاحبه ویدئویی با «نیویورک پست» از روح‌الله خمینی تمجید کرده و می‌گوید: «من برای آیت‌الله احترام قائلم و فکر می‌کنم او شخص بزرگی است. این بیشترین چیز است که می‌توانم در این مورد بگویم.» البته او در همین گفتگو ارتباط خود را با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رد می‌کند. البته این در حال است

و بردباری و تفاهم و درک متقابل است. این نویسنده حتی از مسلمانانی که با «آیات شیطانی» احساسات آنها جریحه‌دار شد نیز پوزش خواست. مشکل ولی احساسات جریحه‌دار شده نبود، بلکه دعوت مسلمانان متعصب به فکر کردن و زانو نزدن در مقابل اسلام سیاسی و کسان بود که به نام اسلام می‌خواهند حکومت کنند و هیچ مخالفتی را بر نمی‌تابند. دقیقاً به همین خاطر در سال‌های گذشته نویسندگانی چون علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، احمد میرعلائی، مجید شریف، محمد مختاری، محمد جعفر پوینده و بسیاری دیگر در خود جمهوری اسلامی به قتل رسیدند. بسیار پیش از آن نیز در سال ۱۳۲۴ احمد کسروی به جرم پرسشگری و نقد مذاهب از جمله شیعه توسط «فداییان اسلام» در صحن دادگستری کشته شد. علی دشتی نیز روزنامه‌نگار و نویسنده دیگری بود که به دلیل نقد اسلام



که طبق متن فتوای خمینی، برای اجرای آن، نیازی به ارتباط با هیچ کشور و سازمان و نهادی نیست و «مسلمانان غیور در سراسر جهان» می‌توانند «در هر نقطه» خودشان یا با سپردن به دیگری آن را اجرا کنند.

در این میان، آنچه نمی‌توان نادیده گرفت نقش سیاست‌های کشورهای غربی در هر دو سوی اقیانوس اطلس در ایجاد شرایطی است که چنین سوء قصدهایی را میسر می‌سازد. عقب‌نشینی مداوم کشورهای غربی در مقابل سیاست‌های خشونت‌آمیز و تهاجمی جمهوری اسلامی بدون شک زمینه‌ساز اقداماتی چون سوء قصد به جان سلمان رشدی در قلب آمریکا هستند. لوایچی چون آنچه اخیراً در پارلمان بلژیک مبنی بر تبادل زندانیان با جمهوری اسلامی (بخوانید: فرستادن اسدالله اسدی دیپلمات-تروریستی که به حبس ابد محکوم شده به تهران)، پذیرفتن بسیاری از خواست‌های مقامات نظام حاکم بر ایران در گفتگوهای اتمی و یا حضور مقامات ارشد این کشور در مجامع بین‌المللی (سفر ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» به نیویورک در هفته‌های آینده برای سخنرانی در مجمع عالی سازمان ملل متحد) همواره پیام اشتباهی را به تهران منتقل کرده‌اند: جمهوری اسلامی، ما در مقابل زیاده‌خواهی‌های شما، حتی جنایاتی که در خاک ما مرتکب می‌شوید، و یا زیرپا گذاشتن آشکار اصولی چون آزادی اندیشه و بیان که به عنوان سردمداران دموکراسی می‌بایست به آنها وفادار باشیم، عقب‌نشسته‌ایم و واکنشی فراتر از بیانیه نشان نخواهیم داد!

احمد رأفت

و کتاب معروف «۲۳ سال» مغضوب جمهوری اسلامی شد و در سن بالای هشتاد سالگی پس از انقلاب دستگیر و محکوم به اعدام گشت. وی در ۸۴ سالگی در بیمارستان درگذشت. با محتوای همه این آثار از جمله رمان «آیات شیطانی» می‌توان موافق و یا مخالف بود. برخی از منتقدین ادبی این رمان سلمان رشدی را در مقایسه با یکی دیگر از کتاب‌های قبلی‌اش «بچه‌های نیمه‌شب» که پس از انتشار جایزه معتبر «بوکر» را دریافت کرد، ضعیف می‌دانند. مشکل اما بر سر ارزش ادبی «آیات شیطانی» نیست. می‌توان نگاهی انتقادی به این رمان داشت و حتی آنرا «توهین» به اسلام دانست، ولی هیچ‌کدام از این نظرات نمی‌تواند حق یک نویسنده را برای ابراز نظراتش، هر چه باشد، چنان زیر سؤال برد که حکم مرگ او صادر شود!

آنچه با فتوای قتل و همچنین سوء قصد به جان سلمان رشدی مورد حمله قرار گرفته، حق آزادی اندیشه و بیان است. ده‌ها نویسنده و هنرمند این روزها در برخی از کشورها به خاطر ابراز نظرات خود که با عقاید حکومتی همخوانی ندارند در زندان هستند و یا در سال‌های گذشته به قتل رسیده‌اند. تلاش برای کشتن سلمان رشدی، سوء قصد به آزادی بیان و عقیده است و دقیقاً به همین خاطر باید این اتفاق را بسیار جدی گرفت. در همین روزها چندین نویسنده به خاطر حمایت از سلمان رشدی و محکوم کردن سوء قصد علیه وی، تهدید به مرگ شده‌اند. جی‌کی رولینگ نویسنده موفق کتاب‌های «هری پاتر» یکی از آنهاست. تسلیمه نسرین نویسنده بنگلادشی ساکن سوئد که تا کنون

چون عربستان و قطر و عراق را در فروش نفت و میعانات و گاز بگیرد.

ظرفیت تولید و میزان فروش نفت ایران دارای آمار رسمی و قابل استنادی نیست و آمارهای فروش و درآمد نفتی کشور هم سالهاست به بهانه تحریم منتشر نمی‌شود. آمارهایی نیز که از سوی مقامات جمهوری اسلامی مطرح می‌شود غیرشفاف و شعاری است. در یکی از آمارها ابراهیم رئیسی اوایل فروردین امسال مدعی شد در پاییز و زمستان گذشته در مجموع ۱۴ میلیارد دلار قرارداد و تفاهمنامه در صنعت نفت امضا شده است. چند روز بعد جواد اوجی وزیر نفت این رقم را «بیش از ۱۶ میلیارد دلار» اعلام کرد و یک ماه بعدتر شرکت ملی نفت ایران این رقم را به نه و نیم میلیارد دلار کاهش داد!

در سالهایی که جمهوری اسلامی با پافشاری بر اهداف ایدئولوژیک خود در منطقه و جهان، برای برداشته شدن تحریم‌ها فرصت‌ها را می‌سوزاند، کشورهای منطقه با سرعت در حال توسعه اقتصادی و تثبیت موقعیت خود در بازارهای جهانی بودند.

قطر یکی از اصلی‌ترین رقبای ایران در بازار جهانی گاز است. صادرات منابع هیدروکربور قطر که بخش اعظم آن گاز مایع بوده، در شش ماه نخست سال جاری میلادی رشد ۱۰۰ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل داشته و به حدود ۵۵ میلیارد دلار رسیده است.

یکی از مهمترین رقبای ایران در بازار نفت پادشاهی عربستان سعودی است. صادرات نفتی این کشور طی بهار امسال با ۹۰ درصد افزایش به ۶۶ میلیارد دلار رسید و سبب شد درآمد نفتی این کشور در شش ماه نخست ۲۰۲۲ به بیش از ۱۱۵ میلیارد دلار برسد. صندوق بین‌المللی پول نیز پیش‌بینی کرده عربستان پرسرعت‌ترین رشد اقتصادی در ۱۱ سال اخیر را طی سال جاری ادامه خواهد داد. اقتصاد عربستان سعودی در سه ماهه دوم سال جاری میلادی یازده و هشت دهم درصد بزرگتر شد و رشد تولید ناخالص داخلی در بخش غیرنفتی که محرک‌های اشتغالزایی است به رقم قابل توجه پنج و چهار دهم درصد دست یافت.

عراق نیز که در سال‌های گذشته همواره با جنگ و درگیری‌های داخلی و خارجی و تغییر رژیم سیاسی روبرو بوده توانسته در بازار انرژی از ایران پیشی بگیرد بطوری که در شش ماه نخست سال جاری میلادی و درست همزمان با گند شدن روند مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی و غرب، درآمدهای ارزی عراق تنها از صادرات نفت خام به بیش از ۶۱ میلیارد دلار رسیده و به حریفی جدی برای ایران در بازار جهانی نفت تبدیل شده است.

در مقابل، رشد اقتصادی ایران در یک دهه گذشته نه تنها تقریباً صفر بوده بلکه در نیمی از دهه ۹۰ خورشیدی منفی بوده است. در دهه ۸۰ خورشیدی هم که تحریم هسته‌ای در کار نبود، رشد اقتصادی ایران بطور میانگین حدود پنج درصد گزارش شده است.

قابل توجه اینکه ایران در دهه ۹۰ خورشیدی، دوران پسابرجام و برداشته شدن تحریم را نیز داشت اما جمهوری اسلامی ناکارآمد نتوانست از آن به سود مردم بهره ببرد. در عوض، بدهی‌های نفتی کشور افزایش یافت و از سال ۹۷ بطور میانگین هر سال ۱۰ میلیارد دلار به بدهی شرکت ملی نفت ایران افزوده شد. تورم بر اساس ادعای مرکز آمار ایران به مرز ۵۵ درصد رسیده ولی کارشناسان آن را بیش از اینها ارزیابی می‌کنند.

توافق جدید و تکرار پسابرجام: هیچ برای مردم!

امیدواری به تغییر شرایط در دوران پسابرجام در سال ۹۴ در جامعه ایران خیلی بیش از امروز بود ولی به دلیل همان تجربه، افکار عمومی امروز چندان امیدواری به گشایش در



محمدجواد ظریف، هتل کوبورگ وین؛ ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵

وارد مرحله اجرا کرده که به معنای افزایش هزینه‌های دولت است. درآمدهای دولت بر خلاف ادعای مقامات دولتی، با کاهش روبرو بوده. بدهی به بانک مرکزی نیز که با استقرار و پیش‌خور کردن ارز ناشی از صادرات صورت گرفته در امرداد گذشته رقمی معادل ۱۶۵.۵ هزار میلیارد تومان عنوان شده بود. دولت رئیسی مدعی است که طی یک سال گذشته این رقم را به ۱۳۳.۸ هزار میلیارد تومان کاهش داده است. حتی اگر ادعای دولت رئیسی درست باشد بدهی دولت به بانک مرکزی در ایران، بیش از درآمد نفتی عربستان سعودی طی شش ماه نخست امسال است. این مقایسه نشان می‌دهد حتی با برداشته شدن تحریم‌ها نیز دولت برای پرداخت این بدهی راه درازی در پیش دارد!

از سوی دیگر بر اساس لایحه بودجه ۱۴۰۱ سهم صندوق توسعه ملی از محل منابع حاصل از صادرات نفت، میعانات و گاز و خالص صادرات گاز ۴۰ درصد است. این صندوق در عمل در اختیار علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی است و او تصمیم می‌گیرد این مبالغ کجا و به چه منظور هزینه شود. این در حالیست که نظام‌الدین موسوی سخنگوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی اسفند سال گذشته گفته بود در سال ۱۴۰۱ و بر اساس نظر علی‌خامنه‌ای و قوانین بالادستی باید سهم ۴۰ درصد از درآمد حاصل از فروش یک میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه نفت بطور کامل به صندوق توسعه ملی واریز شود.

این بدان معناست که صندوق توسعه ملی از ابتدای امسال تا کنون از وزارت نفت طلبکار بوده و اگر تحریم‌ها برداشته شود باید کل مبلغ پیش‌بینی شده در لایحه بودجه به این صندوق پرداخت شود. در نتیجه از هم‌اکنون مشخص است حتی در صورت احیای برجام و پس از آنکه به فرض دولت بدهی هنگفت خود را به بانک مرکزی پرداخت کرد، ۴۰ درصد از درآمد نفت و گاز ایران به صندوق توسعه ملی می‌رود و مستقیم وارد چرخه اقتصاد یا بهبود زیرساخت‌ها نخواهد شد و در نتیجه مردم از آن سهمی نخواهند داشت.

در این میان باید سهم‌خواهی جریان‌های سیاسی، سازمان‌های تبلیغاتی و ارگان‌های امنیتی و نظامی و بودجه‌رسانی به نیروهای نیابتی رژیم و گروه‌های تروریستی و مسلح منطقه را نیز در نظر گرفت. تنها در یک نمونه حشمت‌الله فلاحت‌پیشه عضو پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی گفته جمهوری اسلامی برای حفظ حکومت ... **ادامه در صفحه ۳۹**

صورت توافق هسته‌ای ندارد. بر باد رفتن درآمدهای ارزی با برداشته شدن تحریم پس از برجام، سرکوب شدید مردم در اعتراضات دی‌ماه‌۹۶ و اعتراضات بعد از آن، تشدید روند مداخله‌جویانه جمهوری اسلامی در منطقه با افزایش درآمد ناشی از برجام، و تشدید شکاف میان مردم و حکومت باعث شده که حنای جوسازی‌های برخی محافل رژیم در مورد «احیای برجام» دیگر برای مردم رنگی نداشته باشد.

نگاهی به آمار پروژه‌های نیمه‌تمام در دوران پسابرجام نشان می‌دهد درآمدهای ارزی برای پیشبرد این پروژه‌ها هزینه نشد. همچنین در دوران پسابرجام میزان فساد و رانت برای مقامات حکومتی و نزدیکانشان به شدت افزایش یافت. پرونده‌های فساد اقتصادی افرادی چون مهدی جهانگیری برادر اسحاق جهانگیری، حسین فریدون برادر حسن روحانی تا فرزندان و دامادها و اقوام دیگر مقامات حکومتی نشان می‌دهد افزایش درآمدهای جمهوری اسلامی با تقویت و گسترش شبکه مافیای رانت و فساد آن ارتباط مستقیم دارد.

هرچند دولت روحانی مدعی بود در فاصله برجام تا بازگشت دوباره تحریم‌ها توانسته رشد اقتصادی ایجاد کند اما به دست آوردن رقمی به عنوان رشد اقتصادی به مدد افزایش درآمدهای خام‌فروشی نفت بوده و در زمینه درآمد غیرنفتی نه تنها پیشرفت و وجود نداشت بلکه ایران نتوانست با جذب سرمایه‌گذاری به تولید اشتغال بپردازد. همچنین درآمد ناشی از خام‌فروشی نفت در زیرساخت‌های اقتصادی و برای تقویت بنیه‌ی اقتصاد و تولید هزینه نشد و به همین دلیل بلافاصله با اعلام خروج دونالد ترامپ از برجام روزگار سیاه رکود تورمی به اقتصاد کشور بازگشت!

ارز حاصل از خام‌فروشی نفت برای «از مردم بهتران»! در چنین شرایطی دولت ابراهیم رئیسی نیز قادر نخواهد بود در صورت توافق هسته‌ای احتمالی اقتصاد کشور را به نفع مردم رونق ببخشد. قابل پیش‌بینی است که درآمدهای ارزی ایران نسبت به دوران تحریم با افزایش روبرو خواهد شد اما این افزایش درآمد نخواهد توانست به شکل پایدار، کیفیت زندگی مردم را بهبود ببخشد.

دولت رئیسی با کسری بودجه و بدهی سنگین به بانک مرکزی روبروست که البته بخشی از این بدهی‌ها میراث دولت حسن روحانی است. به دلیل ساختار غیرشفاف، مبلغ دقیق کسری بودجه مشخص نیست. دولت به تازگی افزایش حقوق بازنشستگان و اجرای طرح رتبه‌بندی آموزگاران را نیز

متن کامل گفتگو با وبسایت ایتالیایی «لیبرو»؛ شهبانو فرح پهلوی: «آنها پادشاهی می‌خواهند؛ من آماده‌ام برگردم»



دوباره به دست آورده. از داستان زندگی او به عنوان یک انسان و یک سیاستمدار چه باقی مانده است؟

– آنچه بیش از همه برایم جالب است این است که پس از سال‌ها و پس از آنهمه سخنانی که علیه ما گفته شد، بسیاری از کسانی که در آن زمان با ما مخالف بودند، از جمله برخی از سیاستمداران خارجی که اصلاً طرفدار پیشرفت و توسعه ایران نبودند، متوجه آنچه شده‌اند که شاه برای کشور ما انجام داده است. و مهمترین نکته این است که ایرانیان متولد پس از انقلاب نیز امروز این حقیقت را می‌بینند و به نوبه خود احساس همدردی و عشق شدید به پهلوی در حال افزایش است. در سال‌های اخیر در ایران تظاهرات خیابانی متعددی برگزار شده که جوانان با صدای بلند شعار می‌دادند: رضاشاه روح شاد! (به معنای واقعی کلمه: رضاشاه روح شاد). شاه در مورد مسائل کشور، مورد علاقه مردم و در عین حال مورد نفرت گروه‌های مختلف سیاسی و عقیدتی بود. اما آنچه امروز من و خانواده‌ام را به حرکت در می‌آورد، همدلی جوانان ایران با یاد و خاطره شاه و دریافت اینهمه محبت از جانب کسانی است که دیروز با ما مبارزه می‌کردند، در حالی که امروز از حمایت از انقلاب پشتیبان هستند.

● همسر شما با پیروی از دیدگاهی که از پدرش رضاشاه به ارث برده بود، مسیر حرکت ایران را به سوی مدرنیته سرعت بخشید و با درآمدهای حاصل از فروش نفت، ایران تنها در دو نسل از قرون وسطا به جهان توسعه‌یافته معاصر منتقل شد. آیا درست است که او در پایان سلطنت خود دوست داشت راه را برای یک نظام لیبرال‌تر هموار کند؟

– بله، این درست است. به این فکر کنید که ایران که هنوز «پارس / پرشیا» نامیده می‌شد، در زمان روی کار آمدن رضاشاه در سال ۱۹۲۵ چه بود و با خروج ما در سال ۱۹۷۹ به چه اهدافی رسیده بود. بهداشت، آموزش و توسعه، در همه بخش‌های کشور ساختاری شده بود و جلو می‌رفت. آنچه با گذشت زمان، ایرانیان بیشتر و بیشتر متوجه

بازگشت به ایران در شرایطی که امکانش وجود داشته باشد پرداخته است. کیهان لندن ترجمه دقیق و کامل این گفتگو را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد.

گزارشگر «لیبرو» که در سالگرد درگذشت دومین پادشاه پهلوی (پنجم مرداد ۱۳۵۹) به قاهره سفر کرده می‌نویسد: ورودی ساختمان‌های که به آن وارد شدم، با نشان ریاست جمهوری روی دروازه‌ی آن مزین شده و پر از سرباز و محافظ است. در یک اتاق نشیمن خنک در طبقه همکف، شهبانو فرح پهلوی به همراه دختر یکی از امیران کشورهای حاشیه خلیج فارس که برای ادای احترام به حضور شهبانو رسیده، از من استقبال می‌کند.

ماه‌ها از آخرین دیدار ما در اروپا می‌گذرد، اما شهبانو زیبایی با وقار و آرامش با صلابت خود را همچنان حفظ کرده است. او در مصر بسر می‌برد تا مانند هر سال یاد و خاطره همسرش، دومین پادشاه پهلوی، محمدرضاشاه، را که به مدت چهل و دو سال در آرامگاهی از سنگ سبز مسجد سلطنتی الرفاعی در آغوش آرامش ابدی جای گرفته، گرامی بدارد.

در سال ۱۹۷۹ در ایران، انقلاب اسلامی کشور را منفجر و نظام پادشاهی را سرنگون می‌کند. خانواده شاهنشاهی کشور را ترک می‌کنند و آیت‌الله خمینی قدرت را به دست می‌گیرد. از آن زمان اودیسه‌ی پهلوی‌ها آغاز می‌شود. تقریباً هیچ کشوری حاضر به میزبانی از آنها نبود. در ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۰ شاه که مدتی بیمار بود در سن شصت سالگی در قاهره درگذشت. تا امروز برای شهبانوی در تبعید ایران، پرداختن به مشکلات کشورش و ایرانیان یک رسالت و مأموریت سرنوشت‌ساز به شمار می‌رود که به وی نیز انرژی و شهامت می‌بخشد.

● علیاحضرت، چهل و دو سال از درگذشت محمدرضاشاه پهلوی می‌گذرد که روزگاری هم محبوب و هم منفور مردم کشورش بود. چهره‌ی او چنان فراگیر در جامعه ایران حضور دارد که به نظر می‌رسد محبوبیت خود را پس از مرگ

● «آنچه امروز من و خانواده‌ام را به حرکت در می‌آورد، همدلی جوانان ایران با یاد و خاطره شاه و دریافت اینهمه محبت از جانب کسانی است که دیروز با ما می‌جنگیدند، در حالی که امروز بطور طبیعی از حمایت از آن انقلاب پشتیبان شده‌اند.»

● «به این فکر کنید که ایران روزگاری چقدر با ثبات و آباد بود و امروز در چه وضعیتی تحت حکومت آیت‌الله‌ها قرار دارد. اکنون عده‌ای بیشتر متوجه شده‌اند که در زمان پهلوی چه خدماتی انجام شده است.»

● «زمانی که ما در ابتدای تبعید به قاهره آمدیم، روزنامه‌نگاران خارجی به کوچه و خیابان رفتند تا ببینند که آیا مردم واکنش ناخوشایندی دارند یا نه. اما واقعیت برعکس بود؛ مردم در خیابان به آنها پاسخ دادند که شاه به کشور ما خوش آمده است. زیرا در زمانی که مصریان دوران سختی را پشت سر می‌گذاشتند، شاه به آنها کمک کرده بود.»

● «وقتی در باهاما بودیم نیز خانواده سادات می‌خواست برای ما یک هواپیمای مصری بفرستد تا ما را به قاهره ببرد. اما آمریکایی‌ها جواب منفی دادند و هواپیمای خود را به ما پیشنهاد کردند. ما هزینه زیادی برای آن هواپیمای پراچین و در حالی که در حال پرواز روی اقیانوس بودیم، وسط مسیر، خلبانان ناگهان در آژور فرود آمدند و به ما گفتند منتظر مجوز پرواز هستند! در واقع آمریکا در حال مذاکره با دولت انقلابی ایران بود که ما را به آنها تحویل دهد! خوشبختانه تعطیلات نوروز بود، وزرا پایتخت را ترک کرده بودند، تلفنی در دسترس نبودند و نمی‌توانستند تصمیم بگیرند!»

● «اکثر ایرانیان، چه در داخل و چه در خارج، این رژیم مذهبی را نمی‌خواهند و در میان آنها جوانان زیادی طرفدار پادشاهی هستند.»

● «پسرم رضا در سال‌های اخیر نیز همواره تاکید کرده که به دفاع از تمامیت ارضی ایران، به آزادی سیاسی، به آزادی زنان و به جدایی دین از دولت اعتقاد دارد و می‌خواهد ایرانی‌ها آزادانه انتخاب کنند که نظام و ساختار سیاسی آینده ایران چگونه باید باشد.»

● «بر اساس اصل فرزند ارشد، اگر سلطنت در ایران باشد، نور جانشین پدرش می‌شود. قانون اساسی قدیمی ما جایگاه مهمی را برای زنان به رسمیت می‌شناخت. زمانی که شاه مرا به عنوان نایب‌السلطنه منصوب کرد، هدفش برجسته کردن نقش و اهمیت زنان در یک کشور مسلمان در خاورمیانه بود.»

● شهبانو فرح به این پرسش که «اگر هر زمان شرایط اجازه دهد، آیا آماده بازگشت به کشور خود هستید؟» پاسخ می‌دهد: «بله، امیدوارم چنین شود؛ اما مهمترین چیز برای من آزادی ایران و ایرانیان است. اگر روزی بتوانم به کشورم برگردم، برایم شادی بزرگی خواهد بود.»

وبسایت روزنامه ایتالیایی «لیبرو» در گفتگویی طولانی با شهبانو فرح پهلوی که ۱۲ اوت ۲۰۲۲ منتشر شد با عنوان «آنها پادشاهی می‌خواهند؛ من آماده‌ام برگردم» به خدمات پهلوی‌ها و نظرات شهبانو در ارتباط با انقلاب ۵۷ و شرایط کنونی ایران و نقش شاهزاده رضا پهلوی و شاهدخت نور و

می‌شوند این است که شاه قصد داشت به محض اینکه رشد و توسعه تثبیت شد، سیاست داخلی را به معنای آزادی بیشتر باز کند و به نسل‌های جدید فرصت‌های بیشتری بدهد؛ یک جامعه مدرن‌تر در اواسط دهه ۱۹۸۰. شاه قصد داشت تاج پادشاهی را به پسرمان رضا (ولیعهد) بسپارد تا انتقال به یک سلطنت کاملاً مشروطه را تکمیل کند.

● جشن‌های فراموش‌نشده ۲۵۰۰ ساله پادشاهی ایران در تخت جمشید، انتقاد شدید علیه شاه را به دلیل استفاده هنگفت از بودجه دولتی برانگیخت. هدف شما و حکومت از برگزاری آن جشن چه بود؟

-هدف پادشاه این بود که تاریخ و فرهنگ ایران را به مردم خود ایران و تمام جهان نشان دهد؛ کشوری که مهد تمدن‌های بزرگ بوده است. تقریباً همه سران کشورهای جهان برای این جشن به تخت جمشید آمدند. متأسفانه در آن زمان برخی رسانه‌های بین‌المللی که علیه ما بودند، همراه با افکار عمومی خاصی، تمام وقت خود را روی انتقاد از ما متمرکز کردند. به همین دلیل خیلی تعجب می‌کنم که وضعیت امروز ایران که به شدت بدتر شده و اصلاً با زمان شاه قابل مقایسه نیست، چرا هیچکدام از آنها در این سال‌ها انتقادات مشابهی را نسبت به صاحبان قدرت در جمهوری اسلامی مطرح نکرده‌اند! در آن زمان مجموعه‌ای از منافع خارجی علیه ما وجود داشت که مربوط به افزایش شدید قیمت نفت می‌شد. آنها مخالف این واقعیت بودند که ایران در حال تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ بود.

● آیا جشن‌های ۲۵۰۰ ساله باعث رونق اقتصاد شد؟

-ایران به بسیاری از زیرساخت‌های جدید مجهز شد که امروزه نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. بزرگراه‌ها، فرودگاه‌ها، صدها مدرسه و بیمارستان ساخته شد. کارگران حقوقی داشتند که با آن خانواده‌های خود را تأمین می‌کردند، دانش‌آموزان می‌توانستند در مدارس یک وعده غذا بخورند، و زنان در بسیاری از موارد نقش مهمی در دولت و اداره کشور داشتند. البته ما مشکلات داخلی زیادی هم داشتیم، کشور ما یک کشور در حال توسعه بود با همه تضادهایش. اما همه چیز به نفع مردم انجام می‌شد، در حالی که امروز متأسفانه اکثریت جمعیت ایران در فقر شدید بسر می‌برد، با زنان بدرفتاری می‌شود و حقوق آنها زیر پا گذاشته می‌شود. کارگران و آموزگاران برای حقوق خود اعتراض می‌کنند. والدین تنگدست به دلیل فقر اقتصادی خانواده، فرزندان خود را می‌فروشند. به این فکر کنید که ایران روزگاری چقدر با ثبات و آباد بود و امروز در چه وضعیتی تحت حکومت آیت‌الله‌ها قرار دارد. اکنون عده‌ای بیشتر متوجه شده‌اند که در زمان پهلوی چه خدماتی انجام شده است.

● ایرانیان بسیاری از سراسر جهان به قاهره می‌آیند تا در آرامگاه دومین پادشاه پهلوی در مسجد الرفاعی ادای احترام کنند؛ همانجایی که فاروق پادشاه مصر نیز آرام گرفته است. در زبان فارسی تعبیری هست که می‌گوید: در قلمرو شاهان، شاه هرگز نمی‌میرد. آیا ایران در شرایط کنونی شاهد حرکت به سوی تغییرات احتمالی است؟

-بله، زیرا اکثر ایرانیان، چه در داخل و چه در خارج، این رژیم مذهبی را نمی‌خواهند و در میان آنها جوانان زیادی طرفدار پادشاهی هستند. از اوایل دهه ۱۹۵۰ محمدرضا شاه روابط دو جانبه محکمی با ایتالیا داشت. دوستی با انریکو ماتی رئیس «انی» [شرکت نفت و گاز ایتالیا] به نفع توافق نفتی بود که بازار جهانی سوخت را با پایان دادن به انحصار «هفت خواهران» تغییر داد. زمانی که در مقطعی تمام دنیا خرید نفت ما را متوقف کردند، انریکو ماتی تصمیم گرفت به خرید نفت ایران ادامه دهد و قوانین تحمیل شده توسط شرکت‌های بزرگ را زیر پا بگذارد و درآمد حاصل از آن را بین

کشورهای تولیدکننده تقسیم کند. متی بعداً دچار سانحه هوایی شد که در آن جان خود را از دست داد. همه فکر می‌کردند به دلیل توافقی که با ایران داشت، می‌خواستند از شر او خلاص شوند. نفت همیشه سرچشمه‌ی هم‌خوشبختی و هم بدبختی ما بوده است.

● در این میان، شما همیشه رابطه قوی خود را با صحنه



شهبانو فرح پهلوی و شاهدخت نور پهلوی

فرهنگی ایتالیا حفظ کرده‌اید.

-من ایتالیا و ایتالیایی‌ها را تحسین می‌کنم. ایتالیا کشور بزرگی سرشار از فرهنگ و تمدن است و ما نیز فراتر از روابط سیاسی و تجاری، روابط فرهنگی زیادی با کشور شما داشتیم. استادان ایتالیایی زیادی برای تعمیر و مرمت آثار باستانی به ایران آمدند و ایران‌شناسان ایتالیایی وجود دارند که بهتر از من فارسی صحبت می‌کنند.

● وقتی به پایتخت مصر می‌آیید چه احساسی دارید؟

-احساس می‌کنم در خانه دوم خود هستم؛ از دولت و مردم مصر سپاسگزارم که همیشه با دوستی و مهربانی فراوان از ما پذیرایی می‌کنند. زمانی که ما در ابتدای تبعید به قاهره آمدیم، روزنامه‌نگاران خارجی به کوچ و خیابان رفتند تا ببینند که آیا مردم واکنش ناخوشایندی دارند یا نه. اما واقعیت برعکس بود؛ مردم در خیابان به آنها پاسخ دادند که شاه به کشور ما خوش آمده است. زیرا در زمانی که مصریان دوران سختی را پشت سر می‌گذاشتند، شاه به آنها کمک کرده بود.

● مراسم بزرگداشت انور سادات رئیس جمهوری مصر نیز همزمان در قاهره برگزار می‌شود. او تنها رئیس دولتی بود که پس از انقلاب ۱۹۷۹ پادشاه و خانواده‌اش را به گرمی پذیرفت. چه خاطره‌ای دارید؟

-من و خانواده‌ام از مصر، رئیس جمهور سادات و همسرش جهان سادات بسیار سپاسگزاریم، زیرا زمانی که قدرتمندترین کشور جهان که دوست ما بود (ایالات متحده) نمی‌خواست ما را بپذیرد، تنها کسی که شهادت میزبانی از ما را داشت پرزیدنت سادات بود. او این انسانیت را داشت که پادشاه بیمار را در کشور خود جای دهد و امنیت ما را تضمین کند. پرزیدنت سادات به کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا که نمی‌خواست مصر از ما پذیرایی کند گفت: جیمی، من شاه را اینجا و زنده می‌خواهم! در آن زمان او دیگر نمی‌خواست با کارتر صحبت کند و معاون خود مبارک را

برای این کار می‌فرستاد. زمانی که ما در باهاما بودیم نیز خانواده سادات می‌خواست برای ما یک هواپیمای مصری بفرستد تا ما را به قاهره برد. اما آمریکایی‌ها جواب منفی دادند و هواپیمای خود را به ما پیشنهاد کردند. ما هزینه زیادی برای آن هواپیما پرداختیم و در حالی که در حال پرواز روی اقیانوس بودیم، وسط مسیر، خلبانان ناگهان در آرزو فرود آمدند و به ما گفتند منتظر مجوز پرواز هستند! درواقع آمریکا در حال مذاکره با دولت انقلابی ایران بود که ما را به آنها تحویل دهد! خوشبختانه تعطیلات نوروز بود، وزرا پایتخت را ترک کرده بودند، تلفنی در دسترس نبودند و نمی‌توانستند تصمیم بگیرند!

● ایران یکی از کشورهای با فرهنگ خاورمیانه است؛ تعهد شما به فرهنگ و هنر با ایجاد موزه بزرگ هنرهای معاصر کاملاً مشخص است. چه امیدی برای بازگشایی کل این مجموعه عظیم به روی عموم باقی مانده؟

-وقتی برای تأسیس این موزه فعالیت می‌کردم با خودم گفتم: در دنیا اینهمه آثار هنری ایرانی وجود دارد، چرا آثار هنری از کشورهای دیگر در ایران وجود نداشته باشد؟ ما توان خرید آثار باستانی را نداشتیم و به همین دلیل به هنر معاصر فکر کردیم. در اوایل دهه ۱۹۷۰ قیمت این آثار به اندازه امروز نبود. بعد از انقلاب این موزه تعطیل شد و من نگران بودم مبادا آثاری که در آن گرد آورده شده بود تخریب یا فروخته شود. خوشبختانه تقریباً همه آن در زیرزمین نگهداری می‌شد، زیرا آن آثار را با اخلاق اسلامی ناسازگار می‌دانستند. فقط یک تابلو از طریق یک محفل فاسد معامله شد. من با بسیاری از هنرمندان جوان ایرانی در ارتباط هستم که اغلب درباره این موزه به من نامه می‌نویسند.

● پادشاه سیاست‌های فرهنگی کشور را به عنوان ملکه بطور کامل به شما تفویض کرده بود. نه تنها هنر معاصر بلکه کاوش‌های باستان‌شناسی، موزه فرش، جشنواره شیراز و بسیاری ابتکارات دیگر؛ چه پروژه‌ای بیشتر از همه شما را به وجد آورد؟

-مسلماً جشنواره شیراز که هنرمندان بزرگ و متنوع ترین جلوه‌های هنری سنتی و پیشرو را از سراسر جهان گرد می‌آورد. من به عنوان شهروند کشوری با تمدن بزرگ، همیشه به هنر و فرهنگ علاقه زیادی داشته‌ام. موزه فرش و گلستان را هم به یاد دارم که مجموعه‌های دوره قاجار را گرد آورد. متأسفانه بعدها گویا به عنوان پادگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مورد استفاده قرار گرفت. اما من فقط با هنر سر و کار نداشتم، به فعالیت‌های اجتماعی خود نیز اهمیت زیادی می‌دادم؛ برای زنان، برای بیماران، برای جذامیان. با کمک هموطنانم، از جمله زنان، برنامه‌های بسیاری را در زمینه‌های اجتماعی و بشردوستانه به پایان رساندیم.

● در زندگی شما شکوه و تراژدی کم نبوده؛ قدرت مقاومت شما در برابر ضربات سرنوشت از کجا سرچشمه می‌گیرد؟

-فاجعه از دست دادن دخترم لیلا و پس از آن سپرم علیرضا سبب غم و اندوهی بی‌پایان شد. با خود گفتم: باید خودم را برای بچه‌های زنده‌ام، برای نوه‌هایم و برای هموطنانم که فرزندان‌شان را به دست این رژیم در ایران از دست داده‌اند، حفظ کنم. من سعی می‌کنم مثبت باشم، از زندگی برای همه چیزهای خوب تشکر می‌کنم و سعی می‌کنم هرگز منفی‌نکر نباشم.

● در سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۷۹ حرف‌های خمینی برای انقلابیون در نوار صوتی ضبط می‌شد و سپس در مساجد مخفیانه پخش می‌شد. امروز اعتراض به رژیم آیت‌الله‌ها در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود.



نظر شما در مورد رسانه‌های اجتماعی چیست و چگونه از طریق آنها ارتباط برقرار می‌کنید؟

این رویداد بسیار مهمی است زیرا به لطف شبکه‌های اجتماعی، ایرانی‌ها از خیلی چیزها آگاه شده‌اند. من نیز از آنها استفاده می‌کنم و از همین طریق اغلب با هموطنانم در ارتباط هستم. پیام می‌نویسم، پیام‌ها را با صدا ضبط می‌کنم، گاهی اوقات با هموطنانم صحبت می‌کنم، صحبت با جوانانی که بعد از انقلاب اسلامی به دنیا آمده‌اند برایم بسیار خوشحال‌کننده است و به من شهادت زیادی می‌دهد. می‌توان گفت در جامعه ایران از دیرباز تمایل شدیدی به استفاده از فناوری وجود داشته است.

پسر شما، شاهزاده رضا، توسط بسیاری از ایرانیان داخل و خارج کشور به عنوان رهبر مخالفان رژیم بنیادگرای اسلامی در تهران شناخته می‌شود. به گفته برخی ناظران مستقل بین‌المللی، او می‌تواند فردی باشد که هم آزادی را به ایران بیاورد و هم تمامیت ملی سرزمین را حفظ کند. شاهزاده چه برنامه‌ای دارد؟

پسر من رضا در سال‌های اخیر نیز همواره تاکید کرده که به دفاع از تمامیت ارضی ایران، به آزادی سیاسی، به آزادی زنان و به جدایی دین از دولت اعتقاد دارد و می‌خواهد ایرانی‌ها آزادانه انتخاب کنند که نظام و ساختار سیاسی آینده ایران چگونه باید باشد.

شما بسیار مشتاق همبستگی خانواده خود هستید که در تبعید در ایالات متحده و اروپا زندگی می‌کنند. نوه‌های شما نور، ایمان، فرح و ایریانی کوچک دختران نسل جدید هستند. آیا داستان کشور خود و پدربزرگشان را برای آنها تعریف می‌کنید؟

ایرانیان هنوز کمی کوچک است، اما من حتماً با همه آنها در مورد زندگی خودمان صحبت می‌کنم. آنها خاطرات من و کتاب‌های پدربزرگشان را خوانده‌اند، حتی اگر درگیر زندگی دخترانه خود باشند باز هم همیشه سعی می‌کنم آنها را تشویق به آگاهی از زندگی خانوادگی و کشورشان کنم.

در ایران در هفته‌های اخیر، اعتراضات جدید به وضعیت زنان و به ویژه علیه اجباری بودن حجاب اسلامی بالا گرفته. پهلوی‌ها آغازگر توانمند ساختن زنان در تاریخ معاصر کشور بودند. آیا نوه شما شاهدخت نور، دختر بزرگ شاهزاده رضا، وارث سلسله پهلوی به شمار می‌رود؟

بر اساس اصل فرزند ارشد، بله. اگر سلطنت در ایران باشد، نور جانشین پدرش می‌شود. قانون اساسی قدیمی ما جایگاه مهمی را برای زنان به رسمیت می‌شناخت. زمانی که شاه مرا به عنوان نایب‌السلطنه منصوب کرد، هدفش برجسته کردن نقش و اهمیت زنان در یک کشور مسلمان در خاورمیانه بود.

اکثریت قریب به اتفاق جمعیت ایران که بحران‌های جمهوری اسلامی را تحمل می‌کنند زیر سی سال هستند. نسلی که نه دوران شاه را دیده و نه سال‌های آیت‌الله خمینی را. چه آینده‌ای برای آنها متصور هستید؟

من می‌خواهم همچنان مثبت باقی بمانم. مطمئنم روزی نور بر تاریکی پیروز می‌شود و ایران دوباره از خاکستر خود متولد خواهد شد.

اگر هر زمان شرایط اجازه دهد، آیا آماده بازگشت به کشور خود هستید؟

بله، امیدوارم چنین شود؛ اما مهمترین چیز برای من آزادی ایران و ایرانیان است. اگر روزی بتوانم به کشورم برگردم، برایم شادی بزرگی خواهد بود.

*منبع: وبسایت لیرو

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

شاهزاده رضا پهلوی درباره تداوم خطر جمهوری اسلامی و هشدار به غرب:

مانند رهبران دهه نود از پرنسپ‌های خود دفاع کنید!



بسیاری از ما که تجربه دست اول از سیاست‌های منحنط تهران داریم، مدت‌هاست به غرب در مورد مداخلات با تهدیدات جمهوری اسلامی هشدار داده‌ایم. رژیم از روز اول استقرار خود دست به ترور زده است، از جمله ترور پسرعمه‌ی خود من، شهریار شفیق. همان زمان که خمینی برای نخستین بار با بی‌شرمی در حکم غیرقابل توجیه خود برای قتل سلمان رشدی در ۱۴ فوریه ۱۹۸۹ خدا را به یاری گرفت، من با رسانه‌ها و رهبران غربی در مورد پاسخگو کردن رژیم به خاطر این دعوت گستاخانه به خشونت، صحبت کردم.

به نظر می‌رسد که قدرت‌های غربی در هر دو سوی اقیانوس اطلس درس‌هایی را که شهروندانشان را می‌توانست امن نگه دارد و همچنین مخالفانی را که به آنها پناه می‌دادند، فراموش کرده‌اند. اگرچه جمهوری اسلامی هرگز اصول انقلابی و عقیدتی خود را کنار نگذاشته و تن به هیچ توافقی نداده است اما در یک دهه گذشته رژیم به دلیل همین فراموشی کشورهای غربی توانسته خود را از انزوا خارج کند. مقامات جمهوری اسلامی در پانل‌های پر زرق و برق انجمن‌های بین‌المللی پذیرفته می‌شوند و در مذاکراتی که در صدر خبرها قرار می‌گیرند در شیک‌ترین هتل‌های اروپا شرکت می‌کنند.

مداخلات با رژیم اما هرگز قادر به حل هیچیک از مشکلات جهان در ارتباط با جمهوری اسلامی نیست زیرا مشکل حکومت اسلامی با غرب، موجودیت غرب است که راه آن را به سمت خلافت جهانی اسلام سد می‌کند. هرگونه تلاش برای سازش و مداخلات با این رژیم رادیکال نشان‌دهنده ضعفی است که تهران می‌تواند از آن به سود خود استفاده کند.

شاهزاده رضا پهلوی در یادداشت کوتاهی که ۱۸ اوت در وال استریت ژونال منتشر شده به حکم قتل سلمان رشدی توسط روح‌الله خمینی رهبر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی در ایران پرداخته است. وی به شدت به سیاست مداخلات کشورهای غربی با جمهوری اسلامی انتقاد کرده و تأکید کرده است با سازش و مداخلات هیچکدام از مشکلات جهان با جمهوری اسلامی حل نخواهد شد بلکه رژیم اسلامی را گستاختر خواهد کرد. ترجمه متن کامل این یادداشت توسط کیهان لندن در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد.

سلمان رشدی در شاهکار خود «آیات شیطانی» آورده که «انسان‌ها نخست از خدا برای توجیه مسائل غیرقابل توجیه استفاده می‌کردند.» شاید خود رشدی نیز نمی‌دانست تا چه اندازه این واقعیت در زندگی خود وی اثبات می‌شود. ماه‌ها پس از انتشار رمان «آیات شیطانی»، آیت‌الله روح‌الله خمینی در حکمی «از همه مسلمانان غیور در سراسر جهان» خواست «تا در هر نقطه» سلمان رشدی را «سریعا اعدام نمایند»*

از قرار معلوم هفته گذشته «هادی مطر» در پاسخ به ندای آیت‌الله اقدام کرد و نزدیک بود به زندگی رشدی پایان دهد. این در حالیست که اگرچه رژیم اسلامگرا در کشور من و مهاجمی که به نظر می‌رسد از آن الهام گرفته، مسئولیت این حمله را بر عهده دارند، اما سیاستمداران غربی نیز در فعال ماندن چنین روندی نقش داشته‌اند.

بسیاری از ما که تجربه دست اول از سیاست‌های منحنط تهران داریم، مدت‌هاست به غرب در مورد مداخلات با تهدیدات جمهوری اسلامی هشدار داده‌ایم. رژیم از روز اول استقرار خود دست به ترور زده است، از جمله ترور پسرعمه‌ی خود من، شهریار شفیق. همان زمان که خمینی برای نخستین بار با بی‌شرمی در حکم غیرقابل توجیه خود برای قتل سلمان رشدی در ۱۴ فوریه ۱۹۸۹ خدا را به یاری گرفت، من با رسانه‌ها و رهبران غربی در مورد پاسخگو کردن رژیم به خاطر این دعوت گستاخانه به خشونت، صحبت کردم.

دولت بریتانیا در آن زمان اقداماتی خردمندانه برای محافظت از سلمان رشدی و پاسخگو ساختن جمهوری اسلامی انجام داد. لندن در واکنش به این فتوا، روابط دیپلماتیک خود را با تهران قطع کرد. سه سال بعد، دولت آلمان در واکنش به قتل مخالفان ایرانی در خاک آلمان از این اقدام پیروی کرد. رژیم به سرعت به یک حکومت منزوی تبدیل شد.

این واکنش قاطعانه جمهوری اسلامی را وادار کرد که دست و پای خود را جمع کند. شهروندان بریتانیایی و آلمانی تا حد زیادی از دسیسه‌های آن در امان ماندند. پاسخ قوی غرب تمایلات ماهوی و خرابکارانه رژیم تهران را تغییر نداد، اما آن را مهار کرد.

اکنون به نظر می‌رسد که قدرت‌های غربی در هر دو سوی اقیانوس اطلس درس‌هایی را که شهروندانشان را می‌توانست امن نگه دارد و همچنین مخالفانی را که به آنها پناه می‌دادند، فراموش کرده‌اند. اگرچه جمهوری اسلامی هرگز اصول انقلابی و عقیدتی خود را کنار نگذاشته و تن به هیچ توافقی نداده است اما در یک دهه گذشته رژیم به دلیل همین فراموشی کشورهای غربی توانسته خود را از انزوا خارج کند. مقامات جمهوری اسلامی در پانل‌های پر زرق و برق انجمن‌های بین‌المللی پذیرفته می‌شوند و در مذاکراتی که در صدر خبرها قرار می‌گیرند در شیک‌ترین هتل‌های اروپا شرکت می‌کنند.

پذیرش رژیم در غرب به طرز بی‌سابقه آن را در یک ردیف برابری اخلاقی با کشورهای غربی قرار



داده است. این امر باعث ایجاد اعتماد به نفس در میان هواداران رادیکال تهران که این رژیم را منبع الهام انقلابی برای اقدامات رادیکال می‌دانند در سراسر جهان شده است. این تغییر وضعیت و مامشات با رژیم اما هرگز قادر به حل هیچیک از مشکلات جهان در ارتباط با جمهوری اسلامی نیست زیرا مشکل حکومت اسلامی با غرب، موجودیت غرب است که راه آن را به سمت خلافت جهانی اسلام سد می‌کند. هرگونه تلاش برای سازش و مامشات با این رژیم رادیکال نشاندهنده ضعفی است که تهران می‌تواند از آن به سود خود استفاده کند.

در چند هفته گذشته، اینجا در ایالات متحده، سه شهروند آمریکایی، از جمله مقامات ارشد این کشور، نزدیک بود با جان خود تاوان سیاست‌های نادرست غرب را بپردازند. پس از حمله به سلمان رشدی، یک روزنامه وابسته به رژیم، نقل قولی را که اغلب از دیکتاتور کنونی کشورم نقل می‌شود، منتشر کرد. علی‌خامنه‌ای گفته است «تیر» خمینی «روزی به هدف خواهد خورد». در واقع این کار با توجه به بستری شدن رشدی در بیمارستان و آسیب شدیدی که به وی وارد آمده، انجام شده است!

همزمان علی‌خامنه‌ای در حال صیقل دادن تیرهای بیشتری است و از ساده‌لوحی سیاست‌گذاران غربی استفاده می‌کند. تیرهایی که افراد بی‌گناه بیشتری را نشانه می‌گیرند. ادامه مذاکرات با واشنگتن بر سر توافق هسته‌ای جدید در وین، به علی‌خامنه‌ای و گروه جنایتکارش نشان داده است که می‌توانند در عمل از مکافات قتل‌هایی که انجام داده و می‌دهند خلاص شوند.

فقدان استراتژی سیاسی غرب همچنین زندگی را برای مردم ایران که مهم‌ترین قربانیان دیرباز این رژیم هستند، بدتر می‌کند. مامشات غرب با رژیم، به تهران جرأت می‌دهد تا با مصونیت بیشتر با ما رفتار کند و مخالفان رژیم را که نگرانند مبدا غرب ترسوتر از آن باشد که به حمایت از آرمان‌های عادلانه آنها بپردازد، تضعیف می‌کند.

من برای آقای رشدی آرزوی بهبودی فوری و کامل دارم. این حمله حقیرانه فقط علیه او نبود، بلکه علیه غرب و همه آزاداندیشان بود. زمان آن فرا رسیده است که جهان به فراخوان‌های مردم ایران توجه کند تا با این رژیم به عنوان یک حکومت یاغی، که هست، رفتار کند و به هموطنانم در مبارزات آزادیخواهانه‌شان کمک نماید.

مانند رهبران ده نود میلادی، شما باید به تهران نشان دهید که غرب از پرنسیپ‌های خود و شهروندان‌ش دفاع می‌کند. اگر این کار را نکنید، آنوقت می‌تسم که «تیر»‌های بیشتری به نام خدا به شهروندان بی‌گناه اصابت کند.

*منبع: وال استریت ژورنال
*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

*حکم خمینی درباره قتل سلمان رشدی و ناشران کتاب «آیات شیطانی» / ۲۵ بهمن ۱۳۶۷ / «به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم مؤلف کتاب «آیات شیطانی» که علیه اسلام و پیامبر و قرآن، تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند. از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرأت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هر کس در این راه کشته شود، شهید است ان‌شاءالله. ضمناً اگر کسی دسترسی به مؤلف کتاب دارد ولی خود قدرت اعدام او را ندارد، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

واکنش شاهزاده رضا پهلوی به ترور سلمان رشدی؛

این حمله، نماد ماهیت رژیمی است که به آن الهام بخشیده است

و مخالفان ایرانی تا شهروندان و مقامات خارجی، از ایالات متحده آمریکا تا فرانسه، از آرژانتین تا لبنان و سوریه، و تا خود مردم ایران آنهم بطور روزانه، جمهوری اسلامی مدت‌هاست که با کارزار خشونت و ترور خود، جهان را به گروگان گرفته است.»

شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرده که قدرت‌های غربی با ادامه مذاکره، به این رژیم سرکش، برابری اخلاقی داده‌اند و به این کارزار وحشیانه ترور که از بالاترین سطح رژیم فرمان می‌گیرد، جسارت و قدرت و شجاعت بخشیده‌اند.

او افزوده که «آقای رشدی نزدیک بود تاوان این سیاست ناشی از اشتباه محاسباتی را با جانش بدهد. اکنون که او در حال بازیابی سلامت است، برایش بهبودی سریع و کامل آرزو می‌کنم و به فکر او و خانواده‌اش در این زمان دشوار هستم. باشد که او به زودی و با تنی سالم، نزد کتاب‌ها و نوشته‌هایش که علاقمندان بسیاری دارد، بازگردد.»

در پایان پیام شاهزاده رضا پهلوی آمده که «این حمله نفرت‌انگیز، تنها حمله به آقای رشدی نبود؛ بلکه حمله‌ای به همه آزاداندیشان بود. این حمله، نماد ماهیت رژیمی است که به آن الهام بخشیده است. سرانجام وقت آن رسیده که جهان به صدای ملت ایران که مدت‌هاست نادیده گرفته شده، توجه کند و به آنها در مبارزه‌شان برای آزادی کمک نماید، و یکبار برای همیشه همچون حکومتی مطرود با این رژیم رفتار کند که خود همواره آن را به اثبات رسانده است.»

ده‌ها فعال فرهنگی و هنری و سیاسی ایرانی نیز در بیانیه‌ای مشترک حمله تروریستی به سلمان رشدی را محکوم کرده و نوشته‌اند: «قلب ما با او می‌زند!»

در این بیانیه آمده که «حمله به سلمان رشدی و آثار او، حمله به آزادی بیان و آزادی اندیشه است و نفی این آزادی‌ها کلیه حقوق انسانی را در معرض خطر قرار می‌دهد. فراموش نکنیم که تنها چند ماه پیش از فتوای قتل رشدی، خمینی با فتوای دیگری حکم بر قتل زندانیان سیاسی داد و بر پایه آن هزاران تن در زندان‌های مختلف به دار آویخته شدند. تروریسم اسلامی که امروز سلمان رشدی را در معرض مرگ قرار داده سال‌هاست در سراسر جهان و به ویژه در کشورهای موسوم به اسلامی قربانی می‌گیرد.»

الاهه بقرار روزنامه‌نگار، نویسنده و سردبیر کیهان لندن در مطلبی با عنوان «نون والقلم و ما «لا» یسطرون! سلمان رشدی و آیه‌های شیطانی‌اش» که مهر ۱۳۷۷ با این عبارت که «اندیشه مرز ندارد» شروع کرده بود نوشت: «اگر قلم ننویسد و اگر زبان به سخن گشوده نشود، چگونه می‌توان به اندیشه‌ها پی برد؟ و هنگامی که اندیشه پر می‌کشد و بال می‌گشاید، دو راه بیشتر ندارد: یا باید بیان گردد و یا خفقان بگیرد و پنهان شود. برای دومی دلیلی جز سانسور، فشار و تهدید وجود ندارد و در چنین شرایطی می‌باید همچنان به قلم و آنچه می‌نویسد سوگند یاد کرد!»

در بخش دیگری از این مطلب که به معرفی رمان «آیات شیطانی» و مباحث آن نیز پرداخته آمده بود که «اگر مسلمانان متعصب از بخش‌هایی از کتاب «آیه‌های شیطانی» برآشفتنند، بسیاری از مسلمانان نیز واکنشی نشان ندادند و یا به گفتگو درباره آن پرداختند. قطعاً می‌توان گفت اولی‌ها مسلمان‌ترند، لیکن می‌توان گفت دومی‌ها بردبارترند.»

● «تلاش برای قتل نویسنده برجسته، سلمان رشدی، تنها آخرین نمونه‌ای است که نشان می‌دهد رژیم تروریست و جنایتکار در ایران برای خفه کردن آزاداندیشان تا کجا پیش خواهد رفت.»

● «قدرت‌های غربی با ادامه مذاکره، به این رژیم سرکش برابری اخلاقی داده‌اند، و به این کارزار وحشیانه ترور که از بالاترین سطح رژیم فرمان می‌گیرد، جسارت و قدرت و شجاعت بخشیده‌اند.»

شاهزاده رضا پهلوی طی پیامی در واکنش به ترور سلمان رشدی نوشته که تلاش برای قتل نویسنده برجسته، سلمان رشدی، فقط تازه‌ترین نمونه‌ای است که نشان می‌دهد رژیم تروریست و جنایتکار در ایران برای خفه کردن آزاداندیشان تا کجا پیش خواهد رفت.

سلمان رشدی رمان نویس مشهور بریتانیایی- هندی و نویسنده ۷۵ ساله کتاب «آیات شیطانی» روز جمعه ۱۲ اوت (۲۱ مرداد) هنگام سخنرانی در نیویورک با چاقو مورد حمله‌ی یک اسلامبست قرار گرفت. هادی مطر تروریست ۲۴ ساله‌ای که به سلمان رشدی حمله کرد ساکن نیوجرسی، لبنانی تبار و نزدیک به حزب‌الله لبنان و در ارتباط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود.

پایگاه خبری «وایس» گزارش داد هادی مطر از طریق شبکه‌های اجتماعی با اعضای سپاه پاسداران در تماس مستقیم بود. یک مقام اطلاعاتی خاورمیانه گفت «مشخص است» که در مقطعی قبل از حمله، مطر با «افرادی که بطور مستقیم با نیروهای قدس سپاه پاسداران ارتباط داشته یا نزدیک به آن بوده‌اند، تماس داشته است.»

یک مقام ناتو در بخش مبارزه با تروریسم از یک کشور اروپایی گفت شواهد نشان می‌دهد این حمله «هدایت شده» بوده و به نظر می‌رسد یک سرویس اطلاعاتی بدون حمایت یا مداخله مستقیم، از طریق یکی از هواداران (سپمات‌ها) این اقدام را کرده است.

روح‌الله خمینی رهبر انقلاب اسلامی و بنیانگذار رژیم جمهوری اسلامی در ۱۴ فوریه ۱۹۸۹ فتوای قتل سلمان رشدی را به خاطر نوشتن کتاب «آیات شیطانی» صادر کرد. در این فتوا آمده است «به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم، مؤلف کتاب آیات شیطانی که علیه اسلام و پیامبر و قرآن، تنظیم و چاپ و منتشر شده است و همچنین ناشران مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام‌اند. از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آنها را اعدام کنند.» اقدام به ترور سلمان رشدی سه دهه پس از فتوای خمینی رهبر انقلاب اسلامی در ایران و بنیانگذار جمهوری اسلامی که با آن برای نخستین بار بنیادگرایان اسلامی به قدرت دولتی در یک کشور مهم و استراتژیک مانند ایران دست یافتند، با واکنش‌های زیادی روبرو شده است.

در یکی از تازه‌ترین واکنش‌ها شاهزاده رضا پهلوی در پیامی نوشته که «تلاش برای قتل نویسنده برجسته، سلمان رشدی، تنها آخرین نمونه‌ای است که نشان می‌دهد رژیم تروریست و جنایتکار در ایران برای خفه کردن آزاداندیشان تا کجا پیش خواهد رفت. حقیقتاً این رژیم انقلابی با تمام موجودیت خود، الهام‌بخش چنین حملات شیعی است. از مدافعان حقوق بشر

یک «معامله پنهان» دیگر بین رژیم ایران و آمریکا با «متن نهایی» اروپا در برابر چشم همه؟!



با وجود اینکه امضای توافق اتمی تصمیم مستقیم علی خامنه‌ای بود اما ولایتمداران باور دارند «برجام» اشتباه بود!

نمی‌شدیم، تا اکنون شاهد گسترش سریع برنامه هسته‌ای ایران باشیم.»

در همین ارتباط گزارش شده است که یائیر لاپید نخست وزیر اسرائیل از طریق واسطه‌ها به اروپا و آمریکا پیام داده که در پیش‌نویس توافق هسته‌ای که «متن نهایی» آن را اروپا تدوین کرده امتیازاتی فراتر از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ به رژیم ایران داده شده که با خط قرمزهای خود دولت بایدن نیز همخوانی ندارد.

واقعیت این است که پیشنهاد اروپا که نسخه نهایی آن را جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا ارائه داد مورد قبول دولت بایدن قرار گرفته ولی آنها همزمان ادعا می‌کنند «امتیاز خاصی به جمهوری اسلامی نداده‌اند». جمهوریخواهان از یکسو و مقامات اسرائیل از سوی دیگر آن را باج دادن به رژیم ایران می‌دانند. در این میان، گزارش‌ها حاکی از آن است که مقامات جمهوری اسلامی ظاهراً آن را نپذیرفته‌اند و خواستار گنجاندن اصلاحیه‌هایی در آن هستند. برخی تحلیلگران می‌گویند دیر یا زود طرفین دستیابی به توافق را اعلام می‌کنند اما آنچه مشخص است اینکه هنوز اختلافات کلیدی میان جمهوری اسلامی و آمریکا و همچنین آژانس حل نشده باقی مانده است. مسائلی که همانها باعث شد بعد از یکسال و نیم همچنان گفتگوهای مربوط به برجام در بن‌بست بماند. شبیه همین وضعیت در دولت باراک اوباما نیز وجود داشت که در نهایت منجر به «معامله پنهان» بین جمهوری اسلامی و دولت وقت ایالات متحده شد. معامله‌ای که عمدتاً به سود جمهوری اسلامی، علیه منافع ایران و همچنین خود آمریکا و متحدان منطقه‌ایش بود!

همین مسئله به اضافه ابعاد مشکوک فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی سبب شده تا برخی تحلیلگران و مقامات اسرائیلی و غربی بیان کنند که رژیم ایران به دنبال وقت‌کشی است و دولت آمریکا و اتحادیه اروپا در این وقت‌کشی حتی اگر هم نخواهد، اما در عمل با جمهوری اسلامی همدستی می‌کند.

غیرهسته‌ای، مانند تحریم‌های اعمال شده مرتبط با تروریسم، برنامه موشکی ایران یا نقض حقوق بشر را لغو نخواهد کرد. در واکنش به این گزارش‌ها که اینسو و آنسو منتشر شده، سناتور جیم ریش عضو ارشد کمیته روابط خارجی سنا در یک رشته توییت سیاست‌های بایدن در مورد «احیای برجام» را به باد انتقاد گرفت و نوشت: «رژیم ایران برای تضمین برجام از دولت بایدن خواسته تا پرونده مربوط به تحقیقات آژانس را ببندد و از شرکت‌های غربی فعال در ایران محافظت کند و به ایران اجازه دهد تا در صورت خروج دولت آمریکا از توافق، فعالیت برای دست یافتن به تسلیحات هسته‌ای را شتاب بخشد.»

این سناتور جمهوریخواه همچنین افزود: «مطالبات رژیم ایران باج‌خواهی است و به عنوان شکستی بزرگ پس از خروج فاجعه‌بار آمریکا از افغانستان در سیاست خارجی بایدن ثبت خواهد شد.»

جیم ریش در بخش دیگری از توییت خود نوشت با اشاره به اینکه «معامله اتمی با رژیم ایران امنیت شرکای ما را تهدید خواهد کرد» گفت: «رژیم ایران همچنان به ترور مقامات آمریکایی ادامه داده و پهنادهای خود را علیه اوکراین در اختیار روسیه گذاشته و حمله به سربازان و منافع ما را ادامه می‌دهد.»

شورای امنیت ملّی آمریکا در واکنش به صحبت‌های سناتور جیم ریش، موافقت دولت بایدن با ارائه‌ی امتیازات فرابرجامی به جمهوری اسلامی در روند احیای توافق اتمی از جمله ارائه تضمین برای عدم خروج مجدد از توافق و یا بسته شدن تحقیقات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره ابعاد نظامی پروژه‌های اتمی جمهوری اسلامی و معافیت تحریمی شرکت‌های غربی فعال در ایران را تکذیب کرد!

شورای امنیت ملّی آمریکا در توییتی با کنایه به دولت و سیاستمداران پیشین آمریکا، ضمن رد این گزارش‌ها اعلام کرده است: «ما هرگز چنین شرایطی را نمی‌پذیریم. ما همچنین هیچوقت از توافقی که داشت به درستی کار می‌کرد خارج

● برخی منابع گزارش داده‌اند علاوه بر تبادل زندانی‌ها بین ایران و آمریکا، آزاد ساختن فوری ۷ میلیارد دلار پول مسدود شده ایران در دو بانک کره جنوبی و ابطال سه فرمان اجرایی امضا شده توسط دونالد ترامپ پس از خروج از برجام، از مفاد «بسته پیشنهادی» اروپایی‌ها برای احیای برجام است.

● گفته شده در مدت ۱۲۰ روز جمهوری اسلامی مجاز به فروش ۵۰ میلیون بشکه نفت خواهد بود و تمهیدات لازم برای دریافت پول آن صورت خواهد گرفت.

● همچنین ادعا شده بر اساس پیشنهاد اروپا دست‌کم ۱۷ بانک ایران از فهرست تحریم‌ها خارج می‌شود که به احتمال زیاد شامل بانک مرکزی هم خواهد شد... حدود ۱۵۰ نهاد از جمله «ستاد فرمان اجرایی امام» که زیر نظر علی خامنه‌ای اداره می‌شود نیز از تحریم‌ها خارج می‌شوند.

● سناتور جیم ریش عضو ارشد کمیته روابط خارجی سنا در یک رشته توییت نوشت رژیم ایران از دولت بایدن باج‌خواهی کرده و برای تضمین برجام از آمریکا خواسته تا پرونده مربوط به تحقیقات آژانس را ببندد و از شرکت‌های غربی فعال در ایران محافظت کند و به ایران اجازه دهد تا در صورت خروج دولت آمریکا از توافق فعالیت برای ساختن تسلیحات هسته‌ای را شتاب بخشد.

● شورای امنیت ملّی آمریکا ارائه امتیازات فرابرجامی به جمهوری اسلامی را رد کرده است و گفته «هرگز چنین شرایطی را نمی‌پذیریم!»

هرچند هنوز جزئیاتی از طرح پیشنهادی اروپا موسوم به «متن نهایی» برای احیای برجام بطور رسمی منتشر نشده اما از یکسو منابع وابسته به جمهوری اسلامی می‌گویند «متن اروپا غیرقابل قبول است» و در پاسخ به آن اصلاحیه مکتوب ارسال کرده‌اند و از سوی دیگر، آمریکا کمتر از دو روز پس از ارائه پیشنهاد اروپا گفت این شبیه همان است که خودمان در ماه مارس تهیه کرده بودیم و آن را پذیرفت.

آنطور که سی‌ان‌ان به نقل از «منابع ناشناس» گزارش داده است، در پاسخ جمهوری اسلامی به «متن نهایی» بر روی ارائه تضمین‌ها یا «دریافت گرامت» در صورت خروج مجدد آمریکا از برجام پافشاری شده است.

برخی منابع گزارش داده‌اند در این متن که اروپایی‌ها آن را «غیرقابل مذاکره» دانسته‌اند آمده است که طی ۱۲۰ روز طرفین باید اقداماتی مثل تبادل زندانیان را انجام دهند.

از مفاد این «بسته پیشنهادی» آزاد ساختن فوری ۷ میلیارد دلار پول مسدود شده ایران در دو بانک کره جنوبی و ابطال سه فرمان اجرایی امضا شده توسط دونالد ترامپ پس از خروج از برجام نیز دیده می‌شود. در این ۱۲۰ روز جمهوری اسلامی مجاز به فروش ۵۰ میلیون بشکه نفت خواهد بود و تمهیدات لازم برای دریافت پول آن صورت خواهد گرفت.

همچنین ادعا شده است که بر اساس پیشنهاد اروپا دست‌کم ۱۷ بانک ایران از فهرست تحریم‌ها خارج می‌شوند که به احتمال زیاد شامل بانک مرکزی نیز خواهد شد. همچنین گفته شد حدود ۱۵۰ نهاد از جمله «ستاد فرمان اجرایی امام» که زیر نظر علی خامنه‌ای اداره می‌شود نیز از تحریم‌ها خارج می‌شوند.

با این حال دولت بایدن مدعی شده است که تحریم‌های

سقوط اصفهان تاجداری محمود افغان

کالبدشکافی یک طغیان (۱۳)

(کیهان لندن شماره ۱۱۰۰-۱۱۲۵)

فروردین تا مهر ۱۳۸۵

پانزدهم

احمد احرار

چنین صحنه‌ای آماده شده بود با این حال آنان تاب تحملش را نداشتند. البته مثل دو روز قبل که در دیدار شاه از شهر، همراه او به گریه و زاری پرداخته بودند، بیقراری نمی‌کردند و برعکس، سکوتی سنگین و مرگبار، به‌مراتب رقت‌انگیزتر و پر معناتر از آن، بر فضا حاکم بود. در نگاه سرگردان و بهت‌زده مردم شگفتی، ترحم، درماندگی و نومیدی خوانده می‌شد.

محمود افغان، در یکی از تالارهای قصر فرح‌آباد شاه سلطان حسین را به‌حضور پذیرفت. او توصیه سرداران سپاهش برای رفتن به استقبال شاه را نپذیرفت. تنها، زمانی که شاه سلطان حسین وارد تالار شد و دستها را برای در آغوش کشیدن وی گشود، از جای برخاست. ژوزف آپی سالیامیان مترجم و منشی ارمنی آنژ دو گاردان کنسول فرانسه که در مراسم حضور داشته است جریان واقعه را چنین گزارش می‌کند: «محمود در گوشه تالار بر مخده زرین تکیه زده بود. شاه به گوشه دیگر تالار هدایت شده در آنجا قرار گرفت. آنگاه، پس از ادای تحیات خطاب به محمود گفت: فرزندم، چون اراده قادر متعال بر آن قرار گرفته است که من بیش از این سلطنت نکنم و تو بر تخت سلطنت بنشین، من با رضایت خاطر سلطنت خود را به تو واگذار می‌کنم و از خداوند توفیق ترا در امر سلطنت و برقراری امنیت و عدالت خواستارم. پس از ادای این کلمات، شاه جقه پادشاهی را از دستار برگرفته به امان‌الله سپرد تا به محمود تسلیم کند. ولی متوجه شد که محمود از این حرکت

محمود در قصر فرح‌آباد اقامت داشت، همان قصری که شاه سلطان حسین به‌مانند قصر «ورسای» برای خود ساخته و آراسته بود. دو تن از ملازمان شاه، پیشاپیش خود را به فرح‌آباد رساندند تا ورود او را اعلام دارند. اما به آنها گفته شد که فرمانده استراحت کرده است و تا بیدار شدن او، شاه باید منتظر بماند. به‌روایت کلراک: «شاه و همراهان، پس از عبور از زاینده‌رود و پیچیدن به طرف راست، آهسته در جهت غرب به‌جانب فرح‌آباد روانه شدند. در آن هنگام که شاه برای احداث این قصر، وقت زیادی گذاشت و از صرف مال ذره‌ای دریغ نکرد، هرگز به‌خاطرش نمی‌گذشت که روزی بدین حال، اینچنین دلیل و درمانده به آن قدم نهد. اما جز این، خفت

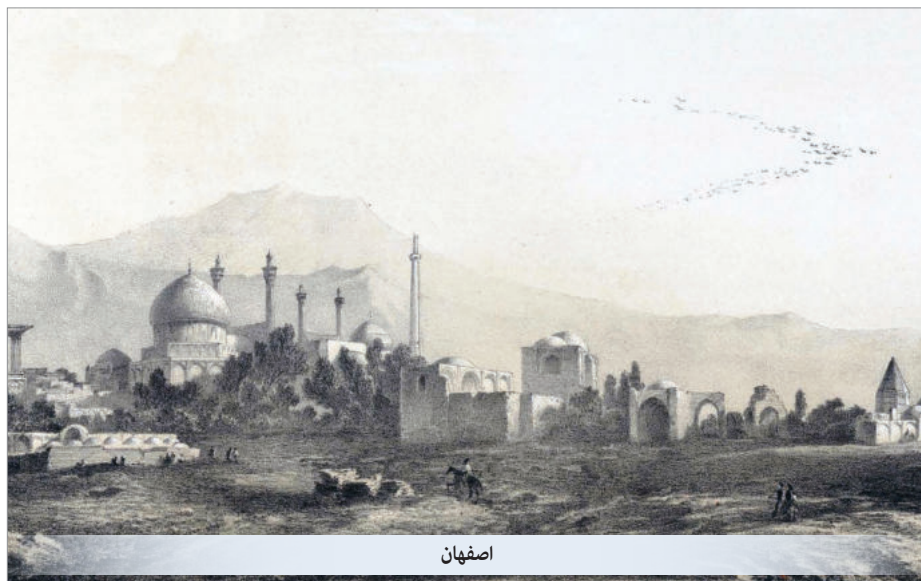
هجوم گرسنگان به عمارات سلطنتی و درگیری آنان با محافظان، شاه سلطان حسین را متوجه ساخت که اگر وضع به همان منوال ادامه باید شورش داخلی نه تنها تاج و تخت، که جان خودش و بستگانش را تهدید می‌کند. یک روز صبح، جامه‌های فاخر سلطنتی را از تن درآورد و به‌رسم عزاداران، لباس سیاه پوشید و پای پیاده به میان مردم رفت.

شاه، در حالی که می‌گریست و مانند زنان فرزندمرده بر سینه می‌کوفت و نوحه می‌خواند، از کوچه و خیابان گذشت. بر سر جنازه‌هایی که اینجا و آنجا، روی زمین تلنبار بود ایستاد و اشک ریخت. با اهالی شهر که آنها نیز از مشاهده چنین اوضاع دستخوش رفت و تأثر شده و عزا گرفته بودند اظهار همدردی کرد. گاه خطاب به غلامان و خادمان خود و گاه خطاب به مردم کوچه و بازار، سخنانی تسلیت‌آمیز بر زبان می‌آورد و به‌سبب آن که قادر نیست در برابر شئامت بخت و حکم سرنوشت کاری صورت دهد ابراز شرمندگی می‌کرد. کروسینسکی می‌نویسد: «شاه از خواب غفلت بیدار شده و تیره‌بختی خود را دریافته بود. در کوچه و بازار، به مشاهده جنازه‌های خلقی که از گرسنگی تلف شده بودند، دچار ترحم شد. مثل ابر بهاری اشک می‌ریخت و به صدای بلند می‌گریست و به ندیم و خادم متوجه شده، می‌گفت ای گرفتارآمدگان به محبت من که در بحر بلا افتاده‌اید از شما شرمسارم، در این قضیه چاره‌ای جز تسلیم و رضا نیست. بنای دولت خود را خراب کردم. الوداع ای تخت شاهی، الوداع - الوداع ای ملک ایران، الوداع».

گفتار و رفتار شاه در آن روز نشانه پایان کار سلطنتش بود. با این رفتار و این سخنان، در حقیقت اذهان را برای شنیدن خبر تسلیم آماده کرد. جز این هم چاره‌ای نمانده بود. سپاه سرما در راه بود و سپاه قزلباش نه رمق مقاومت داشت و نه روحیه جنگیدن. در بازگشت به قصر، شاه سلطان حسین پیامی برای محمود فرستاد و آمادگی خود را برای تسلیم بدون شرط اعلام داشت.

متعاقباً، مذاکراتی بین نمایندگان دربار اصفهان و فرمانده شورشیان آغاز شد. مذاکراتی که کم و کیف مبادله قراردادهای و تسلیم شهر از سوی پادشاه شکست خورده به سردار فاتح را در بر می‌گرفت. هنگامی که همه چیز آماده شد محمود، اسبی زین و یراق کرده برای شاه فرستاد تا بر آن سوار شود و به فرح‌آباد برود. در اصطبل شاهی تنها سه شتر باقی مانده بود که شاه سلطان حسین، روز دوم آبان (۲۴ اکتبر ۱۷۲۲) وقتی عازم حرکت شد دستور داد آنها را بکشند و گوشتشان را بین گرسنگان قسمت کنند.

شاه، در حالی که گروهی از درباریان و سران لشکر او را همراهی می‌کردند روانه دیدار محمود افغان شد. این عده در حالی که چشم بر زمین دوخته بودند آهسته حرکت می‌کردند و اهالی با سکوتی غم‌انگیز و چشمانی اشک‌آلود آنان را بدرقه می‌کردند. در گزارش نماینده شرکت انگلیسی هند شرقی آمده است: «مقرر گردید که شاه شخصاً به اردوی دشمن رفته در آنجا سرنوشت زندگی و سلطنت خود را به اختیار محمود واگذار کند. پادشاه قوی شوکت ایران نیمه شب یازدهم محرم ۱۱۳۵ بدون هیچ‌گونه جلال و جبروت و شکوه و وقار سلطنتی از قصر خود خارج شد. او همانند فردی بینوا و پریشانحال لباس پوشیده بود. از آنجا که غم و اندوه از سر و روی ملازمانش می‌بارید چنین می‌مود که مراسم تشییع رسمی آن اعلیحضرت صورت می‌گیرد».



اصفهان

خوشش نیامده است. جقه را از امان‌الله بازگرفت و پیش رفت و به دست خود آن را بر کلاه محمود - که همچنان نشسته بود - نصب کرد. بعد، بازگشت و در جای خود نشست. آنگاه حاضران قهوه و شربت نوشیدند و محمود رو به پادشاه کرده گفت من عهد کرده‌ام که همیشه ترا به‌جای پدر بدانم.

به‌روایت «کروسینسکی» شاه از محمود خواست او را پدر بداند، زنان او را محترم بدارد، شاهزادگان را برادران خود بداند، برابر رسم دربار ایران حرمسرا را در رفاه نگهدارد و کشور را به‌خوبی اداره کند. رفتار شاه موجب شد محمود از در ملایمت درآید. حالتی انسانی به خود گرفت و از شاه دعوت کرد در کنار او بنشیند. در این موقع، شاه فرمانی را مبنی بر تفویض تاج و تخت به محمود افغان که به‌توشیح خودش و امضای وزیرانش رسیده بود از آستین درآورد و تسلیم محمود کرد. سپس بزرگان کشور در برابر شاه جدید سر فرود آوردند و بر زانوی او بوسه زدند. همان روز اصفهان، بدون درگیری، به‌تصرف سر یازان افغان درآمد.

در شماره آینده: حکومت و حکومتگران جدید

و خواری دیگری هم در برابر داشت. چون به پای کوه صفه رسید از فرح‌آباد پیامی زننده رسید که اطلاع می‌داد محمود خفته است. افغانها پس از آن که شاه و همراهانش را مدتی در زیر آفتاب نگهداشتند از سر لطف به آنها اجازه ادامه حرکت دادند!

یک راهب فرقه کرملی - الکساندر زیگیسموند - که خود ناظر قضایا بوده است حکایت می‌کند: «شاه ساعت ۱۱ شب بر اسب نشست. چشمانش پر از اشک بود. بیست و چهار تن از ملازمان به دنبال او تاج سلطنتی را حمل می‌کردند. بر این تاج کوچک یک الماس درشت و یک پر بلند نصب شده بود. شاه، ناگزیر از لابلای اجساد پراکنده در شهر به حرکت درآمد تا به دست خود تاج و تخت صفوی را تسلیم دشمن خونخوار کند. ناظر خرج کمپانی هلند، یک کشیش انگلیسی، آقای فراست، دوازده مرد و زن ایرانی و نگارنده این سطور شاهد ماجرا بودیم. شاه از یکی از غلامان دستمالی گرفت تا اشک خود را پاک کند».

کروسینسکی می‌نویسد: «هرچند که ذهن مردم برای تماشای

علی وکیلی‌راد، این «قاتل بیگناه» و نقش او در توطئه قتل دکتر شاپور بختیار

بازنش

(تاریخ نشر در کیهان لندن: خرداد ۱۳۸۹ شماره ۱۰ - ۱۳۰۹)

داروهای گیاهی و سنتی تجویز می‌کرد. آشنایانش عقیده داشتند او کتاب «تحفه حکیم مؤمن» اثر معروف «محمد مؤمن» طبیب مخصوص شاه سلیمان صفوی را خوانده و برای مداوای بیماری‌ها از دستورهای او استفاده می‌کند. جالبترین طبابتی که از سید شنیدم مداوای بیماری آنژین شاه در آستانه سفر او به اتحاد جماهیر شوروی بود.

بعد از خاتمه جنگ، دوران نزدیکی اتحاد جماهیر شوروی با کشورهای همسایه فرا رسید. شوروی‌ها از شاه دعوت کردند به آن کشور سفر کند. از گوشه و کنار شنیده می‌شد عده‌ای از رجال - البته به صلاح دید کشورهای غربی به ویژه آمریکا - با این سفر نظر موافق ندارند. دو روز قبل از شروع این سفر، سید ضیاء برای دیدار شاه و خداحافظی به ملاقات او رفت. آن روز سید تازه وارد کاخ شده بود که یکی از رؤسای تشریفات به دیدن او جلو آمد و گفت:

- اعلیحضرت بیمار و بستری هستند و به توصیه پزشکان کسی را نمی‌پذیرند.

سید او را کنار زد و گفت:

- من «کسی» نیستم. برو به عرض برسان برای دیدن ایشان آمده‌ام.

سید این را گفت و به راه افتاد. وقتی به اتاق خواب رسید، با یکی دیگر از رؤسای تشریفات روبرو شد. او هم سعی داشت به سید بفهماند که شاه کسی را نمی‌پذیرد. آنها که مشغول جر و بحث بودند، گاهی در اتاق باز می‌شد، کسی می‌رفت و کسی می‌آمد. شاه صدای سید ضیاء را شناخت. دستور داد او را به اتاق راهنمایی کنند.

ظاهر حال شاه نشان می‌داد تب شدیدی دارد. در کنار تختخواب تعدادی شیشه دوا و جعبه‌های قرص روی میز دیده می‌شد و عده‌ای از پزشکان نظامی و غیرنظامی و ژنرالها جمع بودند. شاه خطاب به سید گفت:

- تب سختی کرده‌ام. حالم بد است.

سید گفت:

- و حتماً پزشکان به اعلیحضرت توصیه کرده‌اند از رفتن به سفر خودداری فرمایید.

شاه از این سخن یکه خورد:

- بله... بله... تب شدیدی دارم. قادر به حرکت نیستم. پزشکان «آنژین» تشخیص داده‌اند.

سید از جا برخاست، به طرف شاه رفت، نبض شاه را گرفت، چشم و زبان شاه را معاینه کرد و گفت:

- همین طور است. تب شدید است، ولی اعلیحضرت به سفر خواهند رفت.

شاه با حیرت گفت:

- با این تب؟

سید ضیاء جواب داد:

- خیر، بدون این تب!

بعد دستور داد هر چه دوا، قرص، شربت و آمپول

کنار تخت شاه بود بردارند. گفت:

- من تب اعلیحضرت را ظرف چند ساعت پایین می‌آورم. فقط باید قول بدهید هیچیک از پزشکان اینجا نمانند و هیچ

یک از این دواها را هم نخورید.

برای اطلاع سادچیکف بازگو کرد، نیش سفیر شوروی به نوبه خود تا بناگوش باز شد.

به این ترتیب سید ضیاء‌الدین طباطبائی در روز اول فروردین 1325 به جای نشستن مقابل سفره هفت سین منزلش به دستور قوام‌السلطنه طبق ماده پنج حکومت نظامی زندانی شد. او تا روز 27 اسفند آن سال در زندان شهربانی بازداشت بود که سرانجام در آن روز به علت بیماری



شاپور بختیار

به منزل منتقل شد.

سید در این دوره تا اردیبهشت 1330 فعالیت زیادی نداشت. پس از ترور رزم‌آرا، دولت محلل حسین علاء روی کار آمده بود، اما بازیگران پشت صحنه ترتیبی داده بودند که سید ضیاء‌الدین طباطبائی را به نخست وزیری انتخاب کنند. در ششم اردیبهشت علاء به طوری غیرمنتظره استعفا داد. دکتر مصدق و یارانش مشکوک شدند و چون به آنها خبر رسید که سید هم اکنون در کاخ سلطنتی نشستند و منتظر ابراز تمایل مجلس است، دکتر مصدق که بارها و بارها پیشنهاد نخست وزیری را رد کرده بود، آن روز همین که جمال امامی پیشنهاد کرد دکتر مصدق نخست وزیر شود تا خودش مسأله نفت را حل کند، او پذیرفت و در میان بهت و حیرت نمایندگان که منتظر بودند کلمه «نه» را از دهان او بشنوند تا سید را به نخست وزیری برسانند، دکتر مصدق با رأی نمایندگان به نخست وزیری رسید و دوره جدیدی در تاریخ معاصر آغاز شد.

سید در طول 27 ماه نخست وزیری دکتر مصدق فعالیت زیادی نداشت. او تا 28 مرداد 1332 عملاً خانه نشین بود. اما بعد از آن به عنوان مشاور شاه هفته‌ای یک روز به کاخ می‌رفت و درباره مسائل سیاسی اظهارنظر و راهنمایی می‌کرد.

طبابت سید ضیاء

از جمله علومی که سید ادعا می‌کرد در آن تبحر دارد علم پزشکی بود. امکان نداشت کسی در حضور سید ضیاء‌الدین طباطبائی از یک بیماری سخت یا از دردی مختصر در نقطه‌ای از بدن شکوه بکند و سید بی‌درنگ به منظور مداوای او دستورهای ندهد. سید ضیاء‌الدین طباطبائی به داروهای «اسپسیالته» اعتقادی نداشت. او برای مداوای بیماری‌ها

علی وکیلی‌راد، یکی از آدمکشان اعزامی برای کشتن دکتر شاپور بختیار که اخیراً از زندان آزاد و از فرانسه اخراج شد، در تهران مورد استقبال رسمی قرار گرفت. معاون وزارت امور خارجه به گردن او گل آویخت و مقامات رسمی رژیم بر بیگناهی او اشک ریختند. در منتهای وقاحت گفته شد علی وکیلی‌راد بی‌گناه به زندان رفت و نوزده سال از عمر عزیز خود را در زندان فرانسه گذراند. خود او هم مدعی شد که از جهنم نجات یافته و به بهشت بازگشته است. برای اثبات «بی‌گناهی» این جلا، مدرکی بهتر از اوراق پرونده و صورجلسه دادگاه محاکمه متهمین به قتل بختیار وجود ندارد. با استفاده از کتاب «در دادگاه قاتلان بختیار» گردآورده پری سکندری، بخش کوچکی از این پرونده را که منحصراً به وکیلی‌راد مربوط می‌شود برای مطالعه شما برگزیده‌ایم که می‌خوانید.

... طی هشت سال، از اسفند 1323 (از دوره چهاردهم تا آغاز نخست وزیری دکتر مصدق) سید ضیاء‌الدین طباطبائی رهبر اکثریت مجلس شورای ملی و گرداننده اصلی سیاست مملکت بود. او که در آغاز کار با همکاری مظفر فیروز مبارزه شدیدی را علیه دربار شروع کرده بود به تدریج به شاه نزدیک شد.

طی این سالها سید فراز و نشیبهای فراوان دید، فحشها شنید، به زندان افتاد. در جریان وقایع آذربایجان و مسأله نفت او حامی ساعدالوزاره (محمد ساعد)، صدراالاشرف (محسن صدر) و حکیم الملک (ابراهیم حکیمی) نخست وزیران آن زمان بود، ولی این رجال دوره‌های گذشته قادر نبودند بر اوضاع آشفته کشور مسلط شوند. سرانجام شاه و مجلسیان دست به دامان احمد قوام شدند. او وقتی در سفر مسکو از استالین و مولوتف این گله را شنید که «دولت ایران دم از دوستی با اتحاد جماهیر شوروی می‌زند، ولی در همان حال دشمنان قسم خورده شوروی مانند سید ضیاء‌الدین طباطبائی و جمال امامی آزادانه به فعالیت مشغول هستند» با کمک مظفر فیروز برنامه ریزی کرد تا نمایندگان مجلس چهاردهم که سعی می‌کردند به عنوان جلوگیری از دخالت اشغالگران خارجی، آن دوره را تمدید کنند، موفق نشوند نقشه خود را عملی سازند. در نتیجه به محض آنکه عمر مجلس به پایان رسید، مأموران شهربانی سید را گرفتند و به زندان انداختند. 24 سال قبل (از آن) سید ضیاء پس از کودتا قوام‌السلطنه را زندانی کرد. اکنون نوبت قوام نخست وزیر بود که سید را به زندان ببندازد.

قوام‌السلطنه چنان صحنه آرای کرده بود که درست در لحظه‌ای که «سادچیکف» سفیر جدید اتحاد جماهیر شوروی در کاخ نخست وزیری از فعالیت‌های مخرب سید ضیاء و عواملش شکوه می‌کرد، سرتیپ صفاری رئیس شهربانی وقت اجازه ورود خواست و دست را به علامت احترام بالا برد و خطاب به قوام با لهجه گیلانی شیرین خودش - که تا آخر عمر حفظ کرده بود - گفت:

- بدینوسیله به اطلاع جناب اشرف می‌رساند که بر اثر دستور آن جناب، سید ضیاء‌الدین طباطبائی نماینده سابق مجلس تحت بازداشت درآمد و هم اکنون که مشغول عرض این گزارش هستم، او در راه زندان می‌باشد. لبهای قوام زیرک به خنده باز شد. وقتی مترجم جریان را

بعد نگاهی به دکتر عبدالکریم ایادی پزشک مخصوص شاه کرد و گفت:
- البته تیمسار ایادی استثنا هستند. ایشان هم فقط باید کارهای مرا نگاه کنند. اگر چیزی به نظرشان خلاف مصلحت آمد تذکر بدهند!
بعد سید گفت:
- اگر اعلیحضرت دستور بدهند اتاق خلوت شود کار بهتر انجام خواهد شد.
شاه نگاهی به رؤسای تشریفات، ژنرالها و پزشکان کرد که نشان می‌داد منظورش آن است که به سخنان سید گوش بدهند. سید ضیاء گفت که دو سه نفر همانند و به یکی از آنها گفت:

- زود یک تشت بزرگ بیاورید.
رئیس تشریفات به شاه نگاه کرد. شاه با اشاره سر حرف سید را تأیید کرد. او رفت و پس از ربع ساعت با یک تشت کوچک برگشت.
سید تقریباً فریاد کشید:
- من گفتم تشت بزرگ. تشت مسی! پلاستیکی هم باشد مانع ندارد.
و به دنبالش او، سید یک نفر دیگر را دنبال یک پارچ آب نیم گرم و دو حوله بزرگ، و سومی را به منظور آوردن نمک فرستاد.

سید چیزهایی می‌خواست که معمولاً در کاخ سلطنتی پیدا نمی‌شد یا از نوع کوچک و لوکس آن بود، به این جهت آن روز چند بار عصبانی شد. او هر وقت عصبانی می‌شد زبانش می‌گرفت و هر وقت زبانش می‌گرفت بیشتر عصبانی می‌شد. سرانجام همه چیز آماده شد. نمک آشپزخانه، تشت بزرگ، آب نیم گرم، حوله، سید آب و نمک را در تشت ریخت. خوب هم زد. کتکش را کند. آستینهایش را بالا زد و دستور داد تشت را کنار تختواب شاه بردند. به شاه اشاره کرد پاهایش را یکی یکی داخل تشت پر از آب بکند.

به سپهبد دکتر ایادی - سرلشکر آن زمان - دستور داد نمک را در تشت آب بریزد و به هم بزند. به یک ژنرال گفت پاهای شاه را یکی یکی ماساژ بدهد و به یکی از رؤسای تشریفات دستور داد پاها را با حوله خوب خشک کند.

آن روز سید ضیاءالدین طباطبائی - نخست وزیر پیشین ایران - تا نیمه‌های شب در کاخ ماند. عمل پاشویه را چند بار تکرار کرد. برای تقویت قلب و عروق دستور چند نوع عرق گیاهی مثل عرق بیدمشک، عرق نعنا، عرق بهار نارنج و... داد. آخر شب دکتر ایادی هم قبول کرد تب شاه که بعد از ظهر بالای 39 درجه بود شکست و پایین آمد.

سید خسته و کوفته از جا بلند شد، برای روز بعد سفارشات کرد و از سعدآباد خارج شد. روز بعد با آنکه خبر داشت حال بیمارش بهتر شده، بازهم به عیادت او رفت تا مأموران معذور تصمیم شاه را جهت مسافرت عوض نکند. حال شاه خوب شد و با وجود نفاقت آمادگی داشت که به سفر برود.

چند روز بعد اشرف، سید را دید و گفت:
- شما چه افسونی خواندید که برادرم را به آن سرعت معالجه کردید؟
سید گفت:

- هیچ. فقط خواستم نشان بدهم که طب سنتی ما از طب مدرن مؤثرتر است.

وقتی کودتاچی جلو کودتا را می‌گیرد!
یک نیمه شب سال 1336 سید ضیاءالدین طباطبائی به

دربار تلفن کرد که برای امر مهمی باید فوراً شاه را ملاقات کند. او به امیران کشیک شبانه کاخ گفت: «به شاه اطلاع بدهید آماده باشند. من هم اکنون برای امر مهمی به کاخ می‌آیم» و بدون آنکه منتظر تأیید یا مخالفت امیران کشیک دربار باشد به سوی سعدآباد حرکت کرد.

سید ضیاء وقتی به سعدآباد رسید، دقایقی از دو بعد از نیمه شب گذشته بود. رسم دربار شاه آن بود که علاوه بر افسران گارد که کشیک داشتند، هر شب دو تن از امیران مورد اعتماد شاه تا صبح بیدار می‌ماندند. وقتی سید وارد کاخ شد، امیران کشیک که او را می‌شناختند به استقبالش رفتند و احترام نظامی به جای آوردند. سید عرض سلام و جواب با عجله پرسید:

- آیا به اعلیحضرت گفته‌اید به دیدنش می‌آیم؟
آنها جرأت نکرده بودند شاه را برای چیزی که از اهمیت آن اطمینان نداشتند بیدار کنند. بیدار کردن شاه در نیمه شب دلیل قانع کننده‌ای لازم داشت. سید دلیلی ارائه نکرده بود.

- من نشنیده و ندانسته چطور می‌توانم قول بدهم!
سید جواب داد:
- اعلیحضرت، موضوع جدی است. قول شما هم لازم است. چون فقط با این شرط جریان را به اطلاع من رسانده‌اند. شاه می‌دانست سید ضیاء بی دلیل حرفی نمی‌زند. قبول کرد. سید گفت:
- شرط اول آن است که اعلیحضرت سؤال نفرمایند چه کسی خبر را به من داده و من چگونه از ماجرا مطلع شده‌ام. قول دوم آن است که دستور اعدام هیچکس صادر نشود!
لحظه به لحظه بر حیرت شاه افزوده می‌شد. با لحنی که کمی نگرانی از آن آشکار بود گفت:
- در هر دو مورد قول می‌دهم. حالا زودتر جریان را شرح بدهید.

سید وقتی مطمئن شد، گفت:
- هم اکنون در یکی از پادگانهای تهران حالت آماده باش داده شده. سربازان مسلح با تانکهای مجهز آماده حرکت به



علی وکیلی‌راد، محمد آزادی و فریدون بویراحمدی قاتلان دکتر شاپور بختیار

سوی کاخ هستند!
رنگ شاه پرید. به شدت تکان خورد:
- یعنی خیلی ساده می‌خواهید بگویند کودتایی در حال وقوع است؟
سید جواب داد:

- همین طور است قربان و برای همین من اینقدر عجله داشتم، ولی امیران کشیک اعلیحضرت ساعتی از وقت گرانهارا هدر دادند. اما هنوز وقت باقی است.

شاه سعی کرد اقدام عجولانه‌ای نکند، چون فکر می‌کرد مقامی یا کسی که از چنین ماجرای مهمی اطلاع پیدا کرده و جریان واقعه را به اطلاع او رسانده حتماً فکر چاره کار را هم کرده است. اتفاقاً این فکر درست بود. چون سید ادامه داد:

- هم اکنون و بدون فوت وقت به چند تن از افسران مورد اعتماد خود دستور بدهید در رأس یک گروه مکانیزه از افراد گاردی به آن پادگان (سید اسم پادگان را به شاه گفت) بروند. گروههای دیگر در اینجا آماده دفاع باشند تا اگر آنها موفق نشدند جلوی حمله را بگیرند تا در اینجا اغفال نشویم.
سید سپس ادامه داد:

- افسرانی که به پادگان می‌روند باید بلافاصله افسران یاغی را بازداشت و سربازان را خلع سلاح کنند و چاشنی قسمت (این یک اصطلاح فنی بود) تانکها را از کار بیندازند تا قادر به انجام عملیات تهاجمی نباشند.

شاه بلافاصله فرمانده گارد را احضار کرد و دستوراتی

شاه شبها دیروقت به اتاق خواب می‌رفت و آن شب دیرتر از همیشه رفته بود. دو امیر با تردید به هم نگاه می‌کردند که سید نگاهی به ساعت خود کرد و گفت:

- ساعت نزدیک دو و نیم بعد از نیمه شب است. اگر شما تا قبل از ساعت 3 اعلیحضرت را به اینجا نیاورید یا مرا نزد ایشان نبرید، مسئولیت همه رویدادها با شما خواهد بود!
تهدید سید چنان قاطع و صریح بود که بلافاصله یکی از آنها رفت تا جریان را به اطلاع شاه برساند. چند دقیقه نگذشته بود که شاه خواب آلود در حالی که ربدو شامبری به تن داشت وارد دفتر شد. وقتی در آنجا چشمش به سید افتاد، گفت:

- چه شده؟ این وقت شب به دیدن من آمدید؟
سید در حالی که کلاه پوست خود را از سر بر می‌داشت، گفت:

- اعلیحضرت، مسأله مهمی بود که لازم دانستم شخصاً به خدمت برسم!

شاه قیافه‌ای به خود گرفت که نشان می‌داد آماده شنیدن سخنان سید است، اما او نگاهی به آن دو امیر کرد. شاه متوجه شد. با سر به آنها اشاره کرد به اتفاق دیگر بروند.

وقتی سید با شاه تنها ماند، بار دیگر نگاهی به ساعت خود کرد. هنوز چند دقیقه به ساعت 3 مانده بود. گفت:

- خبر بسیار مهمی دارم، ولی اعلیحضرت قبلاً باید در دو مورد قول بدهند.

شاه با خنده‌ای تصنعی گفت:

داد و در همان حال تلفنهایی کرد. در این لحظه رنگ شاه به شدت پریده بود. او در حالی که تند تند در اتاق قدم می‌زد گفت:

«کودتایی علیه من در حال انجام است، آن وقت شما از من قول گرفته‌اید به عاملین کودتا کاری نداشته باشم. علاوه بر آن نیرسم چه کسی این کودتا را لو داده، چون احتمالاً خود آنها مشوق کودتا بودند که بعداً به علی منصرف شدند. اما باز خوب است از من نخواستید به آنها نشان و مدال هم بدهم! سید بار دیگر نگاهی به ساعت خود کرد تا شاه را متوجه حساسیت وضع کند. آنگاه گفت:

«علیحضرت می‌دانند که من در زمینه کودتا اطلاعات کافی دارم. یک بار کودتا کردم. پدر علیحضرت به تخت نشست. این بار آدم جلوی کودتایی را بگیرم تا علیحضرت راحت به تخت بنشینند. اگر من از علیحضرت خواسته‌ام قولی بدهند، به جهت این است که فقط به این شرط آن اطلاعات بسیار مهم به من داده شده است.

شاه نگاهی به ساعت دیواری کرد. چند دقیقه از ۳ صبح گذشته بود. آیا این یک شوخی بود یا واقعاً جدی است. یک بار دیگر به وسیله تلفن داخلی از وضع جویا شد تا ببیند ستورانی که داده عمل شده یا کودتاچیان در کاخ هم عواملی داشته‌اند. او می‌دانست کودتا شوخی‌بدار نیست. کوچکترین غفلتی می‌تواند حوادث مهمی به بار بیاورد. در همان ایام در عراق و سوریه چند کودتا به وقوع پیوسته بود. وقتی شاه فمید یک تیپ مکانیزه از لشکر گارد در راه پادگان مورد نظر است و در کاخ هم حالت آماده باش داده شده، بار دیگر رو به سید ضیاء کرد و گفت:

«من می‌دانم شما در زمینه کودتا اطلاعات زیادی دارید، اما این هم درست نیست که من عاملان کودتا را آزاد بگذارم. این کار مشوق آنها برای اقدامات بعدی خواهد شد. سید جواب داد:

«من نگفتم علیحضرت آنها را آزاد بگذارند. خواهش من فقط آن بود که آنها را اعدام نکنید. شما هم قول دادید! به شنیدن این حرف خیال شاه راحت شد.

کودتا همان شب سرکوب شد. هیچیک از عاملان کودتا اعدام نشدند، اما همه از مشاغل خود برکنار شدند و بیشترشان زندانی شدند. سید از گفتن نام عاملان کودتا به نگارنده خودداری کرد. بعدها که جریان کودتای سپهبد قرنی برملا شد فکر کردم شاید این ماجرا مربوط به او باشد و یا یک کودتای دیگر که هرگز فاش نشد. اما فکر می‌کنم انگلیسی‌ها باعث لو رفتن کودتا بودند. انتخاب سید برای رساندن پیام به شاه احتمال دخالت آنها را زیادتر می‌کند.

شاه بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به این نتیجه رسید که گذشته از رجال شاغل، با عده‌ای از رجال قدیمی رابطه برقرار کند و از آنها به عنوان واسطه بین خود و طبقات مختلف مردم استفاده کند. یکی از این مشاوران سید ضیاء‌الدین طباطبائی بود. سید ضیاء‌الدین طباطبائی که می‌دانست کودتای او باعث سلطنت رضاشاه و محمدرضا شاه شده، بعد از یک دوره کوتاه مخالفت و بی‌اعتنایی تصمیم گرفت نسبت به شاه حالت یک حامی و راهنما را پیدا کند. شاه هم که بعد از مدتی دانست سید با توجه به سن و سال بالایش دیگر هوسی در سر ندارد، به او اجازه می‌داد هر چه می‌خواهد بگوید.

سید ضیاء‌الدین طباطبائی هفته‌ای یک روز دوشنبه‌ها با شاه و شهبانو ناهار می‌خورد و با تجربه و علاقه‌ای که در امر کشاورزی و باغداری داشت، نظارت باغ بزرگ کاخ سعدآباد را هم به عهده گرفته بود. او وقتی در ناحیه سردسیر سعدآباد نخستین موز پرورشی را که به عمل آورده بود به شاه و شهبانو داد، آنها قبول کردند که سید اگر یک نخست وزیر ایده‌آل نیست، باغبان خوبی است...
ادامه دارد

هادی مطر با اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تماس بود؛ یک جوان ۲۴ ساله متولد آمریکا چرا باید بخواند سلمان رشدی را بکشد؟!

● پایگاه خبری «وایس» گزارش داد هادی مطر از طریق شبکه‌های اجتماعی با اعضای سپاه پاسداران در تماس مستقیم بود.

● یک مقام ناتو در بخش مبارزه با تروریسم از یک کشور اروپایی گفت شواهد نشان می‌دهد این حمله «هدایت شده» بوده و به نظر می‌رسد یک سرویس اطلاعاتی بدون حمایت یا مداخله مستقیم، از طریق یکی از هواداران (سپهات‌ها) این اقدام را کرده است.

● یک مقام اطلاعاتی خاورمیانه گفت: «مشخص است» که در مقطعی قبل از حمله، مطر با «افرادی که بطور مستقیم با نیروهای قدس سپاه پاسداران ارتباط داشته یا نزدیک به آن بوده‌اند، تماس داشته است.»

مقامات امنیتی آمریکا به پایگاه خبری «وایس» گفته‌اند هادی مطر ضارب سلمان رشدی نویسنده سرشناس بریتانیایی هندی‌تبار با اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ارتباط بوده اما هنوز هیچ مدرک رسمی وجود ندارد که رژیم ایران این حمله را سازماندهی کرده باشد.

پایگاه خبری «وایس» یکشنبه ۱۴ اوت (۲۳ مرداد) گزارش داد هادی مطر از طریق شبکه‌های اجتماعی با اعضای سپاه پاسداران در تماس مستقیم بود.

یک مقام «ناتو» (پیمان آتلانتیک شمالی) در بخش مبارزه با تروریسم از یک کشور اروپایی گفت شواهد نشان می‌دهد این حمله «هدایت شده» بوده و به نظر می‌رسد یک سرویس اطلاعاتی بدون حمایت یا مداخله مستقیم، از طریق یکی از هواداران خود (سپهات‌ها) این کار را کرده است.

این مقام ناتو که مجاز به دادن اطلاعات بیشتری درباره این پرونده نبود، گفت: «باید ارتباطات ضارب دقیق بررسی شود... تحقیقات بیشتر اطلاعات بیشتری در مورد ماهیت دقیق ارتباطات او آشکار خواهد کرد.»

بر اساس این گزارش، هیچ مدرکی وجود ندارد که مقامات جمهوری اسلامی در سازماندهی حمله به رشدی دست داشته باشند. مقامات امنیتی که تماس هادی مطر را از طریق شبکه‌های اجتماعی با عوامل سپاه پاسداران تأیید کرده‌اند، در مورد ماهیت این ارتباط توضیحی نداده‌اند زیرا تحقیقات هنوز تکمیل نشده است. آنها هنوز مشخص نکرده‌اند که چه کسی این تماس را آغاز کرده، چه زمانی انجام شده، یا در مورد چه چیزی در این ارتباطات صحبت شده است.

یک مقام اطلاعاتی خاورمیانه گفت: «مشخص است» که در مقطعی قبل از حمله، مطر با «افرادی که بطور مستقیم با نیروهای قدس سپاه پاسداران ارتباط داشته یا نزدیک به آن بوده‌اند، تماس داشته است.»

این مقام نیز که به دلایل دیپلماتیک می‌تواند در مورد پرونده صحبت کند، گفت: «مشخص نیست که آیا این ترور با حمایت مستقیم انجام شده یا یکسری خط و ربط و



«چشم شیطان کور شد» واکنش روزنامه «جام جم» وابسته به صدا و سیما جمهوری اسلامی به سوء قصد هادی مطر علیه سلمان رشدی

دستورالعمل برای انتخاب هدف به مطر داده شده است. «وی همچنین گفت: «یک جوان ۲۴ ساله متولد آمریکا خودسر سراغ سلمان رشدی نمی‌رود! در مقایسه با سایر دشمنان مدرنی که رژیم ایران به عنوان هدف تعیین کرده است حتی توجیه یک هوادار دلباخته‌ی جمهوری اسلامی نیز برای اینکه چرا باید سلمان رشدی را هدف قرار دهد کار سختی است.»

خانواده مطر اهل روستای یارون در جنوب لبنان هستند، منطقه‌ای که عمیقاً رژیم ایران و نیروهای حزب‌الله با هم در ارتباط هستند. حزب‌اللهی که جمهوری اسلامی در اوایل دهه هشتاد میلادی از بنیانگذاران اصلی آن به شمار می‌رود.

البته تا کنون هیچ نشانه‌ای مبنی بر پیوستن مطر به گروه حزب‌الله یا طی کردن آموزش نظامی در سفر به لبنان وجود ندارد. بر اساس گزارش رسانه‌های محلی، مقامات حزب‌الله از خبرنگاران خواسته‌اند تا از رفتن به روستای یارون خودداری کنند. یکی از فرماندهان رده میانی حزب‌الله از یک روستای مجاور یارون که بنا به دلایل امنیتی نخواست نامش مشخص شود، گفت: «بیشتر خانواده‌ها در یارون از مقاومت [حزب‌الله و جمهوری اسلامی] حمایت می‌کنند... اما این پسر ربطی به حزب‌الله ندارد، ما او را نمی‌شناسیم و نمی‌خواهیم درگیر دسیسه‌های بین‌المللی با افرادی شویم که نمی‌شناسیم.»

یک مقام ارشد امنیتی لبنان که به دلایل دیپلماتیک نخواست نامش اعلام شود گفت «ما هرگونه اطلاعاتی که برای تکمیل تحقیقات بتواند کمک کند ارائه خواهیم داد اما توانایی ما برای کمک کردن محدود است. بعید می‌دانم کسی قبول کند که به آن پسر برای آموزش ترور اعتراف کند. گروه‌هایی که درگیر چنین اقداماتی هستند حفاظت اطلاعات را کاملاً در نظرمی‌گیرند.»

این مقام اطلاعاتی خاورمیانه گفت «تعداد انگشت شماری از اعضای سپاه قدس وجود دارند که بدون اینکه نیاز به گرفتن تأیید از فرماندهان بالاتر حکومت داشته باشند برای انجام چنین اقداماتی خط و ربط مشخص کرده یا چنین حمله‌ای را هدایت می‌کنند، به ویژه در نیروهای امنیتی داخلی سپاه پاسداران و سازمان اطلاعات سپاه [ساز] که اغلب در تشکیلات‌شان رقبایی نیز دارند و سرشان به جناح‌های مختلف سیاسی وصل است.»

این مقام امنیتی همچنین افزود: «به نظر می‌رسد رویه‌ای وجود دارد که در آن اعضای سازمان‌های مختلف، عملیات‌های مستقل را برنامه‌ریزی و فعال می‌کنند، مانند ماجرای اخیر بولتون که در آن عوامل جمهوری اسلامی به قاتل‌ها پول نیز پیشنهاد می‌کنند.»

● رابرت مالی در مصاحبه با شبکه «پی‌بی‌اس» گفته «ایران باید دلیل وجود ذرات اورانیوم را توضیح دهد که هنوز این کار را نکرده. آژانس اصرار دارد بررسی کند مسئله چیست. این تحقیقات مربوط به اتفاقات ماقبل تاریخ نیست. آنها می‌خواهند بدانند که آن اورانیوم‌هایی که در آن سایت‌ها آثارش کشف شد امروز کجا هستند.»

● «ما هیچ مذاکره‌ای برای کاهش استانداردهای خود در مورد آنچه شرکت‌های اروپایی یا سایر شرکت‌ها در صورت تمایل به تجارت با ایران باید انجام دهند، نداشته و نخواهیم داشت. آنها باید به تحریم‌های ما احترام بگذارند.»

● «محدودیت‌های اصلی که جمهوری اسلامی را از داشتن مواد شکاف‌پذیر کافی برای ساخت بمب دور می‌کند تا سال ۲۰۳۱ ادامه خواهد داشت.»

● «هر آمریکایی در هر لباس و هر دیدگاهی باید محافظت شود که این شامل مقامات سابق هم می‌شود. ما در این مسئله همه یک موضع واحد داریم و فکر می‌کنم حکومت ایران این پیام را دریافت کرده است که اگر شهروندان ما را تهدید کند، قاطعانه پاسخ خواهیم داد.»

یکسال و نیم پس از آغاز مذاکرات فرسایشی برای «احیای برجام» میان جمهوری اسلامی و آمریکا با میانجیگری اروپا این گفتگوها همچنان بی‌نتیجه مانده است.

رابرت مالی نماینده ویژه ایالات متحده در امور ایران و نماینده آمریکا در مذاکرات اتمی وین که از حامیان پیگیر احیای برجام است در مصاحبه با برنامه «NewsHour» در شبکه «پی‌بی‌اس» که ۱۲ اوت (۲۱ مرداد) منتشر شد با اشاره به ادامه تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی تأکید کرده تا بر سر همه مسائل از جمله اختلافات جمهوری اسلامی و آژانس حل نشود هیچ توافقی صورت نخواهد گرفت.

در این مصاحبه «نیک شیفرین» درباره احتمال لغو تحریم‌های جمهوری اسلامی، اختلافات آژانس با رژیم ایران و اقدامات تروریستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی علیه منافع آمریکا پرسش‌هایی را با رابرت مالی مطرح کرده است.

- آیا در مورد لغو تحریم‌ها توافقی با جمهوری اسلامی کردید؟
- هیچ توافقی وجود ندارد زیرا تا زمانی که درباره همه چیز توافق نشود، درباره هیچ چیزی توافق نمی‌شود. موضع ما همانطور که از روز اول گفته‌ایم روشن است. اگر ایران مسائلی را که گفتیم حل کند، ما آماده هستیم که به توافق هسته‌ای بازگردیم. ما آماده کاهش تحریم‌ها هستیم اما جمهوری اسلامی باید گام‌هایی را که مشخص شده بردارد.

- جمهوری اسلامی ایران خواستار امتیازی خارج از توافق است که بخشی از آن درخواست برای توقف تحقیقات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد اورانیوم کشف شده در سایت‌های اعلام نشده است در حالی که آژانس می‌گوید جمهوری اسلامی در مورد آنها پاسخ معتبری نداده و می‌خواهد پرونده این تحقیقات بسته شود. آیا ایالات متحده در مورد این تحقیقات امتیازی خواهد داد؟

- نه، باز هم این را روشن اعلام کردیم... مواضع خود را روشن بیان کردیم تا همه بشنوند، ما هیچ فشاری به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای بستن مسائل باقی مانده وارد نمی‌کنیم. پرونده زمانی بسته خواهد شد که ایران از نظر فنی پاسخ‌های معتبری را که آژانس از آنها خواسته است، ارائه دهد. به محض اینکه آنها این کار را انجام دهند و به محض اینکه آژانس رضایت دهد، ما هم رضایت می‌دهیم، اما قبل از آن نه. - آیا هیچ‌گونه توافق سیاسی و نه فنی، می‌تواند در این مورد انجام شود، واضح‌تر بگویم جمهوری اسلامی ایران معتقد است در توافق هسته‌ای اولیه بر سر مسائل پادمانی توافق شد و پرونده آن بسته شد و بررسی اقدامات قبلی نمی‌تواند مانع از توافق جدید شود. شما چه می‌گویید؟

رابرت مالی در مصاحبه با «پی‌بی‌اس»: تا بر سر همه چیز توافق نشود هیچ توافقی در کار نیست؛ برای توافق رضایت آژانس مهم است

ما فکر می‌کنیم مسائل پادمانی [مرتبط با ابعاد نظامی پروژه‌های اتمی جمهوری اسلامی] همچنان به قوت خود باقیست، ایران باید دلیل وجود ذرات اورانیوم را توضیح دهد که هنوز این کار را نکرده. آژانس اصرار دارد بررسی کند مسئله چیست. این تحقیقات مربوط به اتفاقات ماقبل تاریخ نیست. آنها می‌خواهند بدانند که آن اورانیوم‌هایی که در آن سایت‌ها آثارش کشف شد امروز کجا هستند و مطمئن شوند همه چیز تحت مقررات پادمانی آژانس قرار دارد. بنابراین ایران باید توضیح دهد این ذرات اورانیوم مربوط به چیست و کجا



رابرت مالی مسئول امور ایران وزارت خارجه آمریکا

هستند. هیچ راه فراری هم وجود ندارد.

- آیا آمریکا حاضر است به شرکت‌های غیرآمریکایی این امتیاز را بدهد که با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تجارت کنند و اساساً تحریم‌های آمریکا را دور بزنند؟

ما هیچ مذاکره‌ای برای کاهش استانداردهای خود در مورد آنچه شرکت‌های اروپایی یا سایر شرکت‌ها در صورت تمایل به تجارت با ایران باید انجام دهند، نداشته و نخواهیم داشت. آنها باید به تحریم‌های ما احترام بگذارند. تحریم‌ها به خوبی مشخص شده است. وزارت خزانه‌داری استانداردهای بسیار روشنی را برای کارهایی که شرکت‌ها باید انجام دهند و نوع بررسی دقیقی که باید انجام دهند، ارائه می‌کند. هر گزارشی بر خلاف این، که ادعا کند ما آن استانداردها را پایین می‌آوریم و بر سر استانداردها مذاکره خواهیم کرد، کاملاً اشتباه است.

- در مورد لغو تحریم‌ها، ایران چقدر امتیاز می‌گیرد؟ بعضی می‌گویند رژیم ایران به ده‌ها میلیارد دلار از پول‌های بلوکه شده خود دسترسی پیدا می‌کند و می‌تواند ده‌ها میلیارد دلار بیشتر نفت بفروشد.

- توجه کنید، من به شما عدد نمی‌دهم، زیرا عدد گفتن بیشتر گمانه‌زنی است. اما می‌توانم بگویم دارایی‌هایی هستند که مسدود شده‌اند، پول‌ها مربوط به زمانی است که ایران تحریم نبود و نفت می‌فروخت و اکنون در حساب‌های بانکی در سراسر جهان است. اگر آنها به توافق هسته‌ای پایبند باشند،

می‌توانند به آنها دسترسی پیدا کنند. البته قبلاً می‌توانستند نفت بفروشند و در آمد آن را به دست آورند و اکنون قادر به انجام آن نیستند اما باید گوشزد کنیم که به چه دلیل تحریم شدند؟! این تحریم‌ها برای دستیابی به توافق برای محدود کردن برنامه هسته‌ای آنها و اطمینان از اینکه ایران نمی‌تواند به سلاح هسته‌ای دست یابد، اعمال شد... از وقتی پرزیدنت ترامپ تصمیم گرفت از توافق خارج شود، برنامه هسته‌ای ایران تشدید شد و رفتارهای منطقه‌ای خود را تهاجمی‌تر کرد. - محدودیت‌هایی که ایران در برجام سال ۲۰۱۵ با آن موافقت کرد، شامل «بندهای غروب» نیز می‌شود که یکی از اولین بندها مربوط به سال ۲۰۲۳ است و بعد به آنها اجازه تولید با سانتریفیوژهای پیشرفته داده می‌شود. چرا فکر می‌کنید هنوز هم این معامله ارزش احیا دارد؟! آنهم در حالی که فقط یکسال تا زمان انقضای استفاده از سانتریفیوژهای پیشرفته باقی مانده است؟!!

- این اتفاقی نیست که دقیقاً می‌افتد. در سال ۲۰۲۳ آنها می‌توانند تحقیقات و توسعه بیشتری بر روی برخی از سانتریفیوژهای پیشرفته انجام دهند اما اجازه نصب آن را ندارند. بیا بیاید موضوع را اینگونه نگاه کنیم. محدودیت‌های اصلی که جمهوری اسلامی را از داشتن مواد شکاف‌پذیر کافی برای ساخت بمب دور می‌کند تا سال ۲۰۳۱ ادامه خواهد داشت. وضعیتی که امروز در آن قرار گرفتیم نتیجه خروج ترامپ از برجام است و ایران تنها چند هفته با دستیابی به مواد شکاف‌پذیر کافی برای ساخت بمب فاصله دارد. بنابراین، اگر می‌توانستیم به توافقی دست بیایم که ایران را چندین ماه از داشتن مواد شکاف‌پذیر کافی برای بمب دور کند، باید این را با واقعیتی که امروز در آن زندگی می‌کنیم مقایسه کنیم.

- اروپایی‌ها می‌گویند متنی که پیشنهاد داده‌اند متن نهایی معامله است. آیا اینطور است؟

- اروپایی‌ها که هماهنگ کننده مذاکرات‌اند معتقدند در پیشنهادی که ارائه داده‌اند حداکثر منافع دو طرف در آن در نظر گرفته شده و نمی‌خواهند فراتر از آنچه روی میز گذاشته‌اند درباره چیز دیگری بحث کنند. ما هم در حال بررسی متن هستیم تا مطمئن شویم که مطابق با دستورالعمل رئیس جمهور است و بسیار واضح در مورد معامله اعلام کرد که باید مطابق منافع امنیت ملی ایالات متحده باشد.

- وزارت دادگستری آمریکا این هفته یکی از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به توطئه برای ترور جان بوتنون مشاور سابق امنیت ملی آمریکا متهم کرد. آیا اقدامات تهدیدآمیز جمهوری اسلامی برای ترور مقامات ارشد سابق به تلافی ترور قاسم سلیمانی ادامه خواهد داشت؟ و آیا تداوم این تهدیدات شما را نگران نمی‌کند؟

- من وارد اقداماتی که وزارت دادگستری انجام داده نمی‌شوم و آنچه اعلام کرده‌اند گویاست. اما آنچه را وزیر خارجه و مشاور امنیت ملی گفته‌اند تکرار می‌کنم و آن این است که طبق گفته‌های رئیس‌جمهور هر آمریکایی در هر لباس و هر دیدگاهی باید محافظت شود که این شامل مقامات سابق هم می‌شود. ما در این مسئله همه یک موضع واحد داریم و فکر می‌کنم حکومت ایران این پیام را دریافت کرده است که اگر شهروندان ما را تهدید کند، قاطعانه پاسخ خواهیم داد.

گفتنی است که این مصاحبه اندکی پیش از آن منتشر شد که سلمان رشدی نویسنده انگلیسی- هندی که فتوای قتل وی در ۱۴ فوریه ۱۹۸۹ توسط روح‌الله خمینی رهبر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی صادر شد، در آغاز یک سخنرانی در غرب نیویورک هدف سوء قصد قرار گرفت. وی که از ناحیه گردن با ضربات چاقو زخمی شده بود به بیمارستان منتقل شد. ضارب یک جوان ۲۴ ساله ساکن نیوجرسی و طرفدار حزب‌الله لبنان و جمهوری اسلامی بلافاصله دستگیر شد.

بازنش

نون والقلم و ما «لا» یسطرون! سلمان رشدی و آیه‌های شیطانی‌اش

می‌توان از طلسم آن رهایی یافت. اینک نویسنده مهاجر و تبعیدی آن (مهاجر از هند به انگلستان و تبعیدی از زندگی به وادی مرگ) گمان می‌کند به خاطر شیطنت ادبی‌اش بخشوده می‌شود. اگرچه شاید او به راحتی می‌توانست به وطن خود سفر کند، اما بعید به نظر می‌رسد بتواند به آسودگی در تبعید زندگی خویش را سر کند.

ماجرای رشدی یک نمونه دردناک و بی نظیر در تاریخ ادبیات است. به راستی، چرا؟

ماجرای رشدی

سلمان رشدی در ۱۹۶۷ در بمبئی به دنیا آمد و در چهارده سالگی با خانواده خود که به دلیل مسلمان بودن مورد آزار

و بنیانگذار جمهوری اسلامی یکسال پس از انتشار رمان «آیه‌های شیطانی» فتوای قتل سلمان رشدی را در ۱۴ فوریه ۱۹۸۹ اعلام کرد. بعدها برای اجرای این فتوا جایزه میلیونی نیز از سوی مقامات رژیم ایران تعیین شد.

این گزارش درباره سلمان رشدی و محتوای رمان وی تقریباً ۲۵ سال پیش در کیهان لندن چاپ شد.

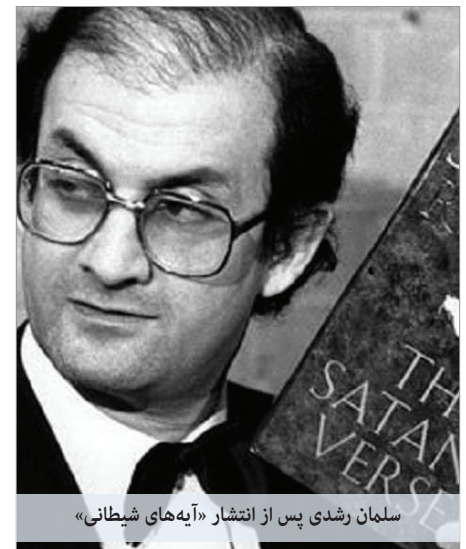
الاهه بقراط (بازنشر از مهرماه ۱۳۷۷) - اندیشه مرز ندارد. آن را کرانه‌ای نیست. بیان و تصویر آن لیکن مرزهایی دارد که انسان‌ها با توافق همگانی یا بدون آن ترسیم کرده‌اند. مرز آزادی بیان کجاست؟ این بحث را نیز پایانی نیست چرا که هر کس و هر گروهی را نظری است و دلیلی.

● هنگامی که اندیشه پر می‌کشد و بال می‌گشاید، دو راه بیشتر ندارد: یا باید بیان گردد و یا خفقان بگیرد و پنهان شود. برای دومی دلیلی جز سانسور، فشار و تهدید وجود ندارد و در چنین شرایطی می‌باید همچنان به قلم و آنچه می‌نویسد سوگند یاد کرد!

● این کتاب سرشار از تخیل و جادوست و تا مدت‌ها نمی‌توان از طلسم آن رهایی یافت. اینک نویسنده مهاجر و تبعیدی آن (مهاجر از هند به انگلستان و تبعیدی از زندگی به وادی مرگ) گمان می‌کند به خاطر شیطنت ادبی‌اش بخشوده می‌شود. اگرچه شاید او به راحتی می‌توانست به وطن خود سفر کند، اما بعید به نظر می‌رسد بتواند به آسودگی در تبعید زندگی خویش را سر کند.



خمینی ۲۵ بهمن ۱۳۶۷ فتوای قتل سلمان رشدی را صادر کرد



سلمان رشدی پس از انتشار «آیه‌های شیطانی»

هندوها قرار می‌گرفت، نخست به پاکستان و از آنجا به انگلستان رفت. او پنج داستان بلند که همگی جایزه برده‌اند و چند مجموعه داستان‌های کوتاه نوشته است. داستان‌های او به کند و کاو در مسایل اجتماعی، فقر، نژاد پرستی، تبعید و مهاجرت، جستجوی هویت و عدالت می‌پردازند و از بخت بد «آیه‌های شیطانی» نه تنها بهترین اثر رشدی، بلکه از آثار ادبی برجسته است. ممکن است پرسیده شود چرا از بخت بد؟ از یک سو برای یک نویسنده مجازاتی بالاتر از این نیست که بیشترین اظهارنظر کنندگان کتابش، اثر او را اصلاً نخوانده باشند! هم لعنت کنندگان و هم مدافعان او غالباً «آیه‌های شیطانی» را نخوانده‌اند، بلکه جسته و گریخته شنیده‌اند. و از سوی دیگر مضمون اثر آنچنان در سایه مسایل غیر هنری و غیر ادبی قرار گرفته که در واقع از آن همواره در عرصه‌ای که اساساً به آن تعلق ندارد نام برده می‌شود.

«آیه‌های شیطانی» بلافاصله پس از انتشار در سال ۱۹۸۸ از جانب مسلمانان متعصب مورد حمله قرار گرفت و بر سر آن کتابسوزی در انگلستان و زد و خوردهای منجر به مرگ در پاکستان و هند روی داد. در ۱۴ فوریه ۱۹۸۸ آیت‌الله خمینی از طریق رادیو مسلمانان را به قتل نویسنده و ناشر کتاب فرا خواند. این ماجرا نشان داد که جامعه بشری و یا دست کم بخش سزاوار توجهی از آن هنوز ظرفیت گفت و شنود نداشته و به رویارویی و برخورد بیشتر تمایل دارد. در این

در هنر و ادبیات شیطنت و بازیگوشی وجود دارد. لیکن اینکه آیا این بازیگوشی‌ها آزادند به حریم ارزش‌ها و اعتقادات انسان‌ها دست‌اندازی کنند نیز ماجرای است هنوز بی پایان. واقعیت این است که مرزهای آزادی در هر کشوری بنا بر پیشینه و فراخور فرهنگ و بردباری تغییر می‌کند. آنچه مسلم است اینکه از یک سو آزادی بی مرز نیست چرا که با مسئولیت همراه است و از سوی دیگر انسان از چنان ظرفیتی برخوردار است که گستره آن را هر چه وسیع‌تر ساخته و مرزهای آن را همواره به پس براند. اگر قلم ننویسد و اگر زبان به سخن گشوده نشود، چگونه می‌توان به اندیشه‌ها پی برد؟ و هنگامی که اندیشه پر می‌کشد و بال می‌گشاید، دو راه بیشتر ندارد: یا باید بیان گردد و یا خفقان بگیرد و پنهان شود. برای دومی دلیلی جز سانسور، فشار و تهدید وجود ندارد و در چنین شرایطی می‌باید همچنان به قلم و آنچه می‌نویسد سوگند یاد کرد!

اگر مسلمانان متعصب از بخش‌هایی از کتاب «آیه‌های شیطانی» برآشفتنند، بسیاری از مسلمانان نیز واکنشی نشان ندادند و یا به گفتگو درباره آن پرداختند. قطعاً می‌توان گفت اولی‌ها مسلمان‌ترند، لیکن می‌توان گفت دومی‌ها بردبارترند. «آیه‌های شیطانی» خود همچون آیه‌های شیطانی بر جهانی نازل گشت که گویا ضد شیطان است، لیکن دست در دست او دارد. این کتاب سرشار از تخیل و جادوست و تا مدت‌ها

● رشدی این دنیای نامتوازن، دیوانه و سودایی را با دگرگونی‌های ناگهانی، دگردیسی، تطور و مسخ تصویر می‌کند. دنیایی که هر جا و هر زمان می‌تواند باشد و در عین حال هیچ جا و هرگز. جنگ، تظاهرات، مواد مخدر، ازدیاد جمعیت، بی‌خانمانی و مهاجرت ویژگی‌های این جهانند. انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون زمانی، مکانی و اجتماعی تکرار می‌شوند: در نقش رستگار، گنهکار، ملکه و یا مستخدم. در جاهلیه، هند، سرزمینی ناشناخته و یا لندن. رشدی این تکرار را توسط نام که اهمیت ویژه‌ای به آن داده است، نشان می‌دهد. برای نمونه چهار زن با نام عایشه در کتاب وجود دارند که در زمان‌های گوناگون یکی همسر ماهوند است، دیگری ملکه سرزمین دژ (دش)، آن یکی مجنون‌دختری در هند و آخرین نیز مستخدمی است در لندن.

سلمان رشدی روز ۱۲ اوت ۲۰۲۲ پیش از آنکه سخنانی خود را در مراسم مؤسسه «چاتواکوا» در غرب نیویورک آغاز کند مورد حمله یک مهاجم قرار گرفت که با چاقو ضربات متعدد به گردن وی وارد آورد. رشدی بلافاصله به بیمارستان منتقل شد. مهاجم دستگیر و از سوی پلیس یک جوان ۲۴ ساله ساکن نیوجرسی به نام «هادی مطر» معرفی شد. عکس‌های وی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر شده و صفحات وی در فضای مجازی نشانگر حمایت ضارب از حزب‌الله لبنان و رژیم جمهوری اسلامی است. روح‌الله خمینی رهبر انقلاب اسلامی

ماجرا، از یک اثر ادبی آنچنان موضوع سیاسی ساخته شد که همگی مضمون اصلی کتاب را که همانا تکرار و رویارویی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در تاریخ بشر است، به فراموشی سپردند. در این میان بر کسی پوشیده نیست که آنچه در این ماجرا تعیین کننده است نه مضمون کتاب، نه جان نویسنده و نه حتا آزادی بیان، بلکه روابط بین‌المللی و سیاسی دولت‌هاست. به عنوان دلیلی سزاوار تأمل توجه کنید به این واقعیت که مشابه چنین ماجرابی در مورد «تسلیمه نسرین» نویسنده بنگلادشی به سرعت به فراموشی سپرده شد.

«دنیای غرب و دنیای غیر»

چهار سال پس از انتشار «آیه‌های شیطانی» بود که ساموئل هانتینگتون بنیادگرای غربی نظر جنجالی خویش را درباره «برخورد تمدن‌ها» (The clash of civilizations) منتشر ساخت (۱۹۹۳) و به مذاهب از جمله اسلام در این برخورد به عنوان محرک جای ویژه‌ای داد. شاید ماجرای رشدی نیز در پرداخت چنین نظریه‌ای بی تأثیر نبوده باشد. لیکن آنچه سزاوار توجه است اینکه سلمان رشدی در کتاب خود از این برخورد و اینکه اتفاقاً فرهنگ سفید و غرب محرک آن است سخن می‌گوید و انسان‌هایی را تصویر می‌کند که از نبود یک فضای عادلانه برای گفت و شنود و همزیستی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها رنج می‌برند. همزیستی فرهنگ‌ها که لزوم آن امروز در پدیده مهاجرت بیش از پیش خود را می‌نمایاند یکی از مهمترین موضوعات «آیه‌های شیطانی» است. در غرب که در این قرن، موج بزرگ مهاجرت از کشورهای آسیایی و آفریقایی را به گونه‌ای تحمیلی پذیرفته است، به این جنبه از کتاب که مهمترین مضمون و بیشترین حجم آن را تشکیل می‌دهد پرداخته نشده و نمی‌شود. جنجالی که بر سر کتاب راه افتاد، بهترین راه فرار غرب از زیر بار پرسش‌هایی بود که «آیه‌های شیطانی» در برابر آن مطرح می‌سازد.

در مجموعه داستان‌های کوتاه «شرق و غرب» که در ۱۹۹۴ انتشار یافت، سلمان رشدی باز هم به موضوع مهاجرت و رویارویی فرهنگ‌ها می‌پردازد. آدمی بی اختیار به یاد اصطلاح و ادعای مشهور آقای هانتینگتون می‌افتد که دنیا را به «غرب و غیر» (The west and the rest) تقسیم کرده است. این تقسیم‌بندی که آن را می‌توان «دارالغرب و دارالغیر» نیز نامید، دقیقاً آن روی سکه «دارالاسلام و دارالحرب» است!

اگر «آیه‌های شیطانی» پیش از آنکه به مضمون درگیری بی معنی‌ای که آتش بیار معرکه آقای هانتینگتون نیز گشت تبدیل شود، با بردباری خوانده می‌شد، شاید هرگز چنین ماجرابی بر سر آن پیش نمی‌آمد. آن اندازه که تا کنون به ماجرای رشدی از زاویه سیاسی، حقوقی و حاکمیت ملی پرداخته شده، به مضمون اصلی کتاب که محور این ماجرا بود، توجه شایسته نشده است. گفتنی درباره این اثر چند بعدی بسیار است. در این نوشته تنها به برجسته‌ترین خطوط آن پرداخته می‌شود. کتاب در نه فصل تنظیم شده که ظاهراً ربطی به یکدیگر ندارند. در فصل‌های دوم و چهارم با نام‌های «ماهوند» و «عایشه» است که رشدی به ظهور دین نوین، مسائل اعتقادی و مذهبی و نیز به گونه‌ای غیر مستقیم به انقلاب ایران می‌پردازد و تصویری سراسر شک و تردید نسبت به این وقایع ارائه می‌دهد. مسیحیان اروپا در قرون وسطا حضرت محمد را به تحقیر «ماهوند» می‌نامیدند که تغییر یافته کلمه محمد در زبان‌های قدیمی انگلیسی و فرانسوی است و به معنای «شیطان» است. رشدی نه تاریخ نوشته است و نه مقاله سیاسی و تحقیقی. او به تمامی این ماجراها از دیدگاهی هنری و تخیلی نگرسته و در این رهگذر، از واقعیت، روایت، تاریخ و تخیل بهره گرفته است. در ادبیات نیز می‌توان به گفت و شنود پرداخت. اتفاقاً

مراوده و تأثیرگذاری فرهنگی بیشتر در این عرصه صورت می‌گیرد. می‌توان همواره در همه چیز تردید کرد و در پایان به قطعیت پیشین بازگشت و یا به قطعیت نوینی دست یافت. برخورد اروپای قرون وسطا را با حضرت محمد و دین نوین نیز در همین نبرد کهنه و نو و تردید در باورها می‌باید بررسی نمود.

تردید، تکرار و تناسخ

«برای آنکه دوباره متولد شوی، نخست باید مرگ را بپذیرا گردی». با این آوا و شرح سقوط یک هوایمیا در سواحل انگلستان که طی آن دو مرد هندی، یکی هنرپیشه سینما و دیگری هنرپیشه رادیو، جان سالم به در می‌برند، آغاز می‌شود تا دنیای پر تضادی را تصویر کند که ارواح، رستگاران، گنهکاران، نژاد پرست‌ها و غیره همگی مضمون آن را می‌سازند.

همین دو هنرپیشه نیز خود به دو تناقض، نماد خیر و شر، بدل می‌شوند. این دنیا از دیرباز تکرار شده و انسان‌ها و وقایع نیز در آن خود را تکرار می‌کنند. «آیه‌های شیطانی» سرشار از سور رئالیسمی است که از یک سو در زمان و مکان جاری است و از سوی دیگر خمیرمایه خود را از روایت‌های مذاهب گوناگون، وقایع تاریخی و خشونت واقعیت می‌گیرد. رشدی این دنیای نامتوازن، دیوانه و سودایی را با دگرگونی‌های ناگهانی، دگرذیسی، تطور و مسخ تصویر می‌کند. دنیایی که هر جا و هر زمان می‌تواند باشد و در عین حال هیچ جا و هرگز. جنگ، تظاهرات، مواد مخدر، ازدیاد جمعیت، بی‌خانمانی و مهاجرت ویژگی‌های این جهانند. انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون زمانی، مکانی و اجتماعی تکرار می‌شوند: در نقش رستگار، گنهکار، ملکه و یا مستخدم. در جاهلیه، هند، سرزمینی ناشناخته و یا لندن. رشدی این تکرار را توسط نام که اهمیت ویژه‌ای به آن داده است، نشان می‌دهد. برای نمونه چهار زن با نام عایشه در کتاب وجود دارند که در زمان‌های گوناگون یکی همسر ماهوند است، دیگری ملکه سرزمین دژ (دش)، آن یکی مجنون دختری در هند و آخرین نیز مستخدمی است در لندن.

تردید، خیر و شر

رشدی در کنار پدیده تکرار و تناسخ به خیر و شر و دوآلیسم نیز می‌پردازد، لیکن به شیوه خود. اگر مانوی‌ها معتقد به وجود مجزای خیر و شر بودند، رشدی به امکان وحدت این دو در یک وجود اشاره می‌کند. توحیدی که در خود دوگانه است. او خدا، شیطان، فرشتگان و پیامبران را موجوداتی معمولی معرفی می‌کند و آنها را در موقعیت‌هایی قرار می‌دهد که از تمیز خیر و شر باز می‌مانند و همزمان این پرسش وسوسه انگیز را مطرح می‌سازد: کدام نیرو، خدا یا شیطان بر جهان حکومت می‌کند؟!

«آیه‌های شیطانی» با طنزی بی نظیر زندگی معاصر را به نقد می‌کشد و با مبالغه و کنایه، نقد و نقیضه تلاش می‌کند تا حقایق تاریخی اعصار و جوامع را بکاود. در این رهگذر، رشدی در کنار استفاده از روایت‌های گوناگون در دین یهود، مسیحیت و هندوئیسم به روایتی در جهان اسلام استناد می‌کند که مطابق آن در سوره نجم پس از آیه‌های نوزده و بیست آیاتی نازل می‌شوند که نه از جانب پروردگار، بلکه از زبان شیطان است.

طبق این آیات می‌بایستی سه بت از بت‌های مکه (که در کتاب جاهلیه نام دارد) یعنی لات الهه مادر، عزی الهه زیبایی و عشق، و منات الهه سرنوشت از جانب خداوند یکتا تأیید شوند. چنین تأییدی اگرچه ممکن بود به گسترش دین نو یاری رساند، لیکن اساساً با پیام آن که همانا توحید بود، مغایرت داشت. از این رو دریافت می‌شود که این آیات از زبان شیطان بوده که در هیأت جبرئیل روی نمایانده بود. این روایت دستاویزی است که بر اساس آن نویسنده تلاش

می‌کند اندیشه خویش را درباره منطق جهان و انسان تصویر نماید. او می‌گوید بی اعتقادی خود نیز گونه‌ای اعتقاد است. تنها تردید است که اعتقاد نیست. و به این ترتیب از متعصبان ایدئولوژیک و مذهبی فاصله گرفته و با سنگ‌پایه تردید و تلاش برای درک «دیگری» (رشدی همین کلمه را در کتاب خود به کار برده است) که جز او می‌اندیشد گامی بس جدی در تفهیم همزیستی برمی‌دارد. شوربختی اینجاست که این آرزو در مورد او و کتابش تحقق نمی‌یابد چرا که دنیای هنر و شیطنت‌های ادبی او با واقعیات تلخ و خشن هنوز بسیار فاصله دارد. مسلمانان متعصب که مدعی‌اند دینشان در مقایسه با دیگر ادیان ابراهیمی دین بردباری نامیده می‌شود، تحمل همنشینی با جادوی خیال و سفر به یک دنیای سوررئالیست را نداشتند.

رشدی پس از آنکه در رؤیا از سرسختی انسان و تردید تاریخی او سخن می‌گوید، بار دیگر به روشنی تأکید می‌کند: «اراده داشتن یعنی مخالفت کردن، یعنی تسلیم نشدن، یعنی عقیده دیگری داشتن. می‌دانم. این شیطان است که سخن می‌گوید» چرا که شیطان خود جاه و مقام بر سر مخالفت، تسلیم نشدن و عقیده دیگر گذاشت. اینک انسان که برای دفاع از فردیت و حریم خود اراده و خواست به رخ می‌کشد و از عقیده «خود» به عنوان «دیگری» سخن می‌گوید، آیا همان شیطان نیست؟ آیا تردید، خواست و بر عقیده دیگر بودن عملی شیطانی نیست؟ آیا این شیطان نیست که بر جهان حکومت می‌کند؟ آیا...

دگراندیش الزاماً خوش‌اندیش و نو اندیش نیست. زمانی دگراندیش یک رژیم فاشیستی در کشورهای سوسیالیستی پناه می‌جست و دگراندیش همان کشور سوسیالیستی اگر بخت با او یار می‌بود، جایش را در زندان بود و یا پناه جست در سکوتی که می‌بایست او را به دهه نود برساند. حقیقت نسبت و تردید در قطعیت، سنگ بنای دنیایی است که رشدی می‌سازد تا آن را دوباره بر اساس همان منطق تخریب کند. و این یعنی تکرار، تکرار مرگ و تولد دوباره، مرگ پدیده‌های کهنه و تولد اندیشه‌های نو. تکراری که هر بار به شکل نوینی عرضه می‌شود.

مضمون اصلی: تبعید و مهاجرت

هسته اصلی «آیه‌های شیطانی» پدیده مهاجرت در تاریخ و موج بزرگ مهاجرت در قرن بیستم است. در این کتاب از ابتدا تا انتها همه در حال هجرتند! رنج، هراس، درد، انزوا، پشیمانی، نبرد و رؤیای جاودانی آرامش جا به جا در این کتاب تکرار می‌شود.

رشدی در هزارتوی زمان و مکان و موقعیت سیاسی و فرهنگی می‌کاود. «یاکوب توبس» در کتاب «معاد شناسی در غرب» می‌نویسد: «بیگانه بودن یعنی از جای دیگری آمدن. در اینجا در خانه خود نبودن. این اینجا همان بیگانگی و هراس است. زندگی‌ای که در اینجا جریان دارد، در بیگانگی می‌گذرد و سرنوشت فرد بیگانه را بر دوش می‌کشد» و برای نویسنده مهاجر گویا این بیگانگی را پایانی نیست چرا که پس از سی سال اقامت در انگلستان، داستان‌های رشدی سرشار از رنج حاصل از این بیگانگی است. از این روست که هنگامی که با طنزی گزنده از هویت تأیید نشده، زبان مادری بریده شده، شوخک‌های ترجمه ناشدنی، امیدهای ناکام و عشق‌های از دست رفته سخن می‌گوید، به کنایه‌ای دردناک «مفهوم فراموش شده کلمات میان تهی و پرطنین، سرزمین، تعلق، وطن» را نیز بر آنها می‌افزاید. بر همین اساس، او استعاره مسخ و دگرگونی جسمی مهاجران را به کار می‌گیرد. این مسخ در واقع از دیدگاه نژادپرستانه کشور میزبان است: زنی که بخشی از بدنش به اسب آبی تبدیل شده، بازرگانان

جمهوری اسلامی و جنگ پوتین؛ مأموریت مقدس در جنگ اوکراین؟!*



خوش و بش علی خامنه‌ای و ولادیمیر پوتین در تهران / تابستان ۱۴۰۱

اولی در استخری در شمال تهران بطرز مشکوک غرق شد و دومی به دستور دونالد ترامپ رئیس‌جمهور پیشین آمریکا در فرودگاه بغداد کشته شد. یکی از آنها به نحوی ادعای اصلاح‌طلبانه و عملگرایی داشت و دیگری رادیکال و مسئول صدور انقلاب اسلامی بود. همزیستی این دو تن نمونه روشنی از ترکیب قدرت و الیگارشی در تهران است.

شرکت هواییابی خانواده‌ها

در وبسایت شرکت «ماهان ایر» می‌توان مطالب شگفت‌انگیزی در مورد چگونگی تأسیس این شرکت مطالعه کرد. همه چیز با یک گفتگوی تلفنی آغاز شد. یک تاجر مصری ناشناس از دومی به استاندار کرمان زنگ می‌زند. استاندار کرمان پسرعموی همسر رفسنجانی است که در آن دوران رئیس‌جمهور قدرتمند جمهوری اسلامی بود که قدرتش از قدرت رهبر نظام هم فراتر می‌رفت. بعدها کفه قدرت بین این دو به نفع رهبر جمهوری اسلامی تغییر یافت. گفته می‌شود که مرگ رفسنجانی در راستای تثبیت بیشتر قدرت علی خامنه‌ای و به دستور او انجام گرفته است؛ اما بگذریم. تاجر مصری پیام مهمی به استاندار کرمان منتقل می‌کند: آیا ایران حاضر است با دریافت چهار هواییابی دست دوم از وام‌هایی که دومن پادشاه پهلوی به مصر داده صرف نظر کند؟ شاه ایران چهارده سال پیش از آن و در پی «انقلاب اسلامی» به مصر رفت و در آنجا درگذشت و به خاک سپرده شد. استاندار کرمان به رئیس‌جمهوری اسلامی در تهران زنگ می‌زند. وی موافقت می‌کند. تاجر مصری به کرمان می‌آید و در فرودگاه پس از پانزده دقیقه با استاندار به توافق می‌رسد. و بدین ترتیب فرودگاه کرمان محل تولد «ماهان ایر» می‌شود. شرکت هواییابی نوپا اما یک شرکت خصوصی است که زیرمجموعه یک هلدینگ مذهبی به نام «مولی الموحدین» است. این هلدینگ به خانواده رفسنجانی تعلق دارد. «ماهان ایر» توسعه می‌یابد. این شرکت موفق می‌شود به صورت قانونی و غیرقانونی در بازارهای جهانی هواییابهای قدیمی، ولی هنوز قابل استفاده، مانند بوئینگ، ایرباس و هواییابهای بریتانیایی BAE و همچنین مدل‌های روسی توپولوف و ایولوشین را خریداری کند.

● احتمالاً جنگ اوکراین آوازه «ماهان ایر» را که در بازار جهانی خطوط هواییابی یک شرکت کوچک و بی‌اهمیت است جهانی خواهد کرد. نهادهایی مهم بین‌المللی از جمله ناتو بایستی به زودی برنامه پروازهای این شرکت را مورد توجه بیشتری قرار دهند.

علی صدرزاده (ژورنال ۲۱) - بعد از اینکه علی خامنه‌ای

رهبر جمهوری اسلامی بی‌پرده و بدون هیچ‌گونه شرط و شروطی از جنگ‌افروزی پوتین در اوکراین حمایت کرد، اینک ارسال حمایت‌های مادی و ترابری وی نیز برای جنگ پوتین آغاز شده است. در این رابطه شرکت هواییابی ماهان که در ظاهر به عنوان یک شرکت تجاری در خطوط هوایی ثبت شده، نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند. «ماهان ایر» نامی است که باید به خاطر سپرد. در بازار جهانی خطوط هواییابی یک شرکت کوچک و بی‌اهمیت محسوب می‌شود. موسسه‌ای که به علت آلوده شدن در جنگ‌های منطقه‌ای، حداقل برای جمهوری اسلامی ایران به فاکتور مهمی تبدیل شده است. احتمالاً جنگ اوکراین آوازه «ماهان ایر» را جهانی خواهد کرد. نهادهای مهم بین‌المللی از جمله ناتو بایستی به زودی برنامه پروازهای این شرکت را مورد توجه بیشتری قرار دهند.

«ماهان ایر» به تاریخ جمهوری اسلامی، چه در زمان حال و چه در آینده شکل خواهد داد. فهم چگونگی تاریخ پیدایش، گسترش و عملکرد این شرکت هواییابی، به فهم ما از پست‌وهای پیچیده قدرت ملاها در جمهوری اسلامی ایران کمک می‌کند زیرا عواملی مانند الیگارشی خانوادگی، چه اصلاح‌طلب و چه اصول‌گرای رادیکال در آن دخیل هستند.

یک واحه و یک شرکت هواییابی

ماهان شهر کوچکی در استان کرمان، واحه‌ای در حاشیه کویر است و پر طرفدار و معروف به آب و هوای مطبوع. در ماهان آرامگاه پایه‌گذار یکی از بزرگترین فرقه‌های صوفیان ایران قرار دارد. علی اکبرهاشمی رفسنجانی «جعبه سیاه» جمهوری اسلامی و همچنین سردار مخوف قاسم سلیمانی از همین منطقه‌اند.

نیجریه‌ای که میمون شده‌اند و سنگالی‌هایی که به مارهای لرج مبدل گشته‌اند. در این هنگام است که حتی یک هندی که خود را تبعه درجه یک کشور انگلستان می‌داند، حقیقت تلخی را در می‌یابد: «این سفیدها هستند که ما را تعریف می‌کنند... تمام ماجرا همین است. قدرت توصیف در دست آنهاست و ما باید تسلیم تصویرهایی شویم که آنها از ما در ذهن خود می‌سازند». یک مهاجر حتی اگر تابعیت انگلیسی هم داشته باشد باز کسی نیست جز یک غیر انگلیسی!

روزی در سرزمینی دور به جهانگردی برخوردیم که انگلیسی را با لهجه آلمانی حرف می‌زد. به عمد از او پرسیدم که آیا خارجی است؟ او با تعجب گفت: «نه! من آلمانی هستم!» این پاسخ بیشتر به یک شوخی شبیه بود. از سر لجبازی گفتم: «درست است که شما آلمانی هستید، اما در این کشور، خارجی به حساب می‌آید!» او با اصرار تکرار کرد: «نه، من خارجی نیستم، آلمانیم!» کلمه «خارجی» برای او ناخوشایند و بیشتر به معنای «غیر آلمانی» بود تا موقعیتی جغرافیایی و قراردادی. این کلمه در کشور وی به عنوان ناسزا به کار می‌رود. او شاید هرگز فکر نکرده بود که آن خارجی‌هایی که در آلمان زندگی می‌کنند نیز «خارجی» نیستند و مانند وی از کشوری دیگر آمده‌اند. حدود چهل سال پیش ژان پل سارتر در پیش‌گفتاری بر کتاب «نفرین شدگان زمین» از فرانتس فانون، از دست رفتن هویت بومیان کشورهای مستعمره را به نوعی مسخ انسان به حیوان تشبیه ساخت. او نوشت: «من ادعا نمی‌کنم که ممکن نیست انسان را به یک حیوان تبدیل ساخت، لیکن می‌گویم این کار ممکن نیست مگر اینکه مقاومت او را به تمامی در هم شکست». قصه تلخی است. تطبیق در یک دوره یعنی همزنگ شدن با فرهنگ استعمارگر و در دورانی دیگر یعنی ادغام و حل شدن در کشور پناه دهنده. همواره این انسان «غیر غربی» است که چه به عنوان میزبان در دوران استعمار و چه به عنوان مهمان ناخواسته در دوران پناهندگی و «ارتقاء» کشورهای مستعمره به «جهان سوم» باید تغییر هویت دهد و از «خود» به «دیگری» تبدیل شود. رشدی به تصویر خودمحوری فرهنگ سفید، فرهنگ خودبرتربین غرب می‌پردازد. روند تطبیق مهاجران در «آیه‌های شیطانی» با ایثار همراه است. آنها نام و هویت خود را از دست می‌دهند بدون آنکه نام و هویت نوینی دریافت کنند. آنها به کسی تبدیل می‌شوند که پیش از آن نبوده‌اند، بدون آنکه واقعاً کسی شده باشند. آنها در نمی‌یابند روند تبدیل، چه هنگام و چگونه آغاز می‌شود. اما یک چیز مسلم است: تغییر و مسخ با نام مهاجر که هویتش در آن پنهان است آغاز می‌گردد و سرانجام همدردی‌ای نیست جز خواندن این ترانه: «کفش‌های زیبایم ژاپنی‌اند، شلوارم انگلیسی است، کلاه روسی بر سر دارم، لیکن خون من هندی است».

در چنین شرایطی آدمی به تدریج مرگ را پذیرا می‌شود بدون آنکه دوباره متولد شود. برخی تغییر را با تولد اشتباه می‌گیرند حال آنکه تغییر و مسخ، تولد دوباره نیست، از دست دادن هویت است.

در عین حال رشدی یک‌سویه به قضایا نمی‌نگرد. او آگاه است که انسان مهاجر از یک سو با رنج، اهانت، یأس و درد درگیر است و از سوی دیگر با دنیایی تازه و ارزش‌هایی نوین آشنا می‌شود. او تضاد بین این دو دنیا را می‌کاود. اندیشه نسبیست و تردید در هر دو دنیا راه دارد.

«آیه‌های شیطانی» با مرگ و تولد دوباره آغاز می‌شود، ماجراها از سر می‌گذرانند و در آخرین بند به مرگ و تولد دوباره باز می‌گردد: «هنگامی که کهنه از مرگ سر باز می‌زند، نو نمی‌تواند متولد شود».

* این مطلب نخستین بار در نشریه هفتگی کیهان لندن (شماره ۷۲۷) ۱۶ مهر ۱۳۷۷ چاپ شد.

روزنامه بریتانیایی گاردین گزارش داده بود که سپاه پاسداران راکت‌های ضد تانک و همچنین سیستم راکتی را که در برزیل تولید شده‌اند و در عراق مستقر هستند از طریق شرکت «ماهان ایر» به روسیه حمل کرده است. گاردین در ادامه گزارش خود اضافه می‌کند که سیستم‌های ایرانی باور ۳۷۳ که شبیه سیستم‌های اس ۳۰۰ روسی هستند نیز به مسکو حمل شده‌اند. تعداد پروازهای «ماهان ایر» به پایتخت بلاروس نیز افزایش یافته است. به قول فاطمی امین وزیر حمل و نقل جمهوری اسلامی در مینسک «این محموله‌ها بطور عمده ماشین آلات هستند. تاریخ این اظهارات ۲۲ ژوئیه درست دو روز بعد از دیدار پوتین از تهران است.

دفاع از اسلام

درست یکروز بعد از این وقایع موجی از توضیحات و تبلیغات مذهبی سیاسی و توجیهاات برای شرکت در این عملیات عجیب و غریب بهم بافته شد. چگونه می‌توان تصور کرد که یک کشور اسلامی شیعه، که یک آیت‌الله رهبر دینی و سیاسی آن است، در جنگ روسیه علیه اوکراین در اروپای دوردست برای حفظ اسلام شرکت کند. جنگی که شاید اهداف متنوع داشته باشد ولی تنها هدفی که این جنگ دنبال نمی‌کند، اهداف مذهبی است.

دو روز بعد از عزیمت پوتین از تهران به مسکو، روزنامه کیهان تهران به قلم حسین شریعتمداری، میرزابنویس علی خامنه‌ای در تهران، تحت عنوان «با دم شیر بازی نکنید» به روشن‌ترین بیان در سرمقاله اعلام کرد: «امنیت ملی ایران و مبارزه روسیه علیه آمریکا در اوکراین تنگاتنگ بهم مربوط هستند. زیرا بعد از اوکراین ایران هدف بعدی ناتو است. از این جهت منطقی و قابل فهم است که ایران از عملیات روسیه در اوکراین حمایت می‌کند.» و روزنامه جوان ارگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یکروز بعدتر اضافه می‌کند: «ناتو را باید، هر جا که می‌توان محدود و محصور کرد. امروز در اوکراین، قبل از اینکه فردا مجبور شویم، در ایران جلوی آنها بایستیم.» همکاری با روسیه برای جمهوری اسلامی یک دفاع پیشگیرانه محسوب می‌شود. زیرا هر گاه که سرزمین اسلامی مورد تعرض قرار گرفت، چنین دفاع مقدسی بر اساس نظریه تمام مجتهدین جایز شمرده می‌شود. به مثال‌های فراوانی در این باب در تاریخ اسلامی ارجاع داده می‌شود. برای نجات جان تعداد زیادی از مسلمان اشکالی ندارد که جان تعداد کمتری مسلمان فدا شود. این مطالب با روایت‌های متنوع مذهبی به زبان عربی تأیید می‌شوند.

زیارتگاه مقدس در اوکراین؟!

«آیا قرار است زیارتگاهی مقدس هم در اوکراین کشف شود؟!» این پرسش را حسین علیزاده مطرح می‌کند که سال‌ها به عنوان دیپلمات و سفیر جمهوری اسلامی در کشورهای مختلف کار کرده است. او بعد از تقلب در انتخابات سال ۱۳۸۸ و سرکوب بی‌رحمانه «جنبش سبز» از ایران خارج و از کلیه مقام‌های دولتی کناره‌گیری کرد. چه پرسش او کنایه است به فعالیت‌های جنگ‌افروزان پرهزینه چه انسانی و چه مادی جمهوری اسلامی در سوریه که آنرا تحت عنوان «دفاع از حرم» توجیه مذهبی می‌کند. در نزدیکی دمشق دو زیارتگاه شیعی وجود دارد. «اکنون باید در اوکراین زیارتگاهی پیدا کنیم!» پرسشی که نه تنها این دیپلمات سابق که همه ایرانیان دارند.

*منبع: وبسایت ژورنال۲۱

*نویسنده: علی صدرزاده

*ترجمه و تنظیم: حسام وثوقی

«ماهان ایر» به عنوان یک شرکت هواپیمایی خصوصی پروازهای متعددی به دور تا دور کره زمین داشته است. از پکن تا پاریس. مقصدهای ثابت اما از دیرزمان دمشق، بیروت و بغداد هستند. پایتخت کشورهایی که به عنوان «عمق استراتژیک» حکومت ملاها در تهران محسوب می‌شوند و بایستی برادران و هم‌پیمانان مذهبی به صورت مستمر هم از لحاظ تسلیحاتی و هم نیروی انسانی مورد



ماهان ایر

حمایت قرار گیرند.

قاسم سلیمانی سردار جنگ‌های داخلی منطقه از «ماهان ایر» نیز هرگاه که اراده می‌کرد، استفاده می‌مود. او نیز از کرمان می‌آید و روابط آنجا را به خوبی می‌شناسد. «شرکت تجاری هواپیمایی» تبدیل به بخش استراتژیک نظامی حکومت اسلامی می‌شود. ایالات متحده آمریکا «ماهان ایر» را در سال ۲۰۱۱ به لیست سیاه اضافه کرد. کلیه دارایی‌های این شرکت در ایالات متحده آمریکا ضبط و هرگونه رابطه تجاری با آن ممنوع شد. وزارت خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد که «ماهان ایر» از نقشه‌های ترور سپاه پاسداران حمایت می‌کند. آلمان فدرال به عنوان آخرین کشور اروپایی در سال ۲۰۱۹ هرگونه همکاری با «ماهان ایر» را تحت عنوان مسائل امنیتی و «به خطر انداختن موقعیت سیاست خارجی آلمان فدرال» ممنوع اعلام کرد. در جنگ سوریه عملاً کارکرد این «شرکت هواپیمایی» کاملاً روشن می‌شود. پروازهای روزانه این شرکت به دمشق برای کمک‌رسانی همه‌جانبه به «برادران دینی». عملکرد آن به مثابه بازوی لجستیک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کاملاً مشهود است از جمله خدمات‌رسانی همه‌جانبه به تروریست‌های چندملیتی حاضر در سوریه.

اما اکنون جنگ بزرگتری در جریان است: جنگ اوکراین.

افزایش بی سابقه پروازهای «ماهان ایر» به مسکو

بعد از دیدار ولادیمیر پوتین در روزهای ۱۹ و ۲۰ ژوئیه از تهران و پس از گذشت تنها سه روز از آن دیدار رئیس حمل و نقل هوایی جمهوری اسلامی ایران، محمدی بخش، اعلام کرد که تعداد پروازهای «ماهان ایر» به مسکو به ۳۵ پرواز در هفته افزایش یافته است. او همچنین گفت که با طرف روسی توافق شده است که بطور عمده هرگونه باری، بدون هیچگونه محدودیتی و با مسئولیت «ماهان ایر» حمل و نقل شود. جالب توجه است که یک روز پیشتر «ماهان ایر» اعلام کرده بود از این پس مرتب به گروژنی پایتخت چین نیز پرواز می‌کند. فقط می‌شود حدس و گمان زد که محموله این هواپیماها چیست، چیزی که می‌تواند مورد توجه سازمان‌های امنیتی مختلف باشد. دو هفته قبل از این ماجرا

هواپیمای اختصاصی و از رده خارج شده آنگلا مرکل در خدمت «ماهان ایر»

«ماهان ایر» در پی دست و پا کردن یک چهره شیک و لوکس برای خود است و با شعار The Spirit of Excellence در وبسایت خود تبلیغ می‌کند. ۵ بوئینگ ۷۴۷ و ۲۷ ایرباس به ناوگان هواپیمایی این شرکت تعلق دارد. جالب توجه است که هواپیمای اختصاصی ولی از رده

خارج شده‌ی آنگلا مرکل جزو ناوگان «ماهان ایر» است. هفته‌نامه اشپیلگر در ۲۰ نوامبر ۲۰۱۱ گزارش داده بود: «ایرباس شماره ۳۰۴-۳۱۰ در روز ۱۸ نوامبر از کیف پایتخت اوکراین به تهران تحویل داده شد. این تغییر وتحولات از چشم کارشناسان پنهان نم‌اند. این جت دو موتور لوکس (VIP) که یک شماره شناسایی ۲۲+۱۰ غیرعادی نیز دارد، ماشینی با امکانات فراوان آسایشی است که ۲۰ سال در خدمت دولت آلمان بوده و تا چند ماه پیش صدراعظم و وزرای کابینه را به گوشه و کنار جهان می‌برده است.

مسیرهای غیرعادی با چراغ خاموش

یکی از هواپیماهای «ماهان ایر» که برای یک شرکت ونزوئلایی فعالیت می‌کند و اکنون بیش از پنج هفته است که در فرودگاهی در آرژانتین زمینگیر شده، نظر بسیاری از سازمان‌های امنیتی کشورهای مختلف را به خود جلب کرده است. سرخ معمای این هواپیما ظاهراً یافتنی نیست: یک مسیر غیرعادی، فرستنده‌های خاموش و مسافران ثبت نشده در هواپیما که گویا متعلق به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند. به این جهت بازرسی دقیق بوئینگ ۷۴۷ برای کشف ارتباط آن با تروریسم در جریان است.

جمیو جت مدل ۱۹۸۶ که ۱۴ سال در خدمت «ماهان ایر» با شماره شناسایی EP-MND پرواز کرده است امروز با شماره شناسایی YV353 فعال است. این هواپیمای باری در هفته‌های گذشته پروازهای فراوانی داشته است. به تکرار در بلگراد، مکزیکوسیتی، در مسکو و تهران در پرواز بوده است. در کنار ۱۴ مسافر ونزوئلایی ۵ تن ایرانی هم در هواپیما حضور داشته‌اند. ۱۹ خدمه برای یک هواپیمای باری بسیار زیاد است! برای هواپیماهای باری معمولاً یک چهارم این تعداد (۵ تن) به عنوان خدمه پیش‌بینی شده است. از آن گذشته ایرانی‌های حاضر در هواپیما ثبت نشده بوده‌اند. این جنجال فعلاً به اینجا رسیده است که هواپیما اجازه ترک آرژانتین را یافته، اما ایرانی‌ها نه!

شرکت هواپیمایی تجاری برای «ماهان ایر» فقط یک پوشش است

خواند و نوشت «هزاران آفرین صد بارک‌الله. باید آن دست را بوسه‌باران کرد.»

محمد مردنی پسر پزشک مخصوص علی خامنه‌ای و مشاور تیم مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی در توییتی نوشت: «من برای نویسنده‌ای که نفرت و تحقیر بی‌پایان نسبت به مسلمانان و اسلام را به همراه داشته است، اشک نمی‌ریزم. او یک بازیچه امپراتوری است که به عنوان یک رمان‌نویس پسااستعماری ظاهر شده است. اما آیا عجیب نیست که با نزدیک شدن به توافق هسته‌ای احتمالی، آمریکا ادعاهایی در مورد تلاش برای کشتن جان بولتون مطرح کرده و اکنون این اتفاق می‌افتد؟» این سخنان از زبان فردیست که خدمتگزار رژیم است که جنایات تروریستی‌اش نه تنها آشکار و عیان است بلکه مقامات و رسانه‌های وابسته‌اش نیز قتل دگراندیشان را می‌ستایند!

محمد ابطی رئیس دفتر محمد خاچی در دولت موسوم به اصلاحات نیز در توییتی نوشت «همه اتفاقات جنجالی و پر هزینه سیاسی مثل خبر ترور بولتون با سیصد هزار دلار! و یا حمله به سلمان رشدی، در آستانه توافق برجام انجام می‌شود. چه مخالفان داخلی برجام یا مخالفان آمریکایی اسرائیلی برجام پشت این قضایا باشند، مردم ایران قربانی هستند.» حال آنکه جمهوری اسلامی می‌تواند خیلی راحت «توافق برجام» مورد ادعای مردنی و ابطی را قبول کند و «توطئه»‌هایی را که در ذهن متوهم وابستگان نظام پرورده می‌شود، به آسانی خنثی نماید!

علاوه بر اصلاح‌طلبان شماری از مبلغان و فعالان رسانه‌ای حامی خامنه‌ای نیز سوء قصد به سلمان رشدی را با برجام مرتبط دانسته‌اند. علی‌اکبر رائفی‌پور که خود را نظریه‌پرداز می‌پندارد در توییتی نوشت «اینکه پس از ۴۰ سال سلمان رشدی به سزای اعمالش رسید یک بحث اما اینکه دقیقاً در آستانه به ثمر رسیدن مذاکرات برجامی و پس از آنکه خربهایی از ترور جان بولتون، پمپئو و نیز هشدار آنتونی بلینکن مبنی بر ترور مستولان پیشین آمریکایی این اتفاق رخ داده محل تأمل است... همه چیز شبیه میکونوس است!»

لابیگران معروف رژیم نیز در توییت‌ها و ریتوییت‌های متعدد به توجیه این موضوع پرداخته‌اند که گویا فتوای قتل سلمان رشدی دیگر اعتبار نداشته و آنها نیز مانند دیگر وابستگان رژیم آن را مرتبط به معامله اقی می‌دانند!

شماری از حامیان نظام در شبکه‌های مجازی سوء قصد خونین و حمله‌ی یک اسلامگرا با چاقو به یک نویسنده مدافع آزادی بیان را «اقتدار جمهوری اسلامی» در دورترین نقاط دنیا دانسته و از «مقاومت» تقدیر کرده‌اند. آنها همزمان برای مخالفان نظام به ویژه نویسندگان و روزنامه‌نگاران مخالف و مدافع دموکراسی و آزادی بیان خط و نشان کشیده‌اند.

هنوز مقامات ارشد جمهوری اسلامی نسبت به این اقدام تروریستی واکنش رسمی نشان نداده‌اند اما خطی که رسانه‌های رژیم ولایت فقیه دنبال می‌کنند به چالش کشیدن نهادهای امنیتی آمریکا در محافظت از آنهاست که علیه جمهوری اسلامی و اسلامگرایان فعال‌اند.

چاقوکشی که به سلمان رشدی حمله کرد از عاشقان جمهوری اسلامی است؛ خط و نشان «ولایت‌مداران» برای نویسندگان و روزنامه‌نگاران دگراندیش!



هادی مطر

و همسو با آرمان‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده است.

برخی رسانه‌های بین‌المللی با «بنیاد ۱۵ خرداد» وابسته به «ستاد اجرایی فرمان امام» تماس گرفتند تا با مدیران آن درباره این سوء قصد صحبت کنند. این نهاد در معرفی فعالیتش‌هایش نوشته یکی از اقدامات برجسته این بنیاد، تعیین جایزه برای قتل سلمان رشدی نویسنده کتاب «آیات شیطانی» بوده که ضمن انعکاس‌گسترده در جهان باعث شد این نویسنده مجبور شود دور از فضای عمومی زندگی کند. روزنامه «کیهان» چاپ تهران که به «تریبون بیت رهبری» مشهور است با استقبال از حمله تروریستی علیه رشدی در ستون «گفت و شنود» ضارب را «دلاور» و «وظیفه‌شناس»

● بر اساس گزارش‌ها، سلمان رشدی بعد از سوء قصد قدرت تکلم ندارد و بخشی از عصب‌های دست او در ناحیه بازو قطع شده و احتمالاً یک چشم خود را از دست خواهد داد.

● به گفته پلیس نیویورک ضارب سلمان رشدی یک جوان مسلمان ۲۴ ساله ساکن نیوجرسی با نام «هادی مطر» است که شیفته رهبران جمهوری اسلامی و شیعه‌گری و همسو با آرمان‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

● محمد مردنی پسر پزشک مخصوص علی خامنه‌ای و مشاور تیم مذاکره‌کننده اقی جمهوری اسلامی در توییتی نوشت: «من برای نویسنده‌ای که نفرت و تحقیر بی‌پایان نسبت به مسلمانان و اسلام را به همراه داشته است، اشک نمی‌ریزم. او یک بازیچه امپراتوری است که به عنوان یک رمان‌نویس پسااستعماری ظاهر شده است. اما، آیا عجیب نیست که با نزدیک شدن به توافق هسته‌ای احتمالی، آمریکا ادعاهایی در مورد تلاش برای کشتن جان بولتون مطرح کرده و اکنون این اتفاق می‌افتد؟»

● علاوه بر اصلاح‌طلبان شماری از مبلغان و فعالان رسانه‌ای حامی خامنه‌ای نیز سوء قصد به سلمان رشدی را با برجام مرتبط دانستند. این ادعا در حالیست که جمهوری اسلامی با پذیرش معامله اقی می‌تواند این «توطئه» را که در ذهن این افراد پرورده می‌شود، خنثی کند!

● روزنامه «کیهان» چاپ تهران که به «تریبون بیت رهبری» مشهور است با استقبال از حمله تروریستی به رشدی، ضارب را «دلاور» و «وظیفه‌شناس» خوانده و نوشته است «هزاران آفرین صد بارک‌الله. باید آن دست را بوسه‌باران کرد!»

سلمان رشدی نویسنده سرشناس انگلیسی هندی‌تبار که روز جمعه در جریان سخنرانی در نیویورک مورد سوء قصد قرار گرفت بعد از عمل جراحی اکنون دستگاه تنفس مصنوعی به او وصل شده و پزشکان گفته‌اند ممکن است یک چشم خود را از دست بدهد.

بر اساس گزارش‌ها این نویسنده ۷۵ ساله و مدافع سرسخت آزادی بیان قدرت تکلم ندارد و بخشی از عصب‌های دست او در ناحیه بازو قطع شده است.

به گفته پلیس نیویورک، ضارب سلمان رشدی یک جوان مسلمان ۲۴ ساله ساکن نیوجرسی به نام «هادی مطر» است. تحقیقات پلیس نشان می‌دهد او از هواداران حزب‌الله لبنان و جمهوری اسلامی است و مرید رهبران رژیم اسلامی ایران است. هادی مطر در فیس‌بوک خود در حمایت از جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شیعه‌گری مطالبی منتشر کرده است.

تصاویری از روح‌الله خمینی و علی خامنه‌ای به همراه نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و همچنین قاسم سلیمانی در صفحه فیس‌بوک او دیده می‌شود.

بنا به گزارش NBC هادی مطر یک گواهینامه رانندگی جعلی نیوجرسی با خود داشت. یک مقام پلیس گفته فعلاً پیوند قطعی ضارب با سپاه پاسداران مشخص نشده اما ارزیابی‌های اولیه نشان می‌دهد او تحت تأثیر شیعه‌گری

Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده
با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:
۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵
تماس بگیرید.



Believe in children
Barnardo's



پاسدار جواد کریمی قدوسی عضو سپاه خراسان و نماینده عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی

جواد کریمی قدوسی نماینده مجلس شورای اسلامی: جمهوری اسلامی می تواند به «افراد میداندار کوچه محلات» نیویورک پولی بدهد تا «کار» را انجام دهند!

دیگر می‌توانند آن کار را انجام دهند هیچوقت نفرت اصلی خودش را به میدان نمی‌فرستد!

اتفاقاً این ترفند برای نمونه در ترور میکونوس به کار گرفته شد و برای قتل مخالفان رژیم در برلین، چند لبنانی اجیر شدند که البته پس از ارتکاب جنایت عین هادی مطر ضارب سلمان رشدی دستگیر و به زندان محکوم گشتند! بعداً برنامه‌ریز آنها «کاظم دارابی» نیز دستگیر و به حبس ابد محکوم و پس از پانزده سال آزاد و بلافاصله به دامان جمهوری اسلامی اخراج شد! در دادگاه میکونوس بود که با مستندات غیرقابل رد اثبات شد که تصمیم قتل مخالفان جمهوری اسلامی در داخل و خارج کشور نخست توسط خمینی و سپس توسط جانشین وی «خامنه‌ای» گرفته شده و می‌شود.

حالا جواد کریمی قدوسی در تکمیل اعترافات تهدیدآمیزش اضافه کرده است: «به فرض اینکه ایران بخواهد انتقام بگیرد، به همان افراد میداندار کوچه محلات منهتن نیویورک هم از راه دور یک سفارشی کند و یک پولی به آنها بدهد آنها می‌توانند آن کار را انجام دهند تا اینکه یک پاسدار را از ایران به نیویورک بفرستند که احتمال خطرش خیلی زیاد است. بنابراین این ادعا اصلاً قواره فنی خودش را ندارد، صرفاً یک ادعایی‌ست با کاربردهای مختلفی که آنها تحلیل می‌کنند.»

کریمی قدوسی در واکنش به آندسته افراد و گروه‌های سیاسی جمهوری اسلامی که برنامه‌ریزی برای ترور مقامات آمریکایی را توطئه‌ای از سوی اسرائیل برای مختل کردن مذاکرات برجام می‌دانند نیز گفت: «اگر رژیم صهیونیستی بخواهد بازی مذاکرات و توافق را برهم بزند با نفوذی که در کاخ سفید دارد به خاطر اشراف لابی صهیونیستی، خیلی راحت این کار را می‌کند. آنقدر هم دستش خالی و ناتوان از نفوذ در هیات حاکمه آمریکا نیست که اینگونه بخواهد مذاکرات را برهم بزند.»

قدوسی اضافه کرد: «عده‌ای در داخل می‌آیند و به خاطر بزرگ کردن بحث برجام و مذاکره می‌گویند این آنقدر خوب است که رژیم صهیونیستی برای خراب کردنش می‌آید و چنین طرح‌هایی می‌نویسد.»

منظور کریمی قدوسی از «عده‌ای در داخل» امثال اصلاح‌طلبان و برخی چهره‌های نزدیک به تیم مذاکره‌کننده از جمله محمد مرندی پسر پزشک مخصوص خامنه‌ای هستند که برای مبراً کردن جمهوری اسلامی از این نوع جنایات چنین تبلیغ می‌کنند که گویا دست‌هایی در کار است تا با این اقدامات نگذارند برجام که در عمل مُرده، احیا شود!

او ادعا کرد که «سلمان رشدی با اهانت به مقدسات اسلامی و با عبور از خطوط قرمز بیش از یک و نیم میلیارد مسلمان و همچنین خطوط قرمز همه پیروان ادیان الهی خود را در معرض خشم و غضب به مردمی قرار داد نه تنها مسلمان‌ها بلکه همه پیروان ادیان الهی از اینکه به مقدسات یک دین الهی و آسمانی رسول الهی و اهانت شده زنجور شده و زنجور هستند.»

این تکذیب و اعلام براءت کردن جمهوری اسلامی از هادی مطر ضارب سلمان رشدی در حالیست که همان تحقیقات اولیه نشان می‌دهد وی نه تنها شیفته ایدئولوژی جمهوری اسلامی و تحت تأثیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده بلکه با عناصری از این گروه تروریستی از طریق شبکه‌های اجتماعی (فیس‌بوک) در تماس بوده است. شماری از مقامات جمهوری اسلامی و وابستگان به نظام و همچنین رسانه‌های رسمی با تأیید فتوای روح‌الله خمینی در مورد قتل رشدی این اقدام تروریستی را ستوده و علیه دولت‌مردان آمریکا از جمله مایک پمپئو و دونالد ترامپ و نیز روزنامه‌نگاران و نویسندگان مخالف جمهوری اسلامی در خارج کشور خط و نشان کشیده و هشدار داده‌اند که سرنوشت سلمان رشدی باید درس عبرت سایرین باشد. درواقع مقامات جمهوری اسلامی فتوای خمینی و سوء قصد علیه رشدی را تأیید می‌کنند اما با آگاهی از پیامدهای بین‌المللی آن به صورت رسمی دست داشتن در آن را رد می‌کنند چنانکه گزارش وزارت دادگستری ایالات متحده در مورد تلاش برای ترور جان بولتون مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا را نیز رد کردند.

جواد کریمی قدوسی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی یکی از مقامات جمهوری اسلامی است که ناخواسته به نقش رژیم ایران در چنین عملیات تروریستی به صراحت اعتراف می‌کند. قدوسی به اینگونه گفته «جمهوری اسلامی نیازی به اعزام یک پاسدار به قلب دشمن ندارد، چون در همان کشور افراد باغیرتی پیدا می‌شوند که از مواضع ما مطلع هستند و آتش به اختیارند و هر کجا که این فرصت نصیب‌شان شود، انتقام را از امثال ترامپ و پمپئو و اینها خواهند گرفت!»

وی با اشاره به گزارش نهادهای قضایی و امنیتی آمریکا در مورد برنامه‌ریزی جمهوری اسلامی برای کشتن مقامات پیشین آمریکایی افزود: «از نگاه سرویس‌های اطلاعاتی دنیا و کارشناسان این حوزه، این موضع کاخ سفید بسیار مسخره و ناشایسته بود چون همه می‌شناسند یک سرویس و یک دستگاه امنیتی اگر بخواهد اقدامی انجام دهد تا زمانی که کسانی هستند که با نام دیگر، زبان دیگر، ملیت

● آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا در بیانیه‌ای با محکوم کردن حمله تروریستی به سلمان رشدی، رسانه‌های وابسته به رژیم ایران را عامل دامن زدن به خشونت علیه این نویسنده دانست.

● ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ادعا کرد «به صورت قطعی و رسمی هرگونه ارتباط ضارب سلمان رشدی با جمهوری اسلامی را تکذیب می‌کنیم و کسی حق ندارد ایران را متهم کند.»

● جواد کریمی قدوسی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی به اینگونه گفته «جمهوری اسلامی نیازی به اعزام یک پاسدار به قلب دشمن ندارد، چون در همان کشور افراد باغیرتی پیدا می‌شوند که از مواضع ما مطلع هستند و آتش به اختیارند و هر کجا که این فرصت نصیب‌شان شود، انتقام را از امثال ترامپ و پمپئو و اینها خواهند گرفت.»

● این نماینده اعتراف کرد «به فرض اینکه ایران بخواهد انتقام بگیرد، به همان افراد میداندار کوچه محلات منهتن نیویورک هم از راه دور یک سفارشی کند و یک پولی به آنها بدهد آنها می‌توانند آن کار را انجام دهند تا اینکه یک پاسدار را از ایران به نیویورک بفرستند که احتمال خطرش خیلی زیاد است.»

● اتفاقاً این ترفند برای نمونه در ترور میکونوس به کار گرفته شد و برای قتل مخالفان رژیم در برلین، چند لبنانی اجیر شدند که البته پس از ارتکاب جنایت عین هادی مطر ضارب سلمان رشدی دستگیر و به زندان محکوم گشتند!

آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا در بیانیه‌ای که یکشنبه ۱۴ اوت (۲۳ مرداد) منتشر شد با محکوم کردن حمله تروریستی به سلمان رشدی، رسانه‌های وابسته به رژیم ایران را عامل دامن زدن به خشونت علیه این نویسنده دانست. همزمان در ایران یک نماینده مجلس شورای اسلامی تهدید کرد اگر بنا به انتقام باشد در کوچه‌ها و محلات نیویورک پول می‌دهیم و کار را انجام می‌دهند!

در بخشی از بیانیه وزیر خارجه آمریکا آمده «به‌ویژه نهادهای دولتی ایران برای نسل‌هاست که علیه رشدی تحریک به خشونت کرده‌اند و رسانه‌های وابسته به رژیم ایران نیز اخیراً از سوء قصد به جان وی ستایش به عمل آورده‌اند. این نفرت‌انگیز است.»

ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی دوشنبه ۲۴ مرداد ادعا کرد «به صورت قطعی و رسمی» «هرگونه ارتباط ضارب سلمان رشدی با جمهوری اسلامی را تکذیب می‌کنیم و کسی حق ندارد ایران را متهم کند!»

زیرا می‌دانند که در انتخابات جدید آرای بیشتری را از دست خواهند داد.»

علی‌الحیاتی یکی دیگر از معترضان عراقی که کلیت نظام سیاسی این کشور را فاسد می‌داند، در گفتگو با کیهان لندن می‌گوید «مقتدی صدر زمانی نورچشمی جمهوری اسلامی بود و تنها پس از آنکه دریافت رهبران ایران شخصیت‌های دیگری چون نوری المالکی را به او ترجیح می‌دهند از تهران فاصله گرفت و در سفری به ریاض تلاش کرد حمایت رقبای جمهوری اسلامی را به دست آورد. مقتدی صدر با سیاست‌های آمریکاستیز و دشمنی شدیدی که با اسرائیل دارد، نمی‌تواند عراق را از وضعیت کنونی خارج سازد و راه را برای عادی‌سازی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، و مبارزه با فساد گسترده باز کند. پریدن از دامان نوری المالکی به زیر عبای مقتدی صدر انتخاب معقولی نیست و بسیاری از مردم به ویژه جوانان حاضر نیستند وارد این بازی قدرت بشوند.»

عرفان رشید خطر جنگ بین جناح‌های شیعه را بسیار جدی دانسته و معتقد است که «فقط مرجعیت شیعه در نجف و به ویژه آیت‌الله علی‌سیستانی می‌توانند از این فاجعه پیشگیری کنند.» در روزهای گذشته هم مقتدی صدر و هم رقبای او در نجف با آیت‌الله سیستانی ملاقات کردند. جمهوری اسلامی نیز غیرمستقیم از این روحانی ایرانی تبار که هواداران بسیاری در عراق دارد خواسته است که برای جلوگیری از آنچه می‌تواند به جنگ داخلی جدیدی منجر شود، قدم به میدان بگذارد. اختلافات بین آیت‌الله علی‌سیستانی و جمهوری اسلامی بسیار گسترده هستند. این مرجع شیعه بارها علیه ولایت فقیه موضع گرفته و مخالف حضور روحانیت در سیاست است. این مسئله آخر یکی از دلایل اختلاف آیت‌الله سیستانی با مقتدی صدر و پدر او آیت‌الله محمدصادق نیز بوده و هست. در گذشته بارها نزدیکان آیت‌الله علی‌سیستانی گفته بودند که این مرجع شیعه مقتدی صدر را یک «دیکتاتور افراطی» می‌داند که اگر به قدرت برسد یک «حکومت دینی به سبک جمهوری اسلامی بر عراق تحمیل» و لباس ولی فقیه را بر تن خواهد کرد.

شنبه ۱۳ اوت مقتدی صدر با صدور بیانیه‌ای هوادارانش را در تمام عراق فراخواند که برای حمایت از خواست او مبنی بر انحلال مجلس و برگزاری انتخابات جدید به بغداد بیایند. مقتدی صدر تنها یک هفته به رقبای خود در «چارچوب هماهنگی» شیعیان مهلت داده تا در مجلس به طرح انحلال پارلمان و تعیین تاریخ انتخابات جدید رای دهند. مقتدی صدر در نظر دارد در صورتی که شیعیان تحت حمایت جمهوری اسلامی این مهلت را نادیده بگیرند، با اشغال خیابان‌های بغداد با صدها هزار نفر از هوادارانش آنها را وادار به عقب‌نشینی کند. بسیاری این بیانیه مقتدی صدر را نوعی اعلان جنگ دانسته و سرازیر ساختن صدها هزار نفر از هوادارانش را به پایتخت خطرناک ارزیابی کرده و از هم‌اکنون صحبت از آغاز جنگ داخلی می‌کنند.

رشید عرفان روزنامه‌نگار عراقی در ادامه گفتگو با کیهان لندن هشدار می‌دهد «جنگ احتمالی بین گروه‌های شیعه تنها محدود به بغداد و یا جنوب نخواهد ماند و کل عراق و حتا مناطق سنی‌نشین و اقلیم کردستان را هم به آتش خواهد کشید. در اقلیم کردستان دو حزب اصلی کرد یعنی «حزب دمکرات» خانواده بارزانی و «اتحادیه میهنی» خانواده طالبانی هر کدام سرنوشته خود را با یکی از دو جبهه شیعه گره زده‌اند و در صورت بروز جنگ داخلی در مقابل یکدیگر قرار خواهند گرفت. در استان سنی‌نشین «الانبار» نیز جمهوری اسلامی می‌تواند روی برخی قبایل حساب کند، که در درگیری‌های احتمالی در حمایت از شیعیان وابسته به تهران اسلحه به دست خواهند گرفت.»

شبح جنگ داخلی بر عراق سایه انداخته است



تجمع گروه در منطقه سبز بغداد؛ ۱۲ اوت ۲۰۲۲

مقتدی صدر حتا نام انقلاب اکتبر [نامی که معترضان به جنبش مردمی سال ۲۰۱۹ داده‌اند] را هم دزدیده است، در حالی که در شکل‌گیری این جنبش گسترده مردمی نقش نداشته است.» قبل از اینکه مقتدی صدر حامیانش را به خیابان بیاورد، بارها و در اشکال مختلف خواهان انحلال مجلس کنونی و برگزاری انتخابات پیش از موعد شده بود. درخواستی که با مخالفت نیروهای شیعه تحت حمایت جمهوری اسلامی روبروست. در انتخابات اکتبر سال گذشته ائتلاف «سائرون» مقتدی صدر توانست با به دست آوردن ۷۳ کرسی موقعیت خود را به عنوان مهم‌ترین ائتلاف در پارلمان جدید تثبیت کند، در حالی که گروه‌های تحت حمایت نیروی قدس بازنده از این انتخابات بیرون آمدند. با وجود این پس از گذشت تقریباً ده ماه هنوز دولتی انتخاب نشده است. در عراق برای انتخاب دولت جدید باید ابتدا رئیس‌جمهور جدید را انتخاب کرد. انتخاب رئیس‌جمهور احتیاج به دو سوم آرای پارلمان دارد، در حالی که ائتلاف صدری‌ها با دو حزب بزرگ سنی و حزب دمکرات کردستان عراق از چنین اکثریتی برخوردار نبوده است. رشید عرفان در ادامه گفتگو با کیهان لندن می‌افزاید «استعفای نمایندگان گروه صدر از پارلمان نیز نتوانست کشور را از بن‌بست سیاسی خارج کند. هدف مقتدی صدر انحلال مجلس و برگزاری انتخابات جدید بود که البته طبق قانون در اختیار خود پارلمان است ولی از آنجا که این مجلس نتوانسته در مهلت تعیین شده در قانون اساسی رئیس‌جمهور جدید را انتخاب کرده و دولت را تشکیل دهد، این روحانی شیعه از قوه قضائیه خواسته است که نمایندگان را به خانه بفرستد و انتخابات جدید برگزار شود. این مسئله مورد قبول احزاب تحت حمایت جمهوری اسلامی و البته حکومت تهران نیست

● معترضان که در اکتبر ۲۰۱۹ علیه فساد مالی و ناکارآمدی سیستم سیاسی در عراق به خیابان آمدند می‌گویند در دعوا بین هواداران مقتدی صدر و نوری المالکی بی‌طرف بوده و خواهند ماند، زیر مشکل با این گروه یا آن گروه نیست.

● جوانان عراقی که در اکتبر دو سال پیش با خواست مبارزه با فساد و ناکارآمدی نظام سیاسی به خیابان آمدند پریدن از دامان نوری المالکی به زیر عبای مقتدی صدر را اشتباهی بزرگ می‌دانند.

● هواداران مقتدی صدر روحانی شیعه که از جمهوری اسلامی فاصله گرفته و در انتخابات اکتبر سال گذشته بالاترین آرا را به دست آورد، خواهان انحلال پارلمان و برگزاری انتخابات جدید است. پیشنهادی که گروه‌های تحت حمایت جمهوری اسلامی با آن مخالفت می‌کنند. حالا مقتدی صدر با صدور بیانیه‌ای هوادارانش را در تمام عراق فراخوانده که برای حمایت از خواست او مبنی بر انحلال مجلس و برگزاری انتخابات جدید به بغداد بیایند. وی به رقبای خود یک هفته مهلت داده است!

● «جنگ احتمالی بین گروه‌های شیعه تنها محدود به بغداد و یا جنوب نخواهد ماند و کل عراق و حتا مناطق سنی‌نشین و اقلیم کردستان را هم به آتش خواهد کشید.»

احمد رأفت - روز جمعه ۱۲ اوت ۲۰۲۲ دو گروه از شیعیان عراق در مخالفت با دیگری مرکز شهر بغداد را به اشغال خود درآوردند. هواداران مقتدی صدر روحانی شیعه که خود را پرچمدار اصلاحات معرفی کرده و در انتخابات اکتبر سال گذشته توانسته بود ۷۳ نماینده راهی مجلس کند و هفته گذشته ساختمان پارلمان را اشغال کرده بودند، جمعه در مقابل آن تجمع کرده و خیمه زدند. در خارج از «محوطه سبز» که منطقه‌ی پارلمان، ساختمان‌های دولتی و سفارت‌های خارجی است، هواداران «چارچوب هماهنگی» متشکل از احزاب شیعه که مخالفان مقتدی صدر و نیروهای تحت حمایت جمهوری اسلامی را در بر می‌گیرد تجمع کردند. بسیاری از افراد این گروه دوم، مسلح به خیابان آمدند، در حالی که شمار هواداران مقتدی صدر چند برابر مخالفان این روحانی شیعه بود. بنا بر توافق نانوشته‌ای هیچ‌گونه درگیری بین دو گروه رخ نداد.

رشید عرفان روزنامه‌نگار عراقی در بغداد به کیهان لندن می‌گوید «اسماعیل قاتنی فرمانده نیروی قدس که در روزهای گذشته به بغداد سفر کرده بود، نوری المالکی و دیگر رهبران گروه‌های هوادار خود را متقاعد ساخته که در شرایط کنونی هرگونه درگیری می‌تواند به گسترش حمایت‌های مردمی از گروه مقتدی صدر منتهی شود و از آنها خواسته بود دست به اسلحه نبرند.» هواداران مقتدی صدر که تلاش دارند اعتراض‌های مردمی اکتبر ۲۰۱۹ میلادی را به نام خود مصادره کنند، صحبت از انقلاب کرده و می‌گویند علیه فساد و نفوذ بیش از حد جمهوری اسلامی در عراق قدم به میدان گذاشته‌اند.

محمود احمد که در اکتبر سال ۲۰۱۹ در خیابان بود و یکی از رهبران میدانی این حرکت مردمی به حساب می‌آید به کیهان لندن می‌گوید «ما در دعوا بین هواداران مقتدی صدر و نوری المالکی بی‌طرف بوده و خواهیم ماند، زیرا مشکل ما با این گروه یا آن گروه نیست. ما در اکتبر ۲۰۱۹ علیه فساد و سیستم بیمار سیاسی کشور به خیابان آمدیم و تمام احزاب را بدون استثناء مسئول وضعیت کنونی می‌دانیم. وابستگی بیشتر یا کمتر این گروه یا آن حزب به جمهوری اسلامی تنها یکی از مشکلات است. آنهایی که از حکومت فاسد تهران فاصله گرفتند، بهتر از آنهاست که فرماندهان سپاه پاسداران دستور می‌گیرند نیستند و همان اندازه فاسد و دزد هستند.

«ایرانفروشی» اینبار به هند؛ ۹۹ درصد از درآمد بندر چابهار تا سه سال به هند داده شد!

● شرکت کیهان شیران زرین وابسته به بنیاد مستضعفان امضاکننده این قرارداد عجیب با هند است.

● بندر چابهار به دلیل اینکه نزدیکترین راه دسترسی کشورهای محصور در خشکی آسیای میانه شامل افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان، به آب‌های آزاد است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

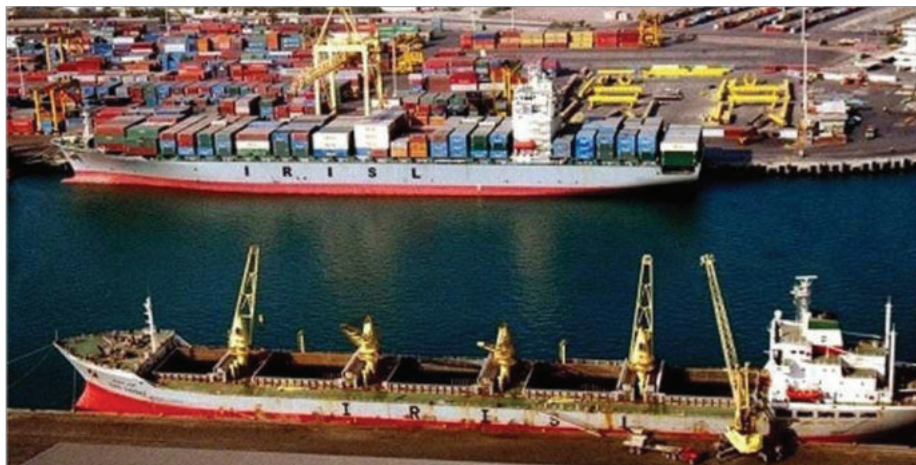
شرکت کیهان شیران زرین وابسته به بنیاد مستضعفان به عنوان پیمانکار ایرانی طرف قرارداد هندی‌ها در بندر چابهار با امضای قراردادی عجیب، ۹۹ درصد از درآمد بندر چابهار را تا سه سال آینده در اختیار هندی‌ها قرار داده و ایران فقط سهمی یک درصدی از این قرارداد دارد!

بیش از ۴۳ ماه از واگذاری راهبری اسکله «بهشتی» بندر چابهار به شرکت هندی «اینديا پورترز گلوبال لیمیتد» یا IPGL می‌گذرد و در حال حاضر این بندر بر اساس اهدافی که تعیین شده، بجای آنکه تبدیل به قطبی جدید برای ترانزیت کالا و کانتینر بین هند، افغانستان و آسیای میانه و روسیه شود، به محلی برای کسب درآمد هند از تخلیه کالاهای اساسی و بارگیری مواد معدنی و ساختمانی تبدیل شده است.

پیش از این نیز زرمه‌هایی از تخلفات سازمان بندر و دریانوردی در بندر چابهار برای انتخاب شرکت پیمانکار ایرانی منتشر شده بود که نشان می‌داد در این مورد هم رانت‌های حکومتی منافع کشور را به بازی گرفته‌اند. شرکت کیهان شیران زرین وابسته به بنیاد مستضعفان شرکتی است که از سوی سازمان بندر و دریانوردی به عنوان پیمانکار ایرانی منتخب شرکت هندی اینديا پورترز گلوبال لیمیتد در بندر چابهار معرفی شد. پس از همکاری شرکت کیهان شیران زرین به عنوان پیمانکار ایرانی طرف قرارداد هندی‌ها، آمار عملکردی اسکله «بهشتی» در چرخه مبادلات تجاری بین المللی و ترانزیت کالا و کانتینر تا ۸۰ درصد سقوط کرد و حتی محمولات گندم اهدایی دولت هند به مردم افغانستان که پیشتر از اسکله «بهشتی» بندر چابهار منتقل می‌شدند، از طریق خاک پاکستان به افغانستان می‌رسند.

اکنون خبرگزاری ایلنا در گزارشی اعلام کرده که شرکت کیهان شیران زرین در پیشنهاد خود به طرف هندی قائل به سهم ۹۹ درصدی شرکت IPGL از درآمد عملیات تخلیه و بارگیری اسکله «بهشتی» شده یعنی شرکت کیهان شیران زرین فقط با سهم یک درصدی وارد این مناقصه شد و حاضر شده ۹۹ درصد درآمدهای اسکله «بهشتی» را تا ۳ سال آینده در اختیار اپراتور هندی قرار دهد.

در گزارش تکاندننده خبرگزاری ایلنا آمده که آمارهای رسمی سازمان بندر نشان می‌دهد که اساساً از ۱۹ ماه گذشته، اسکله «بهشتی» که به آن «بندر» هم می‌گویند، چابهار ۸۰ درصد از فعالیت‌های کانتینری و ترانزیتی خود را از دست داده بطوری که مجموع عملیات کانتینری «بندر شهید بهشتی» بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ که هنوز پیمانکار کیهان شیران زرین وارد بندر نشده بود از ۴۸۴۶ تی‌یو به ۸۳۰۶ تی‌یو رسیده یعنی رشد حدود ۷۰ درصد داشته اما در سال‌های



۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱ عملیات کانتینری با افت ۸۰ درصد به ۱۴۵۰ تی‌یو کاهش پیدا کرده است. البته همین میزان عملیات مربوط می‌شود به تخلیه کالاهای اساسی وارداتی و بارگیری مواد معدنی و ساختمانی صادراتی محدود شده که عملاً ارتباطی با بازاریابی و بازاریابی طرف هندی ندارد و ترافیک فعلی کشتی و کالا در اسکله «بهشتی» صرفاً موهون تصمیم دولت ایران در راستای ایفای مسئولیت اجتماعی در خصوص توسعه محور شرق است.

در حال حاضر درآمدهایی که از تخلیه کالاهای اساسی و بارگیری مواد معدنی و مصالح ساختمانی در چابهار حاصل می‌شود، چه هندی‌ها در چابهار باشند و چه نباشند، عملاً متکی به نیاز بازار مصرف و تولید ایران است و این فعالیت‌ها نباید محمولی برای کسب درآمد طرف هندی در ایران شود و آنها را از انجام تعهدات اصلی غافل کند.

در چنین شرایطی هند حتی به تعهدات خود در بندر چابهار هم بی‌اعتنا است و جمهوری اسلامی با وجود مافیاهای وابسته به بنیاد مستضعفان حتی توان رویارویی با تخلفات هند را هم ندارد.

هفت سال پیش موافقتنامه تأسیس دالان حمل و نقلی و تجاری ایران، هند و افغانستان موسوم «توافقنامه چابهار» امضا شد. بر اساس توافق میان ایران و هندوستان، شرکت دولتی (India Ports Global Limited (IPGL) زیر نظر وزارت بندر، کشتیرانی و آبراه‌های هند به عنوان اپراتور بندر چابهار انتخاب و قرار بر این بود که پس از گذشت دو سال از فعالیت اپراتوری در اسکله «بهشتی»، قرارداد ۱۰ ساله با آن امضا شود. اکنون در حالی که چند ماه از پایان قرارداد دو ساله هندی‌ها باقیمانده اپراتور هندی به تعهدات خود در قرارداد عمل نکرده و بندر چابهار را به اهداف مورد نظر نرسانده است.

در اردیبهشت امسال نیز گزارشی مبنی بر درخواست تعیین دآوری بین المللی از سوی هند را برای حل اختلافات منتشر شد. در این گزارش آمده بود که هند اجازه استفاده از شش دستگاه جرثقیل سنگین ساحلی وارد شده به بندر «بهشتی» را هم نمی‌دهد.

روزبه مختاری رئیس هیئت مدیره انجمن کشتیرانی و خدمات وابسته درباره دلایل تعلل هندی‌ها در انجام تعهدات و انعقاد قرارداد ۱۰ ساله با شرکت (IPGL) گفته بود که «می‌توانستیم از بندر چابهار بهره برداری بسیار خوبی را داشته باشیم اما این موضوع شکل نگرفته و واقعیت این است که در واکاوی و نگاه درست باید گفت تمام وعده‌هایی که هم طرف ایرانی و هندی برای توسعه و رونق بندر چابهار به اقتصاد کشور ارایه کردند، به اجرا نرسید.»

روزبه مختاری افزوده بود که «باید اقداماتی انجام می‌شد که

تجارت، اقتصاد و اشتغال در بندر چابهار به رونق برسند و برای تحقق این امر به بازاریابی و بازاریابی حرفه‌ای برای بندر چابهار نیاز داشتیم که تا به امروز متولی آن مشخص نشده است.» رئیس هیئت مدیره انجمن کشتیرانی و خدمات وابسته ایران با اشاره به ضعف شرکت زیر مجموعه بنیاد مستضعفان به عنوان پیمانکار اپراتور هندی انتخاب شده، گفته بود که «اولین پیمانکار ایرانی اپراتور هندی در بندر چابهار که از بخش خصوصی ایران بود، (از دی ماه ۱۳۹۷ تا دی ماه ۱۳۹۹)، بیش از مسئولیت تعریف شده خود برای افزایش حجم مرادات از بندر چابهار، دست به بازاریابی و بازاریابی زد و توانست تجار و شرکت‌های کشتیرانی را به سمت بندر چابهار جذب کند و تردد کشتی و کالا در آن بندر را افزایش دهد. اما پس از آن، بخش خصوصی ایرانی را که ۲ سال پیمانکار هندی‌ها بود، کنار گذاشتند و شرکتی زیرمجموعه بنیاد مستضعفان را از دیماه ۱۳۹۹ به عنوان پیمانکار بندر شهید بهشتی چابهار معرفی کردند که از همان ابتدا انتخاب آن شرکت سوال برانگیز بود، چراکه تنها چند روز از ثبت آن شرکت می‌گذشت اما از طرف هندی‌ها برنده مناقصه پیمانکاری راهبری بندر شهید بهشتی اعلام شد.»

بندر چابهار در استان سیستان و بلوچستان و در کرانه دریای مکران و اقیانوس هند واقع شده است. این شهر تنها بندر اقیانوسی ایران است که کشتی‌های اقیانوس‌پیما می‌توانند در اسکله آن پهلوگیری کنند.

بندر چابهار به دلیل موقعیت راهبردی‌اش، که نزدیکترین راه دسترسی کشورهای محصور در خشکی آسیای میانه شامل افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان، به آب‌های آزاد است دارای اهمیت ویژه‌ای در منطقه است اما تعلل جمهوری اسلامی در ده‌های اخیر نتوانسته فرصت بهره‌برداری و تبدیل آن به یکی از بنادر استراتژیک تجاری آسیای میانه را ایجاد کند. اسکله‌ای که سال‌ها پس از انقلاب اسلامی به اسم «بهشتی» نامگذاری شده در سال ۱۳۵۰ توسط آمریکایی‌ها در بندر چابهار طراحی و شروع به ساخت شد اما با وقوع انقلاب این پروژه متوقف ماند و در دوران جنگ طی قراردادی با سنگاپور به پایان رسید. چابهار سال‌هاست که در پی قراردادی با هند برای توسعه این بندر، به محلی برای رقابت هند با چین و پاکستان، و درآمدزایی این کشور از بندری در جنوب ایران شود.

قابل توجه اینکه منطقه آزاد چابهار ایران و «جبل‌علی» امارات دو منطقه هر دو در کریدورهای ترانزیتی هستند اما امارات طی چهار دهه گذشته با توسعه این منطقه توانسته درآمد «جبل‌علی» را به سالانه ۲/۵ برابر درآمد نفتی ایران برساند بطوری که این درآمد حتی قادر است اقتصاد امارات را از نفت بی‌نیاز کند.

● ایرج مبارز بزرگ آرمان آزادی زنان است و همه‌ی استعداد خود را در نقد طنزآلود و همه‌ی ظرافت طبع خود را در هزل و تمسخر به کار می‌برد تا خروج زنان را از پوشش‌ها و بندهای سنت و تبحر و توحش، تبلیغ و ترویج کند و از این بابت ایرج میرزا تا همین امروز در میان شاعران ایران نظیر و هم‌ارجی نیافته است.

امسال ۱۱۶ سال از ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ که پیروزی انقلاب مشروطه با امضای فرمان توسط مظفرالدین شاه قاجار به تشکیل مجلس شورای ملی و تدوین قانون اساسی مشروطه پیروزی حقوقی خود را به ثبت رساند، می‌گذرد. شاعر گرامی محمد جلالی چیمه (م. سحر) کتاب خود با عنوان «درباره شعر مشروطیت ایران» را برای انتشار در اختیار کیهان لندن قرار داده است تا هم‌زمان با سالگردی دیگر از انقلابی مترقی و آزادخواهانه که راه زندگی ایرانیان را به سوی جهان مدرن و «ایران نوین» در دوران پهلوی‌ها گشود، منتشر شود. کیهان لندن این مجموعه را در بخش‌های مختلف در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد.

بخش هفتم

ایرج میرزا

این شاهزاده‌ی تهیدست یک‌لاقبای رند روشنگر، قهرمان مبارزه با خرافات و ضدیت با جهل و اصول اخلاقی کهن و مندرس و دست و پا گیر آزادی‌کش است. او با طعن نیشداری که یادآور سنت عبید زاکانی در طنز و تمسخر است، دم و دستگاه فرهنگ پوسیده اما هنوز حاکم بر جامعه‌ی ایران را به سخره می‌گیرد.

ایرج مبارز بزرگ آرمان آزادی زنان است و همه‌ی استعداد خود را در نقد طنزآلود و همه‌ی ظرافت طبع خود را در هزل و تمسخر به کار می‌برد تا خروج زنان را از پوشش‌ها و بندهای سنت و تبحر و توحش، تبلیغ و ترویج کند و از این بابت ایرج میرزا تا همین امروز در میان شاعران ایران نظیر و هم‌ارجی نیافته است.

مثنوی‌ها و قطعه‌های او ضد خرافات و ضد سنت غیرانسانی حجاب و مقنعه در دوران خودش همچون مپی ترکیده و تأثیر بی‌مانند و غیرقابل بازگشت برجای گذاشته و آثار او هنوز هم پس از حدود ۸۰ سال از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اشعار جهل‌ستیز و خرافه‌زدای روزگار محسوب می‌شود.

بر سر در کاروانسرای

تصویر زنی به گچ بریدند

ارباب عمایم این خبر را

از مخبر صادقی شنیدند

گفتند که واشر یعتا، خلق

روی زن بی‌نقاب دیدند

آسیمه‌سر از درون مسجد

تا سردر آن سرا دویدند

ایمان و امان به سرعت برق

می‌رفت که مؤمنین رسیدند

این آب آورد، آن یکی خاک

یک پیچه ز گل بر او پریدند

ناموس به باد رفته‌ای را

با یک دوسه مشت گل خریدند

چون شرع نبی از این خطر جست

رفتند و به خانه آمدند

غفلت شده بود و خلق وحشی

چون شیر دزنده می‌جهیدند

بی‌پیچه زن گُشاده رو را

پاچین عفاف می‌دیدند

ز من مترس که خانم ترا خطاب کنم؛ از او مترس که همشیره‌ات خطاب کند!

درباره شعر مشروطیت ایران (۷)



محمد جلالی چیمه (م. سحر)

لب‌های قشنگ خوشگلش را

مانند نبات می‌مکیدند

بالجمله تمام مردم شهر

در بحر گناه می‌تپیدند

درهای بهشت بسته می‌شد

مردم همه می‌جهت‌میدند



ایرج میرزا

می‌گشت قیامت آشکارا

یکباره به صور می‌دمیدند

طَبر از وَکرات، وحش از حُجر

انجم ز سپهر می‌رمیدند

این است که پیش خالق و خلق

طُلاب علوم روسفیدند

با این غلما، هنوز مردم

از رونق مُلک ناامیدند!

فرم مثنوی و قطعه باب طبع اوست و کوشش او در کاربرد مفاهیم و کلمات جدید، چه ادیبانه و چه عامیانه، و نیز گرایش او به کاربرد کلمات فرنگی بیش از شاعران دیگر بود که البته این دست و دل بازی در آوردن واژه‌های فرنگی از اسباب و ابزار طنز و ظرافت سخن و شوخ طبعی او محسوب می‌شد و قصد دیگری در کار نبود.

بس که نُت (note) دادم و آنکت (enquête) کردم

اشتباه بروت (brute) و نت (nette) کردم

با همه جُفت و جلا و تک و پو

دان مَه پُش ایل نی یام آن سُل سو (dans ma poche il n'y a même un seul sou)

ایرج استاد ساده‌نویسی محکم و سلیس و روان است. سبک او به شیوه‌ی «سهل و ممتنع» سعدی نزدیک است، اما جنبه‌ی «سهل» و روانی و سادگی در شعر او بیش از سادگی و روانی در شعر سعدی است.

در بُعد تفکر و اندیشه، ایرج بسیار دلیرتر از دیگران با خرافات و عقاید مندرس و با دکانداران مذهب برخورد می‌کرد. وی در تقدس‌زدایی و تابوشکنی‌های فرهنگی و فکری و اجتماعی جسورترین شاعر زمانه‌ی خویش و از این جهت در تاریخ ادبیات ایران با عبید زاکانی هم‌ردیف و همانند است. در بعضی شعرها نظریاتش جنبه‌ی الحادی به خود می‌گیرد مثلاً در مثنوی «انقلاب ادبی» حرف‌هایی دارد که بسا از روزگار خودش جلوتر بوده است:

گفت ان چاه کن اندر بُن چاه

کای خدا، تا به کی این چاه سیاه

نه از این دلو شود پاره رسن

نه مرا جان به در آید ز بدن

رفت از دست به کلی بدنم

تا به کی کار؟ مگر من چدم؟

کاش چرخ از حرکت خسته شود

در قابریک خدا بسته شود

موتور نامیه از کار افتد

تَرَن رشد ز رفتار افتد

زین زلازل که در این فرش اُفتد

کاش یک زلزله در عرش اُفتد

تا که بردارد دست از سرِ ناس

شَر این خلقت بی اصل و اساس

تا خدا ترکِ خدایی گوید

وز خدائیش جدایی جوید

ول کند کرسی و عرش و همه را

کم کند از دو جهان همه‌ها را

خشک گردد به رگ هستی خون

لغو گردد عمل کُن فَبَکون

راه یابد به فلک غمّازی

انجمن‌سازی و پارتی‌بازی

انگلیسان به فلک رخنه کنند

نقشه‌ای طرح در آن صحنه کنند

حرف نفتی به میان اندازند

در فلک مجلس شورا سازند

حزبی و لیدری و انجمنی

جعل قانونی و درد وطنی

...

آخدا خوب که سنجیدم من

از تو هم هیچ نفهمیدم من

گر بود زندگی، این مردن چیست؟

اینهمه بُردن و آوردن چیست؟

تو چو آن کوزه‌گر بوالهوسی

که کند کوزه به هر روز بسی

خوب چون سازد و آماده کند

به زمین کوبد و درهم شکنند

باز مرغ هوش پر گیرد

عمل لغو خود از سر گیرد

یا تو آن نیستی ای خالق کُل

که به ما وصف نمودند رُسل

یا گر آن ذات قدیم فردی

ذات بی‌عاطفه و نامردی!



ایرج به عنوان شاعر در مسائل سیاسی دوران مشروطیت بطور مستقیم دخالتی نداشت و حتی مبارزه جویی و «نظامیگری» دوستش عارف را به نیشخند طنز و نقد می گرفت از جمله در «عارفنامه» به او گفت:

ترا من جانِ عارف بنده باشم
دعاگوی توام تا زنده باشم
تو این کرم سیاست چیست داری؟

چرا پا بر سر افعی گذاری
سیاست پیشه مردم حيله سازند
نه مانند من و تو پاکبازند
تماماً حقه باز و شارلاتانند
به هر جا هر چه باش افتاد، آند
به هر تغییر شکلی مُستعدند
گهی مشروطه، گاهی مستبدند
تو هم کمتر نبی از آن روندا
گهر کمتر نباشد از کبودا

...

سیاست دیدگان در هر لباسند
به خوبی یکدگر را می شناسند
همه داند زین فن سودشان چیست
به باطن مقصد و مقصودشان چیست
از این رو یکدگر را پاس دارند
یکی شان گر به چاه افتد درآند
من و تو زود در شَرش بمانیم
که هم بی دست و هم بی دوستانیم
چو ما از جنس این مردم سوائیم
نشان کین و آماج بلاسیم

با وجود این، شعر ایرج همواره در کنار و همراه شعر شاعران دیگر دوران مشروطیت از آرمان آزادی و عدالت و قانونخواهی حمایت کرده و به ویژه بیش از دیگران ضد خرافات و جهل بومی سر ستیز داشته و منادی تجدد و مدرنیسم بوده است به خصوص برای آزادی زنان و رفع حجاب کوشیده و علمداران واپسماندگی و تحجر فکری و فرهنگی را به شدت انتقاد و ریشخند کرده است. باز هم در انتقاد از حجاب و محافظان و

منادیان این رسم مندرس از وی بشنویم:
نقاب دارد و دل را به جلوه آب کند
نعوذبالله اگر جلوه بی نقاب کند
فقیه شهر به رفع حجاب مایل نیست
چرا که هر چه کند حيله در حجاب کند
چو نیست ظاهر قرآن به وفق خواهش او
رود به باطن و تفسیر ناصواب کند
از او دلیل نباید سؤال کرد که گرگ
به هر دلیل که شد بره را مُجاب کند
کس این معما پرسید و من ندانستم
هرآنکه حل کند آن را به من ثواب کند
به غیر ملت ایران کدام جانور است
که جفت خود را نادیده انتخاب کند؟
کجاست همت یک هیأتی ز پردگیان
که مردوار ز رخ پرده را جواب کند؟
نقاب بر رخ زن سد باب معرفت است
کجاست دست حقیقت که فتح باب کند
بلی نقاب بود کاین گروه مُفتی را
به نصف مردم ما مالک الرقاب کند
به زهد گربه شبیه ست زهد حضرت شیخ
نه بلکه گربه تشبُه به آن جناب کند

...

ز من مترس که خانم ترا خطاب کنم
از او بترس که همشیره ات خطاب کند!

...

به دست کس نرسد قرص ماه در دل آب
اگر چه طالب آن جهد بی حساب کند
تو نیز پردهی عصمت بیوش و زُخ بقرورز
پهل که شیخ دغا عوعو کلاب کند
به اعتدال از این پرده مان رهایی نیست
مگر مساعدتی دست انقلاب کند
ز هم بدرزد این ابرهای تیره ی شب
وثاق و کوچه پر از ماه و آفتاب کند

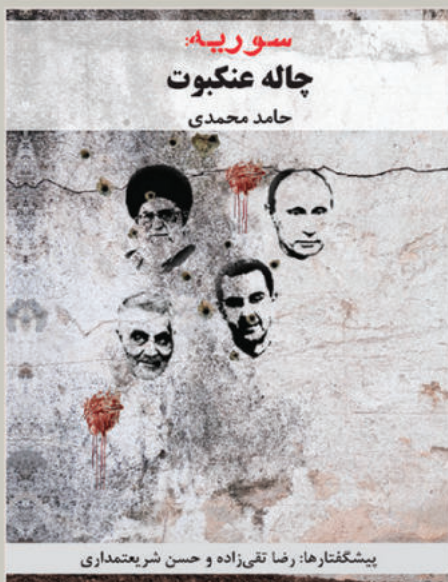
نیز بی مناسبت نیست بخشی از این شعر او را در هجو رهبر متشرع و مستبد مشروعه خواه و حامی بزرگ استبداد صغیر «ممدلی شاهی» یعنی شیخ فضل الله نوری بخوانیم و همراه با جانِ بیدار شاعر به ریش این ولی فقیه عصر مشروطیت بخندیم. به ویژه که اهداف شوم و برنامه های ضد آزادی و ضد انسانی او در دوران ما به وسیله ملایان جامه عمل پوشید و کشور ما و آینده چندین نسل را به دوزخ ولایت فقیه برد. این شعر ایرج در نفی و تمسخر کوشش های ضد آزادیخواهانه این شیخ بدنام و مرتجع سروده شده است. در آن روزگار شیخ فضل الله نوری را «حجه الاسلام» می نامیدند:

حجه الاسلام کُتک می زند
بر سر و مغزت دگتک می زند
گر نرسد بر دگتک دست او

دست به نعلین و چُسک می زند
این دو سه گر هیچکدامش نشد
با حَتک و تحت حَتک می زند
چَک زن سختی بود این پهلوان
مُلتفتش باش که چَک می زند
دستش اگر بر فُکلی ها رسد
گوز یکایک به آتک می زند
ور آتک تنها کافی نشد
هم به آتک هم به دولک می زند
گویند آقا همه شب زیر جُل
از تو چه پوشیده، کَمک می زند
چون بَرک دست به سیخ کباب
بر جگر ریش نمک می زند
نَرَمک نَرَمک به سرانگشت خویش
دیم دَ دَ دَک، دیم دَ دَک می زند
مختصراً هر شب در جوف پارک
پارو صدجور گلک می زند
حالا در حضرت شابدولعظیم
شیخ در دوز و کَلک می زند
انشالله دو روز دگر
خیمه از آنجا به دَرک می زند

[ادامه دارد]

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراب و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hornumz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisscau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

ما به هشدارِ سلمان رشدی توجه نکردیم؛ واژه‌ها نهادِ خشونت نیستند. خشونت، نهادِ خشونت است!

و اینها اتفاقاتی است که به یاد ما مانده است. در ۱۹۸۹، ۱۲ نفر در یک تظاهرات ضد-رشدی در شهر مومبای [مبئی]، زادگاه نویسنده، کشته شدند؛ کتاب در آن شهر نیز طرد و ممنوع شده بود. پنج پاکستانی در وضعیتی مشابه در شهر اسلام‌آباد کشته شدند.

خود رشدی نیز تحت حفاظت ۲۴ ساعته‌ی دولت بریتانیا، به زندگی پنهانی در انگلستان روی آورد. او برای بیش از یک دهه، با نام مستعار «جوزف آنتون» (که عنوان کتاب خاطرات او نیز هست)، از یک خانه‌ی امن به خانه‌ی امنی دیگر نقل مکان می‌کرد و به زندگی خود ادامه می‌داد. در شش ماه نخست پس از فتوا، او مجبور شد ۵۶ بار محل سکونت خود را تغییر دهد (کشور انگلستان نیز از موج هیجانات و تشنج، مصون نماند: در شهر بردفورد، کتاب رشدی به دست مسلمانان به آتش کشیده شد و به درخواست پلیس، دو فروشگاه دیپلو-اچ-اسمیت در بردفورد، نمایش و فروش کتاب را متوقف کردند).

سلمان رشدی نیمی از زندگی خود را زیر سایه‌ی شمشیر یک جایزه برای سر خود سپری کرده است- مبلغی حدود ۳۳ میلیون دلار از سوی جمهوری اسلامی ایران به هر فردی که او را به قتل برساند، وعده داده شده است. با این حال در سال ۲۰۱۵، سال‌ها پس از بیرون آمدن رشدی از زندگی پنهانی، او به مجله‌ی فرانسوی «اکسپرس» گفت: «ما در سیاه‌ترین و تاریک‌ترین دورانی که تا حال شناخته‌ام زندگی می‌کنیم.»

شاید چنین فکر کنید که رشدی این حرف را در اوج دورانی به زبان آورد که درگیر زندگی پنهانی بود؛ دورانی که تمام آنهایی که به کتاب مرتبط بودند، مورد سوء قصد قرار می‌گرفتند. اما این حرف در سال ۲۰۱۵ گفته شد و بعید نبود که شما در یک مهمانی عصرانه با نوشیدنی‌های رنگارنگ در محله‌ی منهتن نیویورک با رشدی روبرو شوید، و یا اینکه او را در یک سالن سینما، دوشادوش یک زن زیبارو ببینید (عجبا که او پیش از آن با پادما لاکشمی [هنرپیشه و مجری آمریکایی] ازدواج کرده بود).

پس چرا او در چنین زمانی از «تاریک‌ترین دورانی» سخن گفت که تا حال شناخته است؟ پاسخ این است: او شاهد تضعیف همان ارزش‌های غربی- یعنی تعهد بی‌پایان به آزادی‌اندیشی و آزادی بیان- بود که جملگی باعث و بانی نجات زندگی او شده بودند.

او در مصاحبه با «اکسپرس» توضیح داد «اگر حملات به کتاب آیات شیطانی امروز اتفاق می‌افتاد، این افراد به دفاع از من برمی‌خاستند و با توسل به همان استدلال‌های مشابه علیه من، مرا به توهین به یک اقلیت قومی و فرهنگی متهم می‌کردند.»

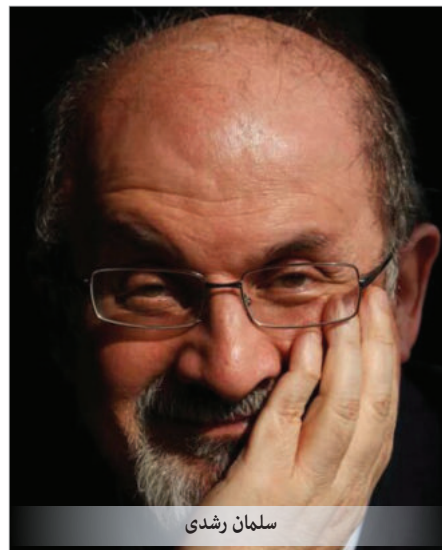
او مجبور نبود که به گمانه‌زنی روی بیاورد. او این حرف‌ها را به این دلیل زد که آنها دقیقاً همین کار را نیز کردند.

دیدیم که وقتی سلمان رشدی تحت سخت‌ترین حملات و تعرضات بود، افرادی همچون تام ولف [نویسنده و روزنامه‌نگار صاحب‌سبک آمریکایی]، کریستوفر هیچنز [نویسنده، منتقد، و روزنامه‌نگار نامدار بریتانیایی-آمریکایی]، نورمن میلر [رمان‌نویس و نویسنده بزرگ آمریکایی و برنده جایزه‌ی پولیتزر]، جوزف برودسکی [شاعر و مقاله‌نویس روسی-آمریکایی و برنده نوبل

ادبی هجوم می‌برد و آن را به پیکر یکی از شجاع‌ترین نویسندگان زنده‌ی دوران فرود می‌آورد.

من نیز بر همین صحنه‌ای که رشدی قرار بود سخنرانی کند، صحبت کرده بودم. نمی‌توان مکانی بی‌نظیرتر از مؤسسه‌ی چاتاکوا تصور کرد؛ مؤسسه‌ای واقع در شهری کوچک با خانه‌هایی به سبک دوران ملکه ویکتوریا با ایوان‌های سرپوشیده و بدون قفل، یک دریاچه، پرچم‌های آمریکا و بستنی که در همه جا دیده می‌شوند. این سازه در سال ۱۸۷۴ به دست پیروان مکتب مَن‌دیست [منشعب از کلیسای پروتستان انگلستان] به عنوان محلی تابستانی برای معلمان کلاس‌های مذهبی روزهای یکشنبه ساخته شده بود. امروزه این مکان، جذب‌کننده‌ی آن پدر و مادرها و پدربزرگ و مادربزرگ‌هایی است که به تری گروس [روزنامه‌نگار و برنامه‌ساز نامدار رادیویی] عشق می‌ورزند و هرگز فرصت بازی وُردل را از دست نمی‌دهند. چاتاکوا شاید آخرین جایی در آمریکا باشد که بتوان احتمال چنین رویداد وحشیانه‌ای را در آن متصور شد.

به همان میزان که این حمله، پلید و هولناک بود، ۳۳ سال



سلمان رشدی

نیز برای به نتیجه رسیدن آن تلاش شده بود: آیات شیطانی کتابی‌ست با رد پای بسیار خونین.

در ماه ژوئیه ۱۹۹۱، هیتوشی ایگاراشی، مترجم ژاپنی و ۴۴ ساله‌ی این کتاب «نکوهیده» بیرون از دفتر کار خود در دانشگاه تسوکوبا واقعا در شمال شرق توکیو، با ضربات متعدد چاقو به قتل رسید. در همان ماه، اِتوره کاپریولو، مترجم ایتالیایی این کتاب نیز، اینبار در منزل خود در شهر میلان، با چاقو مورد حمله قرار گرفت. دو سال بعد، در ژوئیه ۱۹۹۳، عزیز نسین، نویسنده‌ی پرکار و مترجم زبان ترکی کتاب، در هتل واقع در شهر سیواس، هدف یک آتش‌افروزی عمدی قرار گرفت. با وجود آنکه او موفق به فرار شد، ۳۷ نفر دیگر کشته شدند. چند ماه بعد، اسلام‌گرایان، کمر به قتل ویلیام نیگار، ناشر نروژی کتاب بستند. نیگار از خارج از منزل خود در شهر اوسلو هدف سه گلوله قرار گرفت و به شدت مجروح شد.

● سال‌ها پس از بیرون آمدن رشدی از زندگی پنهانی، او در سال ۲۰۱۵ به مجله‌ی فرانسوی «اکسپرس» گفت: «ما در سیاه‌ترین و تاریک‌ترین دورانی که تا حال شناخته‌ام زندگی می‌کنیم.» چرا او در چنین زمانی از «تاریک‌ترین دورانی» سخن گفت که تا حال شناخته است؟ پاسخ این است: او شاهد تضعیف همان ارزش‌های غربی- یعنی تعهد بی‌پایان به آزادی‌اندیشی و آزادی بیان- بود که جملگی باعث و بانی نجات زندگی او شده بودند. او در این مصاحبه به همین حقیقت تلخ اشاره کرد و گفت: «اگر حملات به کتاب آیات شیطانی امروز اتفاق می‌افتاد، این افراد به دفاع از من برمی‌خاستند و با توسل به همان استدلال‌های مشابه علیه من، مرا به توهین به یک اقلیت قومی و فرهنگی متهم می‌کردند!»

● دیدگاه آنهایی که معتقدند واژه‌ها نهادِ خشونت‌اند درباره‌ی قدرت و نفوذِ زبان، درست است. واژه‌ها می‌توانند زنده، نفرت‌انگیز، توهین‌آمیز و غیرانسانی باشند. آنچه بر زبان جاری می‌شود می‌تواند گوینده را سزاوار تحقیر، اعتراض، یا انتقاد بی‌رحمانه کند. اما تفاوت میان تمدن و وحشیگری این است که تمدن، واژه‌ها را با واژه‌ها پاسخ می‌گوید، نه با چاقو و اسلحه و آتش! این یک خط مرز روشن و بی‌چون و چراست. هیچ بهانه‌ای برای محو کردن این مرز روشن، قابل پذیرش نیست، حال چه از افراط‌گرایی مذهبی سرچشمه یافته باشد و چه از انواع دیگری از بنیادگرایی ایدئولوژیک.

● امروزه فرهنگ ما تحت سلطه‌ی آنهایی‌ست که به تیره کردن این مرز روشن مشغولند. آنهایی که به این ایده اعتبار می‌بخشند که واژه‌ها، هنر، ترانه‌ی آهنگ‌ها، کتاب‌های کودکان، مقالات تحلیلی و کوتاهی که در روزنامه‌ها و مجلات منتشر می‌شوند، جملگی مصداق خشونت و خشونت‌ورزی‌اند. ما تا حد زیادی به این نوع از جهان‌بینی و التزاماتش عادت کرده‌ایم- التزاماتی همچون عذرخواهی، تواضع بیش از حد، حذف کردن، خوار و حقیر کردن خود؛ ما چنان به تمام اینها خو کرده‌ایم که دیگر حتی متوجه آنهم نمی‌شویم.

بری وایس (Common Sense) - ما در فرهنگی زندگی می‌کنیم که در بطن آن، شمار زیادی از افراد نامداری که در بالاترین جایگاه‌ها نشسته‌اند معتقدند واژه‌ها نهادِ خشونت‌اند. از این رو، دیدگاه‌های آنها با آیت‌الله خمینی، که نخستین فتوا را در سال ۱۹۸۹ بر ضد سلمان رشدی صادر کرد، و همینطور، هادی مَطَر، فرد بیست و چهارساله‌ای که ظاهراً دستور خمینی را با زدن چاقو به گردن این نویسنده در غرب نیویورک اجرا کرد، از بسیاری جهات هم‌سوست. گروه نخست بر این باورند که انگیزه‌های آنها ریشه در اصول شمولیت و رواداری دارد- بدین معنا که می‌توان به پی‌ریزی ساختاری حتی بهتر از لیبرالیسم مبادرت ورزید؛ آرمانشهری که هرگز کسی در آن رنجیده‌خاطر نخواهد شد. ما گروه دوم را با نام متعصبان مذهبی می‌شناسیم. اما این ناشی از زیاده‌روی و بُردلی افراد معتقد به نهادِ خشونت بودن کلام و واژه‌هاست که به قدرت‌گیری گروه دوم منتهی شده و ما را به این نقطه از تاریخ رسانده است؛ به لحظه‌ای که یک فرد متعصب، با چاقو به روی صحنه‌ی یک نشست

مالی سرشار است، و هدفش ایجاد وحشت و وادار کردن همه‌ی ما، چه مسلمان و چه غیرمسلمان، به سکوتی سنگین و ترس خورده است.»

حق با او بود. آنها اشتباه می‌کردند. و همانطور که شاید اگر سانتاگ امروز زنده بود توصیف می‌کرد، نقشی که بُردلی و سُفلی اجتماعی آن افراد در به وجود آمدن شرایطی که این روزها در آن گرفتار شده‌ایم ایفا کرده، نقش بی‌اهمیت و کوچکی نیست (در همین زمانی که مشغول نوشتن این جملات هستم، خبری در روزنامه‌ی نیویورک تایمز منتشر شد مبنی بر اینکه «انگیزه‌ی» ضاربِ رشدی «روشن نیست». انگیزه‌ی او روشن نیست!)

دیدگاه آنهايي که معتقدند واژه‌ها نماد خشونت‌اند درباره‌ی قدرت و نفوذِ زبان، درست است. واژه‌ها می‌توانند زنده، نفرت‌انگیز، توهین‌آمیز و غیرانسانی باشند. آنچه بر زبان جاری می‌شود می‌تواند گوینده را سزاوار تحقیر، اعتراض، یا انتقاد بی‌رحمانه کند. اما تفاوت میان تمدن و وحشیگری این است که تمدن، واژه‌ها را با واژه‌ها پاسخ می‌گوید، نه با چاقو و اسلحه و آتش! این یک خط مرز روشن و بی‌چون و چراست. هیچ بهانه‌ای برای محو کردن این مرز روشن، قابل پذیرش نیست، حال چه از افراط‌گرایی مذهبی سرچشمه یافته باشد و چه از انواع دیگری از بنیادگرایی ایدئولوژیک.

امروزه فرهنگ ما تحت سلطه‌ی آنهايي است که به تیره کردن این مرز روشن مشغولند. آنهايي که به این ایده اعتبار می‌بخشند که واژه‌ها، هنر، ترانه‌ی آهنگ‌ها، کتاب‌های کودکان، مقالات تحلیلی و کوتاهی که در روزنامه‌ها و مجلات منتشر می‌شوند، جملگی مصداق خشونت و خشونت‌ورزی‌اند. ما تا حد زیادی به این نوع از جهان‌بینی و التزاماتش عادت کرده‌ایم - التزاماتی همچون عذرخواهی، تواضع بیش از حد، حذف کردن، خوار و حقیر کردن خود؛ ما چنان به تمام اینها خو کرده‌ایم که دیگر حتی متوجه آنهم نمی‌شویم. به همین خاطر است که افرادی همچون دیوید شپل [استادآپ کمدین و بازیگر آمریکایی] و جی. کی. رولینگ [نویسنده نامدار بریتانیایی و خالق رمان‌های هری پاتر] که از خود شجاعت و ایستادگی نشان می‌دهند، در دنیای ما بسیار کمیاب شده‌اند.

البته در سال ۲۰۲۲ است که اسلام‌گرایان در نهایت توانستند چاقوی خود را بر پیکر سلمان رشدی فرود آورند. طبعاً در همین زمانه است که واژه‌ها به راستی نماد خشونت‌اند و جی. کی. رولینگ زندگی دگرپاشان را واقعا به خطر انداخته است و اینکه حتی صحبت کردن درباره‌ی هر چیزی که ممکن است کسی را برنجاند، چنین تعبیر خواهد شد که شما دارید با گفتن این حرف‌ها، دیگری را از حق زندگی محروم می‌کنید! طبعاً در همین زمانه‌ی سرشار از حماقت و ضعف و خودشیفتگی‌ست که مردی به روی صحنه هجوم می‌برد و رشدی را کارآجین می‌کند؛ کبد او را می‌درد؛ بازویش را می‌بُرد و چاقو را در چشم او فرو می‌کند. این، مصداق و نماد خشونت است.

*منبع: وبسایت Common Sense

*نویسنده: بری وایس روزنامه‌نگار و نویسنده آمریکایی بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ سردبیری بخش دیدگاه‌ها و نقد کتاب روزنامه‌ی وال‌استریت‌ژورنال را به عهده داشته و پس از آن برای ۳ سال سردبیر بخش دیدگاه‌ها و از نویسندگان مقالات فرهنگی و سیاسی روزنامه نیویورک‌تایمز بوده است. او همچنین سازنده پادکست Honestly است.

*ترجمه و تنظیم: م. مهدی مرادی

به آن اتفاق درخشانی که در گذشته روی داد می‌اندیشم، باید بگویم که آن روز، پرافتخارترین روز زندگی من بود.» و این اتفاق به اواخر دهه‌ی ۸۰ میلادی بازمی‌گردد. در سال ۲۰۱۵ اما آمریکا کشور بسیار متفاوتی بود. وقتی رشدی در گفتگو با «اکسپرس» آن حرف‌ها را مطرح کرد، مصادف با زمانی بود که انجمن قلم آمریکا، پیشروترین گروه ادبی کشور، تصمیم گرفت تا با اختصاص جایزه‌ی به شارلی هیدو، هفته‌نامه‌ی فکاهی فرانسوی، به تجلیل از آن بپردازد. چند ماه پیش از آن، دوازده تن از کارمندان شارلی هیدو در دفترهای کار خود به دست دو تروریست به قتل رسیدند. غیرممکن بود تا به نشریه‌ی بی‌اندیشیم که بیش از آن هفته‌نامه لایق قدردانی و بزرگداشت باشد.

با وجود این، واکنشی که از سوی بیش از ۲۰۰ نویسنده‌ی نامدار جهان دیده شد این بود که به اعطای این جایزه اعتراض کنند. نویسندگان معروفی همچون جویس کارول اوتس [نویسنده و نماینده‌ی نویس آمریکایی و برنده جایزه پُلینتر]، لوری مور [نویسنده‌ی آمریکایی داستان‌های کوتاه و برنده جایزه‌ی آیریش تایمز]، مایکل کانیگهام [رمان‌نویس آمریکایی و برنده جایزه‌ی پولیتزر]، ریچل کوشر [رمان‌نویس آمریکایی و از نامزدهای جایزه ادبی من بوکر]، مایکل اونداتیه [شاعر و نویسنده کانادایی و برنده جایزه ادبی من بوکر]، تجو کول [نویسنده نیجریه‌ای-آمریکایی و از پیشگامان ادبیات آفریقا]، پیتر کری [رمان‌نویس استرالیایی و برنده جایزه‌ی ادبی من بوکر]، جونو دیاز [رمان‌نویس



هادی مطر ضارب سلمان رشدی / ۱۲ اوت ۲۰۲۲

دومینیکنی - آمریکایی و برنده جایزه‌ی پولیتزر] اظهار داشتند: شاید افرادی که شاهد کشته‌شدن دوستانشان به دلیل انتشار مجله‌ی فکاهی بودند، خود نیز اندکی مبرا از تقصیر نیستند!

و اینکه اگر چیزی یا مطلبی باعث رنجش یک گروه اقلیتی شود، چه بسا که نمی‌بایست چاپ و منتشر شود! و اینکه آن کارتونیست‌ها، حتی آنهايي که کشته شده‌اند، افرادی بدون شک موهن و گستاخ بوده‌اند!

این نویسندگان، انجمن قلم را متهم کردند که «بطور گزینشی، به ارزش‌گذاری مطالب توهین‌آمیز پرداخته است: مطالبی که احساسات ضداسلامی، ضد مغرب، و ضد عرب را که بیشتر در دنیای غرب رایج بوده، تشدید می‌کند.»

و پاسخ رشدی به این واکنش چنین بود: «این موضوع هیچ ارتباطی به یک اقلیت تحت‌ستم یا محروم ندارد. ارتباط مستقیم آن اما معطوف به نبرد با اسلام متعصبانه و افراطی است که بسیار سازماندهی‌شده و دارای منابع

ادبیات ۱۹۸۷] و سیموس هینلی [شاعر ایرلندی و برنده نوبل ادبیات ۱۹۹۵] به دفاع از او برخاستند. رهبری این گروه را سوزان سانتاگ [نویسنده، فیلسوف، و فعال سیاسی آمریکایی] بر عهده داشت که در آن زمان رئیس انجمن قلم آمریکا بود و ترتیبی داده بود تا کتاب «آیات شیطانی» در محیط‌های عمومی خوانده شود. هیچ‌تنه به یاد می‌آورد که سانتاگ به ضاربِ خجالت و شرمساری، اعضای انجمن را وادار کرد تا جانب رشدی را بگیرند و اندکی «استقامت مدنی» از خود نشان دهند (برای خواندن درباره‌ی تمام جنبه‌های این موضوع، به این صفحه در وبسایت دانشگاه استنفورد مراجعه شود). چنان شجاعتی، به ویژه نزد برخی از فروشندگان کتاب، موضوعی غیرواقع‌بینانه و انتزاعی نبود. به گُنش قهرمانانه‌ی اندی راس، صاحب کتابفروشی گدیز بوکس در شهر برکلی (که اکنون بسته شده) بنگرید که کتاب را برای فروش عرضه کرده بود و اندکی پس از صدور فتوا، مغازه‌اش هدف بمب‌گذاری قرار گرفت.

راس می‌گوید: «برای نورمن میلر و سوزان سانتاگ تا حدی آسان بود تا درباره به خطر انداختن جان خود در دفاع از یک عقیده صحبت کنند. هر چه باشد، آنها در بلندترین آپارتمان‌های شهر نیویورک زندگی می‌کردند. برای خرده‌فروشی که کتاب را در مغازه‌ی کنار خیابان عرضه کرده بود اما موضوع کاملاً فرقی می‌کرد. من مجبور بودم تا درباره‌ی چگونگی متعادل کردن تعهداتمان نسبت به آزادی بیان، در برابر تهدیدهای واقعی که جان کارکنانمان را به

خطر می‌انداخت، تصمیم‌های به راستی دشواری بگیرم.» پس از حادثه‌ی بمب‌گذاری، و تمام کارکنانش را به جلسه‌ای دعوت کرد: «من از جای خودم بلند شدم و به کارکنان گفتم که ما باید تصمیم سختی بگیریم. ما باید تصمیم بگیریم که آیا به فروش آیات شیطانی ادامه دهیم و زندگی‌هایمان را برای آنچه که بدان باور داریم به خطر اندازیم، و یا اینکه رویه‌ی محتاطانه‌تر پیش بگیریم و از ارزش‌های خود دست بشوییم. پس رأی گرفتیم. تمامی کارکنان متفقاً رأی به ادامه‌ی نمایش و فروش کتاب دادند. هنوز وقتی به آن لحظه فکر می‌کنم، اشک به چشمانم می‌آید. این بارزترین لحظه در ۳۵ سال زندگی من در شغل کتابفروشی بود. همانجا بود که فهمیدم کتابفروشی پیشه‌ی خطرناک و براندازانه است، چرا که باورها، سلاح‌های قدرتمندی هستند... من از اینکه تبدیل به قهرمان شوم و در این راه جان دیگران را به خطر اندازم، احساس رضایت نمی‌کردم. در آن لحظه نمی‌دانستم که آیا این رفتار، برآمده از احساس شجاعت بود و یا حماقت. وقتی

۹ روز بی‌آبی در ۷ شهر و ۶۵ روستای چهارمحال و بختیاری؛ فریاد ساکنان سرچشمه‌های زاگرس در مقابل استانداری: «آب، آب...»



قطع آب آشامیدنی در استان چهارمحال و بختیاری وارد هفتمین روز شده و شرکت آبفا تانکری و کیسه‌ای به مردم آبرسانی می‌کند

جدی آب مواجه هستند. پیش‌بینی می‌شود در طی دو روز آینده شرایط نسبتاً پایدار شود.»

محرابیان در حالی که مردم آب ندارند، ادامه داده «از مردم عزیز درخواست داریم تا در مصرف آب صرفه‌جویی کنند که امکان افزایش حجم مخازن در سطح شهر به وجود آید و آب بتواند به تمام شهر برسد!»

احمد راستینه نماینده شهرکرد، بن و سامان در مجلس شورای اسلامی، «انتقال‌های سنتی آب» و «زیرساخت‌های ضعیف انتقال آب و عدم وجود یک تصفیه‌خانه پیشرفته» را دلیل بروز مشکلات پس از سیل و کدر شدن چشمه کوه‌رنگ دانسته است. به گفته‌ی راستینه، وزیر نیرو دستور داده تا ارتقای زیرساخت‌های انتقال آب برای تأمین آب نیمی از جمعیت این استان «سرعت بگیرد».

نماینده «مجلس انقلابی» و وزیر دولت سیزدهم به ریاست «قاضی مرگ» در حالی به «سرعت» بخشیدن به آبرسانی پس از ۹ روز بی‌آبی وعده می‌دهند که شهروندان در شهرکرد در اعتراض به بی‌آبی طولانی از روزهای گذشته به کف خیابان‌ها آمده‌اند. جمعی از شهروندان و اهالی شهرکرد در اعتراض به بی‌آبی صبح امروز سه‌شنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۱ روبروی استانداری تجمع کردند. آنها در اعتراضات خود با خشم و انزجار فریاد می‌زنند: «مرگ بر رئیس»، «استاندار حیاکن، صندلی رو رها کن»، «آب، آب...»، «نماینده کجایی اینقدر بی‌حیایی»، «فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون» و «بی‌شرف، بی‌شرف». در این میان مشارکت زنان در تجمع اعتراضی مقابل استانداری بسیاری چشمگیر بوده است.

برمبنای ویدئوهایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شوند، بجای پاسخگویی مسئولان، آنها نیروی انتظامی را به محل اعتراض گسیل کرده و شهروندان را تهدید به بازداشت کرده‌اند. در یک رویداد عجیب و دردناک، مسئولان انتظامی برای خاتمه دادن به تجمع معترضان که برای آب اعتراض

به مردم بدهند! معلوم نیست علاوه بر پخش پلاستیک حامل این آب‌ها در محیط زیست منطقه، این آب تا چه میزان می‌تواند پاسخگوی نیاز یک شهروند در طول شبانه‌روز باشد که دست‌کم یک تا یک و نیم لیتر آب در روز آنهم در فصل گرما می‌بایست بنوشد!

بخش دیگری از آنچه این وزارتخانه به عنوان مدیریت بحران آب جا می‌زند، قرار دادن «چاه‌های آب» در اختیار کشاورزان و شهرداری‌هاست تا هنگامی که آب وارد مدار خود می‌شود، از چاه‌های آب برداشت کنند!

شهروندان در تصاویر و ویدئوهایی که از وضعیت بی‌آبی منطقه انتشار می‌دهند، می‌گویند با اینکه روزهاست آب ندارند و مسئولی نیز پاسخگو نیست ولی صداوسیما جمهوری اسلامی حتی خبر قطع آب یک استان در ایران را هم پخش نکرده و آنان ندیده‌اند این موضوع مطرح شود.

گزارش‌های تأیید نشده‌ای نیز در شبکه‌های اجتماعی از استقرار ماشین آپايش متعلق به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منتشر شده ولی تصاویر مربوطه جزئیات روشنی را بیان نمی‌کنند. کاربران شبکه‌های اجتماعی از جمله توییتر با استفاده از هشتگ‌های #شهرکرد #چهارمحال_و_بختیاری و #شهرکرد_آب_ندارد روایت‌های خود را از بی‌آبی در این استان بیان می‌کنند. آنها همچنین به بی‌آبی در سرچشمه‌های زاگرس اعتراض کرده‌اند. علی‌اکبر محرابیان وزیر نیرو در سفر به استان چهارمحال و بختیاری توجه به بحران جدی قطع یک‌هفته‌ای آب وعده اتصال شبکه آب را به امروز داده و در بازدید از تاسیسات آبی و تصفیه‌خانه‌های استان گفته، «برای تأمین آب شرب شهرکرد و مناطق اطراف ۴ سامانه جاگزین برنامه‌ریزی شده که ۲ سامانه وارد مدار و ۲ سامانه دیگر تا ساعات و روزهای آتی وارد مدار می‌شوند.»

وی افزوده «با اتمام این کار کسری آب شرب شهر بطور کامل جبران می‌شود، در حال حاضر برخی از نقاط شهر با کمبود

در پی بارش‌های موسمی در شانزدهم مردادماه در استان چهارمحال و بختیاری و جاری شدن سیل در مناطق مرکزی این استان، آب چشمه کوه‌رنگ تأمین‌کننده حدود ۶۰ درصد آب آشامیدنی شهرکرد و ۶ شهر دیگر، قطع شد و این وضعیت هم‌اکنون وارد نهمین روز خود شده است.

وزارت نیرو می‌گوید، به روستاها و شهرهای بدون آب آشامیدنی آبرسانی سیار می‌شود. تصاویر خبرگزاری‌ها نشان می‌دهد که چطور وزارت نیرو برای حل بحران آب در یک استان وسیع و پُرآب، بسته‌های یک لیتری آب توزیع می‌کند! این وزارتخانه که مسئولیت تأمین آب و انرژی را بر عهده دارد، وانت‌بارهایی را به داخل مناطق بی‌آبی فرستاده تا آب کیسه‌ای به مردم بدهند! معلوم نیست علاوه بر پخش پلاستیک حامل این آب‌ها در محیط زیست منطقه، این آب تا چه میزان می‌تواند پاسخگوی نیاز یک شهروند در طول شبانه‌روز باشد که دست‌کم یک تا یک و نیم لیتر آب در روز آنهم در فصل گرما می‌بایست بنوشد!

قطع آب آشامیدنی در ۷ شهر و ۶۵ روستا در استان چهارمحال و بختیاری که روزگاری پُرآب‌ترین نقطه ایران بود، وارد نهمین روز خود شده است. زنان و مردان شهرکرد در اعتراض به نداشتن چندین شبانه‌روز آب و ناتوانی مسئولان از مدیریت آب به خیابان‌ها آمده‌اند و شعار علیه شرایط موجود و مقامات مسئول سر داده‌اند.

در پی بارش‌های موسمی در شانزدهم مردادماه در استان چهارمحال و بختیاری و جاری شدن سیل در مناطق مرکزی این استان، آب چشمه کوه‌رنگ که تأمین‌کننده حدود ۶۰ درصد آب آشامیدنی شهرکرد و ۶ شهر دیگر است، قطع شد. این وضعیت هم‌اکنون وارد نهمین روز خود شده است.

در حال حاضر شهرکرد و همچنین شهرهای قبل‌آباد، چلگرد، فارسان، بابا حیدر، پردنجان و ۶۵ روستای اطراف آنها، فاقد جریان آب لوله‌کشی برای تأمین آب آشامیدنی هستند و با تانکر در طول این روزها آب تهیه می‌کنند.

گزارش‌های میدانی همچنین از کدر شدن و فشار اندک آب در برخی نقاط خبر می‌دهند.

این درحالیست که در پنجمین روز قطع آب، شرکت آب و فاضلاب استان چهارمحال و بختیاری اعلام کرد که آب کوه‌رنگ یکبار دیگر وارد مدار شده و خبرگزاری‌های حکومتی از جمله «تسنیم» با تمجید از علی‌اکبر محرابیان وزیر نیرو تیت زدن: «حل سریع مشکلات آبی مردم در دستور کار محرابیان!»

رسانه‌های حکومت تلاش کرده‌اند تا سفر وزیر نیرو به استان چهارمحال و بختیاری را در پنجمین روز قطع آب منطقه اقدامی «فوری» و اثرگذار نمایش دهند که با روش‌های «اضطراری» مانند اعزام ۱۳ دستگاه تانکر آبرسانی، ارسال ۵۰ هزار آب بسته‌بندی یک لیتری و ارسال ۲۶ کیلومتر لوله ۱۱۰ به منظور اتصال منابع آب زیرزمینی به شبکه آب آشامیدنی، مشکل بی‌آبی و قطع آب شهرها و روستاهای منطقه را مدیریت کنند! وزارت نیرو می‌گوید، به روستاها و شهرهای بدون آب آشامیدنی آبرسانی سیار می‌شود. تصاویر خبرگزاری‌ها نشان می‌دهد که چطور وزارت نیرو برای حل بحران آب در یک استان وسیع و پُرآب، بسته‌های یک لیتری آب توزیع می‌کند! این وزارتخانه که مسئولیت تأمین آب و انرژی را بر عهده دارد، وانت‌بارهایی را به داخل مناطق بی‌آبی فرستاده تا آب کیسه‌ای

می‌کنند، تانکرهای آب را بین معترضان تشنه برده‌اند تا آنان را از صف اعتراض خارج کنند.

در ویدئوها مردم یکدیگر را به پیوستن به اعتراض تشویق می‌کنند و یک شهروند با تأکید به همراهی دیگر مردم، هشدار می‌دهد، اگر قطع آب ادامه پیدا کند، منجر به شیوع انواع بیماری‌های ویروسی و گوارشی در منطقه می‌شود. این



در حالیست که اساساً حیات همه چیز از آب است و به همین دلیل آن را مایه حیات می‌نامند!

از سوی دیگر ۷ حساب حقوق بشری «۱۵۰۰ تصویر» از ضعیف شدن اینترنت در شهرکرد خبر داده و نوشته است: «در برخی نقاط دیگر ایران نیز آب هر روز برای مدتی قطع می‌شود و اینترنت هم ضعیف‌تر از پیش شده است.»

مردم استان چهارمحال و بختیاری آبان‌ماه پارسال نیز در اعتراض انتقال آب بین‌حوضه‌ای و بدون در نظر گرفتن تبعات و نیاز به مبدأ انتقال اعتراض کرده بودند. وزارت نیرو وعده «عدالت آب» را در عرض ۲ سال داد ولی حالا پس از هشت ماه به قطع آب رسیده است!

کارشناسان وعده‌ی مدیریت بحران حوضه بحران‌زده‌ی آبریز زاینده‌رود در ۲ سال را امری غیرممکن می‌دانند. به ویژه اینکه بحران آب هم‌اکنون دیگر محدود به یک حوضه آبی نیست و حتی به استان‌های شمالی رسیده است. این در حالیست که گزارش‌ها از سفرهای یکساله‌ی ابراهیم رئیسی به استان‌های مختلف نشان می‌دهد که همه این استان‌ها یک خواست حقوقی مشترک دارند: تأمین آب و مقابله با بی‌آبی!

پیشتر بارها کشاورزان و شهروندان خوزستان و اصفهان به نبود آب ناشی از انتقال آب بین حوضه‌ای بدون در نظر گرفتن نیاز مبدأ اعتراض کرده‌اند. حالا در استان چهارمحال و بختیاری نیز پس از اعتراض گسترده به انتقال آب در آبان‌ماه پارسال، باز مردم به خیابان‌ها آمده‌اند تا بگویند آب برای آشامیدن ندارند. پاسخ دولت، توزیع چند هزار پلاستیک یک لیتری آب است! استان چهارمحال و بختیاری نیز به عنوان یکی از پُرآب‌ترین مناطق ایران در سال‌های گذشته به دلیل سوء مدیریت منابع آبی کشور دچار خشکسالی شده ولی همچنان به عنوان مبدأ انتقال آب به مناطق دیگر مورد استفاده قرار گرفته است. این امر باعث آسیب جدی به محیط زیست و حیات طبیعی در چهارمحال و بختیاری شده است اما با وجود اعتراضات، مسئولان و نهادهای ناکارآمد به برنامه‌های تخریبی و غیرکارشناسی خود ادامه داده‌اند.

اعلام همبستگی شماری از زندانیان سیاسی با بیانیه «بازگشت به مشروطه راه نجات ملت ایران است»



طرح از قلمفرسا

متن کامل این بیانیه به شرح زیر است:

در یکصد و شانزدهمین سالگرد دستاورد ملی مشروطیت، ما نیز بر این باوریم بازگشت به مشروطه راه نجات ملت ایران است. نگاهی دقیق به وضعیت امروز کشور، نشان می‌دهد که نظام جمهوری اسلامی با وجود ادعاهای فراوان، در همه زمینه‌ها و تمامی جوانب و شاخص‌های مربوط به حکمرانی شکست خورده و ایران را به نهایت ضعف کشانده است. این نظام شرعی، که مبتنی بر نظریه حکومت فقیه بر پایه شریعت بجای معصوم بوده، در عمل دستاوردی جز تباهی، چپاول و نابودی منابع مادی، معنوی و استعداد‌های میهن نداشته است.

در تمام این سال‌ها، پرسش بنیادین و اساسی پیش روی ما مردم، که نگران وضعیت نابسامان کشوریم اما همچنان به فردا امید داریم، این بوده که چه باید کرد؟

در پاسخ به این پرسش، بر خلاف عده‌ای که مشکل را به سطح کارگزاران تقلیل داده و می‌دهند، ما ریشه‌ی اصلی را در انقلاب ۵۷ می‌دانیم.

وضع آشفته‌ی امروز ایران، فرآورده‌ی افکار، روش‌ها و بطور کلی مسیریست که علیه نظام مشروطه بود و کوشید آن را براندازد و تعطیل کند. نظامی که نه تنها هزاران سال شیوه حکمرانی را به عنوان تجربه در خود داشت بلکه توانسته بود با تکیه بر دستاوردهای بشری و نظام‌های مدرن غربی، بر بنیاد نظریه‌های جدید حکمرانی و فلسفه‌ی سیاسی، کارآمد شود.

ما همچنان صحنه واقعی سیاسی را نبرد میان نظام مشروطه و مشروعه می‌بینیم بنابراین با نگاهی روی به آینده و با تأکید بر دستاوردهای خرد بشری و تجربه‌ی انسان مدرن در عرصه کشورداری، مدیریت، دموکراسی، حقوق و ارزش‌های انسانی و با پایبندی به سرفرازی و شکوه کشورمان ایران، معتقدیم با صورت‌بندی نبرد میان نظام مشروعه و انقلاب ۵۷ در برابر نظام مشروطه، راهکار، بازگشت به مشروطه و قانون اساسی آن به عنوان دستاورد عقلی انسان ایرانیست که به روی ترمیم و تکمیل بر پایه عقل، اندیشه و نیازهای اجتماعی گشوده است.

این بازگشت نه تنها ما را در خروج از کژراهه یاری می‌دهد، بلکه کشور را از افتادن در وضعیت خلاء قدرت و یا وسوسه‌های نوپیدا برای درافکندن دولت‌های نوپیدا اما در اصل بی‌بنیاد که چیزی جز فراهم کردن بستر هرج و مرج نیست، در امان نگه می‌دارد.

چنین بازگشتی به اصالت ملت و عقل، به مردم ایران این فرصت را می‌دهد که بتوانند آزادانه در مورد نظام‌های سیاسی و یا اصولی که باید دگرگون شود، گفتگو کنند.

ما هنگامه‌ی چهاردهم مرداد، یکصد و شانزدهمین سالگرد دستاورد ملی مشروطیت را با این امید گرامی می‌داریم تا گامی بلند در مسیر بزرگ داشت جنبش مشروطه و تحقق اراده‌ی مردم برای رسیدن به ایرانی آزاد و آباد برداریم.

پاینده ایران

● الناز اسلامی، بیژن رضایی، حجت‌الله رافعی، فریبا اسدی، کاظم علینژاد، مهدی فتحی و یاشار تبریزی زندانیان سیاسی محبوس در زندان‌های کشور با بیانیه «بازگشت به مشروطه راه نجات ملت ایران است» اعلام همبستگی کردند.

● ۱۰ تن از وکلای دادگستری، فعالان سیاسی و فعالان مدنی درون کشور نیمه امرداد با انتشار بیانیه‌ای نوشتند: «چنین بازگشتی به اصالت ملت و عقل، به مردم ایران این فرصت را می‌دهد که بتوانند آزادانه در مورد نظام‌های سیاسی و یا اصولی که باید دگرگون شود، گفتگو کنند.»

هفت تن از زندانیان سیاسی محبوس در ایران با پیوستن به بیانیه‌ای که در سالروز صدور فرمان مشروطه از سوی ۱۰ تن از وکلای دادگستری، فعالان سیاسی و فعالان مدنی درون کشور صادر شده بود اعلام کردند که «بازگشت به مشروطه راه نجات ملت ایران است.»

الناز اسلامی، بیژن رضایی، حجت‌الله رافعی، فریبا اسدی، کاظم علینژاد، مهدی فتحی و یاشار تبریزی زندانیان سیاسی محبوس در زندان‌های کشور هستند که بامداد جمعه ۲۸ مرداد ۱۴۰۱ با بیانیه «بازگشت به مشروطه راه نجات ملت ایران است» اعلام همبستگی کردند.

شماری از فعالان سیاسی و مدنی داخل ایران ۱۳ مرداد ۱۴۰۱ در بیانیه‌ای مشترک به مناسبت یکصد و شانزدهمین سالگرد انقلاب مشروطه، اعلام کردند ریشه اصلی همه مشکلات مردم در ایران امروز «انقلاب ۵۷» بوده و تأکید کرده‌اند برای رهایی از این شرایط «بر این باوریم بازگشت به مشروطه راه نجات ملت ایران است.»

در این بیانیه که از سوی ۱۰ تن از وکلای دادگستری، فعالان سیاسی و فعالان مدنی درون کشور امضا شده، آمده بود که «معتقدیم با صورت‌بندی نبرد میان نظام مشروعه و انقلاب ۵۷ در برابر نظام مشروطه، راهکار، بازگشت به مشروطه و قانون اساسی آن به عنوان دستاورد عقلی انسان ایرانیست که به روی ترمیم و تکمیل بر پایه عقل، اندیشه و نیازهای اجتماعی گشوده است.»

آرش کیخسروی، احسان قدیری، اکبر امینی ارمکی، سجاد مشهدی، همت آبادی، سعید جلیلیان، سعید محمدی، غلامحسین بروجردی، محمد سلطانی، مرتضی قاسمی و مهیار ظفرمهر امضاکننده بیانیه «بازگشت به مشروطه راه نجات ملت ایران است» بودند.

امضاکنندگان تأکید کرده بودند که بازگشت به مشروطه «نه تنها ما را در خروج از کژراهه یاری می‌دهد، بلکه کشور را از افتادن در وضعیت خلاء قدرت و یا وسوسه‌های نوپیدا برای درافکندن دولت‌های نوپیدا اما در اصل بی‌بنیاد که چیزی جز فراهم کردن بستر هرج و مرج نیست، در امان نگه می‌دارد. چنین بازگشتی به اصالت ملت و عقل، به مردم ایران این فرصت را می‌دهد که بتوانند آزادانه در مورد نظام‌های سیاسی و یا اصولی که باید دگرگون شود، گفتگو کنند.»

معیشتی خانوارها با تورم فزاینده به نسبت پارسال بسیار بدتر شده و وضعیت معیشتی مردم هیچ چشم‌انداز مثبتی پیدا نکرده است.

بر اساس آنچه مرکز آمار ایران گزارش می‌دهد، در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ تعداد دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل به «۹۷۰ هزار و ۸۷۱ دانش‌آموز» افزایش یافت. این آمار ترک‌تحصیل در دوره ابتدایی با رشد ۵۰ درصدی به نسبت سال تحصیلی قبل خود (۱۳۹۹ - ۱۳۹۸) به ۲۱۰ هزار نفر رسیده است.

طبق این آمار، تعداد دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل در مقطع ابتدایی، در فاصله سه دوره تحصیلی رو به افزایش بوده است، چنانکه در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ تعداد بازماندگان از تحصیل در مقطع ابتدایی «۱۶۱ هزار و ۸۶۷ نفر» بود ولی در سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹ به «۲۱۰ هزار و ۲۲۱ نفر» افزایش یافت.

همچنین تعداد بازماندگان از تحصیل در مقطع متوسطه دوم در سال تحصیلی ۱۳۹۶ - ۱۳۹۵، حدود «۳۷۰ هزار و ۳۶۳ نفر» بوده که در سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹ این تعداد هم به «۵۶۵ هزار و ۹۱۵ نفر» افزایش یافته است.

تعداد پسران بازمانده از تحصیل در مقطع ابتدایی در سال تحصیلی ۱۳۹۶ - ۱۳۹۵، حدود ۸۲ هزار و ۴ نفر بوده که در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ به «۱۱۳ هزار و ۳۹۶ نفر» رشد یافته‌اند. این آمار در ارتباط با دختران بازمانده از تحصیل در مقطع ابتدایی، حدود ۷۹ هزار و ۸۶۳ نفر بوده که در سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹ به ۹۶ هزار و ۸۲۵ نفر رسید که نشان‌دهنده افزایش شمار دختران بازمانده از تحصیل در مقطع ابتدایی است.

تعداد پسران بازمانده از تحصیل در مقطع متوسطه دوم در سال تحصیلی ۱۳۹۶ - ۱۳۹۵ حدود ۱۶۶ هزار و ۵۰۸ نفر بود که در سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹ به حدود «۲۸۴ هزار و ۶۷ نفر» رسید. آمار دختران در این سال تحصیلی در مقطع مشابه، حدود «۲۰۳ هزار و ۸۵۵ نفر» بوده که در سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹ به «۲۸۱ هزار و ۸۴۸ نفر» افزایش داشت.

طبق اعلام رضوان حکیم‌زاده معاون مقطع ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، پیش از کرونا تعداد بازماندگان از تحصیل در پایه اول ابتدایی ۳۹ هزار و ۷۸۸ نفر بوده که در دوران کرونا، به دنبال افزایش تعداد بیکاران و افزایش مشکلات معیشتی خانواده‌هایی که دچار ناامنی شغلی و از دست دادن منبع درآمد خود شده بودند، این آمار ناگهان به «۸۷ هزار تن رسید».

به گفته‌ی این مقام مسئول در وزارت آموزش و پرورش در اسفندماه پارسال، در سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹، «۷۲ هزار کودک» از تحصیل در دوره اول ابتدایی بازمانده‌اند. فقر فرهنگی و امتناع والدین از تحصیل فرزندان، فقر مالی خانواده‌ها، کار کودکان، معلولیت کودکان، مهاجرت از روستا به شهر، افزایش کودکان بدون شناسنامه و ازدواج زودرس دختران که تابعی از وضعیت معیشتی خانواده‌های فقیر و نیازمند است از جمله دلایل بازماندگی کودکان از تحصیل عنوان شده است.

طبق گزارش شهریور ۱۳۹۶ در کارگاه آموزشی کودکان بازمانده از تحصیل در همکاری با کمیسیون ملی یونسکو، وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده بود که حدود یک‌سوم از کودکان و نوجوانان بین ۶ تا ۱۸ سال، در خارج از نظام رسمی آموزش و پرورش قرار داشته و محروم از تحصیل هستند. طبق همین گزارش اعلام شد که در سال تحصیلی ۱۳۹۶ - ۱۳۹۵، نرخ خالص ثبت‌نام در دوره دوم متوسطه ۵۶/۷۹ برای دختران، ۸۵/۸۴ درصد برای پسران، ۲۴/۸۲ درصد میانگین کشوری و برای دانش‌آموزان ۱۵ تا ۱۷ ساله هم ۸۷ درصد است.

افزایش بیسوادی در ایران جدی و خطرناک است! واقعیت ترک تحصیل کودکان: ۶۰۰ هزار یا ۹۷۰ هزار یا بیشتر؟!



عبدی رئیس سازمان نهضت سوادآموزی با هشدار نسبت به تبعات افزایش تعداد جمعیت بازمانده از تحصیل اعلام کرد: «امروز آسبایی که از گروه بازماندگان از تحصیل متحمل می‌شویم ۹ برابر جمعیت جامانده از تحصیل است. گروه بازمانده از تحصیل جمعیت کمی دارد، اما آسیب‌های خیلی جدی برای جامعه به وجود آورده‌اند».

هفته گذشته اصغر باقرزاده معاون پرورشی وزارت آموزش و پرورش آمار دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل در کشور را بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار نفر اعلام و مهم‌ترین دلایل آن را «نداشتن اینترنت، عدم دسترسی به آموزش از راه دور، یا اجبار به کار کردن دانش‌آموزان» عنوان کرد.

این در حالیست که کمتر از یکسال پیش، علیرضا کاظمی سرپرست وزارت آموزش و پرورش تعداد دانش‌آموزان ترک تحصیل کرده را حدود یک میلیون نفر اعلام کرده و گفته بود: «آمارها نشان می‌دهد حدود ۲۱۰ هزار دانش‌آموز دوره ابتدایی و حدود ۷۶۰ هزار دانش‌آموز دوره متوسطه، تارک تحصیل داریم».

در این آمار یکساله، ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر از جمعیت بازماندگان از تحصیل کم شده و روشن نیست، چطور چنین آمار می‌تواند صحت داشته باشد و چه اتفاقی افتاده که این چندصد هزار تن دیگر جزو ترک تحصیل‌کنندگان نیستند! با اینهمه بحران‌های اساسی، قابل تصور نیست که وزارت آموزش و پرورش توانسته باشد آنها را با قانع کردن خانواده‌های آنان به مدرسه بازگردانده باشد! ضمن اینکه وضعیت اقتصادی و

● علیرضا عبدی رئیس سازمان نهضت سوادآموزی با هشدار نسبت به تبعات افزایش تعداد جمعیت بازمانده از تحصیل اعلام کرد: «امروز آسبایی که از گروه بازماندگان از تحصیل متحمل می‌شویم ۹ برابر جمعیت جامانده از تحصیل است. گروه بازمانده از تحصیل جمعیت کمی دارد، اما آسیب‌های خیلی جدی برای جامعه به وجود آورده‌اند».

● هفته گذشته اصغر باقرزاده معاون پرورشی وزارت آموزش و پرورش آمار دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل در کشور را بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار نفر اعلام و مهم‌ترین دلایل آن را «نداشتن اینترنت، عدم دسترسی به آموزش از راه دور، یا اجبار به کار کردن دانش‌آموزان» عنوان کرد.

● این در حالیست که کمتر از یکسال پیش، علیرضا کاظمی سرپرست وزارت آموزش و پرورش تعداد دانش‌آموزان ترک تحصیل کرده را حدود یک میلیون نفر اعلام کرده و گفته بود: «آمارها نشان می‌دهد حدود ۲۱۰ هزار دانش‌آموز دوره ابتدایی و حدود ۷۶۰ هزار دانش‌آموز دوره متوسطه، تارک تحصیل داریم».

با سقوط آزاد جامعه در دره عمیق فقر، بیکاری و گرانی، شمار دانش‌آموزانی که برای کمک به تأمین هزینه‌های زندگی مجبور به ترک مدرسه و پایان دادن به ادامه تحصیل می‌شوند، افزایش چشمگیری پیدا کرده است. در این بین، وزارت آموزش و پرورش نیز گویا در یک همدستی پنهان تلاش می‌کند با آمارهای متناقض، این بحران حیاتی با پیامدهای بلندمدت را کم‌رنگ جلوه دهد.

به ویژه با شیوع ویروس کرونا در ایران، شمار زیادی از کودکان شش تا ۱۸ سال ترک تحصیل کرده‌اند و یا به زبان حکومت از تحصیل «بازمانده‌اند». در طول این سال‌ها همواره گزارش‌هایی از وزارتخانه آموزش و پرورش منتشر شده، مبنی بر تلاش این دستگاه برای بازگرداندن دانش‌آموزان به مدرسه و فراهم آوردن شرایط تحصیل برای این گروه. این درحالیست که عملاً وضعیت اقتصادی جامعه و گرانی‌های نجومی که منجر به کاهش خرید جدی و خطرناک کالاهای خوراکی شده، تحصیل را از اولویت‌های خانواده‌های کم‌برخوردار و ضعیف اقتصادی خارج کرده است.

هم‌اکنون چنان امید به زندگی و بهبود شرایط در ایرانیان به واسطه بحران‌های متعدد کاهش یافته که تحصیل را به امری لوکس برای بخش برخوردار و با توانایی‌های مالی تبدیل کرده است. آینده تحصیل در مدرسه که خود را در کنکور سراسری امسال نیز بطور چشمگیرتری نشان داده، حاکی از این است که تحصیل تنها برای افرادی منجر به موفقیت می‌شود که از نظر اقتصادی توانایی پرداخت هزینه‌های آن را داشته باشند و از سهم‌برندگان سود در جامعه به شمار بروند.

وزارت آموزش و پرورش بجای هشدار نسبت به وضعیت موجود و تأکید بر فراهم آوردن امنیت اقتصادی خانواده‌ها در راستای جلوگیری از شکل گرفتن جمعیت کثیری از افرادی که فاقد تحصیلات ابتدایی تا متوسطه هستند، هر سال به ارائه آمار متناقض و متفاوت از ترک‌تحصیل‌کنندگان می‌پردازد. بر این اساس، وزارت آموزش و پرورش، بی‌توجه به دلایل افزایش شمار ترک‌تحصیل‌کنندگان و روی آوردن کودکان و نوجوانان به مشاغل خرد و بیگاری چون دستفروشی، شاگردی و پادویی، فقط به اعلام آمارهای مخدوش خود ادامه می‌دهد. فقدان قوانین در زمینه حقوق کودکان و نوجوانان نیز عرصه را برای عدم جلوگیری و ممنوعیت کار کودکان گسترده و آسان نموده و خانواده‌ها کم‌برخوردار و بدون بضاعت مالی را وا می‌دارد تا کودکان خود را برای تأمین دخل و خرج خانواده روانه بازار نیروی کار ارزان کنند.

در سکوت آموزش و پرورش روز شنبه ۲۲ مرداد علیرضا

اشاره به اینکه هنوز نوع این حشره شناسایی نشده، احتمال داد، علت حشره‌زدگی‌ها «جابجایی آثار برای نمایشگاه اخیر باشد و اینکه برخی آثار پس از سال‌ها از گنجینه موزه بیرون آمده‌اند و این تغییر فضا در بروز چنین عواملی تأثیرگذار بوده است.»

رئیس موزه هنرهای معاصر به عنوان مسئول منحصر به فردترین آثار هنری خارجی و داخلی در سطح بین‌المللی درباره وضعیت گنجینه موزه توضیح داد: «هم گنجینه آثار و هم فضاهای عمومی موزه همه نیاز به سمپاشی و مراقب دائمی دارند و این کار باید با یک استاندارد زمانی مشخص انجام شود. گنجینه موزه به طور مدام با سیستم گرمایش و سرمایش تحت مراقبت است اما وقتی که آثار از آن خارج می‌شوند، ممکن است دچار مشکل شوند.»

حالا امروز محمود سالاری، معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از محل موزه هنرهای معاصر پس از ورود جنجال‌برانگیز حشره‌ها بازدید کرده و گفته است: «پس از بررسی‌های کارشناسان مرتبط، از این اثر و سایر آثار موجود در نمایشگاه داشتیم، خوشبختانه این اثر هیچگونه آسیبی ندیده و حشره مزبور ضمن پاکسازی اصولی توسط متخصصان، در هیچیک از آثار نمایشگاه دیده نشده است.»

او افزود: «حساسیت جامعه هنری نسبت به گنجینه ارزشمند موزه بزرگترین سرمایه برای میراث‌داری از این ثروت ملی است و ما در معاونت امور هنری تمام تلاشمان را برای حفظ، نگهداری و رفع برخی مشکلات باقی مانده از مرمت موزه انجام خواهیم داد.»

دکتر سعید فلاح‌فر کارشناس آثار هنری ولی این احتمال را می‌دهد که حضور این حشرات به «دوره سکوت» و بازسازی موزه که ۲ سال به طول انجامید، مربوط باشد، «دورانی که گنجینه نیاز به جابجایی داشت و در این جابجایی موضوع قرنطینه خیلی جدی مورد توجه قرار نگرفت. قرنطینه شامل جابجایی آثار و حتی ورود آثار و ابزار جدید می‌شود. از ورود تاسیسات تا بیل و کلنگ تا مصالحی که وارد موزه می‌شود و حتی آثاری که به امانت وارد موزه می‌شود. همه اینها می‌توانند حامل تخم حشرات و لاروها و... باشند.»

فلاح‌فر خواستار بررسی‌های جدی در زمینه اثرگذاری سمپاشی‌ها و میزان آنها و اینکه «این حشرات چه مقدار زمان برای تخم‌گذاری، رشد و بلوغ نیاز دارند» شده است.

او ضمن تأکید بر اینکه «تکذیب و یک بررسی گذرا» دورانش به پایان رسیده و دیدن یک حشره می‌تواند آغاز یک فاجعه پنهان باشد، هشدار داد: «حشرات و لاروها ممکن است در لایه‌های مختلف ساختمان و آثار هنری وجود داشته باشد و از چشم پنهان باشند.»

کارشناس آثار هنری در مورد تکثیر حشرات هشدار داد: «نکته مهم آن است که این حشرات در طول دوران چند ماهه تکثیر می‌شوند و این نشان می‌دهد این اتفاق خلق‌الساعه‌ای نیست و باید به پیشینه درازتری مراجعه کرد برای آسیب‌شناسی.»

مشاهده حشرات در داخل موزه هنرهای معاصر حتی باعث شده تا انجام مرمت و بازسازی موزه اساساً با تردید روبرو شود. کارشناس می‌گویند، امکان دارد تا مسئولان وزارتخانه ارشاد اسلامی و موزه، ۱۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان هزینه مرمت را صرف حفاظت از موزه و آثارش نکرده باشند و در بهترین حالت، فقط رطوبت‌ساز را رفع کرده باشند. این امر به ویژه می‌تواند منطقی نیز باشد، چرا که در طول دو سال بسته بودن

موزه به بهانه بازسازی، سخنان مسئولان در پاسخ به چگونگی بازسازی‌ها و حفاظت‌ها، مبهم و پرسش‌برانگیز بوده است. در این بین، انجمن‌های هنری از جمله انجمن نقاشان و مجسمه‌سازان نیز در برابر بحرانی که می‌تواند مهم‌ترین آثار هنری جهان را نیست و نابود کنند، سکوت کرده‌اند.

آفت و حشره بلای جان تابلوهای موزه هنرهای معاصر؛ نوک کوه یخ نابودی گنجینه‌ای ارزشمند از تاریخ هنر دنیا!؟



پس از دو سال تعطیلی موزه هنرهای معاصر به بهانه بازسازی، در محل نمایشگاه موزه حشرات از تابلوها بالا می‌روند!

مختلف به پناهگاه امنی برای هنر و فرهنگ جهان تبدیل شود. وی همچنین مجموعه ارزشمند و منحصر به فردی از آثار ون گوگ، پیکاسو و روتکو را خریداری و برای هنردوستان ایران گرد آورد که با روی کار آمدن جمهوری اسلامی این روند نه تنها متوقف شد بلکه با تخریب نیز روبرو گشت.

فعالان هنرهای تجسمی حشرات موزه را «بید کاغذ یا ماهی نقره‌ای» تشخیص داده‌اند که به عنوان آفت موزه‌ها هم شناخته می‌شوند و از کاغذ، پارچه، فرش تغذیه می‌کنند. با این توصیف آثار کاغذی، چاپ‌های دستی، عکس‌های چاپ شده روی کاغذ عکاسی و رنگ‌های طبیعی در گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران خوراک خوبی برای این حشرات محسوب می‌شود.

بر اساس توضیح کارشناسان، محل زیست بید کاغذی محیط‌های تاریک، مرطوب و گرم است و به همین دلیل یکی از آفات و تهدیدهای جدی برای گنجینه موزه‌ها و کتابخانه‌ها به شمار می‌رود. این حشرات معمولاً در روشنائی دیده نمی‌شوند و اگر به صورت اتفاقی تعدادی از آنها در روز مشاهده شود به معنی وجود تعداد زیادی از آنها در ساختمان است. عمدتاً موزه‌های جهان با شروع فصل بهار وجود این آفت و دیگر آفت‌ها را در فضای موزه کنترل می‌کنند، امری که به نظر می‌رسد در مورد موزه هنرهای معاصر نه تنها رعایت نشده، بلکه اجازه تخم‌گذاری و زاد و ولد نیز به این حشرات داده شده است.

واکنش مقامات مدیر موزه و همچنین معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به «بیدزدگی» آثار موزه، اطمینان‌و وعده دادن به رفع مشکل و تأکید بر این بوده که اثر مشاهده شده در ویدئوی مربوطه، «عکس بوده و هیچ آسیبی ندیده است!» عبادرضا اسلامی کولایی رئیس موزه هنرهای معاصر تهران با

● در روزهای گذشته یک ویدئو در شبکه‌های اجتماعی انتشار یافته که نشان می‌دهد تعدادی حشره روی عکس‌های نمایشگاه «مینیمالیسم و کانسپچوآل‌آرت» در موزه هنرهای معاصر تهران رژه می‌روند! این حشرات روی اثری از «برنارد برند» و «هیلا بشر» هنرمندان مفهومی آلمان مشاهده شده‌اند که در سال ۲۰۱۹ در حراج کریستیز به مبلغ ۳۳۵ هزار پوند فروخته شد!

● امروز محمود سالاری، معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از محل موزه هنرهای معاصر پس از ورود جنجال‌برانگیز حشره‌ها بازدید کرده و گفته است: «پس از بررسی‌های کارشناسان مرتبط، از این اثر و سایر آثار موجود در نمایشگاه داشتیم، خوشبختانه این اثر هیچگونه آسیبی ندیده و حشره مزبور ضمن پاکسازی اصولی توسط متخصصان، در هیچیک از آثار نمایشگاه دیده نشده است.»

● دکتر سعید فلاح‌فر کارشناس آثار هنری ولی این احتمال را می‌دهد که حضور حشرات به «دوره سکوت» و بازسازی موزه که ۲ سال به طول انجامید، مربوط باشد، «دورانی که گنجینه نیاز به جابجایی داشت و در این جابجایی موضوع قرنطینه خیلی جدی مورد توجه قرار نگرفت.»

● در دهه هفتاد میلادی، شهبانو فرح پهلوی ابتکار تأسیس موزه هنرهای معاصر تهران را بر عهده گرفت و مجموعه‌ای گرانبها و بی‌نظیر از آثار هنرمندان مدرن جهان از جمله پابلو پیکاسو، فرانسیس بیکن و اندی وار هول را در این موزه گرد آورد. آن آثار اکنون یکی از مهمترین مجموعه‌های جهان در عرصه هنر مدرن غرب محسوب می‌شوند و قیمت‌گذاری بر برخی از آثار این موزه امکان‌پذیر نیست.

گنجینه ارزشمند و گرانبهایی که شهبانو فرح پهلوی در دهه هفتاد میلادی با تأسیس موزه هنرهای معاصر در تهران گرد آورد، هم‌اکنون دچار آفت و هجوم حشرات شده و آثار مهمترین هنرمندان مدرن جهان از پیکاسو گرفته تا اندی وار هول در خطر نابودی هستند.

در روزهای گذشته یک ویدئو در شبکه‌های اجتماعی انتشار یافته که نشان می‌دهد تعدادی حشره روی عکس‌های نمایشگاه «مینیمالیسم و کانسپچوآل‌آرت» در موزه هنرهای معاصر تهران رژه می‌روند!

پیشتر نیز شیرجه زدن داخل اثر منحصر به فردهاراگوچی هنرمند ژاپنی در موزه هنرهای معاصر موج گسترده‌ای از اعتراض و خشم عمومی نسبت به تخریب علنی آثار هنری و تبدیل کردن این موزه‌ی دوران پهلوی و یادگار خدمات فرهنگی شهبانو فرح به سیرکی جهت آکروبات‌بازی برانگیخت.

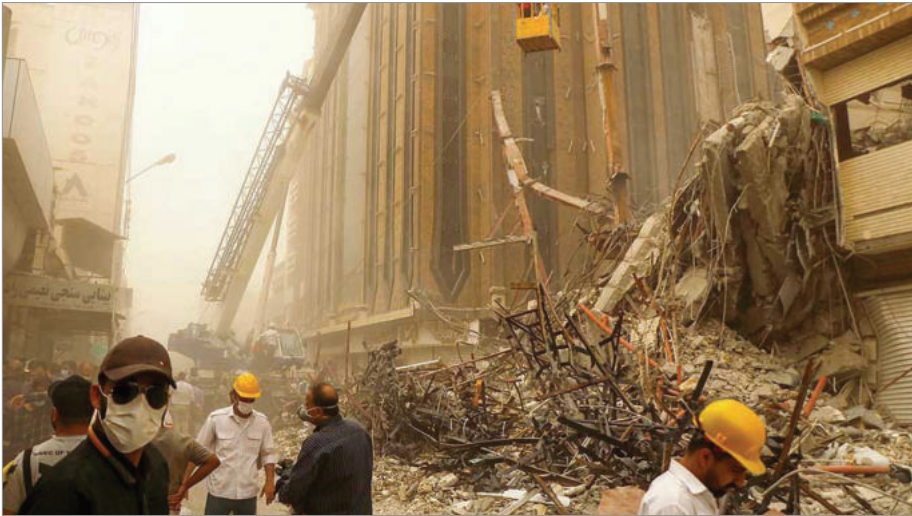
این حشرات روی اثری از «برنارد برند» و «هیلا بشر» هنرمندان مفهومی آلمان مشاهده شده‌اند که در سال ۲۰۱۹ در حراج کریستیز به مبلغ ۳۳۵ هزار پوند فروخته شد!

موضوع وجود حشرات در موزه هنرهای معاصر و رو و درون آثار هنری واکنش‌های بسیار و نگرانی جدی در مورد سلامت آثار و گنجینه‌ی ارزشمند موزه به دنبال داشته است. کارشناسان وجود حشرات در این موزه را نوک کوه یخی بحران در یکی از ۱۰۰ موزه مهم دنیا می‌دانند.

در دهه هفتاد میلادی، شهبانو فرح پهلوی ابتکار تأسیس موزه هنرهای معاصر تهران را بر عهده گرفت و مجموعه‌ای گرانبها و بی‌نظیر از آثار هنرمندان مدرن جهان از جمله پابلو پیکاسو، فرانسیس بیکن و اندی وار هول را در این موزه گرد آورد. آن آثار اکنون یکی از مهمترین مجموعه‌های جهان در عرصه هنر مدرن غرب محسوب می‌شوند و قیمت‌گذاری بر برخی از آثار این موزه امکان‌پذیر نیست.

شهبانو فرح پهلوی نقش بسیار موثری در توسعه هنر ایران داشت تا کشور به واسطه ایجاد موزه‌ها و نمایشگاه‌های

اعلام مقصران ریزش متروپل از سوی رئیس کمیسیون عمران: حسین عبدالباقی، شهرداری آبادان و سازمان نظام مهندسی



تخلفات در ساخت و شکست ستون‌های ساختمان فرو ریخت و طبق آمار رسمی ۴۳ تن در این حادثه مرگبار جان باختند و دست‌کم ۳۷ نفر مصدوم شدند. مالک این ساختمان حسین عبدالباقی یکی از رانتخواران در استان خوزستان است که طی دو دهه از آجیل‌فروشی به همراه برادرانش در مغازه پدری در آبادان به یکی از مافیاهای زمین و ساختمان تبدیل شد.

بر اساس گزارش‌ها، بسیاری از مقامات شهر آبادان و استان خوزستان در روند تبدیل شدن حسین عبدالباقی به مافیای اقتصادی از وی حمایت کرده‌اند. حسین عبدالباقی با پولپاشی و رشوه مسیر خود را برای زمین‌خواری و ساخت‌وسازهای کلان در استان خوزستان هموار کرده بود. ساخت بناهای مختلف برای نهادهای حکومتی، ارسال تجهیزات اداری، نصب کولر در ادارات و سازمان‌ها، و آسفالت محوطه‌های متعلق به دستگاه‌های حکومت و انواع رشوه در غالب هدیه و به اصطلاح نیکوکاری از جمله این پولپاشی‌ها بوده است. گزارش‌های دیگری که در نخستین روزهای پس از ریزش ساختمان منتشر شد نیز نشان می‌داد که بیش از یک سال پیش عدم رعایت استانداردهای ایمنی و فنی در این ساختمان گزارش شده و حتی در مورد ریزش این ساختمان هشدار داده شده بود. در یک مورد از این گزارش‌ها که نامه رئیس وقت سازمان نظام مهندسی آبادان درباره ۱۴ مورد تخلف در ساخت متروپل بوده، این نامه به شهرداری آبادان، امام جمعه، رئیس وقت شورای اسلامی شهر، فرمانداری ویژه آبادان، معاونت شهرسازی و مدیریت حراست شهرداری آبادان ارسال شده اما هیچ اقدامی از سوی مسئولان صورت نگرفته است!

گزارش‌ها نشان می‌دهد مجتمع برج‌های دولقی متروپل به قدری سست بود که ستون اصلی و حمل‌کننده مجتمع‌ها نشست و طبله کرده بود. تصاویر و ویدئوهای منتشر شده در فضای مجازی نیز چنین چیزی را نشان می‌دهد. مالک این ساختمان داربست‌هایی در اطراف پروژه کشیده بود که برخی مدعی هستند با هدف پنهانکاری وضعیت وخیم ساختمان انجام گرفته است. نخستین ساختمان متروپل پیش از این به بهره‌برداری رسیده بود و ساختمان دوم این پروژه دولقی که از آن به عنوان «مگا پروژه متروپل» یاد شده، در آخرین مراحل ساخت قرار داشت اما بهره‌برداری از طبقات پایینی آن آغاز شده بود.

محمدحسن نامی رئیس سازمان مدیریت بحران درباره سازه «متروپل» گفته بود، «در متروپل بسیاری از آهن‌ها به درستی جوش نخورده بودند و باید ۳۷۰ ستون زده

رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که حسین عبدالباقی مالک ساختمان تخلفات فراوانی داشته و شهرداری و سازمان نظام مهندسی نیز «علیرغم مشهود بودن تخلفات در حین ساخت» کوتاهی کرده و به تخلفات توجهی کردند.

او در ادامه گفته که «انتظار داشتیم وزارت راه و شهرسازی نیز به عنوان ناظر عالی و منطقه آزاد نیز به عنوان متولی مدیریت عمرانی در منطقه آزاد آبادان به این موضوع ورود کرده و وظایف قانونی خودشان را انجام می‌دادند که متأسفانه آنها نیز کوتاهی کردند.»

کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی ۱۶ امرداد نیز در گزارشی اولیه از تحقیقات راجع به ساخت و ریزش ساختمان متروپل اعلام کرده بود که مجری طرح و پیمانکار و همچنین دستگاه‌های حکومتی شهرداری آبادان، سازمان مهندسی، مناطق آزاد و وزارت مسکن، راه و شهرسازی متهم به تخلفات متعدد در عملیات ساخت و ساز بنا شده‌اند. در گزارش اولیه کمیسیون عمران، دلایل فنی ریزش ساختمان متروپل شرح داده شده و اعلام شده بود که «تخلفات اداری و انتظامی برخی اشخاص در بروز این حادثه محرز است. لازم است به قید فوریت و در کنار رسیدگی قضایی پرونده اداری و انتظامی برای متخلفان تشکیل و برای رسیدگی به مراجع ذیربط تسلیم شود.»



از راست، حسین عبدالباقی و مجید عبدالباقی

کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی در گزارش اولیه نیز حسین عبدالباقی مالک، مجری ساختمان، پیمانکار، شهرداری آبادان، مهندسان ناظر و سازمان نظام مهندسی استان و کشور، سازمان مناطق آزاد و منطقه آزاد اروند، اداره کل راه و شهرسازی استان خوزستان و وزارت راه و شهرسازی را به عنوان «متخلف و ناقض قانون» در روند ساخت و بهره‌برداری و از مقصران ریزش ساختمان برشمرد. در ساختمان متروپل آبادان در نیمروز دوم خردادماه به دلیل

● رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی: مالک ساختمان تخلفات فراوانی داشته و شهرداری و سازمان نظام مهندسی نیز «علیرغم مشهود بودن تخلفات در حین ساخت» کوتاهی کرده و به تخلفات توجهی نکردند.

● ساختمان متروپل آبادان در نیمروز دوم خردادماه به دلیل تخلفات در ساخت و شکست ستون‌های ساختمان فرو ریخت و طبق آمار رسمی ۴۳ تن در این حادثه مرگبار جان باختند و دست‌کم ۳۷ نفر مصدوم شدند.

رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی اعلام کرده بر اساس تحقیقات این کمیسیون، علاوه بر حسین عبدالباقی مالک ساختمان متروپل، شهرداری آبادان و سازمان نظام مهندسی نیز از جمله مقصران ریزش ساختمان متروپل هستند و ناظر تعیین شده بر این پروژه نیز وظایف خود را به درستی انجام نداده است. این کمیسیون در گزارش اولیه نیز که هفته پیش منتشر شد بر تخلف دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و نظارتی در روند ساخت متروپل تأکید کرده بود.

محمدرضا رضایی کوچی رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی امروز یکشنبه ۲۳ مرداد ۱۴۰۱ اطلاعات جدیدی در رابطه با متخلفان و متهمان ریزش ساختمان متروپل آبادان را بر اساس تحقیقات کمیسیون عمران مجلس ارائه کرد.

به گفته رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی گزارش کمیسیون عمران از حادثه ریزش ساختمان متروپل آماده و تقدیم هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی ارسال شده که هفته جاری در صحن علنی مجلس قرائت خواهد شد.

او افزود که «از نظر ما در کنار مالک، شهرداری آبادان و سازمان نظام مهندسی بیشترین تخلف را داشتند و البته دستگاه‌های ناظر نیز به وظایف خودشان به خوبی عمل نکردند.»

بر اساس توضیحات محمدرضا رضایی کوچی، «از ابتدای کار در انتخاب مشاور و ناظر پروژه کوتاهی صورت گرفته چرا که فرد و شرکت مذکور صلاحیت کافی نداشته و مجوز آن نیز غیرقانونی بوده است. همچنین در حین ساخت و ساز نیز ناظرهای متعددی تغییر کردند و علی‌رغم ارائه گزارش وضعیت نامناسب ساختمان متروپل به شهرداری آبادان، این مجموعه توجهی به تخلفات نکرده است و همچنین مسئولان در رده‌های مختلف نیز که از این وضعیت اطلاع داشتند، در انجام وظایف خود کوتاهی کردند.»



کفگیر حسابی به ته دیگ خورده! «بدحجاب‌ها» جریمه نقدی می‌شوند! درآمدزایی دولت با سرکوب آزادی!

او از دستگاه‌هایی مانند وزارت میراث فرهنگی و گردشگری نیز در این زمینه انتقاد کرده و گفته که در تشکیل «شورای امر به معروف» کم‌کاری کردند چه برسد به ساماندهی بحث حجاب! هاشمی گلپایگانی بار دیگر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتقاد کرده و گفته «در دولت انقلابی، وزارت ارشاد انقلابی مجوز اکران فیلمی را می‌دهد که امر به معروف را زیر سوال می‌برد و چند برابر بودجه ستاد، فروش می‌کند.»

این دبیر ستاد «امر به معروف» حتی صداوسیما جمهوری اسلامی را نیز در فهرست نهادهای کم‌کار در حوزه حجاب اجباری قرار داده با این انتقاد که «متأسفانه در دهه احیای امر به معروف، صداوسیما با ستاد همکاری نکرد، حتی فیلم یا کلیپی در این مدت با موضوع امر به معروف درست نکرد. صداوسیما بجای ساختن فیلم‌هایی با مضامینی همچون امر به معروف اقدام به پخش مجدد فیلم‌هایی مثل مختارنامه و شب دهم می‌کند که تکراری است و مردم را زده کرده است.» او در مورد اعمال فشار بر دانش‌آموزان مدارس برای رعایت حجاب اجباری نیز گفت، «در بحث استخدام دستگاه‌های دولتی متأسفانه معلمان که هیچ‌گونه آموزشی ندیده‌اند از مهر امسال وارد مدارس می‌شوند و قرار است بدون هیچ‌گونه آموزشی ۳۰ سال به فرزندان ما آموزش بدهند!»

از اوایل تیرماه امسال با راه‌اندازی طرح «حجاب و عفاف» که در ۱۲۰ صفحه در زمستان پارسال توسط ستاد امر به معروف و نهی از منکر تنظیم شده، دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی موظف شده‌اند تا به عنوان بازوهای سرکوب نظام، جامعه زنان را در مراکز کسب و کار و ادارات رصد کرده و بیش از پیش تحت فشار و آزار قرار دهند.

آنگونه که ستاد «امر به معروف» می‌گوید، زنان با پوشش‌های غیرمنطبق بر ایده‌آل‌های حکومت می‌بایست بجای شلاق، بازداشت و زندان، «جریمه» بپردازند تا بودجه دستگاه سرکوب‌گر آنها از جیب همین زنانی تأمین شود که آزادی آنان زیر پا گذاشته می‌شود!

قابل توجه اینکه که جریمه علاوه بر خود «بدحجاب‌ها» شامل رؤسا و مدیران مراکز کسب و کار و رانندگان و سرنشینان «بدحجاب» اتومبیل‌ها، ساکنان و مدیران ساختمان‌ها و «خانه‌ها» بی‌کی که افراد «بدحجاب» به آنجا رفت و آمد دارند نیز می‌شود!

مبلغ جرائم مربوط به «بدحجابی» در این طرح به روشنی اعلام نشده ولی انتشار تصاویر و محتوای «خلاف عفت عمومی» یا «تبلیغ علیه حجاب اسلامی» در شبکه‌های اجتماعی، شامل «۹۱ روز تا ۲ سال یا جزای نقدی از پنج میلیون تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات» می‌شود.

● محمد صالح هاشمی گلپایگانی دبیر ستاد «امر به معروف» در تشریح اقدامات جدید در طرح «عفاف و حجاب» خبر داد که «جریمه نقدی» «به جای پرونده‌سازی و مجازات‌هایی که در قانون آمده است» خواهد نشست.

● همزمان مهدی رضایی دبیر ستاد «امر به معروف» خراسان رضوی کارمندی را که در عکس حساب کاربری شبکه‌های اجتماعی‌اش حجاب را رعایت نمی‌کنند تهدید به تصمیم «کمیته انضباطی» و تشکیل پرونده با عنوان «تخطی از قانون» کرد که پیامدهایی تا حد «اخراج» در پی خواهد داشت.

● جریمه علاوه بر خود «بدحجاب‌ها» شامل رؤسا و مدیران مراکز کسب و کار و رانندگان و سرنشینان «بدحجاب» اتومبیل‌ها، ساکنان و مدیران ساختمان‌ها و «خانه‌ها» بی‌کی که افراد «بدحجاب» به آنجا رفت و آمد دارند نیز می‌شود!

دبیر ستاد «امر به معروف» از دریافت «جریمه نقدی» از زنان و دخترانی خبر داد که «بدحجاب» و «متخلف» محسوب می‌شوند و این اقدام را جایگزینی برای «پرونده‌سازی و مجازات‌هایی» دانسته که «در قانون آمده است»!

محمد صالح هاشمی گلپایگانی دبیر ستاد «امر به معروف» در تشریح اقدامات جدید در طرح «عفاف و حجاب» خبر داد، «جریمه نقدی» «بجای پرونده‌سازی و مجازات‌هایی که در قانون آمده است» خواهد نشست.

او گفته است: «در طرح عفاف و حجاب ستاد، بدحجاب دیگر مجرم نیست بلکه متخلف است و بجای پرونده‌سازی و مجازات‌هایی که در قانون آمده است، شخص جریمه نقدی می‌شود.»

همزمان مهدی رضایی دبیر ستاد «امر به معروف» خراسان رضوی کارمندی را که در عکس حساب کاربری شبکه‌های اجتماعی‌اش حجاب را رعایت نمی‌کنند تهدید به اقدام «کمیته انضباطی» و تشکیل پرونده با عنوان «تخطی از قانون» کرده که پیامدهایی تا حد «اخراج» در پی خواهد داشت.

بر اساس طرح «حجاب و عفاف»، انتشار تصاویر فاقد «حجاب شرعی» در فضای مجازی منجر به «محرومیت از یک یا چند از حقوق اجتماعی و نیز محرومیت از فعالیت در فضای مجازی به مدت شش ماه تا یک سال خواهد شد.»

در همایش «ملی عفاف و حجاب» که دبیران شورای امر به معروف و نهی از منکر سه قوه در آن حضور داشتند، گلپایگانی تأکید داشته است، «طرح عفاف و حجاب برای اصلاح وضعیت نابسامان و بلا تکلیف حجاب است و این ستاد با این طرح می‌خواهد گشت ارشاد را از مردم به سوی مسئولان ببرد.»

می‌شد که ۲۷۰ ستون شد و سیمان و تجهیزات ساختمان پودر می‌شد بنابراین مهندسان طراح و ناظر مسئولیت دارند و اگر ساختمانی بر اساس کم‌کاری‌ها فرو بریزد و مردم آسیب ببینند قوه قضائیه به شدت برخورد می‌کند.»

سه جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده متروپل طی امرداد جاری در شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری ۲ شهر اهواز برگزار شد. علی دهقانی رئیس کل دادگستری خوزستان ۱۰ مرداد ۱۴۰۱ پس از برگزاری نخستین جلسه غیرعلنی دادگاه در جمع خبرنگاران گفت: «متهمان این حادثه ۲۱ نفر هستند که همه آن‌ها در دادگاه حاضر شدند که همگی بازداشت هستند و از زندان به جلسه دادگاه اعزام شده‌اند.»

رئیس کل دادگستری خوزستان گفته بود که «در این جلسه اظهارات ۲۲ نفر از اولیای دم متوفیان استماع شد و برخی از وکلای آنان نیز اظهارات خود را بیان کردند. بعضی متوفیان اعضای یک خانواده بوده اند که یک نفر به غایبگی از اولیای دم در جلسه دادگاه حاضر شد.»

حاشیه‌های ریزش ساختمان متروپل و جلب شدن توجه‌ها به هلدینگ عبدالباقی به عنوان یکی از رانتخواران حوزه ساخت در ایران که به برخی مقامات منطقه‌ای و کشوری متصل بودند، همچنان ادامه دارد.

با وجود ادعای مقامات حکومتی بر اینکه حسین عبدالباقی زیر آوار متروپل مانده و درگذشته است اما منابع محلی همچنان معتقدند حسین عبدالباقی چند ثانیه پیش از ریزش ساختمان از ساختمان خارج شده و برای فرار از خشم مردم و قانون، به یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس گریخته است.

از سوی دیگر مجید عبدالباقی برادر حسین عبدالباقی مالک ساختمان متروپل آبادان ظهر امروز شنبه اول مرداد ۱۴۰۱ در حال ورود به پارکینگ محل سکونتش مورد حمله افراد مسلح قرار گرفت و درگذشت.

حذف برادر حسین عبدالباقی پیش از تشکیل دادگاه با توجه به اطلاعات او از روابط پیچیده برادرش با مقامات محلی و کشوری ممکن است کار مافیاهای وابسته به حکومت یا نهادهای امنیتی باشد. این در حالیست که احتمال دیگر مطرح شده، دادخواهی خون‌دها شهروندی است که در پی ریزش ساختمان متروپل جان باخته‌اند و یا مجروح شده‌اند.

همزمان با آغاز برگزاری جلسات دادگاه رسیدگی به پرونده ساختمان متروپل آبادان، دو نفر به اتهام «نیش قبر مجید عبدالباقی» برادر حسین عبدالباقی مالک این ساختمان بازداشت شدند. به گفته دادستان شهرستان دهاقان «این اقدام توسط دو نفر که اهل آبادان بودند» انجام شده و هدف از این نیش قبر هم پی بردن به صحت و سقم دفن مجید عبدالباقی در این قبر بوده است.

از سوی دیگر اواخر خردادماه در حالی اعلام شد تخریب بنای باقیمانده از ساختمان متروپل آبادان به قرارگاه «خاتم الانبیا» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سپرده شده که طی روزهای گذشته خرابی‌هایی غیررسمی از بازگرداندن این ساختمان نیمه ویران به هلدینگ عبدالباقی منتشر شده است. بر اساس این خبرها که از سوی منابعی در شهر آبادان منتشر شده هلدینگ عبدالباقی حکم عدم تخریب ساختمان متروپل را از دادگاه گرفته و در مقابل، قرارگاه «خاتم‌الانبیا» رقمی حدود ۱۰ میلیارد تومان بابت خسارت قرارداد از منطقه آزاد اروند دریافت خواهد کرد. منابع مطلع در شهر آبادان اظهار می‌کنند که در صورت تأیید این خبر از سوی منابع رسمی، شاهد مافیایی قدرتمندتر از دادستانی و قانون در شهر آبادان هستیم!

راه ندهید، زمان اجرای طرح موسوم به صیانت که برسد، خودمان خبرتان می‌کنیم!»

در ادامه مطلب فرهیختگان آمده که «این چرخه اختلال، شایعه و تکذیب آنقدر با ریتم‌های مختلف تکرار شود که جامعه و رسانه‌ها را نسبت به موضوع صیانت بی‌تفاوت کند که فراموش کنیم عده‌ای کمر بسته‌اند به محدود کردن اینترنت جهانی، اصرار دارند طرح صیانت را در هر قالب و اسمی که شده به تصویب برسانند تا مخالفت با آن را، مخالفت با قانون بخوانند و با این قبیل ترفندها، معترضان به طرح را ساکت کنند. اینجاست که زنگ خطر عادی شدن این چرخه باید به صدا درآید تا فراموش نکنیم بی‌تفاوتی نسبت به بیماری، مرض را دوچندان می‌کند. اینجاست که نباید اجازه دهیم قبح قضیه آنقدر بریزد که وقتی صبح با قطع و گندی اینترنت مواجه می‌شویم، ظهر نشده، شایعات اجرای صیانت از منابع و مراجع رسمی و غیررسمی به بیرون درز کند.»

همانطور که در مطلب روزنامه فرهیختگان هم تأکید شده مقامات هربار یک بهانه برای اختلال شدید در اینترنت ایران می‌آورند. در یکی از آخرین اظهارات حجت‌الله فیروزی عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس «تحریم» را مقصر اختلال اینترنت عنوان کرده و گفته «به دلیل تحریم‌هایی که در این چند ساله اعمال شده است، خرید تجهیزات مخابراتی برای وزارت ارتباطات، مجموعه‌های متولی و سهامداران حوزه های تلفن همراه و اینترنت با مشکل مواجه شده است.» او همچنین شیوه خصوصی سازی در وزارت ارتباطات را از دیگر دلایل اختلال در اینترنت دانسته است: «واگذاری حوزه مخابرات و بخشی که خصوصی سازی شده به صورت کامل انجام نشده یا با ایراد اتفاق افتاده است.»

اینهمه در حالیست که همچنان کارشناسان بر اقدامات سازمان یافته جمهوری اسلامی برای محدودسازی اینترنت در ایران تأکید دارند. مهدی رزمی کارشناس حوزه آتی در باره کاهش سرعت اینستاگرام می‌گوید که وزارت ارتباطات روی فضای مجازی و یک سری پروتکل‌هایی مثل HTTPS دارد اثر می‌گذارد و اینطور که از شواهد پیداست، روی پهنای باند بین‌الملل هم دارند تفاوت قائل می‌شوند.

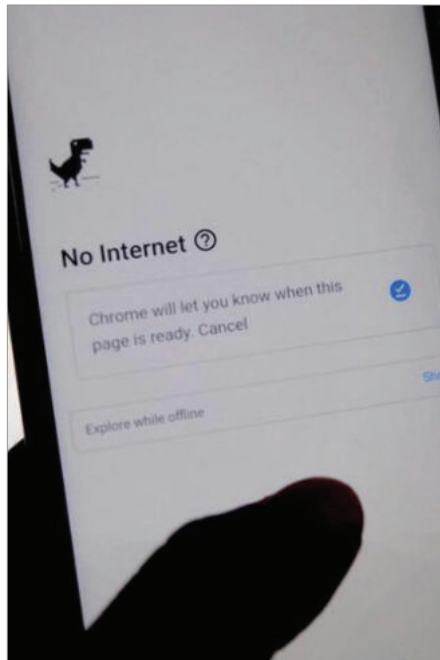
به گفته این کارشناس «از دو منظر فنی و اجتماعی می‌توانیم نگاه کنیم. با فرض اینکه موضوعات فنی و تأثیر داخلی داشته باشد، که به نظر می‌آید همین‌طور هم است، وزارت ارتباطات روی فضای مجازی و یک سری پروتکل‌هایی مثل HTTPS دارد اثر می‌گذارد و اینطور که از شواهد پیداست، روی پهنای باند بین‌الملل هم دارند تفاوت قائل می‌شوند. با توجه به شواهدی که درخصوص موضوعات زیر ساختی در حال اثر گذاشتن است، به نظر می‌آید که به صورت ناگفته و نانوخته یک سری تغییراتی دارد ایجاد می‌شود.»

اول امرداد امسال نیز اختلالی سراسری در شبکه اینترنت موبایل در شهرهای مختلف ایران رخ داده و کاربران اینترنت موبایل «همراه اول» در تهران، تبریز، شیراز، اصفهان و مشهد هم گزارش می‌دهند که حتی برای دسترسی به گوگل هم با مشکلات جدی مواجه شده‌اند. طبق گزارش شبکه تشخیص و تجزیه و تحلیل قطع اینترنت (IODA) این اختلال در استان هرمزگان بیشتر از سایر استان‌ها بوده است.

همچنین اتصال کاربران اینترنت موبایل «ایرانسل» وضعیت بدتری داشت و این اپراتور تقریباً از ساعت ۱۰ صبح دیروز با قطع کامل اینترنت روبرو بوده است. علاوه بر این نرم‌افزارهای موبایل برخی از بانک‌ها مختل شده و دسترسی به فیلترشکن‌ها هم دچار مشکل است.

این اختلال که به گفته مسئولین ناشی از آتش‌سوزی در یکی از مخازن ارتباطاتی منطقه هشت تهران بود اما

ادامه اختلال اینترنت در ایران؛ اینبار شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها



امکان ورود مجدد به حساب تلگرام برای شما فراهم باشد.» آراین اقبال کارشناس حوزه آتی در باره مشکل دسترسی به شبکه‌های اجتماعی در ایران طی روزهای گذشته گفته است که «این موضوع را نمی‌توان به کاهش سرعت اینترنت ارتباط داد. چرا که اگر کاهش سرعت در نظر بگیریم، کل پهنای باند پایین می‌آید در صورتی که الان این مشکل را تنها روی اینستاگرام و یکسری سرویس‌هایی مثل گیت‌هاب می‌بینیم. این امر نشان می‌دهد که یک اختلال عمدی در کار است. همه این موارد نشان از سیستم پیچیده‌ای است که این سیستم رفتاری شبیه سیستم فیلترینگ چین است.» روزنامه فرهیختگان در مطلبی انتقادی درباره قطع و اختلال در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی نوشته که «هر چند وقت یکبار سرعت اینترنت خانگی به قدری کند شود که به زمان دیال‌آپ بازگردیم، دسترسی به اینترنت خط محدود شود، فیلترشکن‌های قانونی و غیرقانونی محدود و مختل شوند و مقامی رسمی در کسوت نماینده مجلس بلند بگوید «طرح صیانت به شکل کم‌رنگ و غیررسمی دجال اجراست»؛ بعد هم از وزارت ارتباطات بیابند قویا موضوع را تکذیب کنند که؛ «نگران نباشید، هنوز زمانش نرسیده، ایرادی اگر هست از این‌روست که دکل مخابراتی از جا درآمده، حواس‌مان نبود حوضچه مخابراتی‌مان سوخت، پای فلانی رفت روی کابل اینترنت و خلاصه اینکه نگرانی بی‌مورد به دل‌تان

● کاربران زیادی اعلام کردند اگر از پلتفرم‌های تلگرام و توئیتر خارج شوند، امکان بازگشت به این پلتفرم‌ها را به راحتی ندارند و دریافت کد تأییدیه برای این دو پلتفرم به دست کاربران نمی‌رسد.

● در برخی استان‌ها کد تأییدیه اینستاگرام و واتساپ نیز با اختلال همراه است.

● یک کارشناس حوزه آتی می‌گوید یک اختلال عمدی در کار است. همه این موارد نشان از سیستم پیچیده‌ای است که شبیه سیستم فیلترینگ چین است.

کاهش سرعت و قطع اینترنت در کنار اختلال در اینستاگرام و تلگرام سبب خشم و نارضایتی کاربران اینترنت در ایران شده است. هرچند دولت هربار یک بهانه برای اختلال اینترنت می‌آورد و اطمینان می‌دهد که «طرح صیانت» اجرا نشده اما کارشناسان معتقدند اتفاقاتی که برای اینترنت و شبکه‌های اجتماعی می‌افتد حتما اقداماتی برای فیلترینگ و محدود ساختن بیشتر اینترنت و فضای مجازی و آزمایش‌هایی است که با همین هدف انجام می‌شود.

سرعت اینترنت در ایران طی ماه‌های گذشته با اختلال زیادی روبرو بوده است. گزارش‌ها نشان می‌دهد که نیمی از سال گذشته کشور با اختلال شدید اینترنت روبرو بوده چنانکه ۸۹ درصد از اختلالات مربوط به وبسایت‌های بین‌المللی و ۶۷ درصد هم مربوط به ارتباطات اینترنتی اینستاگرام بوده است.

اختلال اینترنت در سال جدید هم ادامه پیدا کرد و تشدید شد. در اردیبهشت‌ماه امسال مراکز داده‌های اینترنت در ایران ۲۵ برابر مشابه خارجی با اختلال ارتباطات اینترنتی روبرو بوده‌اند. آخرین گزارش وبسایت «اسپیدتست» نشان از چند پله سقوط رتبه ایران در اینترنت سیار و رسیدن به رتبه ۷۰ دارد. رتبه اینترنت ثابت نیز به ۱۴۶ رسیده است.

چندی پیش کاربران برای استفاده از اینستاگرام در ایران دچار مشکل شدند و از روز گذشته نیز کاربران زیادی اعلام کردند اگر از پلتفرم‌های تلگرام و توئیتر خارج شوند، امکان بازگشت به این پلتفرم‌ها را به راحتی ندارند و دریافت کد تأییدیه برای این دو پلتفرم به دست کاربران نمی‌رسد.

در برخی استان‌ها کد تأییدیه اینستاگرام و واتساپ نیز با اختلال همراه است هرچند گزارش‌های کمی درباره اختلال در دریافت پیامک تأییدیه این دو اپلیکیشن غیرفیلتر شده دریافت شده است.

آنها می‌گویند پس از هر بار خروج (Log out) از تلگرام، برای ورود مجدد به حساب کاربری، پس از ثبت شماره تلفن همراه، کد فعالسازی حساب به شماره موبایل آنها ارسال نمی‌شود.

تا کنون هیچکدام از نهادهای داخلی کشور مسئولیت این مشکل را نپذیرفته‌اند و همچنین از سوی شرکت تلگرام هم اطلاعیه‌ای مبنی بر بروز اشکال در این خصوص منتشر نشده است.

میلاد نوری کارشناس فناوری اطلاعات در کانال تلگرامی خود به کاربران درون ایران نوشته که «در صورت مسدود شدن تماس تلفنی، در صورتی که شما روی همه دستگاه‌ها از حساب تلگرام خود خارج شوید، امکان ورود مجدد وجود نخواهد داشت.»

او در ادامه راهکاری برای حل این مشکل به کاربران داده است: «حتماً حساب خود را روی یک دستگاه (موبایل، لپ‌تاپ، نسخه وب، ...) نگه دارید تا کد فعالسازی بجای پیامک، بر روی خود تلگرام برای شما ارسال شود. اگر حساب تلگرام خود را فقط بر روی یک موبایل دارید، حتماً بر روی کامپیوتر هم وارد شوید تا در صورت بروز مشکلات مختلف،

بازگشت به اول انقلاب با انتشار اسامی «ممنوع‌الکارها» در سینما؛

اعتراف وزارت ارشاد اسلامی به تداوم حذف: «کوتاه می‌آییم»!



ندارند، حالا وجود این لیست حذف و سانسور از سوی محمد خزاعی رئیس سازمان سینمایی دولت ابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» تأیید شده و قرار است هفته آینده اعلام شود.

این فهرست در پی سه رویداد سینمایی- اجتماعی اخیر بطور علنی از سوی وزارتخانه دولت سیزدهم علنی شده است. صدور بیانیه‌ی «تفنگت را زمین بگذار» در اعتراض به سرکوبگری یگان‌های ویژه حکومت در اعتراضات خوزستان، حضور سینماگران در فستیوال فیلم «کن» و رفتارهای آنان خارج از خطوط فرمز جمهوری اسلامی و در نهایت همکاری برخی سینماگران داخل ایران با فیلم سینمایی «عنکبوت مقدس» درباره جنایات فبیج یک قاتل زنجیره‌ای زنان در مشهد که مقامات حکومت، ندیده آن را علیه مقدسات و توهین به امام هشتم شیعیان تعبیر کرده‌اند.

با وجود اینکه همواره اسامی «ممنوع‌الکارها» و «ممنوع‌التصویرها» در اختیار حتی خودسینماگران مورد عتاب نیز قرار نمی‌گرفت ولی پس از سال‌ها از ابتدای جمهوری اسلامی که اسامی سینماگران و هنرمندان در روزنامه‌های اصلی منتشر می‌شد و توسط حاکم شرع و دادگاه‌های انقلاب اسلامی احضار می‌شدند و سپس به ممنوعیت از فعالیت هنری و حتی زندان محکوم می‌شدند، حالا بساطی که همواره باز بوده، دوباره علنی می‌شود. پس از استقرار این نظام ضد هنر بسیاری از سینماگران محبوب و معروف قبل از انقلاب مانند محمدعلی فردین، ناصر ملک‌مطیعی و بهروز وثوقی از سینمای ایران حذف شدند. سیاستی که در تمام بیش از چهار دهه جمهوری اسلامی ادامه یافته است.

پس از آن دوران، تا کنون دست‌کم در روزنامه‌ها از چنین فهرستی خبری نبود و حتی دولت‌ها به دلیل نگاه ابزاری و تبلیغاتی به سینما و سینماگران و چهره‌های هنری، در دوره‌هایی از جمله انتخابات‌های نمایشی، وجود این فهرست را تکذیب می‌کردند ولی دولت سیزدهم این خط را نیز پشت سر گذاشته و نه تنها از وجود چنین فهرستی خبر می‌دهد، بلکه قرار است آن را روی میز و مقابل سینماگران و رسانه‌ها قرار دهد.

اقدام یکدست حکومت در قبال هنرمندان پس از این صورت می‌گیرد که دو سینماگر امضاکننده بیانیه «تفنگت را زمین بگذار»، محمد رسول‌اف و مصطفی آل‌احمد، توسط مأموران امنیتی دستگیر شدند و خبر بازداشت

پس از دهه‌ها تکذیب وجود یک فهرست از اسامی کسانی که پروژه‌های سینمایی اجازه اخذ قرارداد کاری با آنان را ندارند، حالا وجود این لیست حذف و سانسور از سوی محمد خزاعی رئیس سازمان سینمایی دولت ابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» تأیید شده و قرار است هفته آینده اعلام شود.

فشار و سرکوب سینماگران توسط حکومت که چند سالی با خجالت و رودربایستی صورت می‌گرفت، دوباره شکل علنی به خود گرفته و بیش از ۷۰ سینماگر و فعال در این عرصه را که بیانیه‌ی «تفنگت را زمین بگذار» خطاب به یگان ویژه سرکوبگر در اعتراضات خوزستان را امضاء کرده‌اند در معرض بیکاری و ممنوعیت از فعالیت تا مدت نامعلومی قرار می‌دهد.

رئیس سازمان سینمایی درباره توقیف «برادران لیلا» که در فستیوال فیلم کن به نمایش درآمده گفت «ما مشکلی برای برادران لیلا ایجاد نکرده‌ایم که آن را حل کنیم. این فیلم در حال طی شرایط طبیعی خود بود و خود دوستان یکسری از اصلاحات [سانسور] را انجام نداده و در مجامع بین‌المللی رسماً اعلام کرده‌اند که از فیلم کم می‌کنند.»

خزاعی مشکل را ناشی از «رفتار غیرقانونی این دوستان» دانسته و گفته است: «اگر همین دوستان مانند آقای مانی حقیقی و یا هومن سیدی که فیلم‌هایشان در حال حاضر در بازارهای بین‌المللی حضور دارند پروانه نمایش دریافت کرده بود هیچ مشکلی نداشتند.» محمد خزاعی با این حرف بطور تلویحی علیه مانی حقیقی و هومن سیدی چنین القاء کرده است که آنها با تن دادن به حذف و سانسور و یا رعایت پیشاپیش «خودسانسوری»، پروانه نمایش از وزارت ارشاد اسلامی دریافت کرده‌اند!

پس از دهه‌ها تکذیب فهرستی از «ممنوع‌الکارها» در سینما، حالا سازمان سینمایی می‌گوید، به زودی فهرستی از سینماگرانی را انتشار خواهد داد که اجازه فعالیت ندارند. سینماگران ممنوع از کار پیشتر بطور تلویحی از سوی وزیر ارشاد اسلامی اعلام شده‌اند: کسانی که بیانیه «تفنگت را زمین بگذار» را امضاء کرده‌اند، با فیلم «عنکبوت مقدس» همکاری داشته‌اند و در فستیوال فیلم «کن» سخنان و رفتارهای خلاف داشته‌اند.

پس از دهه‌ها تکذیب وجود یک فهرست از اسامی کسانی که پروژه‌های سینمایی اجازه اخذ قرارداد کاری با آنان را

همان زمان هم موضوع اقداماتی در زمینه محدودسازی اینترنت و اجرای نامحسوس طرح صیانت مطرح شد.

همزمان روزنامه دنیای اقتصاد در گزارشی به زیان ناشی از قطع اینترنت پرداخته و نوشته که اکثر دستگاه‌های کارتخوان با اینترنت کار می‌کنند و از این طریق به شبکه بانکی متصل هستند. در نتیجه با قطع دستگاه‌های کارتخوان، عرضه‌کنندگان محصولات یا به دنبال این بودند که معاملات روزانه را لغو کنند یا از مشتریان درخواست می‌کردند برای برآورده شدن تقاضای خود از پول نقد استفاده کنند.

از سوی دیگر، برخی نانوایی‌ها که به سیستم جدید پرداخت مجهز شده‌اند نیز در روز گذشته نتوانستند خدمات خود را ارائه دهند و در نتیجه، پول نقد جایگزین خرید اینترنتی در نانوایی‌ها شد. اختلال در فعالیت نانوایی‌ها طرح توزیع نان یارانه‌ای را نیز با بن‌بست روبرو کرد.

بر اساس این گزارش قطع اینترنت یا کاهش شدید سرعت آن سبب شده ۳۰ تا ۵۰ درصد از معاملات روزانه لغو و بنگاه‌ها با زیان قابل‌توجهی روبرو شوند.

در حال حاضر آمارها حاکی از آن است که ۱۳ میلیون دستگاه کارتخوان در کشور وجود دارد. در شرایطی که وضعیت بسیاری از کسب و کارها به دلیل افزایش سطح قیمت‌ها، کاهش تقاضاها و افزایش اجاره در هر حال با مشکل روبروست، اختلالاتی از این دست می‌تواند فشار مضاعف بر میزان درآمد این مشاغل که عمدتاً خرد و کم‌سرمایه هستند، وارد کند.

نیمه اول تیرماه نیز کاربران اینترنت از اختلال شدید و سرعت دارای نوسان اینترنت گزارش داده و گفتند اختلال شدید روی پروتکل‌های رمزنگاری شده TLS و اختلال روی DNSها و در نهایت کاهش شدید کیفیت اینترنت وجود دارد.

وبسایت «زومیت» که به حوزه اینترنت و فناوری اطلاعات در ایران می‌پردازد در روزهای اختلال شدید اینترنت در تیرماه گزارش داد که از دو هفته پیش اختلال شدید روی برخی پروتکل‌های رمزنگاری شده در اینترنت ایران دیده می‌شود که «اقدامات دولت» پشت سر آن قرار دارد.

بر اساس این گزارش، برخی فعالان اینترنت در ایران با انتشار اسناد و مدارکی تلاش می‌کنند ثابت کنند دولت «در حال ایجاد اختلال عمدی روی برخی پروتکل‌ها به‌خصوص پروتکل‌های رمزنگاری شده TLS است.»

در مقابل اما مقامات حکومتی اما اجرای طرح صیانت را تکذیب می‌کنند. مهدی سالم رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت ارتباطات در اینباره گفته که «دسترسی هیچ فردی به اینترنت محدود نشده و اگر کسی با اختلال در دسترسی به اینترنت مواجه است و در این زمینه اطمینان کامل دارد باید از طریق سامانه کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه (کمیته فیلترینگ) شکایت خود را مطرح کند تا ادعایش توسط این کارگروه بررسی شود.»

به گفته رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت ارتباطات «اگر بعد از این بررسی‌ها مشخص شود که فرد سرویس درست و قانونی ارائه می‌کرده و دسترسی‌های غیرقانونی هم نداشته و به دلیل خطایی، سیستم‌اش فیلتر شده حتماً مشکل‌اش رفع می‌شود.»

مهدی سالم همچنین تنها راه برای رفع مشکل این گروه را ثبت اعتراض آنها در کمیته فیلترینگ می‌داند. او در پیشنهادی عجیب می‌گوید کسانی که نسبت به دسترسی به وبسایت‌ها و سرویس‌های مختلف اعتراض دارند می‌توانند IP آدرس خود را در اختیار وزارت ارتباطات بگذارند تا مشکلاتشان حل شود!

نیز در همان شامگاه توسط خبرگزاری حکومتی «ایرنا» رسانه‌ای شد.

فشار و سرکوب سینماگران توسط حکومت که چند سالی با خجالت و رودربایستی صورت می‌گرفت، دوباره شکل علنی به خود گرفته و بیش از ۷۰ سینماگر و فعال در این عرصه را که بیانیه‌ی «تفنگت را زمین بگذار» خطاب به یگان ویژه سرکوبگر در اعتراضات خوزستان را امضاء کرده‌اند در معرض بیکاری و ممنوعیت از فعالیت تا مدت نامعلومی قرار می‌دهد.

رئیس سازمان سینمایی در توضیحات خود گفته در فهرست اولیه، «در مجموع نام ۶ نفر اعلام شده بود که تعداد آن تا امروز کم شده است و هفته بعد مشخص می‌شود که به عنوان مثال تدوینگر «عنکبوت مقدس» در چه شرایطی قرار می‌گیرد.» هاید صفی‌یاری تدوینگر «عنکبوت مقدس»، است که برنده «سیمرغ» جشنواره حکومتی «فجر» نیز هست؛ وی برای همکاری با ابراهیم حاتم‌کیا در «آژانس شیشه‌ای» این جایزه را بدست آورد و هنوز بر سر ممنوعیت‌اش از کار بحث و گفتگو جریان دارد.

محمد خزاعی رئیس سازمان سینمایی صریحاً گفته که این فهرست «وضعیت سینماگرانی را که در ماجرای بیانیه مربوط به خوزستان و حاشیه‌های جشنواره کن دچار مشکل شدند» نیز «مشخص» می‌کند. اسامی این فهرست هم‌اکنون نیز تا حدودی روشن است؛ نوید محمدزاده و فرشته حسینی همسرش که روی فرش قرمز فستیوال «کن» به سبک فیلم‌های هالیوودی یکدیگر را بوسیده‌اند و عوامل فیلم سینمایی «برادران لیلا» به ویژه ترانه علیدوستی که در نشست مطبوعاتی از محدودیت‌های زنان در اجتماع ایران سخن گفت.

در این بین سیاست وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با دوره‌های قبل از جهات دیگری نیز متفاوت است و به نظر می‌رسد یک راه‌حل برای مشکل ممنوع‌الکاری یک سینماگر پیدا کرده تا آثارش با او گره نخورند و در کشوی ممنوع‌الکارها و فیلم‌های ممنوعه آنقدر باز باشد که برای سودجویی و درآمدزایی حوزه‌هایی که در اختیار و نظارت ارشاد اسلامی قرار دارند بتوان از فیلم‌های آنها سوء استفاده کرد. آنگونه که محمد خزاعی در سخنان اخیر خود گفته است: «اگر کسی ممنوع‌الکار شده باشد عطف به ماسبق نمی‌شود و فیلم‌های گذشته‌ای که بازی کرده و یا ساخته‌اند دچار مشکل نمی‌شود.»

رئیس سازمان سینمایی ارشاد اسلامی این مسیر را نیز برای امضاءکنندگان بیانیه «تفنگت را زمین بگذار» باز گذاشته تا امضای خود را پس بگیرند: «یکسری از دوستان برای بیانیه ۱۷۰ نفر و یکسری دیگر از دوستان نیز در حاشیه جشنواره فیلم کن دچار مشکلاتی شده‌اند. در این راستا و درباره بیانیه ۱۷۰ نفر درخواستی کردیم که گفتند این جریان مربوط به سازمان سینمایی نیست، همچنین از کسانی که این بیانیه را امضاء کرده و اطلاعی نسبت به آن نداشتند خواستیم رسماً اعلام کنند تا دچار مشکلات عدیده نشوند، اما اینکه کدام یک از این دوستان ممنوع‌الکار هستند، تا آخر هفته آینده رسماً اعلام می‌شود.»

اینکه چه کسانی فهرست ممنوعیت‌ها را تهیه کرده‌اند نیز اعلام نشده ولی از سخنان محمد خزاعی اینگونه برمی‌آید که اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نقش مهمی در تهیه آن داشته است. خزاعی توضیح داد: «این لیست در جلسات متعددی مطرح شده و تعداد آن کم یا زیاد شده است و قرار است آخرین لیست تا آخر هفته آینده در اختیار ما قرار گیرد، البته ما تلاش کرده‌ایم که برخی از دوستان که اسامی آنها مطرح شده از این لیست کنار گذاشته شوند.»

خزاعی بار دیگر بر «دلسوزی» وزیر ارشاد اسلامی تأکید کرد و گفت: «تاکید می‌کنم که من ندیدم آقای اسماعیلی نام

شخص خاصی را بیاورد، بلکه گفته است تمام هنرمندانی که نام آنها به عنوان ممنوع‌الکار اعلام شوند، سعی خواهد کرد که عطف به ماسبق نشود و سرمایه، تهیه‌کننده و کارگردان و گروه تولید دچار آسیب نشوند. این به آن معناست که جلوی آثاری که افراد ممنوع‌الکار در آن حضور دارند گرفته نشود و شرایط طبیعی اکران را طی کند. البته این مسئله خیلی فرق می‌کند با آثار جدیدی که قرار است این افراد در آن حضور داشته باشند.»

رئیس سازمان سینمایی درباره فیلم «برادران لیلا» به کارگردانی سعید روستایی هم چنین گفت: «سازمان سینمایی هرگونه همکاری و مشارکت با عوامل این فیلم داشته است و ما جلسات مکرری قبل از اعزام دوستان داشتیم و حتی پیشنهاد اصلاح مواردی نیز داده شد. دوستان در ابتدا این موارد را قبول و بعد نپذیرفتند و رسماً اعلام کردند که هیچ پلانی حذف و یا سانسور نمی‌شود و در نهایت این فیلم بدون پروانه نمایش بین‌المللی در جشنواره‌های خارجی حضور پیدا کرد. تأکید می‌کنم که قوانینی که در حال اجرا است، قوانین دوره ما نیست، قوانینی است که از قبل در سازمان سینمایی بوده که براساس آن هرکسی که می‌خواهد در عرصه بین‌المللی حضور پیدا کند قبل از آن باید پروانه نمایش بین‌المللی را دریافت کند.»

وی ادامه داد: «ما نسبت به برادران لیلا سختگیرانه برخورد نکردیم بلکه از روز اول با حضور در سازمان سینمایی بر ۳ مسئله تأکید کردم که یکسری از بحران‌های ما مربوط به این سه مسئله است و شامل قانونگرایی، استانداردسازی و عدالت‌محوری است. زمانی که بخواهیم این سه مورد را اجرا کنیم باید برای همه اجرا شود!»

رئیس سازمان سینمایی اقدامات دولت را «بازگشت به قانون» در سینما تعبیر کرده که از آن «کوتاه» نمی‌آیند و گفته است: «معتقدم اگر قانون به سینما بازگردد تمام مشکلات سینمای ایران حل می‌شود که شامل قانون در اکران، اعتبارات، حمایت، نمایش و جشنواره است.»

خزاعی تأکید داشته آنان نبوده‌اند که «قانون را وضع» کرده‌اند، بلکه تمام قوانین در سازمان سینمایی بوده، «بعضی اجرا می‌شده و بعضی کمرنگ‌تر بوده است، چرا یک فیلم در دوره مدیریت گذشته باید پروانه ساخت بگیرد اما برای پروانه نمایش دچار مشکل شود. این به آن معناست که در جایی قانون شکنی شده است. یعنی وقتی فیلمنامه را می‌خوانید می‌بینید که فیلمنامه با قانون منطبق نیست، گاهی فیلمنامه منطبق است اما اصل موضوع اشکالاتی داشته که تذکراتی در هنگام دریافت پروانه ساخت گرفته که رعایت نکرده است.»

وی درباره توقیف فیلم سینمایی «برادران لیلا» که در فستیوال فیلم کن به نمایش درآمده گفت که «ما مشکلی برای برادران لیلا ایجاد نکرده‌ایم که آن را حل کنیم. این فیلم در حال طی شرایط طبیعی خود بود و خود دوستان یکسری از اصلاحات [سانسور] را انجام نداده و در مجامع بین‌المللی رسماً اعلام کرده‌اند که از فیلم نمی‌کنند. مسئله بعدی اظهار نظرهایی بود که انجام دادند و همه اینها دست به دست هم دادند که تبدیل به جریان شود.»

خزاعی مشکل را نه مشکل سازمان سینمایی بلکه ناشی از «رفتار غیرقانونی این دوستان» دانسته و گفته است: «اگر همین دوستان مانند آقای مانی حقیقی و یا هومن سیدی که فیلم‌هایشان در حال حاضر در بازارهای بین‌المللی حضور دارند پروانه نمایش دریافت کرده بود هیچ مشکلی نداشتند.» محمد خزاعی با این حرف بطور تلویحی علیه مانی حقیقی و هومن سیدی چنین القاء کرده است که آنها با تن دادن به حذف و سانسور و یا رعایت پیشاپیش «خودسانسوری»، پروانه نمایش از وزارت ارشاد اسلامی دریافت کرده‌اند!

درخشش کیان سلطانی نوازنده ویولن سل در جشنواره «پرامز» بریتانیا

● نوازنده جوان ویولن سل ۳ ژوئن ۱۹۹۲ در اتریش و در خانواده‌ای از موسیقیدانان ایرانی متولد شده است. او در ارکستر «دیوان غربی - شرقی» به ابتکار «دانیل بارنبویم» موسیقیدان، رهبر ارکستر و پیانیست پُرآوازه، نوازندگی اصلی ویولن سل را بر عهده داشته است. کیان سلطانی در تور جهانی این ارکستر با اجرای کنسرتوی معروف بتهوون برای ویولن، ویولن سل و پیانو در سال ۲۰۱۵ به شهرت جهانی رسید.

● به نظر کیان سلطانی، کنسرتو ویولن سل ادوارد لگاریک قطعه برجسته در میان تمامی آثار موسیقی کلاسیک دنیاست. وی می‌گوید تأثیری ترازیک در این اثر وجود دارد. موومان اول آن سرنوشت را به تصویر می‌کشد و دارای وجهی تغزلی است. اما سرنوشت، پس از چند بار کوبیدن در، به ناگهان کنار گذاشته می‌شود و موسیقی روح جوانی و شادی می‌یابد. موومان سوم آن پیامی بسیار عمیق و جدی می‌رساند. بین سولیسیت و ارکستر دیالوگی برقرار می‌شود که دارای لحظات شاد و امیدوارکننده است که همگی آن در بخش پایانی کنسرتو از بین می‌رود. در پایان موومان چهارم باز سرنوشت بر در می‌کوبد.

«پرامز» بی‌بی‌سی یکی از مهم‌ترین و بزرگترین جشنواره‌های موسیقی کلاسیک دنیاست که برای مدت هشت هفته در ماه‌های اوت و سپتامبر در بریتانیا برگزار می‌شود. جشنواره در شکل اولیه‌اش در سال ۱۸۹۵ توسط «روبرت نیومن» تأسیس شد ولی از سال ۱۹۲۷ به بعد تا کنون - به استثنای سال‌های جنگ جهانی دوم - توسط بنگاه خبرسانی BBC اداره و برگزار شده است.

هر دوره این جشنواره شامل کنسرت ارکسترهای سمفونیک و موسیقی جاز و پاپ در تالار اصلی رویال آلبرت هال، کنسرت‌های موسیقی مجلسی در تالار کادوگان لندن، اجرای موسیقی در پارک‌های سراسر بریتانیا به ویژه در آخرین شب «پرامز» و نیز کارگاه‌های آموزشی برای کودکان است. این جشنواره یکی از رویدادهای مهم موسیقی کلاسیک نه فقط در بریتانیا بلکه در سراسر دنیاست. برخی حتی «پرامز» را «بزرگترین و دموکراتیک‌ترین جشنواره موسیقی جهان» توصیف کرده‌اند.

«پرامز» مخفف عبارت promenade concert به معنای کنسرت گردشگاهی است که به کنسرت‌های فضای باز از جمله در پارک‌ها لندن اطلاق می‌شود. در این کنسرت‌ها که در بسیاری از کشورهای اروپا رایج است تماشاگران می‌توانند حین شنیدن موسیقی قدم بزنند و در رفت و آمد باشند. «پرامز» تا آغاز جنگ جهانی در تالار کوینز لندن برگزار می‌شد ولی این تالار در جریان یکی از بمباران‌های لندن توسط آلمان نازی چنان تخریب شد که امکان برگزاری کنسرت در آن میسر نبود. بنابراین، بعد از سال‌های جنگ جهانی دوم بخش



کیان سلطانی در کنار نوازنده و رهبر ارکستر شهیر آرژانتینی دانیل بارن بویوم / اجرای کنسرتو ویولن سل از دورژاک / ارکستر مجلسی برلین

۲۰۱۵ بر می‌گردد. کیان سلطانی بدون شک یکی از مطرح‌ترین نوازندگان ویولن سل نسل خود است.

به نظر کیان سلطانی، کنسرتو ویولن سل ادوارد الگار یک قطعه برجسته در میان تمامی آثار موسیقی کلاسیک دنیاست. وی می‌گوید تأثیری ترازیک در این اثر وجود دارد. موومان اول آن سرنوشت را به تصویر می‌کشد و دارای وجهی تغزلی است. اما سرنوشت، پس از چند بار کوئیدن در، به ناگهان کنار گذاشته می‌شود و موسیقی روح جوانی و شادی می‌یابد. موومان سوم آن پیامی بسیار عمیق و جدی می‌رساند. بین سولویست و ارکستر دیالوگی برقرار می‌شود که دارای لحظات شاد و امیدوارکننده است که همگی آن در بخش پایانی کنسرتو از بین می‌رود. در پایان موومان چهارم باز سرنوشت بر در می‌کوبد.

کیان سلطانی ارکستراسیون این اثر را شگفت‌انگیز و بی‌نظیر می‌داند. هرچند که این کنسرتو برای ویولن سل نوشته شده ولی این ساز بلندترین صدا را در آن ندارد، بلکه نوعی توازن و هماهنگی بین ارکستر و ویولن سل برقرار است بطوری که درخشش و برجستگی ساز سولویست در طول اثر همواره جاریست.

پس از اجرای این اثر توسط ارکستر فیلارمونیک بی‌بی‌سی، یکی از مجریان برنامه که خود نوازنده ویولن سل است گفت که در این اجرا، کیان سلطانی کلیشه‌ناواری نکرد و با هنر نوازندگی خود انرژی و ماهیت درونی این اثر را به نمایش گذاشت. پس از تشویق ممتد و چندباره حاضران در سالن، کیان سلطانی اعلام کرد که قطعه‌ای برای ویولن سل و ارکستر را که خودش بر مبنای نغمه‌ای فولکلوریک اوکراینی تنظیم کرده اجرا خواهد کرد. سلطانی گفت که این قطعه که «مینکای دوست‌داشتم» نام دارد در اصل نغمه‌ای شاد بوده و حدود ۲۰۰ سال پیش لودویک وان بتهوون تنظیمی غمگان از آن تدوین کرد. سلطانی افزود که تنظیم او چیزی بین دو تفسیر عمناک و شاد است. اجرای این اثر توسط کیان سلطانی ادای احترام به مردم رنج‌دیده اوکراین بود که در جنگی که پوتین به آنها تحمیل کرده است روزگار دهشتناکی را می‌گذرانند.

که پیرانه‌سر به گذشته خود و جهان پیرامونش می‌نگرد. انسانی غمگین که در عین حال خود را به نومی‌دی نمی‌سپارد. کنسرتو ویولن سل ادوارد الگار که بسیار ژرف است و از دل آهنگساز جوشیده، از همان نت‌های نخست شنونده را میخکوب کرده و تحت تأثیر قرار می‌دهد. در بخش پایانی این کنسرتو، نغمه آغازین آن دوباره با آوای نوید به گوش می‌رسد هرچند کمی آمیخته به تردید که آیا اراده انسان پیروز خواهد شد.

کیان سلطانی سولویست یا تک‌نواز چنین قطعه‌ای در جشنواره «پرامز» بوده است. این نوازنده جوان ویولن سل ۳ ژوئن ۱۹۹۲ در اتریش و در خانواده‌ای از موسیقیدانان ایرانی متولد شده است. او در ارکستر «دیوان غربی- شرقی» به ابتکار «دانیل بارن‌بویوم» موسیقیدان، رهبر ارکستر و پیانیست پُرآوازه، نوازندگی اصلی ویولن سل را بر عهده داشته است. کیان سلطانی در تور جهانی این ارکستر با اجرای کنسرتوی معروف بتهوون برای ویولن، ویولن سل و پیانو در سال ۲۰۱۵ به شهرت جهانی رسید.

سلطانی نواختن ویولن سل را از سن چهار سالگی آغاز کرد و در ۱۲ سالگی تحصیلات موسیقی خود را نزد «ایوان مونیگتی» در آکادمی موسیقی شهر بازل پی گرفت. او این رشته را به عنوان عضوی از برنامه تک‌نوازان جوان در آکادمی «کرونبرگ» در تاونوس آلمان و آکادمی بین‌المللی موسیقی در لیخت اشتاین به پایان رسانده است.

کیان سلطانی جایزه هنرمند جوان جایز Credit Suisse 2017 در جشنواره لوسرن و جایزه برنشتاین ۲۰۱۷ جشنواره موسیقی شلسویگ- هولشتاین را دریافت کرده است. او در سال ۲۰۱۴ نیز جایزه لویپول جشنواره کیسینجر سامر را دریافت کرده بود. در سال ۲۰۱۳ جایزه اول مسابقه ویولن سل پائولو در هلسینکی فنلاند را از آن خود کرد. او همچنین برنده جایزه اول مسابقه بین‌المللی ویولن سل کارل دیویدوف در لیتوانی و مسابقه بین‌المللی ویولن سل «آنتونیو جانیکرو» در کشور کرواسی شده و در سال ۲۰۱۴ به عضویت بنیاد «آنه سوفی موتز» نوازنده شهیر آلمان درآمد.

نخستین حضور کیان سلطانی در جشنواره «پرامز» به سال

اصلی «پرامز» به تالار رویال آلبرت هال منتقل شد. فضایی هم در وسط این تالار در این جشنواره به شنوندگان ایستاده اختصاص یافته که قیمت بلیت آن بسیار پایین‌تر از قیمت‌صندلی‌هاست.

در لندن، کنسرت‌های فضای باز از اواسط قرن هجدهم در پارک‌های این شهر برگزار می‌شده است. اما کنسرت‌های مشابه در فضاهای بسته از سال ۱۸۳۸ به بعد در لندن رواج یافت و چندی بعد به یکی از شاخه‌های عرصه موسیقی در لندن قرن نوزدهم تبدیل شد. «رابرت نیومن» بنیانگذار این جشنواره آرزو داشت با ارائه قیمت ارزان بلیت در یک فضای غیررسمی و بدون تکلف که تشریفات که در آن خوردن، نوشیدن و سیگار کشیدن و رفت و آمد برای حاضران مجاز باشد، مخاطبان بیشتری را به موسیقی جذب کند و جنبه‌ی مردمی به کنسرت‌های موسیقی کلاسیک ببخشد. او این هدف خود را در سال ۱۸۹۴ به «هنری وود» که دومین مدیر جشنواره «پرامز» است در میان گذاشت. با مرگ ناگهانی نیومن در سال ۱۹۲۷، بنگاه بی‌بی‌سی تحت مدیریت «هنری وود» اداره آنرا به عهده گرفت و این جشنواره را به خوبی پیش برد بطوری که نام «وود» بیشتر یادآور جشنواره «پرامز» است. روز ۱۴ اوت امسال در صد و هفتمین دوره این جشنواره، در برنامه اصلی «پرامز» در تالار رویال آلبرت هال، برای پنجاه و نهمین بار کنسرتوی ویولن سل ادوارد آهنگساز شهیر انگلیسی، اجرا شد. سولویست این اجرا، کیان سلطانی نوازنده چیره‌دست ویولن سل ایرانی- اتریشی بود که با تسلط کم‌نظیری این اثر زیبا را نواخت. رهبری ارکستر فیلارمونیک بی‌بی‌سی را در این اجرا اوا اولیکانن از فنلاند بر عهده داشت. بسیاری از آثار ادوارد الگار وارد رپرتوار موسیقی کلاسیک بریتانیایی و بین‌المللی شده است. از معروف‌ترین آثار او می‌توان از جمله به «واریاسیون‌های اینگما»، «راهپیمایی‌های با شکوه و با عظمت»، کنسرتو برای ویولن و ویولن سل، و دو سمفونی اشاره کرد. او همچنین قطعات آواز از جمله «رویای جروتیتوس»، موسیقی مجلسی و ترانه نیز ساخته است.

اگرچه الگار اغلب به عنوان یک آهنگساز انگلیسی در نظر گرفته می‌شود، اما سلیقه او بیشتر تحت تأثیر موسیقی اروپایی شکل گرفت. او نه تنها از نظر موسیقی، بلکه از نظر اجتماعی هم خود را نسبت به جامعه انگلیس یک خارجی می‌دانست زیرا در محافل موسیقی کلاسیک رسمی تحت سلطه آکادمیسین‌ها، وی آهنگسازی متفاوت و خودآموخته بود.

کنسرتو ویولن سل نسبتاً کوتاه ادوارد الگار «اپوس ۸۵» آخرین اثر برجسته و تکمیل شده اوست. الگار آن را پس از جنگ جهانی اول ساخت، زمانی که موسیقی او دیگر شاید چندان مد نبود. ولی بعد از دهه ۶۰ با اجرای نوازنده مشهور و جوان بریتانیایی، ژانکلین دوپره، این قطعه به جایگاه رفیع آثار پرطرفدار الگار ارتقاء یافت.

برخلاف کنسرتو ویولن الگار که غنایی و پرشور است، کنسرتو ویولن سل بیشتر اثری اندیشمندانه و مرثیه‌مانند (رکویتیم) است.

این کنسرتو که برای بسیاری از علاقمندان موسیقی کلاسیک بسیار شناخته شده است اما در زمان اجرای‌های نخستین آن، در یک قرن پیش، بسیار نوآورانه و متفاوت بود. ادوارد الگار این اثر را در دوران بلافاصله پس از جنگ جهانی اول ساخت؛ جنگی که به قیمت کشتار بیش از ۲۰ میلیون انسان تمام شد و شاید این قطعه را بتوان نوعی مرثیه و سوگواری برای کشته‌شدگان جنگ و همسر الگار تلقی کرد که در همان دوران درگذشت.

الگار خودش این اثر را به عنوان برخورد انسان با زندگی توصیف کرده است. اثری شخصی و سرود افسوسانه‌ی مردی

«خاک‌های آلوده به ذرات رادیواکتیو» ابهامی که «باید» روشن شود؛ خط و نشان امنیتی‌ها برای «عوامل اجنبی»!



سانتریفیوژهای نسل جدید برای افزایش غنای اورانیوم در تأسیسات نطنز فعال شده است

اسلامی و آژانس بر سر ابعاد نظامی پروژه‌های اتمی در ایران است. رافائل گروسی مدیرکل آژانس اسفندماه ۱۴۰۰ در سفر به تهران به صراحت گفت تا این اختلافات حل نشود خبری از توافق نیست. عمده‌ترین اختلاف مربوط به آثار اورانیوم کشف شده در سه چهار سایت اعلام نشده در ایران (تورقوزآباد، ورامین و مریوان) است. بعد از سرقت اسناد اتمی رژیم ایران توسط موساد چند مرکز نظامی مخفی دیگر از جمله در آباده و سرخ‌حصار نیز لو رفت. در این سایت‌های مخفی آثار اورانیوم با منشأ انسانی و نه طبیعی کشف شده بود. درز این اطلاعات برای جمهوری اسلامی که اطلاعی در مورد فعالیت در این سایت‌ها نداده بود و بازرسان آژانس اطلاعی درباره آنها نداشتند بسیار گران تمام شد. یکی از دلایل اصلی بی‌نتیجه ماندن مذاکرات طی یکسال و نیم گذشته سختگیری‌های آژانس بر اساس اسناد سری اتمی بود که موساد از ایران سرقت کرد. یوسی کوهن رئیس سابق موساد گفته بود ۲۰ مأمور ما در این عملیات شرکت داشتند که همه زنده‌اند و برخی از آنها از ایران خارج شدند و هیچیکدام اسرائیلی و یهودی نبودند.

خط و نشان امنیتی‌ها برای «عوامل اجنبی»

در ایران طی سال‌های اخیر شماری از فعالان محیط زیست به اتهام جاسوسی بازداشت شدند. نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی ادعا می‌کنند آنها خاک ایران را سرقت کردند.

بر اساس ادعاهای سازمان اطلاعات سپاه پاسداران (ساس) این افراد در مناطق ممنوعه نظامی از جمله در «کویر شهداد» به دنبال نمونه‌برداری از خاک بودند.

اسماعیل کوثری از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نماینده مجلس شورای اسلامی به خبرگزاری فارس گفته «کشورهای معاند به این افراد گفته بودند که از برخی نقاط که به ظن آنها مشکوک بوده، خاک جمع‌آوری کنند تا مورد آزمایش قرار گیرد. جاسوس‌های اجنبی باید بدانند که دستگاه‌های امنیتی ما آنها را به حال خود رها نکرده و نمی‌کنند و دائماً در حال رصدشان هستند.» این تهدید فرمانده ارشد سپاه رو به کسانی است که در داخل

دارند از همه گزینه‌ها از جمله حمله نظامی به تأسیسات اتمی و استراتژیک جمهوری اسلامی برای توقف این تهدیدات استفاده کنند.

در ماه اوت همزمان با آغاز دور دیگری از مذاکرات اتمی در وین برای بررسی طرح پیشنهادی اروپا اسرائیل در یک عملیات گسترده به نام «سپیده دم» علیه گروه تروریستی جهاد اسلامی شماری از رهبران این گروه وابسته به جمهوری اسلامی را حذف کرد. در این درگیری‌ها صدها راکت از غزه به اسرائیل پرتاب شد که بیش از ۹۷ درصد آنها رهگیری و منهدم شد. پایگاه خبری «هیل» وابسته به کنگره آمریکا در گزارشی می‌نویسد به نظر می‌رسد، این عملیات نظامی ارتباط زیادی با برنامه هسته‌ای ایران دارد. یائیر لاپید با این عملیات به رژیم ایران پیام فرستاده که دولت اسرائیل می‌تواند ابتکار عمل را به دست بگیرد و در صورت تهدید منافع امنیتی این کشور حملات پیشگیرانه را با موفقیت انجام دهد.

با وجود اختلافاتی که در محافل سیاسی اسرائیل وجود دارد اما همگی آنها در مورد عملیات نظامی علیه گروه‌های تروریستی متحدند. یک نظرسنجی پس از درگیری‌های نظامی اخیر نشان داد ۴۸ درصد از اسرائیلی‌ها، از جمله ۷۰ درصد راستگرایان اسرائیل، که پایگاه اجتماعی لاپید نیستند، از مدیریت او در مخاصمات ابراز رضایت کردند.

مقامات جمهوری اسلامی فشارهای اسرائیل را یکی از دلایل اصلی می‌دانند که باعث شده بعد از یک سال و نیم مذاکره برای «احیای توافق» این تلاش‌ها به نتیجه نرسد. آنها معتقدند اسرائیل با فشار به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و اروپا و آمریکا کارشکنی می‌کند.

در این میان، در جریان مذاکرات اتمی مقامات جمهوری اسلامی بارها خواستار بسته شدن پرونده «PMD» مرتبط با بازرسی آژانس از تأسیسات مخفی اتمی شدند. آنها زیر بار پاسخگویی در مورد آثار مواد رادیواکتیو نمی‌روند. حال آنکه اگر ریگی به کفش نداشتند می‌توانستند خودشان با توضیحات قانع‌کننده این پرونده را ببندند!

لورفتی پروژه‌های اتمی جمهوری اسلامی

یکی از موانع اصلی توافق اتمی اختلاف میان جمهوری

● «انجمن کنترل تسلیحات» در گزارشی هشدار داده بود با توجه به میزان ذخایر «اورانیوم ۲۳۵» با غلظت ۶۰ درصد، جمهوری اسلامی ظرف ۱۰ روز می‌تواند در صورت افزایش غنی‌سازی مواد کافی برای ساخت یک بمب اتم ۲۵ کیلوگرمی را به دست آورد.

● پایگاه خبری «هیل» وابسته به کنگره آمریکا در گزارشی می‌نویسد به نظر می‌رسد، عملیات نظامی اسرائیل علیه فرماندهان ارشد گروه جهاد اسلامی ارتباط زیادی با برنامه هسته‌ای ایران دارد.

● پاسدار اسماعیل کوثری نماینده مجلس شورای اسلامی گفته «کشورهای معاند به فعالان محیط زیست گفته بودند که از برخی نقاط که به ظن آنها مشکوک بوده، خاک جمع‌آوری کنند تا مورد آزمایش قرار گیرد.»

● کوثری هشدار داده «جاسوس‌های اجنبی باید بدانند که دستگاه‌های امنیتی ما آنها را به حال خود رها نکرده و نمی‌کنند و دائماً در حال رصدشان هستند.»

● وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در همکاری با قوه قضائیه جمهوری اسلامی برای مقابله با اقدامات اسرائیل از طریق عوامل خود در ایران برنامه ریخته است. اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در نشستی با مقامات قضایی تأکید کرد «مقابله تهاجمی با اقدامات رژیم صهیونیستی اولویت اول وزارت اطلاعات است.»

● کنار هم چیدن قطعات این پازل اتمی-امنیتی که چندان هم پراکنده نیست، نشان می‌دهد که یک توافق دوباره و «احیای برجام» نیز نمی‌تواند به بحران اتمی با جمهوری اسلامی و نقش خرابکارانه و خطرناک آن در منطقه پایان دهد. اینکه این برنامه چه ضرر و زیان‌های جبران‌ناپذیر برای محیط زیست و سلامتی مردمی که در اطراف تأسیسات اتمی زندگی می‌کنند و در بسیاری موارد اصلاً اطلاعی از این موضوع ندارند، بجای خود! موضوعی که کارشناسان و رسانه‌ها بیشتر باید به آن بپردازند.

طبق آخرین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که خرداد ماه ۱۴۰۱ به شورای حکام ارائه شد ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران به ۱۸ برابر حد مجاز در برجام رسیده است.

طبق توافق اتمی جمهوری اسلامی تنها می‌تواند ۲۰۲ کیلوگرم اورانیوم ذخیره کند اما این میزان به بیش از ۳۸۰۰ کیلوگرم رسیده است.

همچنین میزان ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی ایران به بیش از ۴۳ کیلوگرم رسیده. این در حالیست که کارشناسان می‌گویند برای ساخت بمب اتم اورانیوم با غنای ۹۰ درصد نیاز است.

چندی پیش از آنکه اروپایی‌ها طرح پیشنهادی خود را به عنوان «متن نهایی توافق» ارائه دهند، «انجمن کنترل تسلیحات» در گزارشی هشدار داد با توجه به میزان ذخایر «اورانیوم ۲۳۵» با غلظت ۶۰ درصد، جمهوری اسلامی ظرف ۱۰ روز می‌تواند در صورت افزایش غنی‌سازی مواد کافی برای ساخت یک بمب اتم ۲۵ کیلوگرمی را به دست آورد و در مدتی که بازرسی‌های آژانس را مختل کرده‌امی‌تواند به سمت «قطعه‌گریز اتمی» حرکت کند.

در تمام یک سال و نیم که مذاکرات برجام در جریان بوده است مقامات اسرائیل هشدار دادند به هرگونه توافق که در آن امنیت و موجودیت اسرائیل به مخاطره بیفتد پایبند نیستند و در صورت لزوم برای حفظ کشور خود آمادگی

ایران با اسرائیل همکاری دارند.

کوثری اشاره مستقیم به نمونه برداری فعالان محیط زیست از خاک آلوده به مواد رادیواکتیو نکرده اما گفته است «این جنایتکاران در نظر نمی گیرند که آمریکا بیش از ۵ هزار و رژیم صهیونیستی بیش از ۲۵۰ کلاهک هسته‌ای دارد ولی با وجود اینکه ما با اعلام رسمی و رسانه‌ای می‌گوییم که غنی‌سازی اورانیوم را برای تولید برق و مسائل کشاورزی انجام می‌دهیم، می‌خواهند تا با سندسازی و سرقت خاک ایران علیه ما اقدام کنند!»

اسماعیل کوثری نسبت به آنچه «سندسازی علیه جمهوری اسلامی» خوانده هشدار داد و گفت محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی گفته «اگر اینها [غربی‌ها] بخواهند مذاکرات را طولانی کنند و به تعهدات و تضمین‌هایی که داده‌اند عمل نکنند، ما قدرت سانتریفیوژهای خودمان را به ۱۹۰ هزار سو می‌رسانیم.»

این سپاهی تاکید کرده «غربی‌ها به دنبال آتو از ما می‌گردند در صورتی که ما به صورت علنی و شفاف اعلام کرده‌ایم که فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای خودمان را دنبال می‌کنیم و آنها هم از این قضیه مطلع هستند و ما چیز پنهانی نداریم.»

مسئله اما فقط بر سر تهدید نیست. وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در همکاری با قوه قضائیه جمهوری اسلامی برای مقابله با اقدامات اسرائیل از طریق عوامل خود در ایران برنامه ریخته است. برنامه‌ای که در گذشته نیز درباره آن ادعاهایی شده بود اما باز هم تأثیری نداشت و سلسله انفجارهایی در تأسیسات اتمی و نظامی ایران به وقوع پیوست.

برنامه‌ریزی برای اقدامات تهاجمی علیه اسرائیل

اسماعیل ختیبی وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در نشست با مقامات قضایی تاکید کرد «مقابله تهاجمی با اقدامات رژیم صهیونیستی اولویت اول وزارت اطلاعات است.» دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی عزم خود را جزم کرده‌اند تا علیه اسرائیل دست به اقدام بزنند و برای این کار مرحله جدیدی از زمینه‌سازی‌های عقیدتی و نظامی آغاز شده است. مجتبی ذوالنوری عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در یک نشست سیاسی گفته «در قرآن کریم یهود به عنوان بدترین دشمن مسلمانان معرفی شده است.» فریدون عباسی دوانی رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی می‌گوید افزایش غنی‌سازی اورانیوم آنچه‌آن نمی‌تواند بر روند مذاکرات و تغییر رفتار طرف مقابل اثرگذار باشد و لذا باید به سمت تغییر مناسبات جدید جهانی حرکت کنیم!

عباسی دوانی در توصیف اینکه چه اقدامی باید صورت گیرد گفته «ایران باید اقدامات و حضور منطقه‌ای خود را افزایش دهد و امنیت رژیم صهیونیستی نباید حفظ شود؛ درواقع حتما باید مرزهای اسرائیل نامن باشد!»

او همچنین گفت «اگر بلندی‌های جولان و مناطق جنوبی لبنان از دست رژیم صهیونیستی آزاد شود و کرانه باختری مسلح‌تر شود و بتوانیم محاصره غزه را بشکنیم، می‌توانیم دست برتر را در منطقه داشته باشیم!»

کنار هم چیدن قطعات این پازل اتمی-امنیتی که چندان هم پراکنده نیست، نشان می‌دهد که یک توافق دوباره و «احیای برجام» نیز نمی‌تواند به بحران اتمی با جمهوری اسلامی و نقش خرابکارانه و خطرناک آن در منطقه پایان دهد. اینکه این برنامه چه ضرر و زیان‌های جبران‌ناپذیر برای محیط زیست و سلامتی مردمی که در اطراف تأسیسات اتمی زندگی می‌کنند و در بسیاری موارد اصلا اطلاعی از این موضوع ندارند، بجای خود! موضوعی که کارشناسان و رسانه‌ها بیشتر باید به آن بپردازند.

فرد پطروسیان سردبیر وبسایت

«صدای اقلیت‌ها در ایران»:

جمهوری اسلامی از هویت‌های متفاوت واهمه دارد

بار دیگر تخریب خانه‌های ایرانیان بهائی از سر گرفته شد؛ زمان کنکور فرا رسید و دانشجویان بهائی را از تحصیل محروم کردند؛ بازداشت نوکیشان مسیحی ادامه دارد؛ دروایش گنابادی هنوز در زندان هستند؛ یک مولوی اهل سنت را به خاطر اعتراض در میناب بازداشت کردند و چهار ماه بعد پیکرش را در بندرعباس تحویل خانواده‌اش دادند! جمهوری اسلامی هیچ هویت دینی خارج از خوانش حکومتی شیعه جعفری اثنی عشری را نمی‌پذیرد و سرکوب می‌کند.



ویدیو

احمد رافت با فرد پطروسیان سردبیر وبسایت «صدای اقلیت‌ها در ایران» در رابطه با تشدید سرکوب و فشار بر پیروان دیگر ادیان و هویت‌های مذهبی گفتگو کرده است.

ادامه از صفحه ۵

ادامه تیترو دو - «گشایش اقتصادی» با توافق اتمی؟.....

دلار سرمایه از کشور خارج شده است. به بیان دیگر طی سال گذشته هر روز بیش از ۷۵۰ میلیارد تومان سرمایه از ایران خارج شده است. این سرمایه نقدی است؛ خروج نیروی انسانی متخصص در قالب مهاجرت دائم و موقت و تحصیلی نیز روندیست که سرعت گرفته است. خروج میلیون‌ها ایرانی متخصص از کشور از کارگران حرفه‌ای و فرشباغان تا پزشکان و مهندسان و پرستاران را در بر می‌گیرد. همچنین بسیاری از کارآفرینان و صاحبان کسب‌وکار مانند مرغداران فعالیت خود را از جمله عراق منتقل کرده‌اند.

یکی از ریسک‌های مهمی که نمی‌تواند به جذب سرمایه‌گذاری خارجی یا بازگشت سرمایه به کشور کمک کند قرار داشتن ایران در فهرست سیاه گروه ویژه اقدام مالی (FATF) است که اصلا به توافق هسته‌ای ارتباطی ندارد. جمهوری اسلامی برای خروج از این فهرست سیاه مانند دیگر کشورها باید متعهد به شفافیت مالی، عدم پولشویی و عدم حمایت از تروریسم باشد که پذیرفتن این موارد با سرشت نظام در تناقض است. قرار داشتن در فهرست سیاه گروه ویژه اقدام مالی در عمل امکان هرگونه تبادل پولی و بانکی از طریق بانک‌های داخلی با بانک‌های معتبر جهانی را برای تاجران و سرمایه‌گذاران محدود کرده است.

اینهمه تنها بخشی از تصویر هولناکی است که نشان می‌دهد حتی برداشته شدن تحریم‌ها نیز اگر چه قطعا به سود جمهوری اسلامی تمام خواهد شد اما نمی‌تواند به رشد اقتصادی و افزایش ارزش پول ملی به سود مردم کمک کند. جدا از اینکه چرخه اقتصاد ایران در حال خالی شدن از سرمایه نقدی، نیروی کار حرفه‌ای، و تخریب فجیع زیرساخت‌ها است. واقعیت این است که ساختار مذهبی و ایدئولوژیک و ناکارآمد و فاسد جمهوری اسلامی مهمترین علت شرایط موجود از جمله تحریم‌ها و همچنین مانع اصلی بر سر راه رسیدن مردم ایران به رفاه اقتصادی و آسایش اجتماعی است. در چنین شرایطی تنها بخش دلالی و مافیایی رژیم است که با یک توافق هسته‌ای دیگر و برداشته شدن تحریم‌ها به راستی از موهبت «گشایش اقتصادی» بهره‌مند خواهد شد.

روشنک آسترکی

بشار اسد ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار به او پول نقد داده است. در زمان درگیری‌های داخلی در سوریه نیز سازمان ملل برآورد کرده بود جمهوری اسلامی بطور متوسط سالانه ۶ میلیارد دلار در این کشور هزینه کرده است.

تحریم خارجی هم برداشته شود، تحریم داخلی پابرجاست! در چنین شرایطی آن مقدار پولی هم که در صورت برداشته شدن تحریم برای اقتصاد ایران باقی می‌ماند به دلیل مشکلات ساختاری و حقوقی و پابرجا ماندن ریسک‌های سرمایه‌گذاری نخواهد توانست بهره‌وری لازم را داشته باشد.

سال‌هاست که بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران معتقدند موانع رشد اقتصادی در ایران بیش از آنکه تحریم خارجی باشد، ساختاری و حقوقی در داخل است؛ همان ضعف و ناکارآمدی که به «تحریم داخلی» یا «خودتحریمی» معروف شده است.

ایران در حال حاضر با ۵۲ هزار واحد اقتصادی تعطیل و یا نیمه‌تعطیل روبروست که به گفته تحلیلگران حتی اگر مشکلاتی مانند نقدینگی پس از توافق احتمالی هسته‌ای حل شود، باز هم موانع مهم بر سر راه فعال شدن این واحدها وجود دارد. تولید در ایران به شدت به واردات مواد اولیه و تکنولوژی وابسته است اما این حوزه وارداتی بطور کامل در دست مافیاهای «خودی» حکومت است و در نتیجه حتی کاهش نرخ ارز هم نمی‌تواند ضمانتی برای تأمین به‌موقع و با قیمت معقول مواد اولیه و تکنولوژی برای واحدهای تولیدی باشد. از سوی دیگر ریسک سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد کشور همچنان پابرجاست. بوروکراسی ناکارآمد، اقتصاد رانتی و فاسد، و قوانین معیوب جمهوری اسلامی، از موانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. این موارد، در کنار تجربه برجام و بازگشت زود هنگام تحریم‌ها برای سرمایه‌گذاران خارجی، فضایی نه چندان مثبت پیش روی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در صورت برداشته تحریم‌ها به نمایش می‌گذارد.

در آنسو سرمایه‌های داخلی نیز به سرعت در حال خروج از کشور هستند. آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد خروج سرمایه در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹ با افزایش ۴۷.۴ درصدی روبرو شد و در مجموع طی سال گذشته ۱۰ میلیارد

ذخایر آبی به شدت کاهش یافته و سطح سفره‌های زیرزمینی نیز به شدت کم شده است.

به گفته‌ی معاون بهره‌برداری شرکت آبیای همدان ذخیره سد اکباتان به کمترین مقدار رسیده و «پیش‌بینی می‌شود که تا ۳۰ روز آینده سد اکباتان را در مدار داشته باشیم!»

براین اساس، میزان ذخیره سد اکباتان حدود ۲/۴ میلیون مترمکعب و شامل ۸ درصد ظرفیت ذخیره آب سد می‌شود. سدی که از یکپهزار و ۶۰۰ لیتر در ثانیه آب مصرفی شهر همدان، حدود ۹۵۰ لیتر در ثانیه‌اش را تأمین می‌کند!

راهکار مقامات مسئول نیز غیرکارشناسی و به خودی خود تشدیدکننده بحران است. مرتضی جعفری مدیر دفتر مدیریت بحران و پدافند آبیای همدان، روش تأمین آب شهر همدان را برداشت از «آب‌های سطحی و رودخانه‌های فصلی با هدف حفظ ذخیره سد اکباتان» در مناطق «خاکو، دره مراد بیک و عباس‌آباد» و راهکار موثر در تأمین آب مصرفی دانسته است. حفر چاه‌های منطقه‌ای در «خالق ورودی» و ۸ حلقه چاه در منطقه «آق حصار» برای کمک به تأمین منابع و رفع کسری آب مصرفی شهر نیز مورد استفاده قرار دارد.

مدیر دفتر مدیریت بحران و پدافند شرکت آب و فاضلاب استان همدان اضافه کرد: «با تکمیل خط انتقال و تجهیز سه حلقه چاه از هشت حلقه موجود در آق حصار طی هفته آینده، ۱۲۰ لیتر و تا پایان شهریورماه ۲۲۰ لیتر در ثانیه به منابع آبی منطقه اضافه می‌شود و در مجموع از این محل حدود ۳۵۰ لیتر بر ثانیه آب به شهر همدان انتقال داده خواهد شد.» بر اساس آخرین داده‌های هواشناسی، میزان بارندگی‌ها در همدان نسبت به دوره بلندمدت حدود ۴۰ درصد و نسبت به سال گذشته ۱۰ درصد کاهش یافته است.

حمیدرضا نیکداد معاون شرکت آبیای مدیریت آب و کاهش برداشت از سد اکباتان تأکید داشته که «با توجه به اینکه برداشت آب محدود شده ممکن است ساعتی از شبانه‌روز ذخیره مخازن به پایان برسد و همین ممکن است باعث نارسایی در نقاطی از شهر شود.»

وی از مردم درخواست کرد: «چاره‌ای در نارسایی آب نیست و خواهش می‌کنیم مردم با مصرف مدیریت شده تحمل کنند تا بتوانیم ذخیره را نگه داریم.»

آنطور که معاون بهره‌برداری شرکت آب و فاضلاب استان همدان اعلام می‌کند، «میزان مصرف آب شهری بالا نرفته و مصرف کنونی آب ۱۸۷۰ لیتر در ثانیه است که نسبت به هفته گذشته رشدی نداشته و جای شکر دارد که مصرف بالا نرفته است.»

فرهاد بختیاری‌فر مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان همدان امروز به خیرگزاری «تسنیم» گفت: «چاره‌ای جز سهمیه‌بندی آب و قطع موقت ساعتی آن نداریم اگرچه این شرایط ممکن است برای مردم سخت باشد اما در حال حاضر تنها راه همین است.»

او راهکار تأمین آب این منطقه را «بازگردانی و استفاده از پساب فاضلابی» با توان تولید ۸۰۰ تا ۹۰۰ لیتر در ثانیه دانسته و گفت که آب در صنایع از جمله نیروگاه «شهید مفتح» آب فولاد ویان، پتروشیمی هگمتانه و سایر صنایع استان مصرف می‌شود.

وزارت جهاد کشاورزی در یک گزارش هولناک که مردادماه پارسال منتشر شد، کل مساحت ایران شامل ۳۱ استان را درگیر خشکسالی از ۶۱ درصد تا ۱۰۰ درصد اعلام کرده بود. در این بین، استان‌های ایلام، چهارمحال و بختیاری، کرمانشاه، همدان و هرمزگان، ۱۰۰ درصد در بحران خشکسالی بسر می‌برند. حتا استان‌های پُرآب شمالی یعنی مازندران ۶۱/۶ درصد، گلستان ۹۱ درصد و کیلان ۸۶/۲ درصد خشک و بی‌آب هستند و با خشکسالی دست و پنجه نرم می‌کنند.

تداوم تحمل‌ناپذیر قطع آب در ایران؛ با پایان ذخیره سدها و تخلیه سفره‌های زیرزمینی آب در همدان هم قطع شد



فرهاد بختیاری‌فر مدیرعامل آب و فاضلاب همدان ۲۴ مردادماه گفت برای اینکه مجبور به قطع طولانی آب نشوند، مجبورند تا شبانه از ساعت ۱۱ تا اذان صبح آب را در همدان قطع کنند.

مدیرعامل آبیفا بطور تلویحی کشاورزان را با اعلام اینکه بیشترین مصرف آب استان را دارند مقصر بی‌آبی اعلام کرده و گفته که مصرف خانگی در استان همدان ۴ درصد و «مصرف اصلی مربوط به بخش کشاورزی است.»

کارشناسان معتقدند، بخش عمده‌ای از آب استان همدان را هیولای آب‌خوار نیروگاه برق «مفتح» از سال ۱۳۷۵ تا کنون برای تأمین برق استان‌های همدان، مرکزی، کردستان و زنجان می‌مکد و عامل مهاجرت بسیاری از مردم همدان به شمال این استان شده است.

گفته می‌شود این نیروگاه برق برای خنک‌شدن برج‌هایش نیاز به حدود ۱۰ تا ۱۱ میلیون مترمکعب آب دارد که از منابع زیرزمینی تأمین می‌کند ولی مدیرعامل نیروگاه مدعیست ۹۰ درصد آب مورد نیاز نیروگاه از پساب تصفیه شده تأمین می‌شود و اندازه یک چاه آب زیرزمینی آب طبیعی استفاده می‌کنند.

در سال‌های گذشته با افزایش دمای هوا و کاهش میزان بارش‌های طبیعی و همچنین افزایش جمعیت شهر همدان،

● ۲۰ روز پس از اینکه ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم در جریان سفر به همدان دستور به حل مشکل آب مردم این استان را «طرف مدت ۲ ماه» به استاندار داد، اما یک دوره آب این منطقه به صورت شبانه از ساعت ۱۱ تا ۵ صبح قطع شد و حالا، شهروندان برخی مناطق، گزارش قطع ۲۴ ساعته آب را می‌دهند.

● راهکار مقامات مسئول نیز غیرکارشناسی و به خودی خود تشدیدکننده بحران است. مرتضی جعفری مدیر دفتر مدیریت بحران و پدافند آبیای همدان، روش تأمین آب شهر همدان را برداشت از «آب‌های سطحی و رودخانه‌های فصلی با هدف حفظ ذخیره سد اکباتان» در مناطق «خاکو، دره مراد بیک و عباس‌آباد» و راهکار موثر در تأمین آب مصرفی دانسته است. ● فرهاد بختیاری‌فر مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان همدان امروز به خیرگزاری «تسنیم» گفت: «چاره‌ای جز سهمیه‌بندی آب و قطع موقت ساعتی آن نداریم اگرچه این شرایط ممکن است برای مردم سخت باشد اما در حال حاضر تنها راه همین است.»

به نظر می‌رسد کاپوس پایان آب و ورشکستگی آبی کشور پس از قطع آب در شهرکرد و بسیاری از شهر و روستای استان چهارمحال و بختیاری حالا به همدان نیز رسیده است. با گذشت دو ماه از وعده ابراهیم رئیسی رئیس دولت برای حل معضل بی‌آبی در استان همدان، چند روز پس از قطع ساعتی آب هم‌اکنون شهروندان برخی مناطق این استان می‌گویند، ۲۴ ساعت است که جریان آب شهری قطع شده است. «اتمام ذخایر آب سدها و کاهش سطح سفره‌های آب زیرزمینی» دلایل اصلی قطع آب در همدان اعلام شده است.

۲۰ روز پس از اینکه ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم در جریان سفر به همدان دستور حل مشکل آب آشامیدنی این استان را «طرف مدت ۲ ماه» به استاندار داد، اما یک دوره آب این منطقه به صورت شبانه از ساعت ۱۱ تا ۵ صبح قطع شد و حالا، شهروندان برخی مناطق، گزارش از قطع ۲۴ ساعته آب می‌دهند.

در حالی که وضعیت آب در همدان نیز مختل شده، قطع آب در استان چهارمحال و بختیاری وارد یازدهمین روز خود شده و شهروندان را به اعتراض خیابانی وادار کرده است. پیشتر رئیسی در سفر به این استان نیز وعده حل مشکل کمبود آب را داده بود.

گزارش‌ها حاکیست، قطع مکرر شبانه آب که چند ماهی ادامه داشته، به بیش از ۸ ساعت در روز هم رسیده و حالا در طول یک روز بیش از ۱۲ ساعت برخی از نقاط آب آشامیدنی ندارند. این در حالیست که حتی شرکت آبیفا تا پیش از این اطلاع‌رسانی هم در مورد زمان‌بندی قطع آب نمی‌کرده و پس از مدت‌ها حالا امروز وعده داده که سهمیه‌بندی آب را به مردم اعلام خواهد کرد!

کاربران ساکن همدان در روزهای گذشته در توییت نوشته‌اند که بیش از ۲۴ ساعت آب نداشته‌اند و هیچ‌یک از دستگاه‌های مسئول نیز پاسخگو نیستند. کاربران به حساب حقوق بشری «۱۵۰۰ تصویر» نوشته‌اند که مردم با ظرف و دبه به خیابان‌ها به جستجوی آب می‌روند و آب معدنی هم پیدا نمی‌شود و اگر پیدا شود، بسیار گران است. کاربری نوشته، «در کنار شهرکرد آب ندارد، بزنیید همدان هم آب ندارد. کلا سه ساعت آب وصل می‌شود، آنهم گل‌آلود است. تازه شانس بیابوریم، فشارش خوب باشد تا به ما که طبقه دوم هستیم آب برسد.»

رئیس ششم مردادماه در همدان ادعا کرد که دولت‌اش ۱۷ سال عقب‌ماندگی در حل مسئله آب استان همدان را «یکساله» جبران کرده و به اندازه ۱۵ سال در طرح‌های آبرسانی همدان کار کرده‌اند!

آب پاکی کیهان تهران روی دست دلواپسان برجام! فشار به دولت بایدن برای توقف مذاکره با جمهوری اسلامی



صفحه نخست روزنامه «کیهان تهران» یکشنبه ۲۳ مرداد

اسلامی نیز مطرح کرد. از سوی دیگر، فشار بر دولت بایدن نیز با این سوء قصد بیش از پیش افزایش می‌یابد. سناتور جمهوریخواه تام کاتن در توییتی گفت رهبران رژیم ایران دهه‌هاست خواهان قتل سلمان رشدی‌اند. ما می‌دانیم که آنها امروز در تلاش برای ترور مقامات آمریکایی هستند. بایدن فوراً به مذاکرات با این رژیم تروریستی پایان دهد.

پیش از این سناتور مارکو روبیو نیز در توییتی نوشته بود رژیم ایران برای هرکسی که سلمان رشدی را به قتل برساند جایزه تعیین کرد و او را در آمریکا با چاقو زدند. چرا بایدن هنوز در حال مذاکره با تروریست‌هاست؟

مارک دوبویوتز رئیس «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» در توییتی با انتقاد از سکوت بایدن در مورد سوء قصد علیه سلمان رشدی آن را نتیجه «تلاش‌های بایدن برای بازگرداندن جمهوری اسلامی به توافق» دانسته و گفته است: «استیصال آمریکا تهاجم رژیم ایران را افزایش می‌دهد.»

آذر منصوری دبیرکل اصلاح‌طلب «اتحاد ملت» در توییتی نوشت «مخالفان برجام هر جا باشند و دلیل مخالفت‌شان هر چه باشد، در تلاشند تا ترور رشدی و هر اتفاق دیگری را به مذاکرات پیوند بزنند. هوشمندی دستگاه دیپلماسی ایران در این است که برجام را توافقی چندجانبه دانسته، به انفعال نیفتد و مذاکرات سازنده را تا رفع کلیه تحریم‌ها علیه ایران ادامه دهد.» اصلاح‌طلبان به روی خود نمی‌آیند که مذاکرات برای «رفع کلیه تحریم‌ها» نیست بلکه برای مهار رژیم ایران در دست یافتن به سلاح اتمی است! هرگاه جهان از این موضوع مطمئن شود، تحریم‌های اتمی نیز رفع خواهد شد!

اینهمه در حالیست که روز یکشنبه ۲۳ مردادماه روزنامه «کیهان تهران» که مشهور به «تریبون بیت رهبری» است آب پاکی روی دست همه دلواپسان برجام ریخت و در تیتراژ اول خود نوشت «سلمان رشدی گرفتار انتقام الهی؛ ترامپ و پمپئو در نوبت بعدی خواهند بود!»

روزنامه «جام جم» وابسته به صداوسیما جمهوری اسلامی نیز که یک نهاد کاملاً وابسته و پیش‌برنده تبلیغات سازمانیافته رژیم است، با انتشار تصویری از سلمان رشدی در آتش نوشت «چشم شیطان کور شد!»

مصطفی میرسلیم نماینده مجلس و عضو حزب مؤتلفه اسلامی در توییتی با حمایت از اقدام تروریستی علیه رشدی طلبکار هم شده و گفته آنچه باید محکوم کرد نظام قضایی غرب است که ۳۳ سال محاکمه فرد مرتد را به تعویق انداخت!

آنچه با وقوع حمله به #سلمان‌رشدی باید محکوم کرد نظام قضائی حاکم بر #غرب است که با حمایت از فردی گستاخ و سوء استفاده کننده از مفهوم آزادی بیان، اجازه داد ۳۳ سال محاکمه این مرتد توهین کننده به پیامبر اکرم و قرآن به تعویق افتد.

هفته گذشته پس از آنکه وزارت دادگستری آمریکا اعلام کرد یک عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای ترور جان بوتنون مشاور سابق امنیت ملی کاخ سفید با تطمیع و پرداخت پول برنامه‌ریزی می‌کرد، یک مقام دولت آمریکا به خبرنگاری رویترز گفت که ایالات متحده معتقد نیست اتهامات علیه یک عضو سپاه جهت توطئه برای قتل جان بوتنون در دیپلماسی هسته‌ای در قبال ایران تأثیر بگذارد! حالا باید دید سوء قصد علیه جان سلمان رشدی که فتوای قتل صادرشده توسط خمینی پشتوانه‌ی آن است، تا چه اندازه بر مذاکرات برجام تأثیر خواهد گذاشت. مسلم این است که این سوء قصد نیز بر مشکلات دولت بایدن افزوده است.

حجت‌الاسلام جواد نیک‌بین در صحن علنی مجلس اسلامی گفت، «با توجه به اینکه روند مذاکرات کش و قوس زیادی پیدا کرده لازم است این موضوع در صحن مجلس مورد بررسی قرار گیرد!» انکار نمایندگان بی‌اختیار این مجلس گوش به فرمان علی خامنه‌ای، اختیاراتی بیش از آنچه رهبر جمهوری اسلامی به آنها و دولت دیکته می‌کند، دارند!

زهره اللهیان از نمایندگان «ولایت‌مدار» مجلس اسلامی خبر داد که قرار است روز یکشنبه اعضای تیم مذاکره کننده جمهوری اسلامی در کمیسیون امنیت ملی درباره وضعیت مذاکرات توضیح دهند. او گفته «باید ببینیم حقوق هسته‌ای ایران و منافع ملت ایران تا چه میزان در مذاکرات مورد تأکید قرار گرفته است... درواقع سبک و سنگین کردن این مسائل از اهمیت زیادی برخوردار است!»

اللهیان مدعی شده «جمهوری اسلامی نسبت به زمان امضای برجام، پیشرفت‌های قابل توجهی را در صنعت هسته‌ای داشته است و گشایش‌های بسیار خوبی در حوزه فروش نفت ایجاد شده است. با تمام این تفاسیر اما باید بررسی کنیم که مذاکرات چه فتراتی برای کشور و حقوق از دست رفته ملت ایران خواهد داشت.»

در این میان، میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در مذاکرات وین مدعی شده تحریم‌های جمهوری اسلامی «ممکن است» به زودی برداشته شوند.

این دیپلمات روس که اواسط اسفند ۱۴۰۰ گفته بود «طرف ۲۴ تا ۴۸ ساعت دیگر توافق اتمی با جمهوری اسلامی اعلام می‌شود» و سابقه نشان داده بسیار حرف‌های نامعتبر می‌زند در چند توییت که ۱۳ اوت (۲۲ مرداد) نوشت به توضیح شرایط مذاکرات پرداخت.

او با بیانی که یادآور سخنان تکراری مقامات جمهوری اسلامی است نوشت «تحریم‌ها علیه ایران ممکن است به زودی برداشته شوند. اما در مورد تحریم‌ها علیه روسیه نمی‌شود چنین گفت. تنها بخشی از آنها مربوط به اوکراین است. غرب، خط مشی مستقل روسیه را یک چالش راهبردی می‌داند و به سختی اعمال تحریم‌ها را کنار می‌گذارد.»

سوء قصد علیه سلمان رشدی نویسنده مشهور هندی-بریتانیایی در نیویورک توسط یک لبنانی‌تبار که مرید رهبران جمهوری اسلامی و قاسم سلیمانی است بلافاصله با برجام ارتباط پیدا کرده و به ویژه جریان اصلاح‌طلب که شیفته آرمان‌های انقلاب و روح‌الله خمینی هستند از اینکه این اقدام به مذاکرات و توافق اتمی ضربه بزند ابراز نگرانی می‌کنند. اتفاقاً همین خطر را محمد مرندی پسر پزشک مخصوص علی خامنه‌ای و مشاور تیم مذاکره‌کننده جمهوری

● میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در مذاکرات وین مدعی شده تحریم‌های جمهوری اسلامی «ممکن است» به زودی برداشته شوند.

● سناتور جمهوریخواه تام کاتن در توییتی گفت «رهبران رژیم ایران دهه‌هاست خواهان قتل سلمان رشدی‌اند. ما می‌دانیم که آنها امروز در تلاش برای ترور مقامات آمریکایی هستند. بایدن فوراً به مذاکرات با این رژیم تروریستی پایان دهد.»

● مارک دوبویوتز رئیس «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» در توییتی با انتقاد از سکوت بایدن در مورد سوء قصد علیه سلمان رشدی آن را نتیجه «تلاش‌های بایدن برای بازگرداندن جمهوری اسلامی به توافق» دانسته و گفته است: «استیصال آمریکا تهاجم رژیم ایران را افزایش می‌دهد.»

● مصطفی میرسلیم نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو حزب مؤتلفه اسلامی در توییتی با حمایت از اقدام تروریستی علیه رشدی طلبکار هم شده و گفته آنچه باید محکوم کرد نظام قضایی غرب است که ۳۳ سال محاکمه فرد مرتد را به تعویق انداخت!

● آذر منصوری دبیرکل اصلاح‌طلب «اتحاد ملت» در توییتی نوشت «مخالفان برجام هر جا باشند و دلیل مخالفت‌شان هر چه باشد، در تلاشند تا ترور رشدی و هر اتفاق دیگری را به مذاکرات پیوند بزنند.» اصلاح‌طلبان به روی خود نمی‌آیند که مذاکرات برای «رفع کلیه تحریم‌ها» نیست بلکه برای مهار رژیم ایران در دست یافتن به سلاح اتمی است! هرگاه جهان از این موضوع مطمئن شود، تحریم‌های اتمی نیز رفع خواهد شد!

● پیش از این سناتور مارکو روبیو نیز در توییتی نوشته بود رژیم ایران برای هرکسی که سلمان رشدی را به قتل برساند جایزه تعیین کرد و او را در آمریکا با چاقو زدند. چرا بایدن هنوز در حال مذاکره با تروریست‌هاست؟

● روزنامه «کیهان» چاپ تهران در تیتراژ اول خود نوشت سلمان رشدی گرفتار انتقام الهی، ترامپ و پمپئو در نوبت بعدی هستند!

در ایران روز یکشنبه ۲۳ مرداد شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نسبت به طولانی شدن روند مذاکرات اتمی و بی‌نتیجه ماندن آن ابراز نظر کرده‌اند. همزمان روس‌ها وعده لغو تحریم‌های جمهوری اسلامی را داده‌اند در حالی که خودشان به دلیل حمله نظامی به اوکراین تحت تحریم‌های سنگین غرب قرار دارند! اینهمه در حالیست که در جمهوری اسلامی بعد از سوء قصد علیه سلمان رشدی دوباره موج تهدید علیه مقامات آمریکایی از سر گرفته شده است!

ثبت رکورد تازه در مصرف برق؛ صنعت و تولید قربانی ردیف اول خاموشی‌ها



● قطع و کمبود برق نیز به عنوان یکی از چالش‌های صنایع عنوان شده که باعث می‌شود تا بسیاری از شرکت‌ها با ظرفیت پایین تولید کرده و بعضی از خطوط تولید تعطیل شوند.

● قطع برق سازمان‌ها و ادارات به دلیل اینکه سبب خاموشی کامپیوترها می‌شود باعث اختلالاتی در خدمات‌رسانی به مردم و ایجاد موج دیگری از نارضایتی شده است.

کمبود برق در ایران به یکی از عوامل اصلی کاهش تولید و تشدید مشکلات واحدهای صنعتی و تولیدی تبدیل شده است. روز گذشته مصرف برق رکورد تازه‌ای برای گذاشت و مقامات وزارت نیرو از احتمال افزایش مصرف در روزهای آینده خبر می‌دهند.

روز گذشته میزان مصرف برق بار دیگر در امرداد رکورد تاریخی خود را جابجا کرد و به مقدار ۶۹ هزار و ۵۰۰ مگاوات رسید. این در حالیست که کاظم حسینی کارنامی مدیرعامل شرکت توزیع برق مازندران از احتمال افزایش مصرف برق در روزهای آینده خبر داده است. مدیرعامل شرکت توزیع برق مازندران از مردم خواسته در مصرف برق صرفه‌جویی کنند و گفته که مشترکان خصوصا در ساعات اوج بار که ساعت ۱۱ تا ۱۸ عصر و ۲۰ تا ۲۳ شب است مدیریت مصرف را رعایت کرده و این در ساعات وسایل برقی پرمصرف را تا حد امکان روشن نکنند.

قرار دادن کولرهای آبی روی دور کند، تنظیم دمای کولرگازی بین ۲۴ تا ۲۶ درجه، عدم استفاده از وسایل پرمصرف مانند لباسشویی و اتو در ساعت اوج بار از راهکارهایی است که به گفته کاظم حسینی کارنامی به «تأمین برق پایدار کمک کند!» در واقع کمک می‌کند تا شاید برق کمتر قطع شود.

پیش از این نیز وزارت نیرو اعلام کرده بود که کشور تابستان امسال با کسری ۱۵ هزار مگاواتی برق روبرو خواهد بود. آرش کردی مدیرعامل شرکت توانیر با اشاره به کمبود برق در تابستان امسال گفته بود که کمبود برق ناشی از عقب بودن دولت از برنامه‌های توسعه صنعت برق و افزایش تولید است. به گفته آرش کردی «برای تأمین برق موردنیاز مردم باید تولید و مصرف را بهم نزدیک کنیم و تولید بیش از مصرف باشد، سال گذشته فاصله ۱۵ هزار مگاواتی بین تولید و مصرف ایجاد شد که باید تولید افزایش می‌یافت و مصرف مدیریت می‌شد.»

مدیرعامل شرکت توانیر افزوده بود که «طبق دستور وزیر نیرو از شهریور ۱۴۰۰ تا شهریور امسال قرار بود ۶ هزار مگاوات وارد مدار شود که هزار مگاوات آن از محل آپ‌گرید سازی نظیر خنک کردن هوای توربین‌ها بود، ۴۵۰۰ مگاوات از محل نیروگاه‌های در دست ساخت و ۵۰۰ مگاوات از محل تجدیدپذیرها برنامه‌ریزی شده؛ طی برنامه‌ریزی دولت تا پیش از پیک مصرف ۲۵۰۰ مگاوات از این میزان تأمین شد.»

بر اساس توضیحات آرش کردی، نه تنها افزایش تولید بر اساس مصوبات دولت انجام نشده بلکه در آنسو با تغییر الگو و سبک زندگی مردم، مصرف برق نیز در ایران روند افزایشی یافته بدون آنکه فعالیت مولد داشته باشد! همین موضوع سبب شکاف بیشتر میان «تولید» و «مصرف» شده است. مصطفی رجبی مشهدی سخنگوی صنعت برق ایران روز

گذشته با اعلام رکورد تازه در مصرف برق در کشور ادعا کرده که «با وجود روز سختی که پشت سر گذاشتیم و فشار زیادی که به شبکه برق وارد شد اما شبکه برق پایدار است و محدودیتی در تأمین برق مشترکان بوجود نیامد!»

برخلاف ادعای سخنگوی صنعت برق، هر چند امسال قطع برق برای مصرف‌کنندگان خانگی به گستردگی دو سال گذشته نبوده اما دولت کمبود برق را به دوش بخش تولید و صنعت تحمیل کرده و همه شهرک‌های صنعتی روزانه با چند ساعت قطع برق روبرو هستند. قطع برق بخش صنعت از سه سال پیش در ماه‌هایی که پیک مصرف بود انجام شد اما امسال از اوایل بهار کارخانه‌ها برنامه‌های قطع برق دریافت کردند. نبود برق در کاهش تولید در ایران نقش برجسته‌ای ایفا کرده است. این موضوع در گزارش اخیر مرکز پژوهش‌های اتاق ایران نیز به عنوان یکی از موانع تولید برجسته شده است. گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران درباره شاخص مدیران خرید (PMI) برای کل اقتصاد ایران در تیرماه ۱۴۰۱ بوده و که نشان از تشدید رکود توری در بخش تولید کشور داشت. در این گزارش آمده بود که قطع و کمبود برق نیز به عنوان یکی از چالش‌های صنایع عنوان شده که از دیدگاه فعالان صنایع، باعث می‌شود تا بسیاری از شرکت‌ها با ظرفیت پایین تولید کرده و بعضی از خطوط تولید تعطیل باشند. اتاق بازرگانی تهران نیز روز گذشته نشستی با موضوع بررسی وضعیت تولیدات صنعتی و معدنی برگزار کرد که در این نشست هم تأکید شد که «خاموشی‌ها عامل کاهش تولید و فروش» هستند.

همچنین پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نیرو نیز دیروز و همزمان با ثبت رکوردهای تازه در مصرف برق اعلام کرد که انشعاب برق بیش از ۳۰ دستگاه اجرایی ملی- استانی در پایتخت که به اخطارهای داده شده بی توجه بوده‌اند، قطع شد.

قطع برق سازمان‌ها و ادارات به دلیل اینکه سبب خاموشی کامپیوترها می‌شود باعث اختلالاتی در خدمات‌رسانی به مردم و ایجاد موج دیگری از نارضایتی شده است. ادعای عدم قطع برق از سوی علی اکبر محرابیان وزیر نیروی دولت رئیسی هم تکرار شده است. او گفته که «در سال گذشته حدود ۱۵ هزار مگاوات ناترازی داشتیم که اگر اقدامی صورت نمی‌گرفت با رشد سالانه انرژی، این رقم ناترازی به ۲۰ هزار مگاوات می‌رسید. اما با مجموعه اقداماتی، این ناترازی را مدیریت کردیم و در شرایطی که متوسط دمای تابستان امسال ۳۸ درجه سانتی‌گراد است و ۱.۱ درجه بیشتر از سال گذشته است؛ امسال خاموشی نداشته‌ایم.» محمد ملاکی عضو سندیکای تولیدکنندگان برق «به ازای هر کیلووات ساعت خاموشی، ۲ دلار به اقتصاد کشور زیان وارد می‌شود، با فرض ثابت ماندن این رقم، اگر مقدار خاموشی‌ها را ۵۰۰۰ مگاوات و بطور متوسط ۵ ساعت در روز و ۵ روز در هفته در نظر بگیریم، در هر هفته ۱۲۵ میلیون کیلووات ساعت خاموشی رقم می‌خورد و ۲۵۰ میلیون دلار خسارت این خاموشی‌ها به اقتصاد کشور وارد می‌شود. اگر این خاموشی برای دو ماه ادامه یابد، حدود ۲ میلیارد دلار زیان اقتصادی به کشور وارد می‌کند.»

گذشته با اعلام رکورد تازه در مصرف برق در کشور ادعا کرده که «با وجود روز سختی که پشت سر گذاشتیم و فشار زیادی که به شبکه برق وارد شد اما شبکه برق پایدار است و محدودیتی در تأمین برق مشترکان بوجود نیامد!»

برخلاف ادعای سخنگوی صنعت برق، هر چند امسال قطع برق برای مصرف‌کنندگان خانگی به گستردگی دو سال گذشته نبوده اما دولت کمبود برق را به دوش بخش تولید و صنعت تحمیل کرده و همه شهرک‌های صنعتی روزانه با چند ساعت قطع برق روبرو هستند. قطع برق بخش صنعت از سه سال پیش در ماه‌هایی که پیک مصرف بود انجام شد اما امسال از اوایل بهار کارخانه‌ها برنامه‌های قطع برق دریافت کردند. نبود برق در کاهش تولید در ایران نقش برجسته‌ای ایفا کرده است. این موضوع در گزارش اخیر مرکز پژوهش‌های اتاق ایران نیز به عنوان یکی از موانع تولید برجسته شده است. گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران درباره شاخص مدیران خرید (PMI) برای کل اقتصاد ایران در تیرماه ۱۴۰۱ بوده و که نشان از تشدید رکود توری در بخش تولید کشور داشت. در این گزارش آمده بود که قطع و کمبود برق نیز به عنوان یکی از چالش‌های صنایع عنوان شده که از دیدگاه فعالان صنایع، باعث می‌شود تا بسیاری از شرکت‌ها با ظرفیت پایین تولید کرده و بعضی از خطوط تولید تعطیل باشند. اتاق بازرگانی تهران نیز روز گذشته نشستی با موضوع بررسی وضعیت تولیدات صنعتی و معدنی برگزار کرد که در این نشست هم تأکید شد که «خاموشی‌ها عامل کاهش تولید و فروش» هستند.

مسعود خوانساری رئیس اتاق تهران در این نشست گفته بود که «شاخص‌های تولید و فروش ۳۲۰ شرکت صنعتی و معدنی در تیرماه نسبت به خرداد ماه با کاهش روبرو شده که یکی از مهم‌ترین دلایل آن قطعی برق صنایع عنوان شده است. همان‌طور که قبلا هم مطرح شده متأسفانه میزان عرضه و تقاضا در صنعت برق کشور متناسب و متوازن نیست و هر ساله شاهد قطعی برق صنایع هستیم که امسال هم دوباره این اتفاق رخ داده و گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس مبین این موضوع و صدمات آن به اقتصاد کشور است.»

پیش از نیز علی نقیب رئیس کمیسیون صنعت و معدن اتاق بازرگانی تهران با انتقاد از عملکرد دولت در حمایت از

آش شور «کنکور» و دروغ «عدالت آموزشی» در کنار تداوم «ستاره‌دار» کردن دانشجویان و نداشتن «صلاحیت عمومی» برای تحصیل!



جمعی از داوطلبان کنکور در اعتراض به مصوبه کنکور ۱۴۰۲ مقابل سازمان سنجش آموزش کشور تجمع کردند

عجیب و غریبی همراه شده که شورای عالی انقلاب فرهنگی، سهمیه‌داران کنکور را حذف یا کاهش هم نداده است. این سهمیه‌ها در دفترچه کنکور سال ۱۴۰۱ شامل سهمیه ایثارگران، خانواده شهید، سهمیه رزمندگان و سهمیه بهیاران بوده است. این سهمیه‌ها که از آنها به عنوان «دوپینگی‌های» کنکور نیز یاد می‌شود، به معنای واقعی بی‌عدالتی آموزشی را به نمایش می‌گذارد و بدان معناست که اگر سهمیه‌دار ۲۵ درصدی ایثارگران در کنکور رتبه ۲۶ هزار آورده باشد، با در نظر گرفتن سهمیه‌اش به رتبه ۶۰۰ کشوری دست پیدا خواهد کرد. این سهمیه‌داران بدون نیاز به کسب آمادگی برای کنکور و داشتن سطح دانش و توان علمی، حتی به رشته‌های پزشکی راه پیدا می‌کنند. مهرداد ویس کرمی عضو کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی امروز درباره پذیرفته‌شدگان سهمیه‌دار در کنکور ۱۴۰۱ گفته است: «امسال پیش‌بینی شده با رتبه ۱۲۰ هزار هم در رشته پزشکی قبولی داشته باشیم! اعضای شورای انقلاب فرهنگی اگر شهامت دارند به سراغ «اصلاح سهمیه‌های کنکور» بروند.»

ویس کرمی اصلاح سهمیه‌های کنکور را امری ضروری دانسته است. این عضو کمیسیون آموزش همچنین درباره اثرگذاری آموزش‌های خاص بر پذیرش دانشگاه‌ها گفت که «مدارس غیردولتی و خاص، شهریه دریافت می‌کنند و برخی از طریق برگزاری آزمون ورودی، دانش‌آموزان مستعدتر را جذب می‌کنند بنابراین طبیعی است با داشتن دانش‌آموزان مستعد، نتایج بهتری را کسب کنند!»

با این اوصاف باید به زودی شاهد فعالیت پزشکیانی شد که با رتبه ۱۲۰ هزار، در شکم بیمار چاقو و پنس جا می‌گذارند و چه بسا برای بیماری‌های جدی و خطرناک نسخه نبات‌داغ بپیچند! از سوی دیگر، در آشفته‌بازار کنکور در ایران، ضیا نبوی فعال دانشجویی در اکانت اینستاگرام خود اطلاع داد که با وجود کسب رتبه ۱۲ در کنکور مقطع دکترای جامعه‌شناسی به دلیل نداشتن «صلاحیت عمومی» از ادامه تحصیل محروم شده است. «عدم صلاحیت عمومی» اصطلاحی است که در چند دولت اخیر جایگزین عبارت «ستاره‌دار» برای دانشجویانی شده است که با دلایلی غیر از سطح علمی مانند فعالیت دانشجویی، سیاسی، و یا حتی داشتن عقیده و مذهبی که منطبق با میل حکومت و نهادهای امنیتی نیست از حق تحصیل محروم می‌شوند.

در چند سال گذشته با تشدید تسخیر نهادهای دانشگاهی، علاوه بر اقداماتی مانند اخراج اساتید، جایگزینی رؤسای دانشگاه‌ها، جذب اعضای جدید هیئت علمی بدون صلاحیت علمی، «ستاره‌دار» کردن دانشجویان و محرومیت آنان از تحصیل نیز شدت یافته است.

و تیرماه هر سال و حذف زیرگروه‌ها. کارشناسان آموزش بر این باورند، حذف دروس عمومی جدا از اینکه سطح سواد عمومی شرکت‌کنندگان کنکور را در نظر نمی‌گیرد، موضوع میانگین بسیار پایین مناطق محروم کشور در رشته‌های تخصصی را در نظر نگرفته است و از این رو، عدالت آموزشی بار دیگر خدشه‌دار می‌شود.

در استان‌های ۹ گانه ایران، به دلیل کمبود امکانات و رفاه اجتماعی، داوطلبان کنکور از ضعف شدید در رشته‌های تخصصی برخوردارند و از نظر اقتصادی نیز امکان بهره‌مندی از کلاس‌های کنکور و یا آموزش‌گزار خصوصی را ندارند، به همین دلیل نیز عمده تلاش آنها بر رشته‌های عمومی است تا بتوانند از این طریق به دانشگاه راه پیدا کنند. حالا با حذف رشته عمومی، شانس پذیرفته‌شدن داوطلبان مناطق محروم به شدت کاهش پیدا خواهد کرد و پیامدهای گسترده‌ی منفی در آینده نسل‌های مختلف در این مناطق دارد.

از سوی دیگر، با حذف رشته‌های عمومی اکنون تکلیف داوطلبان رشته‌های زبان‌های خارجی در کنکور روشن نیست، چراکه با حذف ۴ شاخه عمومی، آنان تنها یک شاخه‌ی زبان تخصصی را برای کنکور پیش رو دارند. قرار است شورای سنجش در شهریورما به این مشکل رسیدگی کند. ضمن اینکه، تکلیف داوطلبان دارای دیپلم‌های نظام قدیم آموزش و سال‌های قبل‌تر نیز در این بین روشن نیست.

با حذف زیرگروه‌ها در کنکورهای آینده، احتمال جدی برای نمره‌سازی توسط مدارس و آموزش و پرورش وجود دارد. این احتمال نیز وجود دارد که در مدارس خاص، کلاس‌ها در این رشته‌ها اساساً برگزار نشود و تنها به نمره‌سازی اکتفا شود.

این مصوبات در حالی کنکور را دستخوش تغییرات مبهم و اساسی کرده که ۵۱ درصد از پذیرفته‌شدگان در آزمون سراسری ۱۴۰۱، از انتخاب‌رشته‌ساز زنده‌اند و این نشان می‌دهد، دست‌کم بخشی از آنها، تبه‌های منطبق با رشته‌های مورد نظرشان را به دست نیاورده‌اند و تصمیم دارند در کنکور ۱۴۰۲ شرکت کنند.

بر اساس آمار که سازمان سنجش منتشر کرده در کنکور سراسری ۱۴۰۱، ۱ میلیون و ۱۷۵ هزار داوطلب برای انتخاب رشته در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی دولتی مجاز شده‌اند ولی از این تعداد تنها ۵۸۲ هزار داوطلب اقدام به انتخاب رشته کرده‌اند و فقط ۴۹ درصد پذیرفته‌شدگان انتخاب رشته کرده‌اند. این آمار هولناک بیانگر یکسال هدر رفتن عمر داوطلبان و جوانان مشتاق به تحصیلات دانشگاهی است که هرگز جبران نیز نمی‌شود تا به امید کسب نتیجه مورد نظرشان، در کنکور ۱۴۰۲ شرکت کنند.

وضعیت ناعادلانه پذیرش در دانشگاه‌ها در حالی با تغییرات

● در روزهای گذشته اعتراض‌ها به مصوبات جدید کنکور ۱۴۰۲ و اعمال تغییرات در نحوه برگزاری و محتوای آزمون به سطح خیابان و مقابل ساختمان سازمان سنجش آموزش کشور رسید. شماری از داوطلبان کنکور ۱۴۰۲ در مقابل این ساختمان تجمع کرده و خواستار لغو مقررات جدید شده‌اند که عدالت آموزشی در نظام جمهوری اسلامی را بار دیگر مورد پرسش جدی قرار می‌دهد.

● مهرداد ویس کرمی عضو کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی امروز به خبرگزاری «تسنیم» درباره پذیرفته‌شدگان سهمیه‌دار در کنکور ۱۴۰۱ گفته است: «امسال پیش‌بینی شده با رتبه ۱۲۰ هزار هم در رشته پزشکی قبولی داشته باشیم! اعضای شورای انقلاب فرهنگی اگر شهامت دارند به سراغ «اصلاح سهمیه‌های کنکور» بروند.»

● این مصوبات درحالی کنکور را دستخوش تغییرات مبهم و اساسی کرده که ۵۱ درصد از پذیرفته‌شدگان در آزمون سراسری ۱۴۰۱، از انتخاب رشته سر باز زده‌اند و این نشان می‌دهد، دست‌کم بخشی از آنها، رتبه‌های منطبق با رشته‌های مورد نظرشان را به دست نیاورده و تصمیم دارند در کنکور ۱۴۰۲ شرکت کنند.

همزمان با اعتراض جمعی از داوطلبان کنکور ۱۴۰۲، اعلام جلوگیری از ثبت‌نام یک فعال دانشجویی در مرحله دکتر، نشان از تداوم مشکل «ستاره‌دار» کردن دانشجویان در سیستم آموزش عالی جمهوری اسلامی دارد.

در روزهای گذشته اعتراض‌ها به مصوبات جدید کنکور ۱۴۰۲ و اعمال تغییرات در نحوه برگزاری و محتوای آزمون به سطح خیابان و مقابل ساختمان سازمان سنجش آموزش کشور رسید. شماری از داوطلبان کنکور ۱۴۰۲ در مقابل این ساختمان تجمع کرده و خواستار لغو مقررات جدید شده‌اند که عدالت آموزشی در نظام جمهوری اسلامی را بار دیگر مورد پرسش جدی قرار می‌دهد. داوطلبان که صبح روز ۲۵ مردادماه تجمع کرده بودند، با شعارهای «عدالت آموزشی حق مسلم ماست»، «فریاد تک تک ما لغو تصویب شورا» و «مصوبه شورا بر ضد ما محرومان» خواهان لغو مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی شدند.

داوطلبان این مصوبه را بر خلاف عدالت آموزشی دانسته و می‌گویند، به دلیل یکسان نبودن آموزش در کشور، تاثیر معدل به ضرر داوطلبان مناطق محروم تمام می‌شود و فاصله‌ی آموزشی و شکاف طبقاتی را تشدید می‌کند.

بر اساس مصوبات جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۴ تغییر عمده در کنکور ۱۴۰۲ رخ می‌دهد: حذف دروس عمومی و شرط معدل پایه دوازدهم داوطلبان کنکور، تأثیر ۶۰ درصدی سوابق تحصیلی دانش‌آموزان، دو بار برگزاری کنکور در دی‌ماه



مسابقات قهرمانی دو و میدانی اروپا ۲۰۲۲ / آلیسا اشمیت و مونا مایر در مسابقه دو امدادی ۴۰۰ متر زنان /
استادیوم المپیک / مونیخ آلمان / ۱۹ اوت ۲۰۲۲